ایران

• پنجشنبه ۶ آذر ۱۴۰۴
• ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
• ۲۷ نوامبر ۲۰۲۵
• سال سی‌ویکم
• شماره ۸۸۹۶
• ۲۰ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

گزارش «ایران» از زنان هنرمندی که برای سه استان کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان «تنور» می‌سازند

زندگی بدون «جواز کسب»

۱۶

با حضور فرمانده کل سپاه و هزاران نفر از بسیجیان برگزار شد

مراسم روز بسیج در حسینیه امام خمینی (ره)

۲

معاون اول رئیس جمهور در جلسه کارگروه مصوبه بنزین بر اجرای مکانیزم‌های جبرانی و تعامل با مردم و نخبگان تأکید کرد

دو پیش شرط دولت برای اصلاحات اقتصادی

«ایران» الزامات اجرای مصوبه اخیر هیأت وزیران در حوزه توزیع عادلانه انرژی را با اقتصاددانان، یک نماینده مجلس و یک فعال اقتصادی به بحث گذاشت

۲ ۳ ۸

«ایران» از افتتاحیه چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر در شیراز گزارش می‌دهد

تماشای جهان با چشمانی تازه

عکس: امیر صادقیان

۲۰

گروه فرهنگی به بهانه اکران فیلم‌های «ناتوردشت» و «مجنون» بررسی کرد

بازگشت قهرمان‌های باورپذیر به سینما

- جواد طوسی: قهرمان باید از درون واقعیت پا به میدان بگذارد
- محمدرضا خردمندان: قهرمان کسی است که تلاش می‌کند کمی بهتر باشد
- زهرا اردکانی‌فرد: قهرمان زن در سینما غایب است

۱۹

«ایران» روند بازار سهام را بررسی می‌کند

افت خفیف بورس آغاز ریزش یا اصلاح؟

۹

در صفحات امروز بخوانید

- پروژه‌های زیرساختی استان ایلام به مرز بهره‌برداری رسید | صفحه ۱۴
- آدم‌ربایی ساختگی پنج هزار یورویی برای اخاذی از پدر | صفحه ۱۱
- زهرا بهروزآذر: هنرمندان زن خارج از کشور می‌توانند بازگردند | صفحه ۲

رایزنی‌های دیپلماتیک عراقچی به ایستگاه پاریس رسید

راستی‌آزمایی؛ وعده فرانسوی‌ها

امانوئل مکرون چهارم آبان در تماس تلفنی با پزشکیان گفته بود برای طراحی یک چهارچوب مذاکراتی جدید تلاش خواهد کرد.

۴

هشدار سازمان غذا و دارو درباره فروش قرص‌های بیهوش‌کننده در فضای مجازی

نوشیدنی و خوراکی غریبه‌ها را نخورید

۶

رئیس مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی پاسخ داد

چرا ساختمان‌ها زود کلنگی می‌شوند؟

غزال راهب: عمر اقتصادی ساختمان‌ها در ایران زودتر از عمر فنی آنها به سر می‌رسد

۷

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران:

آلودگی هوای تهران از دوشنبه کمتر می‌شود

۱

خانه حکمت ایرانیان در وین میزبان فیلسوفان جهانی بود

فلسفه، گرفتار انزوای آکادمیک

رضا داوری اردکانی و غلامرضا اعوانی از غربت فلسفه در ایران گفتند

۱۸

خبر

با حضور رئیس جمهوری برگزار شد

جلسه پیگیری طرح‌های افزایش تولید در حوزه انرژی

در ادامه پیگیری‌های شخصی طرح‌های مهم و بزرگ حوزه انرژی از سوی رئیس جمهوری، دیروز جلسه دیگری به ریاست رئیس جمهوری تشکیل و آخرین روند پیشرفت طرح‌های توسعه میدان نفتی آزادگان، افزایش ضربتی ۲۵۰ هزار بشکه‌ای تولید نفت، جمع‌آوری گازهای همراه، فشارافزایی در میدان گازی پارس جنوبی و برخی دیگر از طرح‌های مهم حوزه انرژی و زیربنایی بررسی شد.

بر این اساس ابتدا روند اجرای طرح توسعه میدان نفتی آزادگان مورد بررسی قرار گرفت. مسعود پزشکیان با توجه به نارضایتی از روند کند پیشبرد آن، از جلسه قبل خواستار حضور وزرا و مسئولان دولتی مرتبط و نیز مدیران تعدادی از بانک‌های کشور به عنوان سهامداران این طرح در جلسه شده بود که با حضور ایشان، موانع موجود بررسی، تصمیمات مقتضی برای رفع آنها اتخاذ و مقرر شد ظرف ۲ هفته آتی اجرا و گزارش آن ارائه شود.

همچنین مقرر شد در صورت به نتیجه نرسیدن تصمیمات متخذه در این جلسه، در جلسه ۲ هفته بعد تصمیم مقتضی برای تعیین تکلیف اجرای این طرح اتخاذ شود.

در این جلسه کیفیت و سرعت اجرای طرح مهار گازهای همراه نیز مورد بررسی دقیق قرار گرفت و تصمیماتی برای سرعت بخشیدن به روند اجرا اخذ شد. رئیس جمهوری نیز در همین ارتباط با بیان اینکه هیچ مسئولی نباید نسبت به سوختن ثروت و منابع کشور به این شکل -که باعث ایجاد آلایندگی شدید هوا نیز می‌شود- بی‌تفاوت باشد، تأکید کرد که حتی یک روز زمان نیز در زودتر به نتیجه رسیدن بخش‌های مختلف این طرح نباید نادیده گرفته شود.

پزشکیان با تأکید بر اینکه تأمین تجهیزات برای این طرح و دیگر طرح‌ها نباید در پیچ و خم‌های اداری معطل شود، گفت: «اگر چه تأمین تجهیزات ساخت داخل بر تأمین از خارج اولویت دارد، اما کیفیت و قیمت تمام شده دستگاه‌ها و تجهیزات، ظرفیت تولید واحدهای داخلی و اینکه آیا این تجهیزات واقعاً در داخل تولید می‌شوند یا قطعات آن از خارج وارد شده و در اینجا فقط مونتاژ و با قیمت بالاتر عرضه می‌شوند، حتماً باید به شکل دقیق مورد توجه تأمین‌کنندگان باشد.»

رئیس جمهوری همچنین تأکید کرد که «با ایجاد یک داشبورد آنلاین، هر چه سریع‌تر امکان رصد فنی و تصویری روند پیشرفت اجرای طرح‌های مهار گازهای همراه برای وی در دفتر شخصی‌اش فراهم شود تا شخصاً و روزانه آن را پیگیری کند.»

در جلسه دیروز روند پیشرفت طرح‌های افزایش ضربتی ۲۵۰ هزار بشکه‌ای نفت و فشارافزایی در میدان گازی پارس جنوبی نیز بررسی و تصمیماتی برای تسریع در پیشبرد آنها اتخاذ شد.

وزیر گردشگری و میراث فرهنگی در آیین امضای تفاهمنامه با ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره):

هدف ما مهاجرت معکوس و احیای هویت روستاهاست

آیین امضای تفاهمنامه همکاری میان وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) روز سه‌شنبه هفته جاری با حضور سیدرضا صالحی‌امیری وزیر میراث‌فرهنگی و پرویز فتاح رئیس ستاد اجرایی فرمان امام(ره) برگزار شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، این تفاهمنامه با هدف تقویت همکاری‌ها در ایجاد اشتغال پایدار از طریق صنایع‌دستی و گردشگری به امضا رسید.

سیدرضا صالحی‌امیری در ابتدای مراسم با اشاره به اهمیت تقویت همکاری‌ها با ستاد اجرایی فرمان امام(ره)، خطاب به پرویز فتاح گفت: «شما را به پاک‌دستی و صداقت می‌شناسیم و خوشحالیم که سکان‌دار این دستگاه هستید.»

وزیر میراث فرهنگی، موضوع رفع محرومیت را گفتمان اصلی رهبران انقلاب و بی‌توجهی به این حوزه را بی‌توجهی به آرمان‌های انقلاب دانست.

وی با انتقاد از شکاف ایجاد شده میان جمعیت شهری و روستایی و مهاجرت‌های گسترده از روستاها به شهرها، بر ضرورت برنامه‌ریزی برای جلوگیری از معضل مهاجرت و تقویت روستاها تأکید کرد و گفت: «یکی از شعارهای ما تداوم و حیات هویت روستاست.»

صالحی‌امیری در ادامه، با اشاره به ظرفیت‌های اشتغال‌زایی صنایع‌دستی، از صنایع دستی به عنوان ظرفیتی یاد کرد که می‌تواند به مهاجرت معکوس و حفظ هویت روستاها کمک کند.

وی با تأکید بر توسعه همکاری‌ها با بنیاد مستضعفان، کمیته امداد و ستاد اجرایی فرمان امام(ره) اظهارکرد: «در کنار صنایع‌دستی، بوم‌گردی یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های ایجاد اشتغال در روستاها است.»

«۳هزار بوم‌گردی در کشور فعال است.» با اعلام این خبر بود که وزیر میراث فرهنگی تصریح کرد: «شعار ما هر روستا یک بوم‌گردی است و تلاش کرده‌ایم در هر روستا صنایع‌دستی را احیا کنیم.»

صالحی امیری اشاره‌ای هم به سهم بالای بانوان در تولید صنایع دستی داشت. به گفته وی، «۸۰ درصد فعالان صنایع دستی بانوان هستند؛ اما مشکل اصلی ما فروش و بازاریابی است.» وزیر میراث فرهنگی از ستاد اجرایی فرمان امام(ره) خواست تا در حوزه بازاریابی، فروش داخلی و صادرات صنایع‌دستی تولی‌گری کند.

صالحی امیری این را هم گفت که «با بیش از ۲۹۹ رشته فعال، ایران از کشورهای پیشرو در حوزه صنایع‌دستی است و باید برای توسعه فروش و صادرات آن برنامه‌ریزی کرد.»

موضوع بعدی سخنان وزیر میراث فرهنگی، ظرفیت بالقوه کشور در حوزه گردشگری بود. وی با این توضیح که «یکی از ظرفیت‌های مهم ما گردشگری حلال است»، به طرح این سؤال پرداخت که «چرا نباید پرچم‌دار گردشگری حلال در دنیا باشیم؟»

وی افزود: «بیش از ۵۷ کشور مسلمان داریم و گردشگری حلال یک ظرفیت بزرگ برای ایران است که با مشارکت ستاد اجرایی می‌توان آن را توسعه داد.»

صالحی امیری همچنین به برنامه‌ریزی برای دو برابر شدن تخت‌های اقامتی کشور در چهارچوب برنامه هفتم توسعه اشاره کرد و توسعه مراکز اقامتی را یکی از عرصه‌های همکاری با ستاد اجرایی دانست.

وزیر میراث فرهنگی با اشاره به وضعیت جذب گردشگر در کشور اظهارکرد: «قبل از جنگ هدفگذاری رشد ۲۵ درصدی جذب گردشگر را داشتیم که با آغاز جنگ کاهش یافت، اما در ماه‌های اخیر رشد ۱۰ درصدی داشته‌ایم و روند رو به رشد ادامه دارد.»

با این توضیحات بود که صالحی امیری گردشگری را بهترین راهکار مقابله با ایران‌هراسی دانست.

وی در پایان سخنان خود، سه مأموریت اصلی حوزه میراث‌فرهنگی صیانت، مرمت و حفاظت را «هویت و اعتبار ایران» توصیف کرد.

پرویز فتاح، رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) نیز در این مراسم بر ضرورت افزایش همکاری‌ها تأکید کرد و گفت: «ستاد اجرایی در عرصه‌های مختلف و بویژه در رسیدگی به محرومان فعال است و ایجاد اشتغال یکی از مهم‌ترین محورهای فعالیت ماست.»

فتاح در ادامه از اعطای تسهیلات گسترده برای ایجاد اشتغال خبر داد و تأکید کرد: «دو حوزه صنایع‌دستی و گردشگری برای ما بسیار مهم است و همکاری‌های خود را با وزارت میراث‌فرهنگی تقویت خواهیم کرد.»

رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) همچنین با اشاره به اینکه برخی بناها و اماکن تاریخی تحت اختیار ستاد اجرایی قرار دارد، اظهار کرد: «آماده‌ایم این اماکن را تحت نظر کارشناسان وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، مرمت و احیا کنیم.»

فتاح هر سه حوزه مأموریتی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی را دارای اهمیت راهبردی دانست و خبر داد که «ستاد اجرایی آماده همکاری کامل با این وزارتخانه است.»

در پایان این جلسه، معاونان وزارت میراث فرهنگی و ستاد اجرایی فرمان امام(ره) گزارش‌هایی درباره روند همکاری‌ها و ظرفیت‌های توسعه‌ای ارائه کردند.

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا:

آلودگی هوای تهران از دوشنبه کمتر می‌شود

گروه اجتماعی / مهسا قوی قلب- آلودگی هوای تهران روز گذشته وارد فاز جدیدی شد و حتی به گزارش سایت شرکت سوئیسی فناوری کیفیت هوا با نام «IQAir»، با شاخص ۲۳۳ مقام آلوده‌ترین شهر جهان را هم به دست آورد. آلودگی که اصلاً برای مردم ایران به خصوص پایتخت موضوع جدیدی نیست. اوج جولان آلاینده‌ها از روز پنجشنبه ۲۹ آبان ماه شروع شد، وقتی رقم شاخص روی عدد ۱۳۶ ایستاد، جمعه ۳۰ آبان ماه به ۱۴۶ رسید، شنبه کمی کوتاه آمد و شاخص ۱۴۲ را ثبت کرد. اما از روز یکشنبه با پایداری هوا شاخص آلودگی عدد ۱۵۷ را هم به چشم خود دید. اما این شاخص سر پایین آمدن نداشت، چون از روز دوشنبه که روند تعطیلی‌ها و دورکاری‌ها آغاز شد خودش را بالاتر کشید و رقم ۱۷۸ را ثبت کرد تا یکی از آلوده‌ترین روزهای سال باشد. سه‌شنبه این رقم به ۱۷۰ رسید و دیروز هم طبق اعلام سایت شرکت کنترل کیفیت هوای تهران شاخص آلودگی از ۱۷۲ هم عبور کرد. طبق اعلام این سایت از اول سال تا دیروز فقط شش روز هوای پاک داشتیم، ۱۲۳ روز قابل قبول، ۱۰۶ روز ناسالم برای گروه‌های حساس، ۱۲ روز ناسالم، دو روز بسیار ناسالم و دو روز هم خطرناک نفس کشیده‌ایم.

اندکی از شدت آلودگی کم می‌شود

هوا که آلوده می‌شود، چشم مردم به آسمان است، این وسط هم خبرها و شایعات زیادی شنیده می‌شود. اینکه مثلاً چند روز دیگر باران شدیدی می‌بارد، یا از شنبه سرو کله ابرهای سنگین پیدا می‌شود. اما صادق ضیائیان، رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا نظر دیگری دارد. او با بیان اینکه در موضوع آلودگی هوا، شایعات نباید با واقعیت اشتباه گرفته شود، به «ایران» می‌گوید: «نباید شایعات قاطی واقعیت شود. مدتی است که در شهر تهران بارندگی نداشته‌ایم. سازمان هواشناسی هم اعلام کرده بود که تا چهارشنبه وضعیت هوای شهر تهران هشدار نارنجی می‌گیرد. از لحاظ جوی هم شرایط از سکون، پایداری هوا و عدم تهویه خبر می‌داد.» با این اوصاف وضعیت هوای پنجشنبه و جمعه چگونه است؟ ضیائیان می‌گوید: «برای امروز و فردا خیلی کم و جزئی وضعیت بهتر می‌شود، البته این بهبود تا حدی کم است که نباید تصور کرد هوا پاک می‌شود، اما به هرحال اندکی از شدت آلودگی کاسته می‌شود و موجی که در تراز میانی جو وجود دارد باعث می‌شود مقداری اختلاف دما در جو شکل بگیرد.»

اوضاع از دوشنبه بهتر می‌شود

اما شنبه و یکشنبه دوباره آلودگی هست و انتظار پایداری جو و افزایش آلاینده‌ها در شهر تهران وجود دارد. ضیائیان می‌گوید: «اوضاع از دوشنبه بهتر می‌شود. روزهای دوشنبه و سه‌شنبه انتظارمان این است که موجی عبور کند و ان شاءالله وزش باد شکل می‌گیرد و پایداری هوا را از بین می‌برد. به احتمال ضعیف بارندگی در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه در تهران هم وجود دارد اما خبر دقیق‌تر روز شنبه مشخص و اعلام می‌شود. هرچند اگر هم بارندگی اتفاق افتد، میزان آن بسیار ناچیز است و به طور کلی نمی‌توان روی بارندگی در هفته آینده حساب کرد. به هرحال تغییر شرایط جوی در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه وجود دارد و این شرایط ادامه دارد. در روزهای آخر پاییز و زمستان به دلیل اینکه لایه مرزی کوچک‌تر می‌شود و وارونگی دما در اوایل صبح رخ می‌دهد، اگر چاره اساسی برای کاهش میزان آلاینده‌ها نشود، تقریباً اغلب روزها شاهد چنین وضعیتی در میزان آلودگی هوا خواهیم بود.»

تعطیلی آلودگی را از بین نمی‌برد

«تعطیلی صرف نمی‌تواند مشکل آلودگی را ریشه‌کن کند و باید با برنامه‌ریزی دقیق، ترکیب تعطیل و فعالیت کنترل شده را لحاظ کرد.» حسن عباس‌نژاد، مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران با بیان این مطلب به ایرنا گفته: «اگر فقط به تعطیلی اکتفا کنیم، فشار ترافیک، مصرف انرژی و فعالیت‌های روزمره در بازه کوتاه تغییر می‌کند، اما وضعیت آلودگی کلی را جابه‌جا نمی‌کند. تعطیلی موقت ممکن است اثرات مقطعی بگذارد، ولی بدون اقدامات ساختاری مثل کاهش آمد و شد، بهبود ناوگان حمل‌ونقل عمومی، کنترل منابع انتشار آلاینده و اطلاع‌رسانی دقیق به مردم فایده بلندمدت ندارد.» مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران درباره حل مشکل آلودگی هوا توضیح می‌دهد: «راه‌حل اصولی این است که تعطیلات به‌صورت «مدیریتی» توزیع شوند؛ یعنی به‌جای تعطیلی همزمان و گسترده، زمان‌ها و گروه‌های مختلف جامعه به شکلی هماهنگ و مرحله‌ای فعالیت‌شان محدود شود. به این ترتیب هم فشار یک‌باره بر زیرساخت‌ها کاهش می‌یابد، هم از تجمع ناگهانی جمعیت در فضاهای مختلف جلوگیری می‌شود. معتقدم به جای تعطیلی‌های پی در پی در مواقع آلودگی هوا باید مدیریت علمی تعطیلات با برنامه‌ریزی دقیق برای سال تحصیلی دانش‌آموزان انجام شود. این راهکار می‌تواند از قرار گرفتن دانش‌آموزان در پیک‌های آلودگی جلوگیری کند. حتی می‌توان زمان شروع سال تحصیلی را تغییر داد تا دانش‌آموزان در دوره‌های کم‌آلودگی بیشتر از آموزش بهره‌مند شوند یعنی شروع کار مدارس به جای اول مهر از ۱۵ شهریور ماه باشد و ۱۵ تیرماه پایان یابد. این یک ماه تغییر در سیستم آموزشی، شاید کمک خوبی به مدیریت تعطیلات در زمستان و تعطیل شدن مدارس در اوج آلودگی هوا باشد.»

اخبار

با حضور فرمانده کل سپاه پاسداران و هزاران تن از بسیجیان برگزار شد

مراسم روز بسیج در حسینیه امام خمینی(ره)

روز گذشته و در سالروز تشکیل بسیج مستضعفین، مراسم روز بسیج با حضور هزاران تن از بسیجیان سراسر کشور در حسینیه امام خمینی(ره) برگزار شد. در این مراسم که فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز حضور داشت، سردار سرتیپ سلیمانی رئیس سازمان بسیج، مأموریت اصلی بسیج را قدرت‌سازی برای کشور در عرصه‌های مختلف از جمله بخش‌های دفاعی و امنیتی، فرهنگی و اجتماعی، علم و فناوری، رسانه و فضای مجازی، محرومیت‌زدایی و پیشرفت و آبادانی کشور خواند و گفت: «فرهنگ بسیج، فرهنگ مقاومت است و بسیجیان آماده نقش‌آفرینی در هر میدان نیازمند فداکاری برای تحقق ایران قوی هستند.» خاطره‌گویی چند تن از فعالان بسیجی از جنگ ۱۲ روزه و اجرای سرود، نقّالی و حماسه‌سرایی، بخش‌های دیگری از مراسم روز بسیج در حسینیه امام خمینی(ره) بود.

معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور:

هنرمندان زن خارج از کشور می‌توانند بازگردند

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده درباره امکان بازگشت به‌کار برخی هنرمندان زن در داخل و بازگشت هنرمندان زن خارج از کشور گفت: «پیگیری برای فعالیت دوباره هنرمندان زن درحال انجام است و در مورد هنرمندان زن خارج از کشور هم منعی برای این موضوع وجود ندارد و آنان می‌توانند به کشورشان بازگردند.»

به گزارش ایرنا، زهرا بهروزآذر افزود: «ما در دولت چهاردهم از ابتدا در کنار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای حل این موضوع بودیم، وزارت ارشاد به صورت تخصصی در حال کار در این زمینه است و تمام بازگشت به کارها برای زنان و مردان نه فقط در عرصه بازیگری بلکه در حوزه موسیقی و در حوزه‌های مختلف در حال انجام است و بخش قابل توجهی بازگشته‌اند.»

وی تصریح کرد: «برای ایرانیان خارج از کشور نگاه ما این است که ایران وطن همه این عزیزان است و ایران به ظرفیت همه ایرانیان خارج از کشور نیاز دارد، ممکن است در مقاطعی اختلال ارتباطی بین ما و ایرانیان خارج از کشور اتفاق افتاده باشد.»

بهروز آذر با بیان اینکه «اکنون این راه باز است»، اضافه کرد: «وزارت امور خارجه با دستور آقای رئیس‌جمهوری کارگروهی تشکیل داده و سامانه‌ای ایجاد می‌کند تا این امر را تسهیل کند که به‌زودی ابلاغ می‌شود و براساس آن افراد می‌توانند به آن مراجعه کنند، مطمئن شوند و به کشور خود برگردند.»

به گفته معاون رئیس‌جمهور، علت حضور این افراد در ایران می‌تواند متفاوت باشد، «برخی می‌خواهند اقوام خود را ببینند، خیلی از افراد می‌خواهند به زیارت بروند و سال‌ها آرزوی این را دارند که به زیارت امام رضا(ع) بروند. برای همه این افراد شرایط فراهم است و می‌توانند به کشور برگردند.»

حمید احمدی در مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تشریح کرد

نقش هویت ملی در پیشرفت ایران

در نهمین نشست مبانی ایران شناختی پیشرفت که در محل مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برگزار شد، موضوع «نقش هویت ملی در پیشرفت ایران» با سخنرانی حمید احمدی استاد دانشگاه تهران بررسی شد. در این نشست که دبیری آن بر عهده موسی عنبری استاد دانشگاه تهران قرار داشت، احمدی با نقد ادبیات رایج معاصر ایران در زمینه هویت ملی و نقش آن در فرآیند پیشرفت، تأکید دارد که «بسیاری از نظریه‌های موجود، ماهیت نظری و سیاسی دارند و نقش ملت و ملیت را در توسعه کشور نادیده می‌گیرند؛ درحالی که این دیدگاه با تجربه تاریخی ایران و پژوهش‌های نوین علوم اجتماعی قابل نقد است و پیامدهای منفی در پیشرفت کشور دارد.»

در این نشست که اساتید دانشگاه، کارشناسان حوزه پیشرفت و کارشناسان و اعضای اندیشکده‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت حضور داشتند، درباره نقش هویت ملی در پیشرفت ایران بحث و تبادل نظر شد. حمید احمدی دانش‌آموخته دانشگاه تهران است که حوزه‌های پژوهشی وی شامل مطالعات قومی و ملی، سیاست ایران و خاورمیانه و نظریه‌های ملی‌گرایی است. از وی کتاب‌ها و مقالات متعددی منتشر شده است.

وزیر تعاون از کارنامه یک ساله دولت در یک بخش معیشتی گزارش داد

۱۰۰ همت برای اجرای ۴ مرحله کالابرگ

گزارش

در آستانه اجرای پنجمین مرحله طرح توزیع کالابرگ الکترونیک از سوی دولت، روز گذشته وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از کیفیت اجرای طرح کالابرگ به هیأت وزیران گزارشی ارائه کرد. اعداد و ارقام گزارش احمد میدری، نشان داد به رغم افزایش قابل توجه قیمت کالاهای اساسی تعیین شده برای این طرح بر اثر تورم و نیز با وجود همه ادعایی که علیه عملکرد دولت در حوزه کالابرگ مطرح شده است؛ دولت چهاردهم با تلاش بیشتر برای تأمین منابع مالی مورد نیاز این طرح در قیاس با جمیع شرایط، عملکردی قابل دفاع داشته است.

میدری در این گزارش از نحوه اجرای طرح کالابرگ و اقداماتی که در دولت در این زمینه انجام شده است، گفت: «در حالی که قبلاً یعنی در دولت گذشته در ۹ مرحله جمعاً ۴۲ میلیون نفر از جمعیت کشور از این طرح بهره‌مند شده بودند، در دولت چهاردهم تاکنون در ۴ مرحله، حدود ۸۴ میلیون نفر کالابرگ دریافت کرده‌اند.» بر اساس گزارش وزیر تعاون، در حالی که در دولت سیزدهم در مجموع ۲۶ همت معادل ۵۰۴ میلیون دلار به طرح کالابرگ اختصاص داده شده بود؛ در دولت چهاردهم تا به حال در مجموع ۱۰۰ همت، معادل ۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار صرف ارائه کالاهای اساسی به اقشار و دهک‌های مشمول طرح شده و این کالاها در ۲۵۴ هزار فروشگاه همکار با طرح عرضه شده است.

انجام یک تکلیف مالایطاق

فراتر از گزارش دیروز وزیر تعاون، سخنان روز سه‌شنبه محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در مجلس شورای اسلامی، حکایت از آن داشت که دولت چهاردهم به رغم همه مسائلی که در تأمین مالی مورد نیاز برای اجرای طرح کالابرگ وجود دارد، قرار است این طرح را آنچنان که مورد خواست خود و اصرار و توقع مجلس است، اجرا کند. این تصمیم به معنای اجرای یک تکلیف با وجود مالایطاق بودن و به عبارتی، بیرون بودن آن از دایره امکانات معمول است.

رئیس مجلس در نطق پیش از دستور روز سه‌شنبه گفت: «با هماهنگی‌های صورت گرفته به زودی اجرایی شدن طرح کالابرگ با شیوه جدید که قیمت کالا را برای مصرف کننده در طول سال ثابت نگه می‌دارد، آغاز می‌شود و در فاز اول ۳ دهک از ۷ دهک مشمول این طرح می‌شوند و به مرور، بقیه مردم تا ۷ دهک مشمول این طرح خواهند شد.» رئیس مجلس این شیوه اجرای طرح کالابرگ را مطالبه رهبر انقلاب و خواست رئیس جمهوری توصیف کرد.

در عین حال، این شیوه اجرا یک ماه قبل در جلسه مشترک سه عضو دولت با نمایندگان از سوی سیدحمید پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز به عنوان خواست و هدف گذاری مطلوب دولت مورد تأیید قرار گرفته بود.

پورمحمدی در آن جلسه درباره الزامات اجرای مطلوب طرح بر دو موضوع «فراهم کردن امکان دسترسی همه مردم در کل کشور» و «جلوگیری از تأثیر نوسانات نرخ ارز و تورم بر قیمت نهاده‌های مورد نیاز تولیدکنندگان و در عین حال جبران این نوسانات از سوی دولت برای جلوگیری از متضرر شدن تولیدکنندگان» اشاره کرد.

> در حالی که قبلاً یعنی در دولت گذشته در ۹ مرحله جمعاً ۴۲ میلیون نفر از جمعیت کشور از این طرح بهره‌مند شده بودند، در دولت چهاردهم تاکنون در ۴ مرحله، حدود ۸۴ میلیون نفر کالابرگ دریافت کرده‌اند

با وجود این، در فاصله حدود یک ماهی که از آن جلسه گذشت، سناریوهای جایگزینی برای شیوه اجرای طرح کالابرگ الکترونیک در رسانه‌ها مطرح شد. از جمله به نقل از احد رستمی، رئیس مرکز مطالعات و اطلاعات رفاهی ایرانیان که در توضیح دو سناریوی در حال بررسی برای اجرای مرحله پنجم گفته بود: «روش اول، اعطای اعتبار اضافی به حساب یارانه سرپرستان خانوار است تا ۱۱ قلم کالای اساسی را خریداری کنند. در روش دوم در فروشگاه‌های زنجیره‌ای طرف قرارداد، کالاهای دارای قیمت مصوب با تخفیف ۲۰ تا ۳۰ درصدی عرضه خواهد شد و همزمان در فروشگاه‌های خرد، روش اعتباری قبلی ادامه پیدا می‌کند.»

پس از انتشار این سخنان در حالی که هیچ اظهارنظر رسمی از سوی مقامات مسئول دولتی در این باره انجام نشده بود؛ سناریوهای مطرح‌شده با مخالفت طیفی از نمایندگان مواجه شد. حال آن‌که تخفیف ۲۰ یا ۳۰ درصدی همان راهکاری بود که در دولت سیزدهم و از ابتدای تصویب طرح کالابرگ پیش‌بینی شده بود. واقعیت این است که حتی اجرای همین شیوه اعتباری نیز برای ۳ دهک پایین در ۴ مرحله نیازمند ۱۰۱ هزار میلیارد تومان بوده است. حال آن‌که هدفگذاری مشترک دولت و مجلس نه فقط ۳ دهک پایینی که ارائه کالابرگ الکترونیک برای خرید کالاهای اساسی با قیمت ثابت به ۷ دهک است تا از سفره طیف گسترده‌تری از مردم در مقابل تورم و تنش‌های اقتصادی حمایت شود.

تأمین اعتبار؛ نیازمند یک مفاهمه مشترک

دقت در آمار و ارقام مقایسه‌ای که در گزارش وزیر تعاون از کیفیت اجرای طرح کالابرگ ارائه شده است، حکایت از آن دارد که اجرای این طرح با این مختصات که قیمت کالاهای اساسی ارائه‌شده ظرف ۶ ماه یا یک‌سال ثابت نگه داشته شود و دولت با اجتناب از افتادن در دام قیمت‌گذاری دستوری و برای حمایت از تولیدکنندگان، مابه‌التفاوت آن قیمت ثابت با قیمت واقعی ناشی از تورم و افزایش قیمت مواد اولیه و... را پرداخت کند؛ مستلزم تأمین مالی قابل‌توجهی است. تأمین مالی که برای آن راهکارهایی معقول‌تر از صرفه‌جویی در بودجه جاری از طریق کوچک‌سازی دولت، تخصیص بودجه بر اساس عملکرد دستگاه‌ها، اصلاح نظام مالیاتی و تعیین مالیات برای فعالیت اقتصادی بنگاه‌های معاف از مالیات و حتی همین اصلاح قیمت حامل‌های انرژی که امروز موضوع بحث است و متأسفانه برخی نمایندگان مجلس با نادیده گرفتن واقعیات علیه این اقدامات موضع گرفته‌اند، وجود ندارد. وضعیتی که نشان می‌دهد عزم دولت برای اجرای طرح کالابرگ الکترونیک در مختصات تعریف‌شده اخیر تا چه حد نیازمند مفاهمه مشترک میان قواست و ماهیت سیاسی بخشیدن به تصمیمات و موضع‌گیری‌ها را بر نمی‌تابد.

عکس: president.ir

فرمانده ارتش پاکستان در دیدار با علی لاریجانی تأکید کرد

همکاری نزدیک با ایران در مبارزه با تروریسم

سیاست خارجی

روز گذشته در دومین روز از سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان به همسایه شرقی، پاکستان، علی لاریجانی در محل سفارت کشورمان در اسلام‌آباد، میزبان جمعی از رؤسای اندیشکده‌های برتر پاکستانی و نظریه‌پردازان عرصه صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی بود.

لاریجانی در این نشست، پایه همکاری‌های ایران و پاکستان را قرابت‌های فرهنگی دانست و تأکید کرد که دو کشور «در حوزه سیاسی نیز از وحدت فکری برخوردار هستند.» وی پاکستان را کشور دوست، همراه، همسایه و هم‌فرهنگ دانست و گفت: «زبان فارسی یکی از عوامل نزدیکی دو ملت است.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی در ادامه، با یادآوری حمایت پاکستان از ایران در جنگ اخیر رژیم صهیونیستی علیه کشورمان، سابقه تمدنی دیرینه ایران را پیش کشید و با اشاره به هدف رژیم اسرائیل از حمله به ایران، تأکید کرد: «ایران هزاران سال بوده، هست و خواهد بود. این فکر دشمن متجاوز احمقانه بود که گمان می‌کرد با جنگ ایران را بشکند.»

لاریجانی جنگ رژیم اسرائیل علیه ایران را «نتیجه توطئه آمریکایی-اسرائیلی» دانست که «از سال‌های قبل طراحی شده بود»، بویژه اینکه به گفته دبیر شورای عالی امنیت ملی، «ترامپ نیز اخیراً اعلام کرد که از سال ۲۰۰۳ تمرین می‌کردند تا با هواپیماهای خود به تأسیسات اتمی ایران حمله کنند.» موضوع بعدی سخنان لاریجانی، آینده مذاکرات ایران و آمریکا بود. او در تشریح رویکرد تهران نسبت به هر نوع مذاکره، تأکید کرد: «ما مذاکرات واقعی را قبول داریم، نه مذاکرات تصنعی. مذاکرات باید پایه‌های واقعی داشته باشند و نتیجه از قبل اعلام نشود.»

روابط ایران و پاکستان، موضوع بعدی سخنان دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران بود. لاریجانی در این زمینه توضیح داد: «ما در همه زمینه‌ها آماده گسترش تعاملات هستیم و هیچ محدودیتی از سوی ایران برای همکاری با پاکستان قائل نیستیم.»

بنابر اعلام لاریجانی، «دورنمای آینده همکاری‌ها مطلوب است، اما نیاز به تحرک بیشتر دارد. هرچند بسترهای مختلف برای توسعه روابط اقتصادی فراهم است و امیدواریم مسیر همکاری‌ها هموارتر شود.»

در این نشست، تعدادی از شخصیت‌های پاکستانی، با تمجید از نبرد و پیروزی ملت ایران در جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی، درباره راه‌های افزایش تعاملات بین ایران و پاکستان، هوشیاری نسبت به توطئه دشمنان مشترک، تقویت ارتباطات مردمی و همکاری‌های اقتصادی صحبت کردند. پس از این نشست، لاریجانی میهمان «فیلد مارشال سیدعاصم منیر» فرمانده ارتش پاکستان بود.

> آن‌طور که روابط عمومی ارتش پاکستان اعلام کرد، این دیدار بر همکاری‌های دوجانبه، مسائل امنیتی منطقه‌ای و اهمیت تقویت روابط بین پاکستان و ایران متمرکز بود

آن‌طور که روابط عمومی ارتش پاکستان اعلام کرد، این دیدار بر همکاری‌های دوجانبه، مسائل امنیتی منطقه‌ای و اهمیت تقویت روابط بین پاکستان و ایران متمرکز بود.

در همین رابطه رئیس نیروهای دفاعی و فرمانده ارتش پاکستان بار دیگر بر تعهد کشورش به صلح و ثبات منطقه‌ای تأکید کرد و خواستار همکاری نزدیک‌تر با جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با تروریسم شد.

عاصم منیر همچنین بر اهمیت روزافزون همکاری‌های استراتژیک با توجه به وضعیت ژئوپلیتیکی در حال تحول تأکید کرد. همچنین دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران با اشاره به جایگاه مهم پاکستان در معادلات امنیتی منطقه، بر نقش کلیدی همکاری‌های ایران و پاکستان در مقابله با تهدیدات مشترک تأکید کرد و گفت: «تداوم هماهنگی میان دو کشور می‌تواند در حفظ ثبات و امنیت پایدار منطقه اثرگذار باشد.»

برش

آینده روابط بین دو کشور روشن خواهد بود

علی لاریجانی طی حضور خود در اسلام‌آباد، با انتشار متنی در شبکه اجتماعی «ایکس»، در تشریح مأموریت خود در سفر به پاکستان، نوشت: «شورای عالی امنیت ملی بنا به دستورات رئیس‌جمهوری هرگونه محدودیت‌ها و موانع اقتصادی بین ایران و پاکستان را رفع می‌کند.»

وی ادامه داد: «درباره همکاری راهبردی بین ایران و پاکستان، با رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیر، فرمانده ارتش، رئیس مجلس، مشاور امنیت ملی و وزیر خارجه پاکستان گفت‌وگو کردم و به آنان گفتم هیچ محدودیتی برای همکاری قائل نیستیم. قرار شد سازوکارهایی جدی برای پیگیری ایجاد کنیم. با دورنمایی که می‌بینم آینده روابط بین دو کشور روشن خواهد بود.»

توضیحات رئیس شورای اطلاع رسانی دولت درباره یک فایل صوتی مشکوک مرتبط با موضوع حجاب

قرار نیست به شیوه های قبلی بازگردیم

دولت

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در گفت‌وگویی، به ادعاهای غیرمنسجم، اظهارات غیردقیق و ادعاهای نادرست درباره بحث‌های مربوط به عفاف و حجاب در ارکان حکمرانی واکنش نشان داد. این واکنش الیاس حضرتی مربوط به یک فایل صوتی است که در آن یک فعال فرهنگی ادعا می‌کند ۳ ماه پس از جنگ اخیر، وزارت اطلاعات گزارشی از وضع حجاب به محضر رهبر انقلاب ارسال کرده و به رغم پانوشت رهبر انقلاب در ذیل این گزارش، برخی اعضای دولت توجه ویژه‌ای به آن نکرده‌اند. رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در اظهار نظر دیروز خود، اجزای مختلف این ادعا، از ادعای مطرح شده درباره نوع و محتوای پانوشت رهبر انقلاب، واکنش دولت و رئیس جمهوری در این باره را تکذیب کرد و گزارش دقیق‌تری از این فرآیندها ارائه داد که نشان می‌دهد آنچه روی داد، دقیقاً خلاف ادعای گوینده این فایل صوتی بوده است.

الیاس حضرتی در گفت‌وگو با پایگاه خبری «رویداد۲۴»، در واکنش به اظهارات مطرح شده در یک فایل صوتی که در آن فردی ادعا می‌کند جزئیاتی از ارائه یک گزارش وزارت

اطلاعات به رهبر انقلاب درباره عفاف و حجاب و مباحث هیأت وزیران در اختیار دارد، اظهار کرد: «در بخشی از این فایل صوتی درباره برخی ناهنجاری‌های اجتماعی توضیحاتی ارائه شده که حرف درستی هم هست؛ زیرا در جامعه شاهد برخی موارد هستیم که باید برای رفع آنها با نگاهی کارشناسی و جامع اقدام شود.» وی با اشاره به اینکه «وظیفه همه دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی است که در رفع آسیب‌های اجتماعی نقش‌آفرینی کنند»، افزود: «در سال‌های گذشته، در برخورد با موضوع حجاب شاهد برخی برخوردهای نامعقول و نادرست یا تصمیمات غلط همراه با آسیب‌هایی بوده‌ایم که آن روش‌های نامطلوب و راهکارهای نامناسب، باعث نشد تا مصادیق این ناهنجاری‌ها کاهش پیدا کنند، بلکه در مواردی به دلیل همین شیوه‌های نادرست، اوضاع بیش از پیش رو به وخامت گذاشت.»

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت با بیان اینکه «قرار نیست به آن شیوه‌های قبل بازگردیم»، اضافه کرد: «زیرا اگر آن روش‌ها صحیح بود، امروز نباید دغدغه‌هایی در سطوح حاکمیتی وجود داشته باشد.»

وی درباره مفاد فایل صوتی و ادعاهای مطرح شده در آن گفت: «ظاهرا، صرفاً براساس شنیده‌های جسته و گریخته و نادقیق اظهار نظری شده است، به‌ویژه آنچه درباره گزارش وزارت اطلاعات به رهبر انقلاب و دستور ایشان در این فایل صوتی مطرح شده است، نارس و ناقص است. به نظر می‌رسد گوینده به متن اصلی گزارش وزارت اطلاعات و ابلاغیه رهبری دسترسی نداشته است و براساس شنیده‌های خود از منابع مختلف، تفسیر شخصی و البته ناصوابی را از آن گزارش و پیام رهبر معظم انقلاب، اعلام کرده است.»

حضرتی، در واکنش به ادعای مطرح شده در این فایل صوتی مبنی بر اینکه سه عضو دولت در هیأت وزیران با رویکردها و نظرات رئیس جمهوری درباره عفاف و حجاب مخالفت کرده‌اند، گفت: «این مطالب ادعایی صد درصد خلاف واقع است و شواهد نشان می‌دهد کسی که این مطالب را طرح کرده، براساس شنیده‌ها و گزارش‌های نادقیقی بوده است.»

> حضرتی: این مطالب ادعایی صد درصد خلاف واقع است و شواهد نشان می‌دهد کسی که این مطالب را طرح کرده، براساس شنیده‌ها و گزارش‌های نادقیقی بوده است

وی با بیان اینکه «چنین بحثی در دولت مطرح نشد که اساساً کسی بخواهد مخالفت کند»، ادامه داد: «نظر آقای رئیس‌جمهوری درباره حجاب همواره مشخص و شفاف است، همان‌طور که بنده، خانم بهروزآذر و آقای ربیعی دیدگاه و باوری قاطع و مشخص داشته و داریم. به هر حال همه ما مسلمان هستیم و به دین، آیین و مذهب و احکام شرعی خود معتقد یم.»

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت با یادآوری مواضع رئیس‌جمهوری درباره ناکارآمدی برخوردهای قهری با بدحجابی شرح داد: «آقای پزشکیان همواره تأکید داشته که گشت ارشاد یا حجاب‌بان نتیجه‌بخش نیست. این مواضع رئیس‌جمهوری و اعضای دولت به‌معنای بی‌توجهی به ناهنجاری‌های اجتماعی نیست؛ البته با سوء استفاده‌هایی که بعضاً صورت می‌گیرد نیز کاملاً مخالف هستیم.»

حضرتی اضافه کرد: «افراد معدودی دست به ناهنجاری‌های اجتماعی می‌زنند، اکثریت جامعه ما، جامعه‌ای اخلاقی و محترم است. با این همه هم شخص آقای رئیس‌جمهوری و نیز همه اعضای دولت نسبت‌به این رفتارهایی که به‌صورت موردی مشاهده می‌شود، حساسیت دارند؛ درواقع نظر بنده، خانم بهروزآذر و آقای ربیعی نیز در این رابطه، همسو و همراستا با رئیس‌جمهوری است و ما، همگی از دیدگاه‌ها و رویکردهای مد نظر رئیس جمهوری حمایت می‌کنیم.»

وی با اشاره به برخی از اقدام‌های دولت در راستای مقابله با این ناهنجاری‌های اجتماعی گفت: «مدتی پیش از آن‌که دستور رهبر انقلاب در این رابطه به دولت ابلاغ شود، آقای ضرغامی در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهوری، نکاتی را در زمینه ارتقای سلامت جامعه از این حیث مطرح کرده‌بود و آقای پزشکیان هم پس از مطالعه نامه آقای ضرغامی، موضوع را جهت رسیدگی، به بنده و آقای صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ارجاع کردند. اتفاقاً بنده در نشست با مدیران شورای اطلاع‌رسانی دولت، از آقای ضرغامی دعوت کردم و ایشان هم تشریف آوردند و به تفصیل درباره راه‌ها و روش‌های معقولی که می‌توان با استفاده از آنها، به‌سمت کاهش این ناهنجاری‌ها حرکت کنیم، گفت‌وگو کردیم.»

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت تصریح کرد: «چندی بعد که گزارش وزارت اطلاعات تهیه و ارائه شد و متعاقباً دستور رهبری به دولت ابلاغ شد، آقای حاجی‌میرزایی به‌عنوان رئیس دفتر رئیس جمهور، موضوع را مورد پیگیری قرار داد و دو نوبت در جلسه‌ای که بلافاصله پس از نشست هفتگی هیأت دولت برگزار شد، مسئولان ذی‌ربط گردهم جمع شدند و موضوع را مورد بررسی قرار دادند.»

وی با اشاره به برخی از اعضای دولت که در این نشست حاضر بودند، اظهار کرد: «همه اعضا و مسئولان عالی‌رتبه دولتی که به‌نحوی با ابعاد و شئون گوناگون مسأله فرهنگ و جامعه سروکار دارند، در آن جلسه حضور داشتند و از جمله خانم بهروزآذر به‌عنوان معاون امور زنان ریاست‌جمهور، وزیران ارشاد، علوم، گردشگری، کشور و همچنین آقای ضیاء هاشمی به‌عنوان معاون اجتماعی دفتر معاون اول ریاست‌جمهور و بعضی دیگر از اعضای دولت در دو نوبت تشکیل جلسه دادند.»

حضرتی ازتشکیل کمیته‌ای ویژه به‌منظور بررسی ابعاد مسأله به عنوان نتیجه این جلسه خبر داد و هم‌اکنون نیز فعالیت‌های این کمیته ادامه دارد. رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت با تأکید مجدد بر اینکه «هم رئیس‌جمهوری و هم همه اعضا و ارکان دولت نسبت‌به این مسأله حساسیت ویژه دارند و موضوع را با نگاهی مبتنی بر عقلانیت پیگیری می‌کنند»، گفت: «حقیقتاً روشن نیست که این دوستان از انتشار این گزارش‌های ناقص و نادقیق و طرح این ادعا در سطح جامعه که اعضای دولت به دستورهای رهبری و این دست مسائل فرهنگی و اجتماعی بی‌توجه هستند، چه سودی می‌برند.»

حضرتی افزود: «دولت قطعاً نسبت‌به این مسائل دغدغه دارد و موضوعات را مورد پیگیری قرار می‌دهد، اما این به معنای آن نیست که ما به‌دنبال استفاده از همان روش‌های شکست خورده گذشته هستیم؛ به هر حال وقتی یک شیوه برخورد جواب نمی‌دهد، دلیل ندارد که بی‌دلیل بر آن پافشاری کنیم.»

وی با تأکید بر اینکه مصادیق ناهنجاری‌های اجتماعی به هیچ عنوان به بحث «حجاب» محدود نیست، گفت: «اتفاقاً در همان گزارش وزارت اطلاعات نیز دست‌کم به ۲۳ مصداق مختلف آن از جمله اوباشگری، شرب خمر، خانه‌های فساد و... اشاره شده بود و بحث برهنه‌نمایی تنها یکی از این موارد بود.»

پنجشنبه ۶ آذر ۱۴۰۴ شماره ۸۸۹۶
irannewspaper irannewspapper

معاون اول رئیس جمهور در جلسه کارگروه مصوبه بنزین:

در طرح‌های اصلاحی با مشورت نخبگان و تعامل مردم اقدام کردیم

عواید حاصله در قالب کالابرگ به مردم ارائه می‌شود

دولت برای اصلاحات احتمالی در مصوبه به نفع مردم آمادگی دارد

گام اول برای اجرای تصویب‌نامه دولت برای اصلاح قیمت بنزین، دیروز برداشته شد. این گام، مطلقاً افزایش قیمت بنزین نبود، بلکه برگزاری اولین جلسه کارگروه مصوبه بنزین بود؛ کارگروهی که در این تصویب‌نامه هم قید شده بود. این کارگروه وظایف متعددی دارد، از اصلاح برخی رویه‌ها، اصلاح قیمت و حتی تعیین سهمیه سوخت. اظهارات معاون اول رئیس‌جمهور که جلسه دیروز این کارگروه به ریاست وی تشکیل شد، همین رویکرد دولت را نشان می‌دهد، یعنی رویکرد اصلاحی نسبت به تصویب‌نامه خود دولت و نیز رویکرد اقناعی دولت برای اجرای این تصویب‌نامه. به این معنی که در ادامه مسیر، نه تنها از جامعه و نخبگان بازخورد گرفته می‌شود، بلکه درهای دولت برای شنیدن هر انتقاد و پیشنهادی باز است. برای همین بود که محمدرضا عارف دیروز نه تنها اعلام کرد که «در طرح‌های اصلاحی با مشورت نخبگان و تعامل مردم اقدام کردیم» یا اینکه «عواید حاصله در قالب کالابرگ به مردم ارائه می‌شود»، بلکه تصریح کرد: «دولت برای اصلاحات احتمالی در مصوبه به نفع مردم آمادگی دارد.»

اصلاح ساختاری در دستور کار قرار دارد

به گزارش ایرنا، معاون اول رئیس جمهور در جلسه کارگروه مصوبه بنزین با بیان اینکه «دولت چهاردهم از همان روزهای ابتدای کار در چهارچوب برنامه‌های مصوب در برنامه هفتم پیشرفت، اسناد بالادستی و سیاست‌ها و وعده‌های انتخاباتی دکتر پزشکیان حرکت کرده است»، اظهارکرد: «اصلاح ساختاری از آغاز به کار دولت به صورت جدی در دستور کار قرار گرفته است و راهبرد ما در این مسیر این است که تشکیلات دولت در حد ضرورت، محدود، کارآمد، پویا و با بهره‌وری بالا باشد و پایداری نسبی نیز در شرایط اقتصادی کشور بوجود آید.»

محمدرضا عارف با اشاره به اینکه «در تمامی اقدامات اصلاحات ساختاری و قیمت‌ها عدم آسیب به معیشت مردم یا اجرای مکانیزم‌های جبرانی همانند کالابرگ در برنامه‌های اقتصادی دولت قرار گرفت»، ادامه داد: «کاهش و مهار تورم و افزایش رشد اقتصادی با وجود شرایط آغاز به کار دولت و همچنین تحمیل یک جنگ خشن از سوی رژیم صهیونیستی با همکاری آمریکا در دستور کار دولت در کنار طرح‌های اصلاح ساختاری و قیمت‌ها بوده است که در این مسیر گام‌های خوبی برداشتیم.»

تعامل با مردم و نخبگان در همه طرح‌ها

عارف با تأکید بر اینکه «راهبرد دولت بر این مبنا بود که در تمامی طرح‌های اصلاح ساختاری با تعامل مردم، نخبگان و مشورت اقدام کنیم»، اضافه کرد: «درباره ناترازی بانک‌ها که برای مدت‌ها جمع‌بندی دولت بود و در تجارب مشابه قبلی شاهد بودیم که مردم نگران منابع خود شدند، اما این بار مردم متوجه شدند که در انحلال یکی از بانک‌ها هیچ اتفاقی برای منابع آنان نیفتاده است و با یک مکانیزم اصولی، منطقی و حساب شده به یک بانک معتبر منتقل شد که این اقدام و طرح دولت تصادفی نبود بلکه در جلسات متعدد بارها تصمیم‌گیری و ارزیابی شد.» معاون اول رئیس‌جمهور درباره راهبرد دولت چهاردهم در زمینه بنزین تأکید کرد: «در حال حاضر تولید بنزین در روز ۱۲۰ میلیون لیتر است و این سؤال مطرح می‌شود که آیا اجازه و اختیار داریم که بنزین را با قیمت لیتری ۶۰ سنت وارد کنیم و به مبلغ ۱۵۰۰ تومان بفروشیم؟» وی ادامه داد:

«سؤال دیگر این است که بنزین به‌گونه‌ای در جامعه تبیین شده که هزینه‌ها در کشور به بنزین ارتباط پیدا کرده است و اگر دقت کافی در این زمینه به عمل نیاید، یک تصمیم احساسی آثار تورمی غیرمنطقی خواهد داشت و مردم تحت فشار قرار می‌گیرند.» عارف با اشاره به جلسات متعدد در دولت در زمینه مصوبه جدید بنزین تصریح کرد: «حداقل برای مدت ۷ ماه یک کارگروه زبده و برجسته درباره مصوبه جدید بنزین تشکیل و تصمیمات مختلف بررسی، اصلاح و مقرر شد، اقدامات اولیه و حداقلی با راهبرد کاهش واردات داشته باشیم که البته واردات صفر بنزین جزو راهبردها و اقدامات اصلی دولت چهاردهم است.» معاون اول رئیس‌جمهور به تعامل با خبرگان، کارشناسان و تمامی دستگاه‌ها برای ابلاغ مصوبه بنزینی اشاره و تصریح کرد: «پس از تصمیم دولت درخصوص مصوبه بنزین، بار دیگر در جلسات دولت بررسی کردیم و پس از آن در جامعه مطرح شد و دولت آمادگی دارد در کارگروه مصوبه بنزین و در ادامه اجرای این طرح در صورت نیاز اصلاحات لازم را به عمل آورد.»

جزئیاتی از مصوبه بنزینی دولت

عارف با اشاره به اینکه مصوبه بنزینی مربوط به خودروهای سهمیه دولتی، لوکس و گران‌قیمت وارداتی، مناطق آزاد و صفر نوشماره تولید داخل است، اضافه کرد: «سهمیه اصلی ۱۶۰ لیتری بنزین با قیمت هزار و ۵۰۰ تومان و ۳ هزار تومان را که بر اساس تولید داخلی بنزین انجام می‌شود، حفظ کرده‌ایم و مابقی که بیش از سهمیه نیاز بنزینی دارند، با قیمت ۵ هزار تومان خریداری خواهند کرد.»

معاون اول رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه «طرح بنزین دولت هیچ ارتباطی با طرح واردات بنزین سوپر ندارد»، تأکید کرد: «در برنامه هفتم پیشرفت برای بنزین سوپر با نرخ آزاد و از سوی بخش خصوصی مجوزها داده شده است و این طرح مصوب در برنامه هفتم پیشرفت هیچ ارتباطی با مصوبه جدید بنزین در دولت ندارد، چراکه این طرح بر اساس قیمت تمام‌شده و سود عادلانه برای مردم انجام می‌شود.»

اجرا و اصلاح با همکاری مردم

عارف تصریح کرد: «دولت برای اینکه تصمیمات منطقی باشد نظرات مردم را در اجرای طرح جدید بنزین اخذ می‌کند و در صورت لزوم اصلاحات انجام می‌شود و کارگروه مصوبه بنزین شامل مسئولان ارشد اقتصادی و ذی‌ربط، اختیارات لازم برای اصلاحات را دارند یا در صورت نیاز به دولت داده خواهد شد.»

معاون اول رئیس جمهور با تأکید بر اینکه «مصوبه بنزین دولت با همکاری مردم اجرایی می‌شود که نوعی اصلاح ساختاری در راستای کاهش واردات است»، گفت: «برنامه و راهبرد دولت در یک‌سال گذشته، اجرای اصلاحات ساختاری و قیمت‌ها بر این مبنا بود که درآمدهای حاصل را صرف معیشت مردم کند که در این طرح بنزینی دولت نیز عواید حاصله را در قالب کالابرگ به صورت منظم ارائه می‌دهد.»

هزینه واردات بنزین برای کشور

عارف با قدردانی از تلاش‌های شبانه‌روزی همه دست‌اندرکاران این طرح، اظهار کرد: «واردات بنزین برای دولت لیتری ۶۰ سنت تمام می‌شود و این در حالی است که در روز اول جنگ ۱۲روزه، مصرف بنزین به بالاتر از ۱۹۰ میلیون لیتر در روز رسید، اما تولید بنزین داخلی ۱۳۰ میلیون لیتر در روز است و ۶۰ میلیون لیتر مابقی با قیمت ۶۰ سنت وارد شد و به نرخ ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ تومان در دسترس مردم قرار گرفت. آیا مردم به ما اجازه می‌دهند که به این صورت ادامه دهیم، چرا که انفال و ثروت ملی است.» وی تأکید کرد: «برنامه دولت برای اجرای طرح‌ها بر این استوار است که گام به گام و با اخذ نظر کارشناسان و تعامل مردم حرکت کنیم.» در این جلسه مقرر شد کمیته اجرایی ذیل کارگروه مصوبه بنزین تشکیل شود.

ضرورت‌ها و پیامدهای قیمت‌گذاری پلکانی بنزین

حسین درودیان
کارشناس اقتصادی

درباره قیمت‌گذاری بنزین دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. در میان این دیدگاه‌ها، یک منطق بسیار معقول و پرکاربرد در قیمت‌گذاری انرژی، قیمت‌گذاری پلکانی است که در تصویب‌نامه دولت هم دیده می‌شود. در این روش، قیمت بسته به میزان مصرف افراد افزایش پیدا می‌کند و این مزیت را دارد که افزایش قیمت، عمومی و سراسری نیست. بنابراین، این شیوه، از یک‌سو می‌تواند از شدت سیگنال‌دهی قیمتی به انتظارات تورمی بکاهد و از سوی دیگر، عادلانه‌تر نیز هست. به این معنا که هر کسی که بیشتر مصرف می‌کند، قیمت واحد بیشتری پرداخت می‌کند. از این جهت، همین حالا هم در بسیاری از بخش‌ها همین سیاست اجرا می‌شود. به دیگر سخن، قیمت پلکانی یعنی اگر بیشتر مصرف کنید، باید مبلغ بیشتری بپردازید. با وجود این، قیاس مستقیم این موضوع با قیمت بنزین چندان دقیق نیست، چرا که بنزین عملاً فقط یک پله قیمتی دارد؛ یعنی از هزار و ۵۰۰ تومان به ۳ هزار تومان، در کنار این واقعیت که این قیمت‌ها نیز بعد از چند سال عملاً بی‌معنی شده‌اند. در حالی که مثلاً در قیمت‌گذاری گاز، اخیراً چهار پله تعریف شده است. به‌ویژه حالا که کشور وارد یک سطح معنادار واردات شده است، دیگر این بحث که «دولت برای واردات پول نمی‌دهد» موضوعیتی ندارد. در شرایطی که دولت بنزین را وارد می‌کند، دیگر بحث «هزینه فرصت» مطرح نیست، بلکه هزینه صِرف مطرح است. از این منظر، تعیین یک قیمت سوم برای بنزین می‌تواند یک راهکار بینابین و معقول باشد: به این صورت که هم اصلاح قیمت اتفاق می‌افتد و هم این اصلاح، سراسری و یک‌باره نیست.

در مورد قیمت ۵ هزار تومانی برای سهمیه سوم بنزین هم برخی معتقدند این عدد بالاست و ممکن است برای مناطق اقماری مشکل ایجاد کند یا منجر به حوادث شود. اما واقعیت این است که ۵ هزار تومان عدد پایینی است و به‌هرحال بخشی از قیمت واقعی بنزین محسوب می‌شود. با وجود این، مسأله اصلی در قیمت‌گذاری پلکانی این است که گروهی از پرمصرف‌ها در جامعه وجود دارند که زیاد مصرف می‌کنند، اما دلیل مصرف زیاد آنان رفاه و داشتن درآمد بالا نیست. به عبارت دیگر، چالش سیاست پلکانی این است که مصرف زیاد همیشه به معنای مرفه بودن نیست. از این رو برای رفع چالش قیمت‌گذاری پلکانی برای این افراد، باید تدابیر غیرقیمتی طراحی شود؛ یعنی ارائه جایگزین‌هایی که به آنان کمک کند مصرف بنزین را کاهش دهند تا به پله‌های بالای قیمتی برخورد نکنند.

موضوع کلیدی دیگر این است که باید توجه کنیم سیاست‌های قیمتی چقدر ممکن است التهابات اجتماعی ایجاد کند. این مسأله باید به‌عنوان یک پرونده جداگانه دیده شود. نباید گفت چون احتمال اعتراض وجود دارد، پس به همان شیوه قبلی قیمت‌گذاری ادامه دهیم. ما باید قیمت‌ها را درست و منطقی تعیین کنیم. در هر صورت، قیمت ۵ هزار تومان هنوز هم قیمت بسیار پایینی است.

الزامات افراد دارای مسئولیت درباره بنزین

مهرداد لاهوتی
عضو کمیسیون برنامه و بودجه

در قانون هدفمندی یارانه‌ها، این اجازه به دولت داده شده بود تا قیمت برخی حامل‌های انرژی را تا ۹۰ درصد قیمت این حامل‌ها در فوب خلیج فارس افزایش دهد.

اما فارغ از این ظرفیت قانونی برای تصمیم‌گیری درباره حامل‌های انرژی، مسأله جدی‌تر شاید این باشد که اساساً بررسی کنیم که در وضعیت فعلی اقتصادی و سیاست خارجی کشور، آیا راه دیگری غیر از افزایش قیمت بنزین وجود دارد یا خیر؟

این مسأله را باید از زاویه هزینه‌های تأمین بنزین در شرایط تحریمی فعلی بررسی کرد. زیرا اختصاص سالانه ۶ تا ۷ میلیارد دلار برای واردات بنزین در شرایطی که دارو و کالاهای اساسی به ارز نیاز دارند، معقول به نظر نمی‌رسد. در کنار این‌ها، واقعیت این است که قیمت بنزین در کشور ما بسیار ارزان است و این واقعیتی است که هیچ کس تردیدی در آن ندارد.

زاویه دیگر بررسی قیمت بنزین، این مسأله است که آیا دولت از محل اصلاح قیمت بنزین به دنبال کسب درآمد برای خود است؟ اگر این‌گونه می‌بود، طبیعی است که مردم هم نظر موافقی با آن نمی‌داشتند. زیرا معقول و اخلاقی نمی‌بود که در شرایط فشارهای اقتصادی که به مردم وارد می‌شود، دولت به دنبال کسب درآمد از این ناحیه باشد. اما ممکن است این مسأله هم مطرح شود که این اصلاح قیمت نه با هدف افزایش درآمدهای دولت، بلکه با هدف کاهش مصرف بنزین در کشور صورت می‌گیرد.

برای این امر هم باید توجه داشت که تجربه گذشته ما نشان داده است حتی اصلاح قیمت بنزین نمی‌تواند باعث کاهش مصرف شود. زیرا همواره تورم توانسته است به قدری قیمت را ناچیز جلوه دهد که مصرف بنزین تأثیری در سبد خانوار نداشته باشد.

برای کاهش مصرف بنزین لازم است راهکارهای دیگری مانند بهبود تولید خودروها در کشور، واردات خودروهای کم مصرف و در نهایت توسعه حمل‌ونقل عمومی مانند مترو و اتوبوس‌های شهری و بین شهری در دستورکار قرار گیرد. به هر رو هر اظهارنظری درباره بنزین و سیاست‌های اصلاحی آن باید با ملاحظه این شرایط انجام شود.

در روزهای گذشته برخی نمایندگان نسبت به این تصویب‌نامه انتقادهایی را مطرح کرده و گفته‌اند که مردم نظر دیگری دارند. این نمایندگان محترم باید در نظر داشته باشند که دولتمردان نیز مانند آنان در میان مردم حضور دارند و اینطور نیست که فقط آنان صدای مردم باشند.

اما در هر صورت، همه فعالان و صاحبنظران و همه ارکان حاضر و دخیل در مسأله بنزین، باید آن را یک مسأله ملی و حاکمیتی تلقی کرده و تلاش کنند تا این سیاست‌ها و راهبردها بدون مشکل و با بیشترین آورده و سود برای کشور و مردم به سرانجام برسد.

بنزین و مسیری که نمی‌توان ادامه داد

سعید بیات
پژوهشگر اقتصاد

درباره تصویب‌نامه اخیر دولت در موضوع بنزین، بحث‌ها و گفت‌وگوهای بسیاری مطرح شده است. اما در نگاهی به همه این بحث‌ها، به نظر می‌رسد می‌شود از دو زاویه به این موضوع نگاه کرد: در منظر اول، مسأله این است که در کشور ما سال‌هاست قیمت بنزین عملاً ثابت مانده است. به این معنی که اگر قیمت این حامل انرژی در یک روند بلندمدت و براساس یک سازوکار روشن و قابل پیش‌بینی اقتصادی و حتی سیاسی، متناسب با نرخ تورم به‌تدریج افزایش پیدا می‌کرد، قطعاً مطلوب‌تر از وضعیتی بود که امروز با آن مواجه هستیم. زیرا امروز ناچار هستیم با یک افزایش و در فضایی ناروشن عمل کنیم. از این منظر، بالا رفتن تدریجی و حساب‌شده قیمت بنزین، با ملاحظات کافی و مشابه آنچه در برخی دوره‌های گذشته تجربه شد، می‌توانست قابل دفاع‌تر باشد.

نکته دوم این است، آن مسیرهای درست که در گذشته وجود داشت، به دلایل متعددی ادامه پیدا نکرد. زیرا سال‌هاست که دولت‌های ما در حوزه قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی، بویژه بنزین، دست به تصمیم‌های ناگهانی زده‌اند که هر بار موجی از ابهام در بازار ایجاد کرده است. قاعدتاً اگر برنامه‌ای منظم، قابل پیش‌بینی و شفاف برای اصلاح قیمت‌ها وجود داشت، این فرآیند می‌توانست در یک مسیر عادی و بدون تنش طی شود؛ درحالی‌که تصمیم جدید به معنای برهم‌زدن تعادل تصنعی موجود در بازار و به تبع آن، ایجاد نوعی نااطمینانی است.

نکته سوم در این زمینه، به ساختار چندنرخی جدیدی که برای بنزین درنظر گرفته شده است، برمی‌گردد؛ یعنی به جایی که صحبت از نرخ‌های هزار و ۵۰۰، ۳ هزار و ۵ هزار تومانی برای بنزین مطرح است.

واقعیت این است که از فردای اجرای نرخ ۵ هزار تومانی برای بنزین، اقتصاد خود را با این سقف قیمتی تنظیم خواهد کرد، نه با سقف‌های قیمتی هزار و ۵۰۰ یا ۳ هزار تومانی. زیرا در منطق اقتصاد کلاسیک، معمولاً بالاترین نرخ بنزین، تعیین‌کننده مناسبات و انتظارات قیمتی در بازار است و بنزین هم یک متغیر کلیدی در ساختار اقتصاد و هزینه‌های دیگر در بازار محسوب می‌شود. بنابراین، پیش از اجرای هر طرح یا تصویب‌نامه، باید اثر این نرخ بالاتر را بر کل اقتصاد و بر رفتار بازیگران اقتصادی به عنوان یک متغیر راهبردی در نظر گرفت.

برآیند همه این ملاحظات اشاره شده، این است که هرچند اصل اصلاح تدریجی قیمت بنزین و نزدیک‌شدن آن به واقعیت‌های اقتصادی قابل دفاع است، اما آنچه باید به صورت ویژه بررسی و درباره آن دقت و ارزیابی‌های جدی شود، نحوه اجرا و زمان‌بندی آن است. زیرا تجربه نشان داده است که فقدان چهارچوب شفاف و پیش‌بینی‌پذیر، می‌تواند تصمیمات دولت‌ها درباره بنزین و سایر حامل‌های انرژی را از منظر ثبات بازار و اعتماد عمومی با چالش مواجه کند.

این یک اصلاح است، یک شوک نیست

آرش نجفی
رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران

افزایش قیمت بنزین که به واقع باید آن را اصلاح قیمت بنزین برشمرد، اساساً اقدام چندان ناخوشایندی برای کشور و اقتصاد ما نیست و به همین دلیل در نگاهی دقیق‌تر می‌توان آن را یک شروع برای طی کردن روند اصلاحی تلقی کرد.

هرچند عدد تعیین شده برای قیمت‌های چندگانه بنزین در نگاه اول، تأثیر قابل توجهی بر افزایش درآمد دولت یا کاهش مصرف و بهینه‌سازی بنزین نخواهد داشت، اما به نوبه خود گام اول برای ایجاد فرآیند پلکانی اصلاح قیمت و مدیریت مصرف بنزین در کشور محسوب می‌شود.

به طور کلی موضوع اصلی در کشور ما، عدالت در توزیع یارانه‌هاست، نه صرفاً اصلاح قیمت بنزین. درباره اصلاح قیمت بنزین نیز باید از این زاویه نگاه کرد. به دیگر سخن، عدالت واقعی در این است که یارانه‌های سوخت به جای خودرو، مستقیم به خانوارها برسد تا همه اقشار بتوانند از آن استفاده کنند، نه اینکه منابع کشور با تبدیل دلار به بنزین، در خودروها به هدر رود.

امروز اصلاح قیمت بنزین در شرایطی رخ می‌دهد که تورم کشور در ۷ سال گذشته نزدیک به چندصد درصد بوده است. نشانه این تورم بالا، این امر است که نرخ ارز از حدود ۱۰ هزار تومان در سال‌های گذشته به بیش از ۱۱۰ هزار تومان در سال جاری رسیده است. در این میان، افزایش اندک کنونی قیمت بنزین که در مصوبه دولت دیده شده است، نسبت به این تورم بزرگ، اثر اقتصادی قابل توجهی محسوب نمی‌شود و به همین دلیل برخی تلقی‌ها مبنی بر اینکه باید انتظار واکنش منفی از سوی مردم نسبت به این اصلاح را داشت، نادرست است و دقیق نیست، مگر آنکه برخی سوءاستفاده‌گران و بازیگران خاص، بخواهند از این فرصت علیه دولت، علیه مردم یا علیه کشور سوءاستفاده کنند.

دولت نیز برای اقناع افکار عمومی باید با مردم شفاف و صادقانه صحبت کند و واقعیت‌ها را برای آنان توضیح دهد، واقعیت‌هایی که امروز کشور در زمینه تأمین ارز خرید بنزین و قیمت آن با آن مواجه است. تجربه نشان داده است در مواردی مانند افزایش قیمت نان یا گوشت که بدون اطلاع‌رسانی و اقناع صورت گرفته است، مردم واکنش منفی نشان داده‌اند. بنابراین، اصلاح قیمت بنزین باید به تدریج و با برنامه‌ریزی شفاف و همراه با اقناع مردم اجرا شود، در کنار آن، باید سازوکارهای شفافی تهیه شود تا درآمدهای حاصله از این محل به گونه‌ای در بخش‌های مختلف جامعه بازتوزیع شود که معیشت خانوارهای کم‌درآمد بهبود یابد و عدالت بیشتری تحقق پیدا کند.

در نهایت اینکه، اصلاح قیمت بنزین آن‌گونه که برخی مطرح می‌کنند، یک شوک بزرگ برای اقتصاد یا جامعه امروز ما نیست بلکه صرفاً گامی کوچک برای اصلاح نظام یارانه‌ها در حوزه حامل‌های انرژی در شرایط کنونی کشور است. این درحالی است که انتظار می‌رود اصلاحات عمیق‌تر و بزرگ‌تری در ساختار اقتصاد و توزیع یارانه‌های کشور صورت بگیرد تا عدالت واقعی برقرار شود و در عین حال هدررفت منابع مردم نیز کنترل شود.

الزامات اصلاح قیمت بنزین

مرتضی افقه
استاد دانشگاه شهید چمران

موضوع اصلاح و افزایش قیمت بنزین فقط مربوط به دولت فعلی نیست و از دوره آقای هاشمی رفسنجانی این مسأله مطرح بوده و بارها اجرا شده است. امروز در زمینه اصلاح قیمت بنزین، استدلال‌های مختلفی مطرح می‌شود. دولت چهاردهم و به طریق اولی کشور، به دلیل بی‌تدبیری‌های گذشته، هشت سال تحریم شدید و تخلیه منابع مالی و اقتصادی کشور در دوره‌های گذشته، در تنگنای مالی قرار دارد. به این ترتیب منابعی که می‌توانستند جایگزین درآمد نفتی حذف‌شده باشند، به دلیل تحریم‌ها در دولت‌های دوازدهم و سیزدهم نقد شده‌اند. استقراض از بانک مرکزی، فروش اموال دولتی، برداشت از صندوق توسعه ملی و انتشار اوراق قرضه از جمله روش‌های استفاده شده در دولت‌های گذشته بوده است. به همین دلیل امروز برای دولت آقای پزشکیان تقریباً منبعی باقی نمانده است که بتواند خلأها را بپوشاند یا برخی کمبودها را جبران کند.

افزون بر این، چند عامل جدید وضعیت مالی دولت را دشوارتر کرده است: بازگشت ترامپ به قدرت و فشار بیشتر بر تحریم‌ها، جنگ ۱۲ روزه و تبعات ادامه‌دار آن که موجب تداوم نگرانی‌ها از بروز دوباره جنگ و بی‌میلی سرمایه‌گذاران به ورود در چنین فضایی شده است. در این میان موضوع «اسنپ‌بک» نیز همچنان پابرجاست. در نتیجه چنین شرایطی، دولت منبع و درآمد ویژه‌ای برای جبران کمبود درآمدهای نفتی ناشی از تحریم‌ها ندارد. یکی از راه‌هایی که دولت‌ها در چنین شرایطی از آن استفاده کرده‌اند، اصلاح قیمت کالاها و خدمات دولتی است. اکنون نیز اگر قرار بر اصلاح قیمت بنزین از طریق افزایش قیمت باشد، به نظر می‌رسد دولت تلاش کرده است این کار را به‌صورت کنترل‌شده انجام دهد تا نگرانی در میان مردم و جامعه ایجاد نشود. در این میان نمی‌توان هدف جبران کسری منابع یا کسری بودجه در اتخاذ این تصمیم را نادیده گرفت که امر نامعقولی از نظر علم اقتصاد هم نیست.

در مقابل، برخی متخصصان اقتصادی دلایل دیگری برای این افزایش مطرح می‌کنند و حتی نسبت به آن اصرار دارند؛ از جمله دلایلی مانند مصرف بالای بنزین، قاچاق سوخت و آلودگی هوا. در زمینه مصرف بالا عوامل متعددی دخیل است که یکی از آنها ممکن است پایین بودن قیمت باشد، اما ساخت خودروهای با کیفیت پایین و با مصرف غیر استاندارد ارتباطی با مردم ندارد.

نبود حمل‌ونقل عمومی مؤثر یا تمرکز حدود ۵۰ درصد جمعیت کشور طی ۳۰ تا ۴۰ سال گذشته در شهرهای بزرگ به نوبه خود موجب افزایش ترافیک، توقف خودروها و در نتیجه مصرف بیشتر بنزین شده است.

همچنین کمبودها در زندگی مردم در دهه‌های اخیر باعث شده است مردم به استفاده از خودروهای فرسوده و از رده خارج ناچار شوند، خودروهایی که مصرفشان چند برابر است. همه این عوامل موجب بالا رفتن مصرف شده‌اند؛ در حالی که هیچ دولتی تاکنون اقدامی جدی برای رفع آنها نکرده است.

اگر دولت در کنار اصلاح قیمت بنزین، اقداماتی همزمان مانند الزام به ساخت خودروهای استاندارد در داخل یا واردات خودروهای با کیفیت قابل خرید برای طبقه متوسط انجام دهد، هم اجرای این سیاست نتایج بهتری به همراه خواهد داشت و هم همراهی مردم بیشتر خواهد بود.

ضرورت‌های اجتماعی یک اصلاح

کامران ندری
عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق(ع)

در روزهایی که بحث اصلاح قیمت حامل‌های انرژی مطرح شده، نگرانی از تبعات معیشتی آن نیز مطرح شده است. بویژه اینکه جامعه تجربه خوبی از تصمیم‌های گذشته ندارد.

البته از منظر اقتصادی، ضرورت‌هایی نیز پشت این اصلاحات نهفته است. تثبیت طولانی‌مدت قیمت انرژی باعث شده است تا امروز قیمت نسبی این حامل‌ها نسبت به سایر کالاها و خدمات کاهش یابد؛ پدیده‌ای که به مصرف بی‌رویه، اتلاف منابع و شکل‌گیری ساختارهایی ناکارآمد در بخش‌های تولیدی و خدماتی منجر شده است. بر همین اساس، افزایش تدریجی و مدیریت‌شده قیمت‌ها می‌تواند به کارایی بیشتر، اصلاح الگوی مصرف و کاهش ناترازی مزمن در حوزه انرژی کمک کند.

از این جهت، اصلاح قیمت‌ها یک ضرورت انکارناپذیر اقتصادی است؛ اما باید توجه داشت که اقتصاد در خلأ عمل نمی‌کند و پیامدهای اجتماعی آن نیاز به لحاظ شدن یا بررسی بیشتر دارد.

در چنین شرایطی، نقش دولت بیش از هر زمان دیگری تعیین‌کننده است.

اگر بناست اصلاح قیمت‌ها ادامه یابد، این مسیر زمانی به موفقیت می‌رسد که سیاست‌های جبرانی و حمایتی مشخص، شفاف و قابل اتکا همزمان با آن اجرا شود؛ سیاست‌هایی که بتواند از حقوق بگیران، کارگران، کارمندان، بازنشستگان و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر حمایت واقعی کند و مانع افت بیشتر قدرت خرید آنان شود.

مردم نیاز دارند این اطمینان را بیابند که بار اصلاحات بر دوش آنها نیست و دولت برای حفظ سطح رفاه عمومی برنامه دارد.

در این میان، نهادهایی مانند سازمان برنامه و بودجه باید با محاسبات دقیق، سناریوسازی شفاف و تحلیل‌های مبتنی بر داده، آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت این اصلاحات را بر رفاه خانوارها پیش‌بینی کنند.

تجربه‌های داخلی و جهانی نشان می‌دهد، موفقیت هر برنامه اصلاحی زمانی تضمین می‌شود که اصلاح ساختارها و حمایت از مردم همزمان و مکمل هم پیش بروند. اصلاح قیمت، اگرچه از منظر اقتصادی لازم است، اما بدون چتر حمایتی کافی، نمی‌تواند نتیجه مطلوب را به همراه داشته باشند.

رایزنی‌های دیپلماتیک عراقچی به ایستگاه پاریس رسید

راستی‌آزمایی وعده فرانسوی‌ها

گزارش

سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه روز گذشته در دور جدید رایزنی‌های دیپلماتیک خود راهی پاریس شد. دوشنبه گذشته اطلاعیه کوتاه وزارت امور خارجه مبنی بر اینکه عراقچی در دور تازه‌ای از رایزنی‌های دیپلماتیک پس از مسقط و لاهه رهسپار پاریس خواهد شد، کافی بود تا بار دیگر فضای سیاست خارجی ایران در فضای حدس و تحلیل قرار گیرد و احتمال بازگشایی پنجره مذاکره هسته‌ای پررنگ شود.

بعد از اعلام تهران برای انجام این سفر بود که پاریس این گمانه زنی‌ها را رسمیت بخشید. «ژان نوئل بارو»، وزیر خارجه فرانسه اعلام کرد که عراقچی روز چهارشنبه راهی پاریس می‌شود تا درباره امکان ازسرگیری همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت‌وگو کند؛ همکاری‌ای که به تعبیر او در چهارچوب توافق هسته‌ای عملاً متوقف مانده است. این موضع‌گیری در شرایطی که روابط تهران و آژانس در وضعیتی پیچیده قرار گرفته است، از این واقعیت حکایت داشت که محور اصلی سفر موضوع پرونده هسته‌ای ایران خواهد بود.

در تهران نیز تلاش شد مسیر سفر عراقچی در چهارچوبی روشن‌تر تبیین شود. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه توضیح داد که وزیر خارجه پس از حضور در اجلاس سالانه سازمان منع سلاح‌های شیمیایی در لاهه و بنا به دعوت رسمی همتای فرانسوی خود عازم پاریس خواهد شد. این توضیح هرچند کوتاه اما نشانه این مهم بود که دور جدید سفرهای وزیر خارجه در قالب یک روند منسجم و رو به گسترش جریان دارد و بر گفت‌وگوهای فنی، رایزنی‌های سیاسی و تلاش برای مدیریت وضعیت پرتنش میان تهران، اروپا و آژانس مبتنی است.

گشوده شدن پنجره مذاکره؟

احتمال احیای مذاکره هسته‌ای با اروپا و همچنین ازسرگیری همکاری‌های ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در شرایطی مطرح است که بعد از اجرای «مکانیزم اسنپ بک» از سوی تروئیکای اروپایی، توافق همکاری ۹ سپتامبر قاهره بین ایران و آژانس عملاً از دستور کار خارج شد. بعد از تجاوز نظامی آشکار آمریکا و اسرائیل به تأسیسات صلح‌آمیز اتمی کشورمان در ژوئن، همکاری با آژانس متوقف شد اما طی توافق قاهره، دو طرف بر سر همکاری‌های محدود توافق کرده بودند. پس از آن و در پی تصویب قطعنامه اخیر شورای حکام آژانس در ۲۱ نوامبر، عراقچی در نامه‌ای به مدیرکل آژانس از لغو رسمی تفاهم قاهره خبر داد.

با این حال برخی تحلیلگران معتقدند که قطعنامه اخیر شورای حکام، پنجره‌های دیپلماسی را باز گذاشته و امکان مذاکره پیرامون موضوع هسته‌ای کماکان فراهم است. در همین راستا کوروش احمدی دیپلمات پیشین ایران در سازمان ملل در گفت‌وگوی اخیر با «ایران» درباره قطعنامه شورای حکام تصریح کرده بود که با این قطعنامه آشکار شد طرف‌های اروپایی فعلاً قصدی برای ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت ندارند و با این کار به دنبال این هدف هستند تا یک پنجره فرصت هم ایجاد کنند. گزاره‌ای که ابراهیم متقی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران نیز در گفت‌وگو با «ایران» تأیید و تکرار کرد که قطعنامه ۲۱ نوامبر شورای حکام نشان می‌دهد که باوجود تهدیدات همچنان مسیرهای دیپلماتیک باز است.

در چنین فضایی باید دید آیا حضور عراقچی در پاریس می‌تواند مسیر تازه‌ای برای گشودن گره مزمن پرونده هسته‌ای فراهم کند؛ مسیری که اگر به نتیجه‌ای قابل اتکا منتهی شود، می‌تواند آزمونی جدی برای سنجش وعده‌ای باشد که امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه در تماس تلفنی چهاردهم آبان با مسعود پزشکیان بر زبان آورد. مکرون در آن گفت‌وگو اعلام کرده بود که شخصاً برای طراحی یک چهارچوب مذاکراتی جدید تلاش خواهد کرد؛ چهارچوبی که به باور او می‌تواند به نتیجه‌ای روشن میان ایران و غرب منجر شود، به شرط آنکه تعاملات موجود در خدمت ایجاد شفافیت، اعتمادسازی متقابل و نهایتاً دستیابی به توافقی باشد که رفع تحریم‌ها و بهبود روابط را به سطح عمل قابل سنجش برساند.

> کارشناسان معتقدند قطعنامه شورای حکام پنجره دیپلماسی را باز گذاشته و دیدار وزرای خارجه ایران و فرانسه می‌تواند آغازی برای گره‌گشایی از پرونده هسته‌ای باشد

سفر لاریجانی به پاکستان آغاز معماری شبکه شرقی

یادداشت

محمد علی قَنامی زاده فلاحی
پژوهشگر مسائل پاکستان در مرکز مطالعات خاورمیانه

سفر آقای لاریجانی به پاکستان را نمی‌توان یک رویداد منفرد دید؛ این سفر در دل‌گذار نظم جهانی و پس‌لرزه‌های جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل معنا پیدا می‌کند. آن جنگ نشان داد که منازعه تهران و تل‌آویو دیگر محدود به سایه‌زنی‌های نامتقارن نیست و می‌تواند به فاز تقابل مستقیم کنترل‌شده وارد شود. در چنین شرایطی، ایران ناگزیر است حاشیه‌های ژئوپلیتیکی خود را بازتعریف کند: امروز جبهه شرقی- از پاکستان تا چین- دیگر فقط عمق پشتیبانی دیپلماتیک نیست، بلکه بخشی از معماری بازدارندگی و تاب‌آوری ملی است. به نظر می‌رسد سیاست نگاه به شرق واقعی در دل سازوکار دیپلماسی جمهوری اسلامی تولدی دوباره یافته است. پاکستان در این معادله یک کشور عادی همسایه نیست؛ بلکه گره ژئوپلیتیکی است که سه صفحه شطرنج را به هم وصل می‌کند: خلیج فارس و غرب آسیا، شبه‌قاره هند و کمربند چین. اسلام‌آباد حداقل سه نقش همزمان دارد: شریک بالقوه در امنیت مرز و افغانستان، دروازه‌ای برای تکمیل محور تهران- پکن، و متعادل کننده نسبی در برابر فشارهای واشنگتن و دهلی‌نو. بعد از جنگ ۱۲ روزه، وقتی شکاف میان بلوک غرب و محورهای شرقی و جنوبی عریان‌تر شد، روشن بود که تهران دیگر نمی‌تواند نسبت به این گره، رویکردی منفعل و موسمی داشته باشد. سفر آقای لاریجانی یعنی ارتقای این پرونده از سطح مدیریت بحران‌های گاه‌به‌گاه به سطح «طراحی رابطه راهبردی.»

از زاویه رقابت شرق و غرب، پاکستان میدان فشار متقاطع است: متحد رسمی واشنگتن بوده، با چین شراکت راهبردی دارد، از عربستان کمک مالی می‌گیرد و در عین حال، باید با ایران همسایگی کند. هنر سیاست خارجی ایران در این صحنه، تبدیل این وضعیت از تهدید به فرصت است. نگاه نوآورانه به این سفر یعنی درک این نکته که ما به‌جای تلاش یک‌جانبه برای کشیدن پاکستان تمام‌قد به اردوگاه خود، باید روی هم همپوشانی منافع و هم مدیریت اختلافات سرمایه‌گذاری کنیم. پاکستان هرگز از چین جدا نخواهد شد و هرگز به طور کامل از غرب قطع نمی‌شود؛ اما می‌تواند در محور تهران- پکن، نقش حلقه تکمیلی ایفا کند: از اتصال کریدورهای ترانزیتی تا شکل‌دهی به سازوکارهای مالی و امنیتی موازی با ساختارهای تحت سلطه دلار.

حلقه وصل دیگر این سفر چین است، پاکستان برای ایران نوعی آزمایشگاه عملی است. پکن سال‌هاست از طریق کریدور اقتصادی چین- پاکستان در زیرساخت، بندر، نیروگاه پاکستان سهیم است و مدل خاص خود از نفوذ پایدار را اجرا کرده است. لذا نزدیک‌شدن به اسلام‌آباد یعنی نزدیک‌شدن به فهم عینی‌تر از این مدل و امکان هم‌افزایی سه‌جانبه: چین سرمایه و تکنولوژی و بازار دارد، ایران انرژی و موقعیت ژئوپلیتیک و عمق غربی، و پاکستان ظرفیت انسانی، موقعیت بندری و پیوند با شبه‌قاره. اگر این مثلث به شکل هوشمند طراحی شود، سفر لاریجانی می‌تواند نقطه آغاز معماری یک شبکه شرقی باشد که وابستگی ایران به کانال‌های غرب‌محور را کاهش می‌دهد، بدون آن‌که تهران را به حیاط خلوت هیچ قدرتی تبدیل کند. در نظم در حال‌گذار بین‌المللی، دیگر دوران بی‌طرفی از بین رفته است و باید سبد متحدین را به درستی و با ظرافت انتخاب کرد. پاکستان ظرفیت بالقوه‌ای برای نبردهای احتمالی آتی علیه جمهوری اسلامی دارد. یکی از ظرفیت‌های مذکور، همکاری پاکستان- چین در سیستم ماهواره‌ای بایدو است که مانند سیستم آواکس که برای هماهنگی سیستم اطلاعاتی و عملیاتی غرب استفاده می‌شود، عمل می‌کند. منطقه جنوب آسیا ظرفیت بسیار بالایی برای ضربات تروریستی علیه ایران دارد که می‌تواند برای اقدامات ایزایی علیه جمهوری اسلامی در نبردهای آتی احتمالی به کار رود، لذا سفر دیپلماتیک آقای لاریجانی می‌تواند همکاری‌های امنیتی را با پاکستان برای کنترل گروه‌های تروریستی مذکور بیش از پیش کرده و همچنین سیستم ماهواره‌ای غیرغربی را نیز به ایران منتقل کند، در این صورت همکاری پکن- تهران در رویارویی جهان شرق و غرب افزایش می‌یابد.

با این حال، نباید از نظرها دور داشت که پاکستان نسبت به روابط تهران با دهلی‌نو، نقش ایران در افغانستان و مسأله گروه‌های مسلح در مرز حساسیت‌های مزمن دارد؛ در تهران هم سوءظن تاریخی نسبت به پیوندهای امنیتی اسلام‌آباد و واشنگتن و ریاض وجود دارد. نوآوری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی یعنی عبور از منطق یا با ما یا علیه ما و پذیرش این واقعیت که پاکستان همیشه بازیگری چندبرداری باقی خواهد ماند. هدف واقع‌بینانه برای ایران، نه تغییر هویت راهبردی پاکستان، بلکه قفل‌کردن حداقلی منافع مشترک در چند محور کلیدی است: امنیت مرز، افغانستان، انرژی و هماهنگی در پرونده‌های حساس منطقه‌ای. سفر لاریجانی به پاکستان در ذهن یک سیاستمدار ایرانی باید نه به‌عنوان یک مأموریت تشریفاتی، بلکه به‌عنوان تمرین عملی دکترین جدید ایران دیده شود: دکترین عبور از تمرکز یک‌جانبه بر غرب آسیا، تنوع‌بخشی به اتکای خارجی در رقابت شرق و غرب، و تبدیل همسایگان شرقی از حاشیه به ستون‌های مکمل در نظم در حال گذار. موفقیت این سفر نه با تعداد بیانیه‌ها، بلکه با یک شاخص سنجیده می‌شود: آیا بعد از آن، اسلام‌آباد در محاسبات تهران به یک شریک قابل مدیریت و قابل اتکا حتی در سطحی محدود تبدیل شده است یا نه. اگر پاسخ به این سؤال در سال‌های آینده مثبت باشد، آن‌وقت می‌توان گفت سفر مذکور در اسلام‌آباد یکی از قطعات اصلی نظم آینده ایران را روی صفحه چیده است. پاکستان در دوراهی همکاری بین شرق و غرب در تنگنا قرار دارد و تصمیم وی برای همراهی با هر یک از دو بلوک بسیار سرنوشت ساز است.

دبیر اجرایی ششمین نمایشگاه کتاب کیش:

۱۷۰۰۰ عنوان کتاب در نمایشگاه کتاب کیش عرضه می‌شود

بنگاه

داود رادمند دبیر اجرایی ششمین دوره نمایشگاه کتاب کیش در نشست خبری که روز گذشته در سالن اجتماعات سازمان منطقه آزاد کیش برگزار شد، گفت: «با اقدامات انجام شده در طول ماه‌های گذشته و طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته از یکم تا نهم آذرماه ۱۴۰۴ نمایشگاه کتاب کیش را در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی کیش برگزار خواهد شد.»

به گزارش اقتصاد کیش وی افزود: «این نمایشگاه با همت سازمان منطقه آزاد کیش به عنوان حلقه اصلی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان حلقه دوم و با مشارکت بخش خصوصی به عنوان حلقه سوم برگزار خواهد شد.»

رادمند با بیان اینکه طبق سنوات گذشته تمام تلاش خود را در گردآوری تازه‌های نشر کشور به کار گرفته‌ایم، گفت: «ناشران برتر و برگزیده کشور در حوزه کودک و نوجوان، عمومی، زبان و ادبیات انگلیسی، روانشناسی، رمان و کتب کمک آموزشی و... گردهم آمده‌اند تا بتوانیم به روزترین کتاب‌ها در حوزه‌های متنوع را در اختیار کیشوندان و مخاطبان عزیز قرار دهیم.»

وی افزود: «بیش از ۱۷ هزار عنوان کتاب و آثار ۳۰۰ ناشر برتر در این دوره از نمایشگاه ارائه خواهد شد.»

رادمند با بیان اینکه اطلاع‌رسانی هوشمند برای سهولت دسترسی مخاطبان به کتاب‌های مورد نظرشان یکی از نقاط قوت نمایشگاه خواهد بود، افزود: «اعمال تخفیف برای کتاب‌های کمک آموزشی؛ تدارک سرویس ایاب و ذهاب برای بازدید دانش‌آموزان و سایر مخاطبان از نمایشگاه از دیگر برنامه‌های جنبی و تدارک دیده شده است.»

دبیر اجرایی ششمین دوره نمایشگاه کتاب کیش با اشاره به اینکه پویایی، بالندگی و تحول فرهنگی را از یکم تا نهم آذرماه در جزیره کیش پیش رو خواهیم داشت، گفت: «سرانه مطالعه در کیش نسبت به سرانه مطالعه در کشور تفاوت قابل توجهی دارد و رویکرد سازمان منطقه آزاد کیش نسبت به مقوله کتاب از آن جهت ارزنده است که این تفاوت را بیشتر خواهد کرد و کتاب را در سبد خانوارها قرار خواهد داد و این الگویی برای کل کشور خواهد بود.» وی با اعلام این خبر که یارانه کتاب را با ۵۰ درصد تخفیف ارائه خواهیم داد، گفت: «هر فرد با ارائه کد ملی تا سقف ۶۰۰ هزار تومان می‌تواند با تخفیف ۵۰ درصد کتاب خریداری نماید.»

رادمند در پایان از برگزاری برنامه‌های مفرح جنبی چون برگزاری کارگاه‌های آموزشی، شاهنامه خوانی و مراسم رونمایی از کتاب خبرداد و گفت: «اخبار تکمیلی در طول برگزاری نمایشگاه کتاب کیش به اطلاع عموم خواهد رسید.»

آگهی مزایده عمومی فروش سهام

بانک رفاه کارگران
REFAH KARGARAN BANK

شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس

شماره ۱۴۰۴/۰۳

مجموعه بانک رفاه کارگران در نظر دارد نسبت به **فروش ۱۰۰ درصد سهام شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس به‌تعداد ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ سهم به ارزش ۱۹,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید.** متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌های بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، روبه‌روی بیمارستان پارس، ساختمان بانک رفاه کارگران، اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌های بانک مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند (شماره‌های تماس: ۰۲۱۴۱۳۷۳۳۱۰).

شرایط شرکت در مزایده:

۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به‌شرح جدول ذیل به‌اطلاع متقاضیان می‌رسد.

مبالغ به ریال

نام شرکت	سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس
سرمایه ثبت شده	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
تعداد سهام قابل واگذاری	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری	۱۹,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۱,۵۸۹,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰
شرایط واگذاری[۱]	نقد و اقساط به‌صورت ۸۰ درصد نقد و الباقی اقساط ۶ ماهه طی ۵ سال با نرخ ۲۳ درصد سالیانه

[۱] قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری به ترتیب:
۱- با خریدارانی است که متقاضی خرید نقدی بوده و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.
۲- با خریدارانی است که حصه نقدی بیشتر و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.

۲- **سپرده شرکت در مزایده** معادل ۱۰ درصد ارزش حصه نقدی ثمن معامله می‌باشد که می‌بایستی به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب شماره ۵۰۰۰۰۱۴ به‌نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار سه ماهه به‌صورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی‌قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانت‌نامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.

۳- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز **چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲** به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیار غبن ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.

۵- چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گزار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی بانک و پرداخت بخش نقدی ثمن معامله و ارائه اسناد تضمین اقدام ننماید، هیچ‌گونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گزار می‌تواند ضمانت‌نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.

۶- پاکت‌های مزایده در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر(عج)، نرسیده به میدان ونک، ساختمان بانک رفاه کارگران مفتوح خواهد گردید. حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائز رتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.

۷- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم (وجه نقد/ضمانت‌نامه بانکی معتبر-وفق بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل بخش نقدی ثمن معامله و دریافت اسناد تضمین از برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.

۸- فروشنده در رد یا قبول هر یک از/ کلیه پیشنهادات واصله مختار است.

تجدید مزایده عمومی ۱۴۰۴/۱۰

شرکت سرمایه معدنی نوظهور کویر بافق (سهامی خاص)

شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق (سهامی خاص) در نظر دارد بخشی از محصول سنگ آهن دانه بندی خود از طریق مزایده عمومی و تشریفات قانونی به شرکت‌های واجد صلاحیت و با شرایط به‌شرح ذیل، به‌فروش برساند.

۱- **موضوع مزایده:** فروش محصول سنگ آهن دانه بندی به مقدار ۵۰ هزارتن با عیار آهن ۱±۴۱ درصد براساس مشخصات فنی مندرج در اسناد مزایده.

۲- **مدت قرارداد:** ۱ ماه شمسی و قابل تمدید براساس شرایط مزایده.

۳- **زمان دریافت اسناد مزایده:** از تاریخ روز پنج‌شنبه ۶ آذر ماه سال ۱۴۰۴ لغایت پایان وقت اداری روز چهارشنبه ۱۲ آذر ماه سال ۱۴۰۴.

۴- **مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد مزایده:** واریز مبلغ ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ (دوازده میلیون) ریال به‌شماره شبای IR ۹۶۰۱۳۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۲۷۵۰۱۴۲۶۵ بانک رفاه کارگران به‌نام شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق به‌همراه معرفی‌نامه از طرف شرکت کنندگان.

۵- **نحوه دریافت اسناد:**
- **آدرس دفتر مرکزی:** بافق - شهرک آهنشهر- میدان توحید - پلاک ۱۲۷ به کدپستی ۸۹۷۵۱۳۳۱۹۲ - به‌شماره تماس ۰۳۵۳۸۴۲۱۰۰۰-۹
- **آدرس دفتر تهران:** خیابان شریعتی- خیابان معلم -روبه‌روی مرکز جغرافیایی- برج فردوسی طبقه ششم واحد ۱ به کدپستی ۱۶۳۹۶۸۵۱۶۵ به‌شماره تماس ۰۲۱-۸۸۳۹۷۴۲۷

همچنین جهت دریافت اوراق مزایده و سایر شرایط به آدرس www.nomico.co و یا از طریق ایمیل سازمانی cs@nomico.co مراجعه نمایید.

۶- **آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها:** ساعت ۱۶:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۷ آذرماه سال ۱۴۰۴.

۷- این آگهی هیچ گونه تعهدی برای دستگاه مزایده‌گزار ایجاد نمی‌نماید و این شرکت در رد و قبول کلیه پیشنهادهای واصله مختار خواهد بود.

ایران سامانه آگهی‌های بازرگانی

پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران

۱۸۷۷

چرا تصمیم ترامپ در از سرگیری آزمایش‌های هسته‌ای بیشتر به ضرر آمریکا خواهد بود؟

درس‌های «لوس آلاموس»

اظهارات اخیر دونالد ترامپ درباره احتمال ازسرگیری آزمایش‌های هسته‌ای آمریکا پس از بیش از سه دهه توقف، موجی از نگرانی‌های امنیتی و سیاسی در سطح جهانی را برانگیخته است. چنین اظهاراتی پس از آن مطرح می‌شود که از اوایل دهه ۱۹۹۰ به این سو، روند توقف آزمایش‌های هسته‌ای در جهان تقریباً تثبیت شده است. به اعتقاد کارشناسان، صدور سیگنال بازگشت آمریکا به آزمایش‌های هسته‌ای می‌تواند به‌مثابه شکستن سکوت یک نظام نسبتاً پایدار کنترل تسلیحات در جهان تلقی شود. دونالد ترامپ در ماه‌های گذشته چندین بار اقدام به ارسال سیگنال‌های هسته‌ای کرده است؛ از جمله اشاره به اعزام زیردریایی‌های مجهز به تسلیحات هسته‌ای به نزدیکی سواحل روسیه و طرح احتمال آغاز آزمایش‌های هسته‌ای پیش از دیدار با رئیس جمهوری چین در کره‌جنوبی. تحلیلگران هشدار می‌دهند، از سرگیری آزمایش‌های انفجاری هسته‌ای یک نقطه‌عطف خطرناک است؛ اقدامی که می‌تواند ثبات استراتژیک را برهم زند، راه را برای یک مسابقه تسلیحاتی نوین باز کند و بازگشت به دوره‌ای از عدم‌شفافیت و رقابت تسلیحاتی منجر شود. بازگشت احتمالی واشنگتن به آزمایش‌های هسته‌ای در شرایطی مطرح شده که آخرین توافق باقی‌مانده برای محدودسازی زرادخانه‌های هسته‌ای آمریکا و روسیه یعنی پیمان «استارت جدید» اوایل سال ۲۰۲۶ منقضی می‌شود. این تصمیم می‌تواند چین و روسیه را در موقعیتی قرار دهد که یا مجبور به واکنش شوند یا اینکه مشروعیت اظهارات قبلی‌شان درباره پایبندی به هنجارهای بین‌المللی زیر سؤال برود. ازسرگیری آزمایش‌های هسته‌ای خطر شکل‌گیری واکنش‌های زنجیره‌ای را به همراه دارد. باز کردن پرونده آزمایش‌های هسته‌ای پس از سه دهه خویشتنداری، فقط یک مسابقه تسلیحاتی دیگر نیست؛ بلکه موضوعی پیچیده‌تر، پرخطرتر و بسیار خطرناک‌تر از جنگ سرد است و تقریباً به سرنوشت بشریت مرتبط است. زیگفرید هکر که استاد مرکز مطالعات منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در دانشکده انرژی هسته‌ای دانشگاه تگزاس و استاد بازنشسته دانشگاه استنفورد است، در مقاله‌ای مبسوط در «فارن افرز» استدلال کرده است فرمان ترامپ در بازگشت آزمایش هسته‌ای می‌تواند به نفع رقبای آمریکا تمام شود. در ادامه یادداشت این مدیر بازنشسته لوس آلاموس آمده است.

گزارش

زیگفرید هکر
مدیر سابق آزمایشگاه لوس آلاموس

ماه گذشته، دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، بحثی چند دهه‌ای درباره آزمایش‌های هسته‌ای را دوباره مطرح کرد. او در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «به دلیل برنامه‌های آزمایشی سایر کشورها، به وزارت جنگ دستور داده‌ام که آزمایش سلاح‌های هسته‌ای ما را به طور مساوی آغاز کند.»
ایالات متحده از ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۲ هیچ سلاح هسته‌ای را آزمایش نکرده است. وزیر انرژی آمریکا، کریس رایت به سرعت سعی کرد گفته ترامپ را پس بگیرد و در فاکس نیوز توضیح داد که منظور رئیس جمهوری آزمایش سیستم‌های پرتاب هسته‌ای بوده است، نه مواد منفجره. اما ترامپ بر منظور اصلی خود تأکید کرد و به برنامه ۶۰ دقیقه گفت که در پاسخ به انفجارهای هسته‌ای زیرزمینی مخفی ادعایی چین و روسیه، دستور از سرگیری آزمایش‌های هسته‌ای را داده است. او گفت: «آنها آزمایش‌ها را در زیرزمین انجام می‌دهند، جایی که مردم نمی‌دانند با آزمایش چه اتفاقی می‌افتد.»
مقامات اطلاعاتی در دولت اول ترامپ و دولت بایدن این سؤال را مطرح کردند که آیا دشمنان ایالات متحده، به ویژه چین و روسیه، مخفیانه سلاح‌های هسته‌ای را آزمایش می‌کنند یا خیر. هم پروژه ۲۰۲۵ بنیاد هریتیج و هم رابرت اوبراین مشاور امنیت ملی سابق ترامپ، خواستار از سرگیری آزمایش‌ها شده‌اند تا اطمینان حاصل شود که زرادخانه هسته‌ای قدیمی ایالات متحده ایمن، مؤثر و قابل اعتماد است. ایالات متحده تقریباً ۳۷۰۰ سلاح هسته‌ای دارد که گمان می‌رود حدود ۱۷۷۰ مورد از آنها به صورت نظامی مستقر شده‌اند، اما همه این سلاح‌ها قبل از آخرین آزمایش ایالات متحده در سال ۱۹۹۲ تولید و آزمایش شده‌اند.
من عمیقاً با این بحث آشنا هستم. وقتی برای اولین بار در سال ۱۹۶۵ به عنوان دانشجوی کارشناسی ارشد تابستانی به آزمایشگاه علمی لوس آلاموس در نیومکزیکو آمدم، ایالات متحده بیش از ۴۰۰ آزمایش هسته‌ای (حدود نیمی در جو و بقیه در زیر زمین) انجام داده بود. زرادخانه هسته‌ای آن شامل حدود ۳۰ هزار سلاح بود. من از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۷ در طول فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان مدیر آزمایشگاه خدمت کردم که منجر به کاهش شدید زرادخانه‌های هسته‌ای روسیه و آمریکا، توقف آزمایش‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۲ و پیمان جامع ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ شد.
اکنون، حدود ۳۳ سال پس از آخرین آزمایش هسته‌ای آمریکا، زرادخانه هسته‌ای فرسوده، چالش‌های فزاینده‌ای را برای حفظ ایمنی، اثربخشی و قابلیت اطمینان خود ایجاد می‌کند. اما بازگشت به آزمایش در این زمان احتمالاً بیشتر به نفع دشمنان ایالات متحده خواهد بود تا ایالات متحده. بدتر از آن، ممکن است مسابقه تسلیحاتی حتی بزرگ‌تر و گسترده‌تری را نسبت به چند دهه اول جنگ سرد دوباره شعله‌ور کند.

آزمایش قانون‌شکن

آزمایش هسته‌ای در دهه ۱۹۵۰ میلادی، زمانی که اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده به سمت بمب‌های هیدروژنی و سلاح‌های هسته‌ای قابل حمل با موشک پیش می‌رفتند، ضروری تلقی می‌شد. در اواخر این دهه، انفجارهای جوی با بارش رادیواکتیو، خسارات سنگینی بر سلامت و محیط زیست جهان وارد کرده بودند. عواقب آن در جزایر مارشال شمالی که ایالات متحده بیشتر آزمایش‌های خود را انجام می‌داد، چشمگیرتر بود. مخالفت عمومی جهانی منجر به توقف آزمایش‌ها از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ توسط سه کشور دارای سلاح هسته‌ای در آن زمان یعنی اتحاد جماهیر شوروی، بریتانیا و ایالات متحده شد.
به دلیل حساسیت لغو احتمالی مهلت قانونی آزمایش، رئیس جمهوری وقت آمریکا دوایت آیزنهاور از این موضوع مطلع شد و او اجازه داد آنچه «آزمایش‌های هیدروهسته‌ای» نامیده می‌شد، بدون اطلاع قبلی و در زیر زمین در لوس آلاموس انجام شود. ۳۵ آزمایش از این دست در لوس آلاموس و تعداد کمتری در سایت آزمایشی نوادا توسط آزمایشگاه لارنس لیورمور انجام شد. آزمایش‌های هسته‌ای در سپتامبر ۱۹۶۱، زمانی که شوروی جهان را شوکه کرد و اولین مهلت قانونی آزمایش را لغو کرد، دوباره با شدت بیشتری آغاز شد. ایالات متحده به سرعت واکنش نشان داد؛ با ۱۰ آزمایش در اواخر همان سال و با ۹۸ آزمایش در سال ۱۹۶۲ که تقریباً نیمی از آنها در جو بود. با این حال، با تشدید نگرانی‌ها در مورد بارش هسته‌ای و افزایش دوباره فشار افکار عمومی، نیکیتا خروشچف نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی، جان اف کندی رئیس جمهوری ایالات متحده، و هارولد مک میلان نخست وزیر بریتانیا، در پیمان منع آزمایش محدود که در سال ۱۹۶۳ امضا شد، توافق کردند که آزمایش‌های هسته‌ای را به انفجارهای زیرزمینی محدود کنند. آخرین آزمایش‌های جوی توسط این سه کشور در سال ۱۹۶۲ انجام شد. فرانسه و چین که تقریباً در همان زمان به باشگاه هسته‌ای پیوسته بودند، آخرین آزمایش‌های جوی خود را به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۸۰ انجام دادند.

آزمایش زیرزمینی می‌شود

علیرغم پیمان منع محدود آزمایش‌های هسته‌ای، اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده هنوز در یک مسابقه تسلیحاتی شدید بودند. شوروی‌ها در حال تلاش برای جبران عقب‌ماندگی بودند و هر ۱۰ سال بیش از ۱۰ هزار سلاح اضافه می‌کردند (و در نهایت تا پایان دهه ۱۹۸۰ به ۴۱ هزار سلاح رسیدند) زرادخانه ایالات متحده در سال ۱۹۶۷ به اوج خود یعنی ۳۱ هزار سلاح رسیده بود و به آرامی در حال کاهش بود. جنگ سرد همچنان ادامه داشت و آزمایش‌های هسته‌ای که زیرزمینی بودند، هنوز برای هر دو ضروری بودند. در ۱۰ سال پس از پیمان جدید، ایالات متحده نزدیک به ۴۰۰ آزمایش زیرزمینی و اتحاد جماهیر شوروی حدود ۱۷۰ آزمایش انجام دادند.
با این حال، اکثر کشورهای غیر هسته‌ای همچنان خواستار ممنوعیت کامل آزمایش‌ها بودند. ۱۶ سال طول کشید تا دو کشور پیمان منع آزمایش هسته‌ای بالاتر از ۱۵۰ کیلوتن (TTBT) را تصویب کنند زیرا هر طرف به تقلب دیگری مشکوک بود. سرانجام پس از دیدار میخائیل گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی و رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا در اجلاس تاریخی اکتبر ۱۹۸۶ در ریکیاویک، چرخ‌های تصویب پیمان منع آزمایش هسته‌ای (CTBT) به حرکت درآمد.

رسیدن به صفر

جورج اچ دبلیو بوش در اکتبر ۱۹۹۲ با اکراه CTBT را امضا کرد؛ اگرچه او معتقد بود آزمایش‌های هسته‌ای برای امنیت ملی مهم است. تنها سه ماه بعد، بیل کلینتون رئیس جمهوری وقت پس از روی کار آمدن، ممنوعیت جامع آزمایش‌های هسته‌ای را در اولویت اصلی خود قرار داد.
مقامات دولت کلینتون آزمایشگاه‌ها و ارتش را در بحث‌های فشرده‌ای در مورد صلاح بودن چنین تغییر اساسی در آمادگی ذخایر هسته‌ای کشور هدایت کردند. به عنوان مثال، در ژوئن ۱۹۹۵، فرمانده فرماندهی استراتژیک که مسئولیت نیروهای هسته‌ای ایالات متحده را بر عهده داشت، رؤسای آزمایشگاه‌ها و مقامات وزارتخانه‌های انرژی و دفاع را به اوماها آورد. آزمایشگاه‌ها توضیح دادند که با محدودیت‌های آزمایش ده کیلوتن، یک کیلوتن و کمتر، چه چیزی را می‌توان به دست آورد.
بر اساس تجربه لوس آلاموس در سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱، من اهمیت حفظ حق انجام چنین آزمایش‌های هسته‌ای را مطرح کردم، اما برای کلینتون، یک الزام سیاسی برای رسیدن به صفر وجود داشت.
پیش از تصمیم نهایی کلینتون در مورد این پیمان، او به رئیس ستاد مشترک ارتش ژنرال جان شالیکاشویلی دستور داد تا از مدیران آزمایشگاه‌های تسلیحاتی بپرسد که آیا از پیمان منع آزمایش‌های هسته‌ای با بازده صفر حمایت می‌کنند یا خیر. به یاد دارم که چگونه در ژوئیه ۱۹۹۵، شالیکاشویلی در دفترش در پنتاگون مستقیماً به چشمان من نگاه کرد و پرسید که آیا باید به کلینتون بگوید که آزمایش برای ایمن و قابل اعتماد نگه داشتن سلاح‌های هسته‌ای ما ضروری است. من به او گفتم که ذخایر هسته‌ای ایمن و قابل اعتماد است، اما او باید این سؤال را در سال‌های آینده دوباره بپرسد.
کلینتون در ۱۱ آگوست ۱۹۹۵ ممنوعیت آزمایش با بازده صفر را اعلام کرد. این نشان‌دهنده یک تغییر چشمگیر برای آزمایشگاه‌ها و خطر قابل توجهی برای آمادگی زرادخانه هسته‌ای کشور بود. دولت کلینتون با صدور شش ضمانت‌نامه که شرایط ورود ایالات متحده به CTBT را تعریف می‌کرد، به نگرانی‌های ابراز شده توسط مدیران آزمایشگاه‌ها و ارتش رسیدگی کرد. در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۶، ایالات متحده به ۷۰ کشور دیگر، از جمله چین، فرانسه، روسیه و بریتانیا، در امضای CTBT پیوست. همان‌طور که کلینتون در آن زمان اظهار کرد: «این پیمان، طولانی‌ترین و سخت‌ترین دستاورد در تاریخ کنترل تسلیحات است. پیام آن غیرقابل انکار است: دوران آزمایش‌های انفجاری هسته‌ای به پایان رسیده است.»
من به اندازه رئیس جمهوری در مورد CTBT مشتاق نبودم. من گذار از دوران آزمایش به دوران بدون آزمایش را چالشی عظیم می‌دانستم. ایالات متحده با دور زدن آزمایش‌های نهایی که در سال ۱۹۹۲ برنامه‌ریزی شده بود، فرصت بررسی نگرانی‌ها در مورد فرسودگی سلاح‌های خود را از دست داد. در مقابل، چین و فرانسه، هر کدام قبل از امضای CTBT حداقل شش آزمایش هسته‌ای انجام دادند. در نتیجه، هر دو برای ممنوعیت آزمایش‌ها آمادگی بهتری نسبت به ایالات متحده داشتند.

> با توجه به فعالیت‌های گسترده‌ای که در سایت‌های آزمایش هسته‌ای چین و روسیه در سال‌های اخیر مشاهده شده است، این احتمال وجود دارد که هر دو کشور بتوانند آزمایش‌های هسته‌ای در مقیاس کامل را بسیار سریع‌تر از ایالات متحده از سر بگیرند. از سرگیری آزمایش‌های در مقیاس کامل توسط هر یک از این سه کشور همچنین می‌تواند به هند، کره‌شمالی و پاکستان اجازه دهد تا بر موانع سیاسی برای ازسرگیری آزمایش‌ها غلبه کنند

آزمایش بده‌بستان

در حالی که از سرگیری آزمایش‌های هسته‌ای در مقیاس کامل به ایالات متحده این امکان را می‌دهد که به برخی از سؤالات مهم در مورد مناسب بودن ذخایر خود پاسخ دهد، این امر مزایای بیشتری را برای چین و روسیه به همراه خواهد داشت. وقتی ترامپ در رسانه‌های اجتماعی نوشت که چین و روسیه در حال حاضر در حال آزمایش سلاح‌های هسته‌ای هستند، احتمالاً منظور او آزمایش‌های هسته‌ای با قدرت بسیار پایین بوده است که بدون حضور در محل قابل تشخیص نیستند. (اگر چین یا روسیه آزمایش‌های هسته‌ای در محدوده چند کیلوتن انجام می‌دادند، مطمئناً توسط سیستم نظارت بین‌المللی دقیق آزمایش که توسط سازمان پیمان جامع منع آزمایش ایجاد شده است، شناسایی می‌شد.)
احتمالاً نه چین و نه روسیه این آزمایش‌ها را ناقض CTBT نمی‌دانند. روسیه پیمان CTBT را در سال ۲۰۰۰ امضا کرد، اما در نوامبر ۲۰۲۳ تصویب آن را لغو کرد. چین این پیمان را امضا کرده اما گمان می‌رود که منتظر تصویب اولیه آن توسط ایالات متحده باشد. مانند ایالات متحده، روسیه و چین ادعا می‌کنند که مطابق با اصل حقوقی بین‌المللی، به این پیمان پایبند هستند. این اصل می‌گوید که وقتی کشوری پیمانی را امضا می‌کند (حتی اگر آن را تصویب نکند) قرار نیست «هدف و منظور» پیمان را نقض کند.
با این حال، روسیه و چین احتمالاً اصرار دولت کلینتون بر پیمان عدم تولید سلاح هسته‌ای را متفاوت از ایالات متحده تفسیر می‌کنند. دلیل این امر این است که عدم تولید سلاح هسته‌ای از زمان شکافت پلوتونیوم به خودی خود هیچ مبنای فنی ندارد. در واقع، متن پیمان که در ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد پذیرفته شد، هیچ اشاره‌ای به عدم تولید سلاح هسته‌ای نمی‌کند. در این پیمان فقط آمده است: «هر کشور عضو متعهد می‌شود که هیچ انفجار آزمایشی سلاح هسته‌ای یا هیچ انفجار هسته‌ای دیگری انجام ندهد.» اگرچه سوابق مذاکرات پیمان نشان می‌دهد که مقامات روسی و چینی با عدم تولید سلاح هسته‌ای موافقت کرده‌اند، چین در آن زمان به آزمایش‌های هسته‌ای علاقه‌مند نبود زیرا از پیچیدگی فنی لازم برای بهره‌مندی از آنها برخوردار نبود. در همین حال، همتایان روسی من در آن زمان شکایت داشتند که عدم تولید سلاح هسته‌ای بی‌معنی و غیرقابل تأیید است. آنها آزمایش‌های هسته‌ای را ممنوعه نمی‌دانستند. گذشته از همه اینها، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی آزمایش‌های هیدروهسته‌ای را در طول مهلت قانونی ۱۹۶۱-۱۹۵۸ توجیه کردند، زیرا آنها را «انفجار هسته‌ای» نمی‌دانستند.
این سؤال که آیا چین و روسیه این آزمایش‌ها را انجام می‌دهند در حالی که ایالات متحده این کار را نمی‌کند، تا زمانی که مسأله بازده صفر به طور کامل حل نشود، همچنان بحث‌برانگیز خواهد بود. آزمایش‌های هسته‌ای یا باید توسط پنج قدرت هسته‌ای مستقر تأیید شوند و انجام آنها برای ایالات متحده ممکن باشد، یا باید به طور خاص با مقررات کافی برای تأیید، ممنوع شوند.
در همین حال، ازسرگیری آزمایش‌های هسته‌ای در مقیاس کامل به ایالات متحده این امکان را می‌دهد که به برخی از سؤالات مهم در مورد گودال‌های پلوتونیوم قدیمی و بازسازی‌شده پاسخ دهد. اما این امر به چین و روسیه حتی بیشتر کمک خواهد کرد. به عنوان مثال، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، سیستم‌های تسلیحاتی جدید و عجیب و غریب، مانند موشک کروز هسته‌ای و اژدر عظیم هسته‌ای و مسلح به کلاهک هسته‌ای پوسایدون را به نمایش گذاشته است. آزمایش احتمالاً به روسیه اعتماد بیشتری به این سیستم‌ها خواهد داد.
با این حال، چین احتمالاً بیشترین درس را خواهد آموخت. آزمایش هسته‌ای، آموخته‌های این کشور از معدود آزمایش‌هایی را که توانست در دهه ۱۹۹۰ روی سیستم‌های تسلیحاتی که زرادخانه امروزش را تشکیل می‌دهند، انجام دهد تقویت می‌کند. همچنین به استقرار زرادخانه هسته‌ای بسیار گسترش‌یافته‌ای که اکنون در حال توسعه آن است، کمک خواهد کرد. با توجه به فعالیت‌های گسترده‌ای که در سایت‌های آزمایش هسته‌ای چین و روسیه در سال‌های اخیر مشاهده شده است، این احتمال وجود دارد که هر دو کشور بتوانند آزمایش‌های هسته‌ای در مقیاس کامل را بسیار سریع‌تر از ایالات متحده از سر بگیرند. از سرگیری آزمایش‌های در مقیاس کامل توسط هر یک از این سه کشور همچنین می‌تواند به هند، کره‌شمالی و پاکستان اجازه دهد تا بر موانع سیاسی برای ازسرگیری آزمایش‌ها غلبه کنند.
ایالات متحده غنی‌ترین تاریخ آزمایش هسته‌ای را دارد. این کشور ۱۰۵۴ آزمایش هسته‌ای انجام داده است. روسیه ۷۱۵ آزمایش هسته‌ای انجام داده است؛ فرانسه ۲۱۰ آزمایش؛ بریتانیا ۴۵ آزمایش؛ چین ۴۵ آزمایش؛ هند ۶ آزمایش؛ پاکستان ۶ آزمایش و کره‌شمالی ۶ آزمایش. با این حال، چیزی که ایالات‌متحده ندارد، یک مجتمع تولید سلاح هسته‌ای بویژه برای تولید پلوتونیوم است. این کار نیازی به آزمایش هسته‌ای ندارد. برای تحقق آن به اراده ملی نیاز است. ۳۰ سال گذشته به من اعتماد کمی می‌دهد که ایالات‌متحده بتواند این کار را انجام دهد.

خبر پلاس

ریسک خطرناک مسابقه تسلیحاتی

بزرگ‌ترین نگرانی من در مورد ازسرگیری آزمایش‌های هسته‌ای در مقیاس کامل این است که این امر به یک مسابقه تسلیحاتی خطرناک دیگر در زمانی که تنش‌های جهانی بین قدرت‌های بزرگ بالا ست، دامن خواهد زد. درگیر شدن در یک مسابقه تسلیحاتی دیگر برخلاف نظر ترامپ است که «اگر همه ما می‌توانستیم خلع سلاح هسته‌ای شویم، عالی می‌شد، زیرا قدرت سلاح‌های هسته‌ای دیوانه‌وار است.»
بنابراین، ترامپ به جای پیشنهاد بازگشت فوری به آزمایش‌های هسته‌ای، باید بر بازگشت به اقدامات کنترل تسلیحات برای تضمین ثبات استراتژیک با روسیه و چین تمرکز کند. امیدواریم این اقدامات منجر به کاهش نیروهای هسته‌ای ایالات‌متحده و روسیه و کاهش انگیزه‌های چین برای افزایش زرادخانه‌اش شود. برای آزمایش‌های هسته‌ای، او باید با رهبری تلاش برای تصویب CTBT به ایجاد بالاترین موانع ممکن برای هر کشوری برای آزمایش کمک کند. برای حل مسأله فرار از آزمایش‌های کم‌بازده یا آزمایش‌های هسته‌ای آبی، رئیس جمهوری و همتایان او در پکن و مسکو باید اراده سیاسی خود را برای توافق بر سر یک محدودیت کم‌بازده قابل تأیید نشان دهند. این امر مطمئناً مستلزم بازرسی‌های در محل خواهد بود که سال ۱۹۸۸ امکان آن اثبات شد.
نکته اصلی این است که اگرچه ایالات‌متحده می‌تواند با از سرگیری آزمایش‌های هسته‌ای مزایای مهمی به دست آورد، اما ضرر آن بیشتر از سود آن خواهد بود.

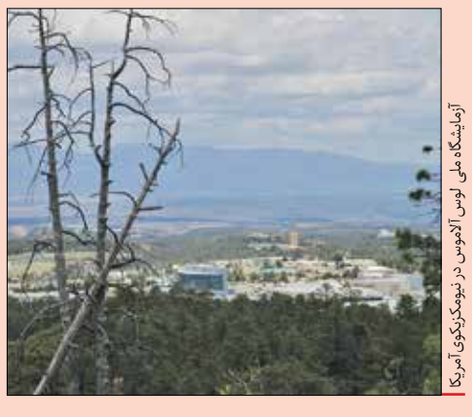

آزمایشگاه ملی لوس آلاموس در نیومکزیکوی آمریکا

بدون روتوش

محمد محسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

اعتماد به پلیس، چالشی جدی در اسرائیل

مرکز دموکراسی اسرائیل (IDI) گزارش مفصل سالانه خود را منتشر کرده و نتایج برآمده از نظرسنجی افکارعمومی اسرائیلی‌ها را منتشر کرده است.
این گزارش بیش از ۳۰۰ صفحه‌ای، داده و فکت‌های گسترده‌ای از واقعیت‌های جامعه اسرائیلی و وضعیت داخلی آن در مؤلفه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی در اختیار ما می‌گذارد. با آنکه بواسطه تداوم انتشار گزارش‌ها به صورت عمومی در حدود دو دهه اخیر، فرصت سنجش تغییرات را هم می‌دهد.
همانگونه که پیش‌تر در یادداشت دیگری ذکر شد، بالاترین اعتماد همواره به ارتش است. در ابتدای سال ۲۰۲۴، ۷۷ درصد یهودیان و ۳۰ درصد اعراب اسرائیلی اعلام کرده‌اند به ارتش اعتماد دارند که البته اولین بار است که مجموع اعتماد به زیر ۸۰ درصد سقوط می‌کند. موساد با ۷۰ درصد و شاباک با ۶۱ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند که نشان از وضعیت خوب نهادهای اطلاعاتی رژیم در افکار عمومی است.
در مراتب بعدی مقامات محلی (شهرداری‌ها)، رئیس جمهوری و پلیس قرار دارند. در سال ۲۰۲۵ اعتماد به پلیس در میان یهودی‌ها ۳۰ درصد و در میان اعراب کمتر از ۲۰ درصد بوده است.
شاید از میزان پایین اعتماد به پلیس در مقایسه با دیگر نهادهای نظامی اطلاعاتی متعجب شده باشید. برای بررسی دقیق‌تر سال‌های قبل را هم مرور می‌کنیم. در سال ۲۰۲۰، میزان اعتماد عمومی به پلیس ۴۱ درصد بوده است. در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ این اعتماد به دلیل کرونا، قرنطینه‌ها و محدودیت‌ها به ۲۹ درصد سقوط کرد.
در سال ۲۰۲۳، در سایه اتفاق بزرگ ۷ اکتبر و عملکرد نیروهای امنیتی پس از آن جهش غیرمنتظره‌ای رخ داد و اعتماد به پلیس به ۵۵ درصد رسید. سال ۲۰۲۴ باز هم رتبه اعتماد به پلیس سقوط کرد و به ۴۴ درصد رسید. این روند نزولی در سال ۲۰۲۵ و اعتماد به پلیس در میان یهودیان به ۳۳ درصد رسید. در میان عرب‌های اسرائیل هم اعتماد به پلیس به زیر ۲۰ درصد رسیده است!
موضوع رفتار پلیس در مقابل اعراب اسرائیلی، نوع واکنش در مقابل تجمعات معترضین به نتانیاهو، حجم فساد در رشوه‌گیری در موضوعات جنایی بالاخص مواد مخدر و... جزو عواملی است که گفته می‌شود موجب شده تا پلیس در یکی از کمترین میزان اعتمادش در دهه گذشته قرار داشته باشد.
فاصله اعتماد به پلیس در مقایسه با دیگر نهادهای اطلاعاتی مثل موساد و شاباک که درگیر زندگی روزانه اسرائیلی‌هاست، احتمال تداوم برخی ناآرامی‌های داخلی را تشدید می‌کند. کاهش اعتماد به پلیس به تداوم و افزایش قتل‌های جنایی، اتهام سیاسی شدن پلیس در دوران بن گویر به عنوان وزیر امنیت ملی و مسئول پلیس و همچنین کندتر شدن رسیدگی به پرونده‌ها هم مربوط است. صهیونیست‌ها نگران‌اند این روند کاهش اعتماد به پلیس فرصتی پیش روی دشمنانشان قرار بدهد تا روی شورش داخلی یا افزایش اقدامات ضد صهیونیستی و... سرمایه‌گذاری کنند.

خبر

میدل‌ایست‌آی: ایران و محور مقاومت شکست نخورده‌اند

رسانه مستقر در لندن در یادداشتی با تأکید بر اینکه «اسرائیل از این پس همیشه در جنگ خواهد بود» تصریح کرد: «نه ایران و نه هیچ یک از گروه‌های مقاومت در منطقه شکست نخورده‌اند و آنها به سرعت در حال تجدید تسلیحات خود هستند.»
دیوید هرست، سردبیر میدل‌ایست‌آی نوشت: نسل‌کشی اسرائیل در غزه، پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، به هیچ وجه یک جنگ مشروع برای دفاع از خود نبود.»
میدل‌ایست‌آی با اشاره به تلاش رژیم صهیونیستی برای کشاندن جنگ به نقاط دیگر در منطقه، بویژه از طریق بی‌ثبات کردن سوریه‌ای که خود درگیر اختلافات فرقه‌ای است، به تجاوز نظامی اسرائیل علیه ایران در تابستان گذشته پرداخت و افزود: «مقامات ایرانی در طول جنگ ۱۲ روزه که پس از حمله هواپیماهای جنگی اسرائیل و آمریکا در ماه ژوئن رخ داد، موضع کشور را دفاعی توصیف کردند. در صورت وقوع جنگی دیگر، ایران بویژه علیه کشورهایی که اکنون آنها را به عنوان سکوی پرتاب پهپادها و پروازهای نظارتی دشمن می‌بیند، به حالت تهاجمی روی خواهد آورد.»
رسانه انگلیسی تصریح کرد: «در واقع، نه ایران و نه هیچ یک از گروه‌های مقاومتی که اسرائیل فکر می‌کند در دو سال گذشته شکست داده است، خود را شکست‌خورده نمی‌دانند. تمام آنها به سرعت در حال تجدید تسلیحات خود هستند.»
همچنین حماس که به عنوان یک جنبش، محبوبیت بیشتری دارد، در منطقه بیش از هر زمان دیگری در طول حیات خود، پیشنهادهای حمایتی دریافت می‌کند.
طبق نظرسنجی انجام شده توسط مرکز تحقیقات سیاست و نظرسنجی فلسطین در ماه گذشته، اگر انتخابات قانونگذاری جدید فردا در فلسطین برگزار شود، ۶۵ درصد اعلام کردند که در آن شرکت خواهند کرد و از این تعداد، ۴۴ درصد به حماس رأی خواهند داد. حدود ۷۰ درصد گفتند که قاطعانه با خلع سلاح حماس مخالفند.
این امر، به‌طور عمده به این واقعیت مربوط می‌شود که این نسل از مبارزان درس‌هایی از نکبت سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ و خروج تحقیرآمیز «یاسر عرفات» رهبر سابق فلسطین از بیروت، زمانی که توسط ارتش اسرائیل در سال ۱۹۸۲ محاصره شده بود، آموخته‌اند.

اخبار

وزیر علوم: بهبود معیشت دانشگاهیان، راهکار کاهش مهاجرت نخبگان است

«دولت اولویت خود را بر رفع عوامل مؤثر در مهاجرت قرار داده و بهبود معیشت و اقتصاد خانوارها را در دستور کار دارد.» وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، در سفر به تربت حیدریه با بیان این مطلب و با تأکید بر اهمیت کاهش مهاجرت نخبگان گفت: «رعایت کرامت و منزلت دانشگاهیان از دیگر محورهای اصلی سیاست‌های دولت است و تلاش شده شأن و حرمت جامعه علمی کشور حفظ شود و اگر معیشت و منزلت نخبگان تأمین شود، مهم‌ترین عوامل مهاجرت این قشر خنثی خواهد شد.»
به گزارش ایرنا، حسین سیمایی صراف با تشریح آیین نامه جدید ارتقای اساتید، از اختصاص امتیاز به فناوری، ثبت اختراع و تأثیرگذاری اجتماعی مقالات علمی خبر داد.
او توضیح داد: «مقاله همچنان بخشی از وظایف اساتید است، اما نباید تنها معیار ارزیابی باشد و باید جایگاه نوآوری و حل مسائل اجتماعی نیز در ارتقا لحاظ شود.»
در حاشیه این سفر، کلنگ احداث سردر جدید دانشگاه تربت حیدریه با اعتبار ۱۰۰ میلیارد ریال و مشارکت خیرین به زمین زده شد. این پروژه در فضایی به وسعت ۳۰۰ متر مربع اجرا خواهد شد.

گامی تازه برای اشتغال پایدار مددجویان بهزیستی

رئیس مرکز توسعه کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور، از آغاز فرآیند تشکیل شبکه ملی اشتغال مددجویان خبر داد. به گزارش ایسنا، به گفته آرزو ذکایی فر، اولین کارگروه تخصصی این شبکه با حضور مؤسسات و انجمن‌های غیردولتی فعال در حوزه اشتغال تشکیل شده است تا مسیر همکاری و هم‌افزایی میان نهادهای دولتی و غیردولتی هموار شود.
او شبکه‌سازی را ابزاری مؤثر برای تبادل تجربه‌ها، ارتقای توانمندسازی اقتصادی و استانداردسازی فرآیندهای آماده‌سازی شغلی دانست و گفت: «هدف اصلی این شبکه، افزایش کارایی برنامه‌های اشتغال‌زایی، تقویت مهارت‌آموزی و ایجاد پایداری شغلی برای مددجویان است.» رئیس مرکز توسعه کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور با اشاره به زیرساخت‌های موجود در سازمان بهزیستی گفت: «حضور ۵۰۰ تسهیلگر شغلی، ۱۹ مرکز پشتیبانی شغلی، سامانه خدمات اشتغال و تخصیص ۱۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات ویژه مددجویان، پشتوانه مهمی برای این شبکه محسوب می‌شود. همچنین سرمایه کار بلاعوض از ۳۰ میلیون تومان به ۵۰ میلیون تومان برای هر نفر افزایش یافته و کمک‌هزینه آموزش شغلی نیز از ۵ به ۱۰ میلیون تومان رسیده است.» ذکایی فر مهارت‌آموزی و کارورزی را کلید اشتغال پایدار دانست و گفت: «افراد پس از آموزش باید سه تا شش ماه زیر نظر استادکارهای ماهر کارورزی کنند تا برای ورود به بازار کار آماده شوند.»

طرح ۲ هزار میلیاردی نوسازی مدارس سنگی در ۱۵ استان کشور

مدیرعامل شرکت اسکان ایران و مسئول پروژه‌های عمرانی بنیاد علوی، از اجرای طرح بزرگ نوسازی مدارس سنگی با اعتبار ۲ هزار میلیارد تومان خبر داد و گفت: «این پروژه با رویکردی جدید و با استفاده از تکنولوژی پیش‌ساخته در ۱۵ استان کشور در حال اجرا است.»
به گزارش مهر، مهدی هاتف با اشاره به تغییر رویکرد بنیاد علوی در دو سال اخیر توضیح داد: «تمرکز فعالیت‌ها از پروژه‌های پراکنده به طرح‌های زیربنایی و اثربخش در حوزه‌های اشتغال، آموزش و سلامت تغییر یافته است. یکی از برنامه‌های محوری بنیاد، حذف و جایگزینی مدارس سنگی ناایمن است.» به گفته او، تاکنون ۳۰۰ مدرسه اولویت‌دار شامل بیش از یک هزار و ۱۰۰ کلاس شناسایی شده‌اند که عمدتاً در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور قرار دارند. ملاک انتخاب این مدارس، وجود حداقل ۲۰ دانش‌آموز و عدم قرار داشتن روستا در مسیر تخلیه بوده است.» هاتف با بیان اینکه فرآیند شناسایی مدارس از آذر ۱۴۰۲ آغاز و عملیات اجرایی از ابتدای امسال شروع شده است، گفت: «تاکنون حدود ۴۰ درصد پروژه پیشرفت داشته و ۲۳۰ کلاس تا اول مهر تحویل شده است. باقی مدارس نیز تا پایان سال تکمیل و افتتاح رسمی آنها برای مهر سال آینده برنامه‌ریزی شده است.» مسئول پروژه‌های عمرانی بنیاد علوی گفت: «این طرح با مشارکت ۵۰ درصدی بنیاد مستضعفان و وزارت آموزش و پرورش اجرا می‌شود و برخلاف پروژه‌های گذشته، بنیاد نقش مستقیم در اجرا دارد تا از افزایش هزینه‌های سربار جلوگیری شود.»

رایزنی برای تأمین پایدار ارز دارو

معاون وزیر و رئیس سازمان غذا و دارو در نشست هیأت رئیسه دانشگاه علوم پزشکی گیلان نسبت به بحران پیش روی زنجیره تأمین دارو و تجهیزات پزشکی هشدار داد و اعلام کرد: «تخصیص ناکافی ارز دولتی و مشکلات انتقال منابع مالی به خارج از کشور، نقدینگی شرکت‌های دارویی را کاهش داده و بدهی‌های سنگینی در این حوزه ایجاد کرده است.» به گزارش ایلنا، مهدی پیرصالحی گفت: «با ادامه این روند، کمبود برخی اقلام دارویی و شیرخشک در ماه‌های آینده محتمل خواهد بود. همچنین دانشگاه‌های علوم پزشکی با بدهی‌های انباشته مواجه شده‌اند که مدیریت زنجیره تأمین را دشوارتر کرده است.» او مصرف منطقی دارو، بویژه در حوزه آنتی بیوتیک‌ها را راهکاری مهم برای کنترل بحران دانست و هشدار داد: «مصرف غیرضروری علاوه بر افزایش مقاومت میکروبی، هزینه‌های سنگینی بر نظام سلامت تحمیل می‌کند.» رئیس سازمان غذا و دارو همچنین به نگرانی بیمارستان‌ها در زمینه تأمین تجهیزات پزشکی پس از تغییر نرخ ارز ترجیحی اشاره کرد و خواستار هماهنگی نزدیک میان دانشگاه‌ها، وزارت بهداشت و نهادهای تأمین‌کننده ارز شد.» به گفته پیرصالحی، رایزنی‌های مستمر با رئیس جمهوری و بانک مرکزی برای تأمین منابع پایدار ارزی ادامه دارد تا فشار موجود بر زنجیره تأمین کاهش یابد.

عکس: رضا مطهریان / ایران

معاون پیشگیری، درمان و بازتوانی سازمان بهزیستی کشور در گفت‌وگو با «ایران» خبر داد:

فعالیت ۱۲۰۰ مرکز درمان معتادان

نورالدین فائقی: سال گذشته ۱۰ هزار زن از مراکز بازتوانی خدمات دریافت کردند

گزارش خبری

سمیه افشین فر
گروه اجتماعی

اعتیاد فقط فرد مصرف‌کننده را درگیر نمی‌کند، بلکه دامنه تأثیر آن کل ساختار خانواده و حتی جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد و ابعاد مالی، عاطفی، اجتماعی و روانی گسترده‌ای ایجاد می‌کند. سازمان بهزیستی کشور برای افراد دارای اعتیاد مجموعه‌ای از خدمات حمایتی، درمانی و توانبخشی ارائه می‌دهد که هدف آنها بازتوانی، پیشگیری از مصرف دوباره و بازگشت فرد به زندگی سالم و اجتماع است. آمار دقیق در حوزه اعتیاد حکم نقشه راه را دارد. بدون آن، تلاش‌ها پراکنده، منابع هدر رفته و ارزیابی موفقیت غیرممکن است.
نورالدین فایقی معاون پیشگیری، درمان و بازتوانی سازمان بهزیستی کشور در مورد آخرین آمار افراد معتاد کشور به «ایران» می‌گوید: «طرح ملی شیوع‌شناسی اعتیاد از اوایل سال توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر آغاز شده و با توجه به اینکه هنوز این طرح به اتمام نرسیده، آمار دقیقی از تعداد معتادان به دست نیامده است. ولی در طرح قبلی شیوع‌شناسی که در سال ۱۳۹۴ انجام شده، آمار معتادان بر اساس روش خوداظهاری جمعیت حدود ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر گزارش شده بود.»

خدمات توانمندسازی حتی پس از ترخیص

فایقی با بیان اینکه حدود ۱۲۰۰ مرکز درمان و بازتوانی اعتیاد تحت نظارت سازمان بهزیستی فعالیت می‌کنند، می‌گوید: «در سال ۱۴۰۳ جمعاً حدود ۳۰۰ هزار نفر از این مراکز درمان بازتوانی خدمات دریافت کرده‌اند و حدود ۱۰ هزار نفر آنها را زنان تشکیل داده‌اند.» او با بیان اینکه سازمان بهزیستی در سه حوزه پیشگیری، درمان و بازتوانی، برای کاهش آسیب اعتیاد برنامه‌های متنوعی دارد که از طریق «ان جی او»ها و مؤسسات غیردولتی خدمات خود را ارائه می‌دهد، در مورد خدمات سازمان در بخش درمان و بازتوانی می‌گوید: «خدمات ما شامل درمان به شکل سم‌زدایی پرهیز مدار و اجتماع درمان مدار، صیانت اجتماعی و توانمندسازی، مدیریت مورد و پیگیری پس از خروج است. در بخش درمان فعالیت‌ها با تمرکز بر مراکز اقامتی شامل مراکز بهبود و بازتوانی افراد دارای اختلال مصرف مواد (کمپ‌ها) به شکل اقامت میان مدت یک تا سه ماهه است. در این مراکز، پس از دو هفته سم‌زدایی زیر نظر پزشک، افراد برای بهبودی کامل بین ۳۰ تا ۱۲۰ روز تحت مراقبت تیم درمانی شامل پزشک، روان‌شناس، مددکار و مددیار قرار می‌گیرند.» او در مورد مراکز اجتماع درمان مدار توضیح می‌دهد: «مراکزی با عنوان مراکز اجتماع درمان مدار (تی سی) با اقامت طولانی مدت چهارماهه برای داوطلبان درمان به شکل اقامتی انجام می‌شود. خدمات توانمندسازی و مدیریت مورد، حتی پس خروج و ترخیص از درمان برای گروه هدف انجام می‌شود.»

> در این مراکز، پس از دو هفته سم‌زدایی زیر نظر پزشک، افراد برای بهبودی کامل بین ۳۰ تا ۱۲۰ روز تحت مراقبت تیم درمانی شامل پزشک، روان‌شناس، مددکار و مددیار قرار می‌گیرند

لزوم نظارت بر مراکز ترک اعتیاد

نظارت رکن اصلی ارائه خدمات سازمان بهزیستی است ولی با توجه به اینکه بسیاری از مسائل و آسیب‌ها در خلأ نظارت اتفاق می‌افتد، مراکز بهزیستی به خصوص مراکز ترک اعتیاد هم از این قاعده مستثنی نیستند و باید به شکل منظم مورد پایش و نظارت قرار گیرند. معاون پیشگیری، درمان و بازتوانی بهزیستی معتقد است این نظارت در سازمان بهزیستی به شکل منظم وجود دارد. او می‌گوید: «نظارت بر مراکز در سطح‌های مختلف شهرها به شکل ماهانه وجود دارد.
در سطح استانی هم نظارت‌های فصلی برقرار است و حتی گاهی نظارت در سطح ملی انجام می‌شود. بر این اساس اگر مرکزی با استانداردهای پروتکل درمانی و دستورالعمل‌های ابلاغی سازمان فعالیت نکند، پس از صدور تذکر و اخطارهای لازم با مدت زمان مشخص، کمیسیون نظارت تشکیل شده و مجوز آنها لغو می‌شود. حتی گاهی در موارد خاص بالاخص خطر جانی برای بیماران، کمیسیون اضطرار تشکیل شده و سریعاً با هماهنگی مقام قضایی آن مرکز تعطیل می‌شود.»

خدمات سیار برای معتادان پرخطر

معتادان پرخطر و تزریقی به علت مقاومت به درمان و احتمال انتقال بیماری در اولویت برنامه‌های کاهش آسیب سازمان قرار دارند. فایقی با بیان اینکه خدمات کاهش آسیب برای معتادان پرخطر و سخت درمان در دستور کار سازمان است، در تشریح خدمات بهزیستی به این گروه از افراد درگیر اعتیاد می‌گوید: «این برنامه‌ها در قالب ارائه بسته‌های بهداشتی، دارویی و تغذیه‌ای در مراکز گذری روزانه، شبانه روزی، ایستگاه کانکس و خدمات سیار شامل موبایل و ن است که تلاش می‌کنیم از انتقال بیماری‌های پرخطر که در نتیجه اعتیاد برای معتادان به وجود می‌آید، جلوگیری کنیم.»
پیشگیری از اعتیاد اغلب به عنوان سرمایه‌گذاری بلندمدت در سلامت فردی و اجتماعی تلقی می‌شود، چون هزینه‌های هنگفت درمان و توانبخشی را کم می‌کند. به نظر کارشناسان، پیشگیری به سه سطح اصلی تقسیم می‌شود که هر کدام اهمیت خاص خود را دارند و شامل پیشگیری اولیه، جلوگیری از مصرف مواد و رفتن افراد به سمت اعتیاد است. در پیشگیری ثانویه تشخیص زودهنگام و مداخله سریع در دستور کار قرار می‌گیرد و در مرحله سوم پیشگیری بر افرادی متمرکز است که دوره درمان را پشت سر گذاشته‌اند و در حال بازگشت به جامعه هستند. معاون اعتیاد سازمان بهزیستی هم با تأکید بر امر پیشگیری در مورد توجه به این بخش در برنامه‌های بهزیستی توضیح می‌دهد: «در بخش پیشگیری در محلات شهری و روستایی طرح‌های مختلفی جریان دارد، از جمله در قالب طرح‌های پازک (پیشگیری از اعتیاد برای زنان دارای همسر معتاد و کودکان آنها)، پاترا (پیشگیری از اعتیاد از طریق ارتقای توانمندی‌های شناختی اجتماعی در محلات شهری پرآسیب و محروم) و طرح کیان و کارمندیاری (پیشگیری از اعتیاد در ادارات و آموزش کارکنان و کارگران در محیط کار).
استفاده از رسانه‌ها (شامل تلویزیون، رادیو، سینما، شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال) در پیشگیری از اعتیاد، ابزاری حیاتی و قدرتمند هستند. رسانه‌ها توانایی منحصر به فردی در دسترسی گسترده، تأثیرگذاری سریع و تغییر نگرش عمومی دارند. فایقی با بیان اینکه کارزارهای رسانه‌ای با استفاده از ابزار رسانه در راستای آگاه‌سازی انجام می‌شود، می‌گوید: «در کنار همه این فعالیت‌ها با تولید موشن‌گرافی‌های هنری پیشگیرانه در راستای تغییر نگرش نوجوانان هم تلاش می‌کنیم.»

هشدار سازمان غذا و دارو درباره فروش قرص‌های بیهوش کننده در فضای مجازی

نوشیدنی و خوراکی غریبه ها را نخورید

گزارش

محدثه جعفری
گروه اجتماعی

«بیهوشی در چند دقیقه، بیداری با کابوس. مراقب باشید از دست هر کسی نوشیدنی نگیرید» متنی که این روزها در فضای مجازی و رسانه‌ای کشور دوباره پربازدید شده، درباره قرصی است که بعضی از خلافکاران برای رسیدن به نیت شوم خود استفاده می‌کنند. قرص‌ها و محلول‌هایی که در اصل داروهای آرام‌بخش و بیهوش‌کننده هستند، اما سودجویان، آن را به ابزاری برای ارتکاب یکی از هولناک‌ترین جرایم انسانی تبدیل می‌کنند. فروش این داروها بدون نسخه پزشک ممنوع است، اما مثل بسیاری از داروهای خاص که در بازار سیاه خرید و فروش می‌شوند، این دارو هم بدون هیچ نگرانی و کاملاً علنی در فضای مجازی آن هم با رمزارز معامله می‌شود. ترکیبی بی‌بو، بی‌مزه و بسیار سریع‌الاثر که می‌تواند در کمتر از چند دقیقه فرد را بیهوش کند. این ماده به راحتی در نوشیدنی‌ها حل می‌شود و اثر آن بین ۳ تا ۵ ساعت ادامه دارد. در این مدت، فرد کاملاً آسیب‌پذیر است و خطر سوءاستفاده وجود دارد.
بر اساس اطلاعات دریافت شده، قیمت این ماده حتی از یک وعده غذایی هم کمتر است و با حدود ۶۴۰ هزار تومان در بازار سیاه به فروش می‌رسد. به گفته متخصصان، این داروها «فراموشی پس‌گستر» ایجاد می‌کنند و فرد هیچ خاطره‌ای از آن چند ساعت به یاد نمی‌آورد.
سؤالی که مطرح می‌شود این است، چطور دارویی که باید با نسخه پزشک و تحت کنترل شدید عرضه شود، این‌گونه آزادانه در اینترنت یا بازار سیاه دارو خرید و فروش می‌شود. دکتر هدی شفیعی، کارشناس دفتر نظارت و پایش مصرف فرآورده‌های سلامت سازمان غذا و دارو نسبت به گزارش‌های اخیر درباره پخش مواد ناشناس و بیهوش‌کننده هشدار می‌دهد و به «ایران» می‌گوید: «این ترکیبات نام و جایگاهی در داروها و محصولات دارای مجوز از سازمان غذا و دارو ندارد و از مسیرهای غیرقانونی و قاچاق توزیع می‌شود. این مواد که اغلب هیچ رنگ، بو و طعمی ندارند، در مقادیر پایین تغییر محسوسی در طعم یا بوی نوشیدنی ایجاد نمی‌کنند که همین موضوع امکان سوءاستفاده از آن را افزایش داده و تشخیص را برای افراد دشوار می‌کند.»
او توضیح می‌دهد: «همین موضوع ضرورت هوشیاری را بیشتر می‌کند تا برای ایمن‌تر بودن در موقعیت‌های اجتماعی، نه تنها از آشامیدن هر نوشیدنی که طعم عجیب و غریبی دارد، خودداری کنید، بلکه به صورت کلی، در این موقعیت‌ها و قرارهای ملاقات، از دیگران نوشیدنی قبول نکنید.»
شفیعی با بیان اینکه هرگونه عرضه، نگهداری یا مصرف این مواد، مصداق تخلف و قاچاق محسوب شده و هیچ مسیر قانونی برای خرید این ترکیبات از داروخانه وجود ندارد، می‌گوید: «فروشندگان این مواد گاهی برای پنهان ماندن از پرداخت‌های بین بانکی از رمزارز و حساب‌های ناشناس استفاده می‌کنند.»
کارشناس دفتر نظارت و پایش مصرف فرآورده‌های سلامت با تأکید بر اینکه شناسایی این ترکیبات فقط با نمونه‌گیری سریع و انجام آزمایش‌های تخصصی امکان‌پذیر است، می‌گوید: «در برخی مواد که در مدت کوتاه از بدن پاک می‌شوند، امکان تشخیص آن وجود ندارد. به همین دلیل به افراد توصیه می‌کنیم، علائمی مانند سرگیجه ناگهانی، تاری دید، گیجی، ضعف عضلانی یا از دست دادن حافظه کوتاه‌مدت را جدی بگیرند چون می‌تواند از نشانه‌های احتمالی مصرف این مواد باشد. به همه مردم بویژه جوانان و دانشجویان که ممکن است در محیط‌های اجتماعی و گردهمایی‌ها حضور بیشتری داشته باشند، توصیه می‌شود از پذیرش هرگونه نوشیدنی یا خوراکی از افراد ناشناس خصوصاً در محیط‌های غیرمطمئن خودداری کنند. همچنین با مشاهده طعم یا بوی غیرعادی در نوشیدنی، از مصرف آن پرهیز کنند.»
سازمان غذا و دارو از تمام هموطنان درخواست می‌کند در صورت مواجهه با هرگونه عرضه یا تبلیغ مشکوک این مواد، مراتب را از طریق سامانه ۱۹۰ به اطلاع این سازمان برسانند و در صورت بروز علائم مشکوک، بلافاصله با اورژانس ۱۱۵ تماس بگیرید چون با هوشیاری مردم، می‌توانیم از سلامت جامعه محافظت کنیم.

داروهایی که فراموشی پس‌گستر می‌آورد

قرص بیهوش کننده‌ای که در فضای مجازی به ماده تجاوز معروف است، به هر دارویی گفته می‌شود که به عنوان عامل ناتوان‌کننده روی شخصِ پذیرنده عمل می‌کند و او را منفعل و مستعد تعرض و آزار جنسی قرار می‌دهد. کاوه کاظمیان فوق تخصص فارماکوتراپی در ICU و عضو هیأت علمی دانشگاه در مورد داروهایی که به ماده تجاوز معروف هستند، به «ایران» می‌گوید: «دارویی که به نام تجاوز و بیهوش کننده معروف است، یکی دوتا نیست. حدود شش دارو را می‌توانیم به دلیل واکنش‌هایی که بعد از مصرف ایجاد می‌کنند، در ردیف این داروها قرار بدهیم. علت این است که برای مصرف کننده حالت retrograde amnesia یا همان «فراموشی پس‌گستر» ایجاد می‌کند و بیمار آن لحظات را فراموش می‌کند و نمی‌داند چه اتفاقی برای او رخ داده است. برخی داروها حتی به شکل پودر است که اگر به صورت کسی پاشیده و توسط او استنشاق شوند یا در مایعات حل و به او خورانده شوند، فرد همه چیز را فراموش می‌کند و تحت فرمان قرار می‌گیرد و هرکاری که بخواهید، انجام می‌دهد، اما در نهایت هیچ چیزی در خاطرش ثبت نمی‌شود.»
او با بیان اینکه داروهایی که برای بیهوشی در عمل‌های جراحی استفاده می‌شوند هم می‌توانند مورد سوءاستفاده قرار گیرند، توضیح می‌دهد: «افرادی که چنین داروهایی به آنها خورانده می‌شود، کاملاً فلج می‌شوند و قدرت هر نوع واکنشی را از دست می‌دهند. شاید آنچه که در فضای مجازی به عنوان داروی تجاز معامله می‌شود و بیشترین سوءاستفاده از آن صورت می‌گیرد قرصی از خانواده دیازپین‌ها باشد که فراموشی پس‌گستر بالایی دارد و می‌تواند مورد سوءاستفاده افراد سودجو قرار گیرد.»

> برخی داروها حتی به شکل پودر است که اگر به صورت کسی پاشیده و توسط او استنشاق شوند یا در مایعات حل و به او خورانده شوند، فرد همه چیز را فراموش می‌کند و تحت فرمان قرار می‌گیرد و هرکاری که بخواهید، انجام می‌دهد، اما در نهایت هیچ چیزی در خاطرش ثبت نمی‌شود

تاری دید و سرگیجه از علائم مصرف قرص‌های بیهوش کننده

این فوق تخصص فارماکوتراپی در ICU با اشاره به اینکه این داروها در آزمایش‌ها معمولاً اثری از خودشان به جا نمی‌گذارند، می‌گوید: «این داروها نیمه عمر پایینی دارند، به همین دلیل در آزمایشگاه‌ها تشخیص داده نمی‌شوند. فردی که مورد سوءاستفاده و تعرض قرار می‌گیرد، در درجه اول اصلاً متوجه تغییر در نوشیدنی‌اش نمی‌شود چون نه مزه ایجاد می‌کند و نه تغییر رنگ، به همین دلیل افراد بویژه زنان در ابتدا باید هوشیار باشند و اصلاً به میهمانی‌هایی که به سلامت اخلاقی افراد آن مطمئن نیستند، نروند. اگر رفتند نیز باید بدانند نباید نوشیدنی آماده را از دست فردی بگیرند. اما اگر نوشیدنی را خوردند باید به تغییراتی که در آنها ایجاد می‌شود، آگاه باشند، مثلاً متوجه باشند که چند ساعت در یک مکان هستند اما خاطراتی که دارند برای چند ساعت گذشته است، بنابراین باید حتماً به این موضوع شک کنند و بدون اینکه تغییری در وضع‌شان ایجاد کنند، مثل دوش گرفتن یا عوض کردن لباس‌ها فوراً به پزشکی قانونی مراجعه کنند. این داروها خیلی زود از بدن دفع می‌شوند و نمی‌توانند از طریق ادرار یا خون شناسایی‌شان کرد.»
دکتر کاظمیان با بیان اینکه در لحظه مصرف نوشیدنی‌های حاوی مواد بیهوش کننده، افراد دچار تاری دید، سرگیجه یا خواب آلودگی شدید می‌شوند، می‌گوید: «داروهایی که می‌توان از آنها سوءاستفاده کرد، یکی دو تا نیست و در داروخانه‌ها برای بیماران توسط پزشک تجویز می‌شوند که باید در دوزهای مشخصی مصرف شوند و فروش بدون نسخه ندارند. هیچ داروخانه‌ای حق ندارد این داروها را بدون نسخه به فردی بفروشد چون مصادف تخلف است. حالا شاید افراد سودجو این داروها را از بازار سیاه تهیه می‌کنند که این جای سؤال دارد که چطور چنین داروهایی به بازار آزاد ورود می‌کنند. اما احتمال اینکه از داروخانه‌ها چنین داروهایی بیرون آید، بسیار پایین است چون داروساز به دلیل اعتبار پروانه کاری‌اش هم که شده چنین دارویی را بدون نسخه نمی‌فروشد.»

عکس: رضا معطریان/ایران

در گفت و گو با رئیس مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی بررسی شد

چرا ساختمان‌ها زود کلنگی می‌شوند؟

غزال راهب: عمر اقتصادی ساختمان ها در ایران زودتر از عمر فنی آنها به سر می رسد

گزارش

سهیلا یادگار
گروه اقتصادی

در بازار املاک ایران، اصطلاحاتی مانند «ساختمان کلنگی» یا «سال ساخت بالا» برای ساختمان‌هایی به کار می‌رود که خیلی از آنها عمری کمتر از ۵۰ سال دارند. این املاک، اغلب نه برای سکونت، که برای تخریب و بازسازی توسط سازندگان خریداری می‌شوند. انگیزه اصلی این چرخه، «سود اقتصادی» سرشار ناشی از ساخت‌وسازهای جدید با تراکم بیشتر و واحدهای کوچک‌تر است. نکته این است که بیشتر املاک کلنگی یا سال ساخت بالا، عمری کمتر از ۵۰ سال دارند در حالی که در اغلب کشورها، ساختمان‌ها با عمر ۱۰۰ سال و بیشتر همچنان کارایی دارند و تخریب هم نمی‌شوند.

با اینکه صنعت ساخت و ساز سهم بالایی در رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی دارد، اما تخریب ساختمان‌هایی که هنوز قابلیت سکونت دارد و ساخت و ساز دوباره، با توجه به کمبود منابع انرژی بخصوص آب، اکنون یکی از چالش‌های حوزه ساخت محسوب می‌شود. کیفیت پایین مصالح و ساخت و ساز خارج از ضوابط و مقررات فنی و مهندسی، هر چند نقش مهمی در کاهش عمر مفید ساختمان دارد، اما کارشناسان حوزه مسکن و ساختمان اعتقاد دارند در حال حاضر ارزش افزوده و کسب سود از دلایل مهم تخریب ساختمان‌ها قبل از پایان عمر مفید آنهاست.

بازدهی اقتصادی در تخریب

غزال راهب، رئیس مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی، در گفت‌وگو با «ایران» تأکید کرد، در بسیاری موارد عمر اقتصادی ساختمان زودتر از عمر فنی آن به سر می‌رسد. وی در توضیح این موضوع گفت: «سود اقتصادی در اتمام عمر مفید ساختمان تعیین کننده است، چرا؟ چون تخریب و ساخت جدید، بازده اقتصادی بیشتری به خاطر ارزش افزوده در نوسازی دارد، زیرا ساختمانی که هنوز عمر مفیدش باقی مانده، تخریب می‌شود.»

راهب افزود: «دلیل دیگر تخریب ساختمان‌ها یا پایان عمر مفید آنها، قوانین، مقررات و ضوابط جدید ساخت‌وساز است که سطح اشغال‌وتراکم را افزایش داده است، از طرفی اندازه واحدها یعنی کوچک‌سازی مسکن که در چند دهه اخیر شاهدش هستیم نیز تخریب و ساخت و ساز جدید را سودآور کرده است، همچنین متوسط زیربنا از حدود ۱۸۰ متر به حدود ۱۰۰ متر کاهش پیدا کرده که البته این عدد در شهرهای مختلف تفاوت دارد، اما تمام این موضوعات موجب بازدهی اقتصادی بالاتر ساختمان موقع تخریب شده در حالی که هنوز عمر فنی ساختمان و استحکامش به حدی نرسیده که ساختمان را تخریبی حساب کنیم.» ضوابطی غیر از پایداری و استحکام ساختمان نیز به گفته رئیس مرکز تحقیقات راه و مسکن، در کاهش عمر مفید آن مؤثر است.

> سود اقتصادی در اتمام عمر مفید ساختمان تعیین کننده است، زیرا تخریب و ساخت جدید، بازده اقتصادی بیشتری نسبت به ارزش افزوده در نوسازی دارد

راهب توضیح داد: «قرار گرفتن ساختمان در مناطق خطرپذیر مانند نزدیکی گسل، مسیل‌ها و کابل‌های فشار قوی، موجب تخریب ساختمان‌ها قبل از موعد پایان عمر مفید آن می‌شود. یکی از موضوعات مهم دیگر مسأله میزان مصرف انرژی در ساختمان‌هاست؛ ساختمان‌های قدیمی معمولاً مصرف انرژی بالاتری دارند البته هدر رفت انرژی فعلاً در تخریب ساختمان، موضوع تعیین کننده و محسوسی نیست به دلیل اینکه قیمت سوخت در ایران رقمی که بتواند این تفاوت را معنی‌دار کند، نیست، اما در هر صورت با توجه به مشکلات کمبود منابع انرژی، مصرف انرژی ساختمان‌ها در تخریب و در ساخت و ساز جدید نقش تعیین کننده‌ای دارد. همه این موارد می‌توانند عمر مفید یک ساختمان را تحت‌شعاع قرار دهد. بنابراین ارزش افزوده و سود اقتصادی و ضوابط و مقررات در تعیین عمر مفید ساختمان تأثیرگذار است.»

به گفته رئیس مرکز تحقیقات راه و مسکن، بحث دیگر که در پایان عمر مفید ساختمان به حساب می‌آید، دوام خود ساختمان است؛ کیفیت و دوام پایین مصالح ساختمانی باعث شده تا متوسط عمر مفید ساختمان‌ها در ایران به حدود ۳۵ سال برسد که کمتر از متوسط جهانی است.

افزایش عمر ساختمان‌ها به‌رغم دلایلی که برای کسب سود، عمر مفید آن را کاهش داده، به گفته رئیس مرکز تحقیقات راه و مسکن، در دستور کار بخش ساخت و ساز قرار گرفته است. در این خصوص رئیس مرکز تحقیقات راه و مسکن گفت: «با نگاه ایمنی در برابر زلزله و استحکام سازه‌ای، شناسایی ساختمان‌های ناایمن در کشور آغاز شده است.»

شناسایی ساختمان‌های ناایمن

با هدف جلوگیری از تخریب‌های زودهنگام همچنین افزایش ایمنی، شناسایی ساختمان‌های ناایمن در کشور شروع شده است. رئیس مرکز تحقیقات راه و مسکن با اعلام این موضوع گفت: «در کل کشور (به غیر از شهر تهران) وجود حدود ۳۲ هزار ساختمان ناایمن، برآورد شده که باید شناسایی شود. یعنی این ساختمان‌ها رده‌بندی می‌شوند؛ رده‌بندی از گرید آخر که ساختمان‌های تخریبی است تا گرید اول که نیاز به ارزیابی و اصلاح است را در برمی‌گیرد. در تهران هم حدود ۱۶ هزار ساختمان (مشکوک به ناایمنی) به عنوان جامعه بررسی در دست شناسایی است که عمده این‌ها ساختمان‌های عمومی بلندمرتبه‌اند که کارکردهای مهم دارند. همچنین در آیین‌نامه‌های جدید یا ویرایش آیین‌نامه‌ها، برنامه‌هایی برای کاهش مصرف انرژی و افزایش عمر ساختمان‌ها اجرا می‌شود.

وی افزود: «تمام آیین‌نامه‌هایی که الان تدوین می‌کنیم مترتب بر چند مطلب است؛ دوام، ایمنی، بهداشت و بهره‌وری در ساخت و سازها که هدفگذاری شده است. صدور گواهینامه فنی برای افزایش دوام و کنترل کیفیت ساختمان در دست اقدام است. هدف از صدور گواهینامه فنی ساختمان، افزایش کیفیت مصالح است که نهایتاً منجر به دوام بیشتر ساختمان خواهد شد، همچنین در ساخت و ساز مصالحی باید استفاده شود که استاندارد است. بدین ترتیب گواهینامه فنی ساختمان جنبه کاربردی بیشتری دارد و در این روند، فرآیند خط تولید و محصول منطبق با استانداردهای روز جهانی ارزیابی می‌شود که اجرای این ضوابط نقش زیادی در دوام ساختمان دارد.»

راهب، مسأله دیگر در افزایش عمر ساختمان را کیفیت اجرای ضوابط عنوان کرد و گفت: «ما به عنوان مرکز تحقیقات راه و مسکن نشریاتی تنظیم کرده‌ایم؛ به عنوان مثال نشریه ۵۵، نشریه ۱۰۱، نشریه ۱۱۰. اینها نشریاتی هستند که کیفیت‌های اجرا را در ساختمان کنترل می‌کنند. قدم دیگری که برای افزایش عمر ساختمان‌ها برداشته‌ایم، دادن صلاحیت حرفه‌ای است و دوره‌های آموزشی که در همراهی با سازمان فنی حرفه‌ای این برنامه به پیش می‌رود؛ هدف این برنامه‌ها پرورش نیروی کار ماهر و توانمند است تا بتوانند ساختمان با کیفیت مناسب بسازند. بنابراین برای داشتن ساختمان‌هایی با عمر بیشتر، چرخه و زنجیره‌ای پیوسته در حوزه‌های مختلف با هم باید به پیش بروند که کیفیت مصالح، دستورالعمل‌های اجرایی و نیروی کار ماهر بخشی از این زنجیره است.»

به سمت کیفی‌سازی

رئیس مرکز تحقیقات راه و مسکن، مسیر ساخت و ساز در کشور را از نظر کیفی، رو به جلو ارزیابی کرد و گفت: «کاهش آمار تلفات در سوانح این موضوع را به خوبی نشان داده است. استفاده از فناوری‌های روز در صنعت ساختمان نیز یکی از دستور کارها در ساخت و ساز است. ساخت و ساز یک صنعت ملی است که در ایجاد حدود ۸ درصد تولید ناخالص داخلی سهم دارد. این صنعت مبتنی بر ابزارها و مواد بومی است که نیروی کار ماهر در آن رشد کرده، به خاطر همین باید در توسعه ساخت منطبق با نگاه‌های روز جهانی و ابزارهای هوشمند اهتمام بورزیم.

اهمیت نگهداری بعد از ساخت

امین مقومی، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان نیز در گفت‌وگو با «ایران» با تأکید بر اینکه قطعاً عمر مفید در ساختمان‌ها نسبت به سال‌های گذشته رشد قابل توجهی دارد، گفت: «مقایسه تعداد تلفات در زلزله‌های اخیر نسبت به زلزله بم یا رودبار و منجیل رشد کیفیت و رشد عمر مفید در ساختمان‌ها را نشان می‌دهد، هرچند از نظر ما کمترین تلفات نیز نباید درحوادث رخ دهد.»

وی توجه به مقررات ملی و ورود مهندسان سازمان نظام به حوزه ساخت و ساز را یکی از عوامل اصلی افزایش عمر و کیفیت ساختمان‌ها در ۳۰ سال اخیر دانست و گفت: «برای افزایش عمر ساختمان‌ها دو خلأ قانونی داریم که نیاز است به آن توجه شود، یکی خلأ مربوط به ساخت توسط متخصصان و مجریان است بنابراین حوزه اجرا در ساخت و ساز نیاز به قوانین شفاف دارد، اما موضوع دوم، بعد از ساخت نکته بسیار مهم‌تر در افزایش عمر مفید ساختمان، حوزه نگهداری است، اینکه مثلاً بعد از ۳۰ سال که از اجرای قوانین مربوط به افزایش کیفیت ساخت و ساز گذشته، باز هم شاهد فرسودگی مصالح برخی ساختمان‌ها هستیم که علت آن کم توجهی به نگهداری ساختمان است. نگهداری ساختمان‌ها نیاز به توجه ویژه دارد.

مقومی در پاسخ به این سؤال که سازمان نظام مهندسی ساختمان در حوزه نگهداری چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟ گفت: «اولاً در اصلاح قانون نظام کنترل ساختمان که مدنظر است، به موضوعاتی مثل تضمین کیفیت ساخت، نگهداری ساختمان، استاندارد ساخت و... توجه پررنگ‌تری می‌شود. دوماً محوری که می‌تواند حقوق بهره‌بردار را تضمین کند، صدور شناسنامه فنی ساختمان است که به عنوان اولویت جدی در سازمان نظام مهندسی ساختمان دنبال می‌شود. انتظار داریم با توجه به اینکه با اجرای ویرایش جدید مباحث و مقررات ملی ساختمان که از دی ماه اجرا می‌شود، بحث سامانه شناسنامه فنی هم راه‌اندازی شود تا با اجرای آن شاهد افزایش و ارتقای عمر مفید ساختمان‌ها باشیم.»

> رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان: انتظار داریم با توجه به اینکه با اجرای ویرایش جدید مباحث و مقررات ملی ساختمان که از دی ماه اجرا می‌شود، بحث سامانه شناسنامه فنی هم راه‌اندازی شود تا با اجرای آن شاهد افزایش و ارتقای عمر مفید ساختمان‌ها باشیم

راه حل چیست؟

خبر پلاس

افزایش عمر مفید ساختمان‌ها در ایران، دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت ملی برای حفظ منابع و حرکت به سمت توسعه پایدار است. اگرچه انگیزه‌های اقتصادی قدرتمند، به دنبال تسریع در چرخه تخریب و ساخت هستند، اما راه نجات، در تغییر نگاه کلان نهفته است. این تغییر، تنها از طریق ارتقای کیفیت ساخت با مصالح استاندارد و نیروی کار ماهر، اجرای قوانین هوشمند که نگهداری از ساختمان را الزامی می‌کند و فرهنگ‌سازی برای ارزش‌گذاری بر دوام به جای نوسازی‌های کوتاه‌مدت، ممکن خواهد شد. آینده شهرهای ایران به این گذار وابسته است.

NITC
آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت ملی نفتکش ایران
به‌شماره ثبت ۴۸۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۵۸۳۹۱
مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت ملی نفتکش ایران درخصوص انتخاب اعضای حقوقی هیأت‌مدیره برگزار می‌شود.
بدین‌وسیله از کلیه سهامداران محترم یا نمایندگان قانونی و تام‌الاختیار آنها دعوت به‌عمل می‌آید تا در این جلسه که رأس ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ در محل این شرکت واقع در تهران، خیابان نلسون ماندلا(آفریقا)، خیابان شهید عاطفی شرقی، پلاک ۳۵، ساختمان شماره ۳، طبقه سوم تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه:
- انتخاب اعضای حقوقی هیأت‌مدیره
هیأت‌مدیره شرکت ملی نفتکش ایران

نوین صنعت رجا NOVIN SANAT RAJA
آگهی تجدید مناقصه شماره ۱۴-۱۴۰۴
سازمان: شرکت نوین صنعت رجا
موضوع تجدید مناقصه: خرید انواع کابل و سیم نسوز
محل تحویل کالا: انبار کارفرما درمجموعه راه‌آهن تهران
محل دریافت اسناد و بازگشایی پیشنهادها: تهران- میدان راه‌آهن- خیابان شوش غربی- ابتدای خیابان شهید رجائی- پلاک ۶۸۰- طبقه اول- امور قراردادها- تلفن ۵۵۱۲۴۴۹۹
مهلت دریافت اسناد: پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲
مهلت ارائه پیشنهادات: ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲
ساعت و روز قرائت پیشنهادات: ساعت ۱۴:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲
میزان سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ چهار میلیاردو ششصد و پنجاه و هفت میلیون (۴,۶۵۷,۰۰۰,۰۰۰)ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی یا یک فقره چک تضمینی بانکی در وجه شرکت نوین صنعت رجا
قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: واریز مبلغ پنج میلیون ریال به حساب شماره ۲۷۱۴۸۹۱۶۹ شماره شبا IR۲۷۰۱۳۰۱۰۰۰۰۰۰۰۲۷۱۴۸۹۱۶۹ و کد شناسه ۱۸۵ نزد بانک رفاه کارگران شعبه کریم خان زند به‌نام شرکت نوین صنعت رجا
سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج گردیده است.
شرکت نوین صنعت رجا

سایپا سیترون SAIPA CITROËN CO.
آگهی مناقصه عمومی
شرکت سایپا سیترون در نظر دارد "اورهال یک مجموعه المنت‌های LP و HP کمپرسور اطلس کوپکو مدل ZR500VSD" خود را از طریق مناقصه عمومی به تأمین‌کنندگان واجد شرایط واگذار نماید.
متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SAIPA-CITROEN.COM مراجعه نمایند.
نکته: فرآیند ارزیابی متقاضیان، با توجه به شرایط مورد نظر شرکت سایپا سیترون انجام خواهد پذیرفت.
محل دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهادات:
کاشان، کیلومتر ۱۴ جاده اردستان، واحد خرید شرکت سایپا سیترون، تلفن: ۰۳۱-۵۵۸۱۱۸۲۴، ۰۳۱-۵۵۸۱۱۸۲۵
معاونت خرید شرکت سایپا سیترون

سایپا سیترون SAIPA CITROËN CO.
تجدید آگهی مناقصه عمومی
شرکت سایپا سیترون در نظر دارد "عملیات دمونتاژ، انتقال جرثقیل دروازه‌ای ۴۰ تن از شرکت زامیاد به ریل خط فرعی راه‌آهن خود و نصب و راه‌اندازی آن" را از طریق مناقصه عمومی به تأمین‌کنندگان واجد شرایط واگذار نماید.
متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SAIPA-CITROEN.COM مراجعه نمایند.
نکته: فرآیند ارزیابی متقاضیان، با توجه به شرایط مورد نظر شرکت سایپا سیترون انجام خواهد پذیرفت.
محل دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهادات:
کاشان، کیلومتر ۱۴ جاده اردستان، واحد خرید شرکت سایپا سیترون، تلفن: ۰۳۱-۵۵۸۱۱۸۲۴، ۰۳۱-۵۵۸۱۱۸۲۵
معاونت خرید شرکت سایپا سیترون

ایران
ویژه تهران
فقط با یک تماس مشترک روزنامه ایران شوید
شماره امور مشترکین
۸۸۷۴۸۸۰۰
۰۹۰۲-۴۱۹۸۲۹۶

نوین صنعت رجا NOVIN SANAT RAJA
آگهی تجدید مناقصه شماره ۱۵-۱۴۰۴
سازمان: شرکت نوین صنعت رجا
موضوع تجدید مناقصه: تعمیرات مجموعه‌ها و المان‌های ترمز واگن‌های مسافری، خدماتی و واگن‌های خودکشش
محل انجام کار: کارگاه تعمیراتی کارفرما در تهران می‌باشد.
محل دریافت اسناد و بازگشایی پیشنهادها: تهران- میدان راه‌آهن- خیابان شوش غربی- ابتدای خیابان شهید رجائی- پلاک ۶۸۰- طبقه اول- امور قراردادها- تلفن ۵۵۱۲۴۴۹۹
مهلت دریافت اسناد: پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲
مهلت ارائه پیشنهادات: ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲
ساعت و روز قرائت پیشنهادات: ساعت ۱۵:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲
میزان سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ ده میلیارد و چهارصد میلیون (۱۰,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰)ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی یا یک فقره چک تضمینی بانکی در وجه شرکت نوین صنعت رجا
قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: واریز مبلغ پنج میلیون ریال به‌حساب شماره ۲۷۱۴۸۹۱۶۹ شماره شبا IR۲۷۰۱۳۰۱۰۰۰۰۰۰۰۲۷۱۴۸۹۱۶۹ و کد شناسه ۱۸۵ نزد بانک رفاه کارگران شعبه کریم خان زند به‌نام شرکت نوین صنعت رجا
سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج گردیده است.
شرکت نوین صنعت رجا

شرکت پالایش نفت لاوان
آگهی شناسایی پیمانکار (نوبت سوم)
شرکت پالایش نفت لاوان در نظر دارد اجاره یک فروند هواپیما به صورت دربست جهت حمل مسافر و با ظرفیت ۱۳۰ الی ۱۴۰ نفر صندلی به‌صورت برنامه‌ای (چارتر) از محل تجمع پرسنل تا محل استقرار در جزیره لاوان و بالعکس را از طریق برگزاری فراخوان مناقصه عمومی به‌صورت یک مرحله‌ای به پیمانکار باسابقه، مجرب و واجد شرایط واگذار نماید.
آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای مناقصه شماره MO-1404058
در اختیار قرار دادن یک فروند هواپیما به صورت دربست جهت حمل مسافر و با ظرفیت ۱۳۰ الی ۱۴۰ نفر صندلی به‌صورت برنامه‌ای (چارتر) از محل تجمع پرسنل تا محل استقرار در جزیره لاوان و بالعکس
(مجوز شماره ۵۳۲۰۲۳۱۲) مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۶۹,۸۸۲,۷۳۷,۲۸۰ ریال
انتشار عمومی: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷، مهلت دریافت اسناد تا ساعت ۱۶:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۱
مهلت تحویل پاکات پیشنهاد تا ساعت ۱۶:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸
زمان جلسه گشایش پاکات: رأس ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۹
الف: دریافت اسناد:
۱) کلیه شرکت های متقاضی حضور در مناقصه می‌بایست حداکثر تا پایان مهلت دریافت اسناد (مندرج در آگهی مناقصه)، مراتب آمادگی خود را از طریق تکمیل فرم اعلام آمادگی (به پیوست دفترچه مناقصه) و ارسال فرم مذکور صرفا به نشانی ایمیل: Lavantenders@Lorc.ir اعلام نمایند. اسناد مناقصه به آدرس ایمیلی ارسال خواهد شد که از طریق آن اعلام آمادگی صورت گرفته باشد. دفترچه مناقصه از طریق وبسایت www.Lorc.ir بخش مناقصه‌ها و استعلام‌ها قابل دریافت می باشد. ۲) شرکت های هواپیمایی که دعوتنامه حضور در مناقصه را به صورت کتبی از مناقصه‌گزار دریافت می‌نمایند، نیازی به ارسال فرم اعلام آمادگی حضور در مناقصه ندارند.
ب) شرایط انجام کار:
۱- شرکت های هواپیمایی با شرکت‌های دارای معرفی‌نامه نمایندگی تام‌الاختیار از شرکت‌های مذکور و با در اختیار داشتن مجوز شرکت در مناقصه و امکان ارائه خدمات پرواز استیجاری ۲- توانایی در اختیار گذاشتن مدل و تیپ هواپیماهای مورد تایید بهره‌بردار به شرح مندرج در اسناد مناقصه ۳- دارا بودن شخصیت حقوقی ۴- مناقصه‌گر نباید مشمول قانون منع مداخله در معاملات و مناقصات باشد.
د) ارسال پیشنهادات:
مناقصه‌گران می‌بایست پاکات پیشنهاد شامل پاکات الف، ب و ج در پاکت‌های جداگانه لاک و مهر شده بگذارند و همه پاکت‌ها را در لفاف مناسب و لاک و مهر شده قرار دهند. پاکات پیشنهاد می بایست حداکثر تا ساعت ۱۶:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ به نشانی «تهران، بلوار میرداماد، بعد از میدان مادر، نرسیده به خیابان شریعتی، خیابان رودبار غربی جنوبی، نبش بن‌بست سوم، پلاک ۲۰، کدپستی ۱۵۴۶۹۱۶۳۱۳ تحویل گردد. درج شماره مناقصه بر روی تمامی پاکات الزامی می باشد:
۱-پاکت الف: تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ درج شده در آگهی مناقصه و شرایط مندرج در دفترچه مناقصه
۲-پاکت ب: حاوی اسناد مناقصه شامل دفترچه مناقصه، پیش‌نویس قرارداد: در خصوص نمایندگان شرکت های هواپیمایی، ارائه نامه نمایندگی تام‌الاختیار از شرکت‌های هواپیمایی و تصویر مجوز شرکت در مناقصه با مهر و امضای صاحبان امضای مجاز شرکت هواپیمایی صادرکننده مجوز، اساسنامه و آگهی ثبتی در پاکت ب الزامی می باشد. (الزاما با مهر و امضای مجاز مناقصه‌گر و در پاکت با لفاف مناسب و لاک و مهرشده)
۳-پاکت ج: حاوی پیش‌نویس قرارداد پیوست اسناد مناقصه با درج قیمت (الزاماً با مهر و امضای مجاز مناقصه‌گر و در پاکت با لفاف مناسب و لاک و مهر شده) به پاکاتی که بعد از تاریخ سررسید ارائه گردند، ترتیب اثر داده نخواهند شد.
هـ) محل گشایش پیشنهادات: تهران، بلوار میرداماد، بعد از میدان مادر، نرسیده به میدان شریعتی، خیابان رودبار غربی جنوبی، نبش بن بست سوم، پلاک ۲۰
اصلاحیه: مهلت ارسال پاکات پیشنهاد مطابق آگهی نوبت سوم تمدید و ساعت بازگشایی تغییر یافته است.
آدرس اینترنتی شرکت پالایش نفت لاوان: www.lorc.ir
آدرس دفتر مرکزی: هرمزگان، بندرعباس، گلشهر شمالی، بلوار دانشگاه، بلوار مصطفی خمینی، پلاک ۰، ساختمان آریا، طبقه همکف، کدپستی: ۷۹۱۵۳-۱۹۷۴۴
تلفن: ۰۷۱۳۸۳۱۸۸۸۱ داخلی (۱۴۸-۱۴۷) و ۰۷۱۳۸۱۷۳۴۳۰ - ۰۷۶۹۱۰۹۱۰۸۱، فاکس: ۳۸۳۱۸۸۸۲ (۰۷۱) - شماره همراه پاسخگو: ۰۹۰۱۸۷۱۴۶۷۴
مدیریت بازرگانی شرکت پالایش نفت لاوان

نوبت اول
فراخوان عمومی همکاری
در توسعه و انتفاع از زیرساخت‌های فن‌آوری
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران
به استحضار شرکت‌ها و واحدهای فناور دانش‌بنیان و مجموعه‌های سرمایه‌گذاری فعال در کسب و کارهای فناورانه می‌رساند پارک علم و فن‌آوری سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران آماده همکاری برای توسعه زیرساخت فن‌آوری به‌صورت اجاره بلند مدت با مشارکت و سرمایه‌گذاری با هدف ایجاد انتفاع برای شرکت‌های فناور از طریق ایجاد زیرساخت‌های اختصاصی تحقیق و توسعه آن مجموعه‌ها می‌باشد. علاقه‌مندان می‌توانند با اعلام آمادگی مکتوب و ارائه طرح خود برای توسعه زیرساخت یا فعالیتهای تحقیق و توسعه در این پارک، از فرصت ایجاد شده بهره‌مند شوند.
متقاضیان برای آگاهی از شرایط موضوع و ارائه درخواست خود حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ می‌توانند با اداره پشتیبانی و اجرایی پارک آقای سلیمی به‌شماره ۵۷۴۱۶۸۲۸ و یا تلفن همراه ۰۹۱۲۲۷۸۴۸۹۶ تماس حاصل فرمایند.

خبر

با هدف حمایت از مستأجران و تا پایان امسال انجام می‌شود

واگذاری ۱۰ هزار واحد اجاره‌ای دولتی به مستأجران واجد شرایط

مدیرکل راه و شهرسازی استان تهران با تشریح جزئیات اجرای طرح مسکن استیجاری گفت: «دولت واحدهای خریداری‌شده را یک تا ۵ سال به زوج‌های جوان اجاره می‌دهد.»

تأمین منابع مالی و تأمین مسکن اجاره‌ای دو برنامه‌ای است که با هدف حمایت از خانوار مستأجران واجد شرایط در دستورالعمل سیاست‌های حوزه مسکن دولت قرار گرفته است. برنامه تأمین مالی پرداخت تسهیلات ودیعه مسکن است که از سال‌های قبل شروع شده و در این دولت نیز اجرا می‌شود، آمار رشد پراخت این تسهیلات را نشان می‌دهد.

برنامه دیگر جدا از پرداخت تسهیلات ودیعه، واگذاری واحدهای اجاره‌ای به مستأجران واجد شرایط است. این واحدها یا به‌صورت آماده توسط دولت خریداری و به مستأجران اجاره داده می‌شود یا دولت آنها را می‌سازد و در قالب اجاره چند ساله به مستأجران واگذار می‌کند. این برنامه در واقع قانون بالادستی اجاره‌داری حرفه‌ای یا ساخت واحدهای ارزان قیمت جهت ورود به بازار اجاره است. مبلغ اجاره این واحدها پایین‌تر از نرخ متوسط اجاره در مناطق مختلف خواهد بود.

متولیان بخش مسکن، اعلام کرده اند که عرضه مسکن استیجاری با دو مدل «تأمین واحدهای مسکونی آماده» و «ساخت مسکن استیجاری» برای زوج‌های جوان که طی پنج سال اخیر ازدواج کرده‌اند، شروع می‌شود. در این خصوص رضا خالقی مدیرکل راه و شهرسازی استان تهران اظهار کرد: «بر اساس این طرح، دولت واحدهای مسکونی آماده را از طریق بانک‌ها، نهادها و بخش خصوصی در مناطق متوسط تا پایین شهر تهران و برخی کلانشهرها با متراژهای مناسب خریداری می‌کند و با قیمت پایین به‌صورت اجاره به زوج‌های واجد شرایط واگذار می‌کند.»

وی ادامه داد: «واگذاری واحدهای اجاره‌ای دولت به زوج‌های واجد شرایط حداقل از یک سال تا حداکثر پنج سال در نظر گرفته شده است.»

به گفته خالقی طرح جدید مسکن استیجاری با هدف حمایت از زوج‌های جوان و تسهیل دسترسی آنها به مسکن در شهر تهران به‌زودی عملیاتی خواهدشد.

میرکل راه و شهرسازی استان تهران بیان کرد: «واحدهای مسکونی خریداری‌شده در اختیار زوج‌هایی قرار می‌گیرد که کمتر از پنج سال از ازدواج آنها گذشته باشد. این اقدام در راستای اجرای قانون جوانی جمعیت کشور انجام می‌شود و هدف آن تسهیل شرایط زندگی برای خانواده‌های تازه‌تشکیل شده است.»

فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی پیش از این اعلام کرده بود که «در چهارچوب این بسته حمایت از مستأجران دولت، وزارتخانه خرید واحدهای اجاره‌ای را در کلان‌شهرها آغاز کرده است تا حداقل ۱۰ هزار واحد استیجاری با اجاره‌بهای کمتر و ودیعه پایین‌تر تا پایان سال در اختیار مردم، بویژه زوج‌های جوان قرار گیرد.»

وزیر راه و شهرسازی درباره تأمین مالی این طرح توضیح داد: «بخش عمده منابع از محل آورده‌های داخلی وزارتخانه تأمین می‌شود و بخشی از واحدهای سازمانی وزارت راه، بویژه در شمال کشور، فروخته شده است تا با منابع آن واحدهای کوچک‌تری برای خانواده‌های جوان خریداری شود.»

حبیب‌الله طاهرخانی، معاون وزیر راه و شهرسازی نیز از ابلاغ دستورالعمل ماده ۶ بسته مدیریت بازار اجاره با محوریت تأمین مسکن استیجاری برای زوج‌های جوان و گروه‌های کم‌درآمد به استان‌ها خبر داده و اعلام کرده است که «اجرای این سیاست در برخی استان‌های کشور آغاز شده است.»

به گفته طاهرخانی «در این راستا اقداماتی نیز در برخی استان‌ها از جمله استان تهران آغاز شده است. اجرای سیاست استیجار عمومی آغازی بنیادین برای اصلاح مسیر سیاست‌گذاری در بازار مسکن است.»

بر اساس این گزارش در طرح مسکن استیجاری از محل اراضی، املاک و مستغلات و همچنین منابع وزارت راه و شهرسازی برای تأمین و عرضه مسکن استیجاری استفاده می‌شود و واحدهای مسکونی حاصل از آن به صورت اجاره‌ای به زوج‌های جوان فاقد مسکن برای مدت مشخص و با اجاره‌بهای پایین‌تر از نرخ بازار واگذار می‌شود. عرضه واحدهای استیجاری برای مستأجران واجد شرایط، با مساحت کمتر از ۱۰۰ مترمربع است.

پرداخت وام ودیعه

برنامه دیگری که دولت در چهارچوب سیاست‌های حمایت از مستأجران اجرا می‌کند پراخت تسهیلات کمک ودیعه اجاره است. بر اساس آمار و گزارش وزارت راه و شهرسازی، پرداخت وام ودیعه مدیریت شکاف طبقاتی و حمایت از دهک‌های متوسط و پایین جامعه در عرصه مسکن باعث شد دولت چهاردهم در راستای حمایت از مستأجران و اجرای ماده ۹ قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره بها، سقف کلی تسهیلات کمک ودیعه مسکن را از ۸۰ همت به ۲۰۰ همت افزایش دهد.

از اردیبهشت امسال ۴۷هزار و۸۹۶ میلیارد تومان برای ۲۵۰ هزار و ۹۶۴ نفر متقاضی ودیعه مسکن پرداخت شده است. این اقدام در کاهش مشکلات برخی مستأجران در شهرهای بزرگ اثرگذار بوده است.

علاوه بر این، رشد ۵۱ درصدی نسبت به دوره ۶ ساله ظرف یک سال در اخذ پروانه ساختمانی پروژه‌های ۹۹ ساله نه تنها یک دستاورد فنی، بلکه پیام روشنی برای افکار عمومی است: دولت سعی دارد نشان دهد برخلاف دوره‌های گذشته، پروژه‌ها روی زمین نمی‌مانند. این موضوع می‌تواند موجب افزایش سرمایه اجتماعی در دهک‌های فاقد مسکن شود.

سازوکار مصوبه هیأت دولت درباره اصلاح قیمت سوخت و سهمیه‌ها چگونه عمل می‌کند؟

ابهام‌زدایی از سیاست‌گذاری بنزینی

گزارش

زوزان نقشبندی
گروه اقتصادی

دولت در تازه‌ترین مصوبه خود، طرحی را برای اصلاح نظام توزیع و قیمت‌گذاری بنزین برای بهبود حکمرانی سوخت به تصویب رسانده است. بر اساس این مصوبه، افرادی که بیش از سقف ۱۶۰ لیتر سهمیه‌ای در ماه، از کارت اضطراری جایگاه‌ها استفاده کنند، از نیمه آذر باید هزینه بنزین را با نرخ جدید یعنی ۵ هزار تومان بپردازند. بااین‌حال، ساختار کلی سهمیه‌ها تغییر نکرده و همچنان به هر کارت سوخت ۶۰ لیتر بنزین با نرخ ۱۵۰۰ تومان و ۱۰۰ لیتر بنزین با نرخ ۳ هزار تومان تعلق می‌گیرد.

این مصوبه برای برخی خودروها شرایط متفاوتی در نظر گرفته است. خودروهای دارای پلاک دولتی (به‌جز آمبولانس‌ها)، خودروهای مستقر در مناطق آزاد، خودروهای خارجی وارداتی و خودروهای نو شماره داخلی از این پس بنزین را با نرخ سوم دریافت می‌کنند؛ یعنی حتی با وجود سهمیه، باید هزینه ۵ هزار تومانی هر لیتر را پرداخت کنند. طبق دستورالعمل دولت، این نرخ باید حداقل ۱۰ درصد قیمت خرید بنزین از پالایشگاه‌ها باشد و تعیین عدد نهایی آن بر اساس فرآیندی مشخص انجام می‌شود.

برای رسیدگی به این موضوع، کارگروهی با حضور نمایندگان سازمان برنامه‌وبودجه و وزارتخانه‌های نفت، کشور، اقتصاد، اطلاعات و شورای اطلاع‌رسانی دولت تشکیل می‌شود. وظیفه این کارگروه، تعیین میزان سهمیه‌های لیتری و اعتباری، زمان مجاز ذخیره سهمیه در کارت‌های شخصی و همچنین بررسی و پیشنهاد نرخ بنزین کارت اضطراری جایگاه‌هاست. پس از نهایی‌شدن این تصمیمات، وزارت نفت نرخ فصلی کارت اضطراری را برای اجرا به شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی اعلام می‌کند.

در بخش دیگری از مصوبه، دولت تکلیف سهمیه تاکسی‌های اینترنتی را نیز مشخص کرده است. وزارت کشور موظف شده با همکاری وزارت نفت، وزارت اطلاعات و سازمان برنامه‌وبودجه، حداکثر ظرف سه ماه سامانه‌ای طراحی کند تا خودروهای فعال در پلتفرم‌های حمل‌ونقل شناسایی و احراز شوند. پس از این مرحله، به این رانندگان سهمیه اعتباری متناسب با اختلاف قیمت نرخ دوم و نرخ سوم پرداخت خواهد شد تا هزینه‌های آنها در نتیجه افزایش قیمت بنزین جبران شود.

نحوه حذف سهمیه بنزین خودروهای تازه‌شماره‌گذاری‌شده

به گزارش «ایران» از شانا، وزیر نفت اعلام کرده است، نحوه و زمان حذف سهمیه بنزین خودروهای تازه شماره‌گذاری‌شده در یک کارگروه تخصصی بررسی خواهد شد. این کارگروه از چند نهاد مهم دولتی تشکیل شده و قرار است تصمیم‌ها را با درنظرگرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و بر اساس توافق جمعی اتخاذ کند.

بر اساس توضیحات ارائه‌شده، وزارت نفت به همراه وزارت کشور، وزارت اطلاعات، سازمان برنامه‌وبودجه و سازمان بهینه‌سازی و مدیریت مصرف انرژی در قالب این کارگروه، مسئول طراحی سازوکاری هستند که تعیین می‌کند خودروهای نوشماره از چه تاریخی دیگر سهمیه‌های ۶۰ و ۱۰۰ لیتری بنزین را دریافت نکنند. وزیر نفت تأکید کرده، هدف این است که تصمیم نهایی عجولانه نباشد و با نظر همه دستگاه‌ها و مطابق وضعیت اقتصادی کشور اجرا شود.

وی همچنین اشاره کرده است، این بررسی تنها محدود به خودروهای نوشماره نیست و وضعیت خودروهای وارداتی، خودروهای مستقر در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و حتی خودروهای دولتی نیز در همین چهارچوب بررسی خواهد شد. به گفته او، مدل اجرای مصوبه برای هر یک از این دسته‌ها به صورت جداگانه در کارگروه تحلیل و تعیین‌تکلیف می‌شود.

منظور از خودروی نوشماره، خودروهایی هستند که برای اولین‌بار از کارخانه بیرون‌آمده و به‌تازگی شماره‌گذاری شده‌اند؛ یعنی خودروهایی که هنوز سابقه پلاک‌گذاری و استفاده ندارند.

> روزانه بیش از ۵۰ میلیون لیتر بنزین با استفاده از کارت‌های سوخت جایگاه‌ها مصرف می‌شود که بخشی از آن در فرآیند قاچاق قرار می‌گیرد

بازگرداندن نقش اصلی کارت سوخت شخصی در مدیریت مصرف

در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دوم سیما نیز که با محوریت بررسی مصوبه جدید دولت درباره قیمت و شیوه عرضه بنزین پخش شد، کرامت ویس‌کرمی مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی و رضا نواز سخنگوی اتحادیه جایگاه‌داران سوخت، به بررسی مصوبه جدید دولت در خصوص بنزین پرداختند.

کرامت ویس‌کرمی در این برنامه با اشاره به مصوبه هیأت وزیران که دوم آذر ۱۴۰۴ ابلاغ شده، اعلام کرد که هدف اصلی دولت از این تصمیم، بازگرداندن نقش اصلی کارت سوخت شخصی در مدیریت مصرف است.

وی گفت: «سهم قابل‌توجهی از بنزین کشور به جای کارت شخصی با کارت اضطراری جایگاه‌ها برداشت می‌شود؛ به‌گونه‌ای که از ابتدای سال ۱۴۰۴ تاکنون حدود ۴۰ درصد معادل ۵۳ میلیون لیتر از ۱۳۳ میلیون لیتر مصرف روزانه با کارت آزاد تزریق شده است.»

همچنین ویس‌کرمی با تأکید بر اینکه کارت سوخت اضطراری جایگاه‌ها سهم بالایی در قاچاق سوخت در کشور دارد، گفت: «روزانه بیش از ۵۰ میلیون لیتر بنزین با استفاده از کارت‌های سوخت جایگاه‌ها مصرف می‌شود که بخشی از آن در فرآیند قاچاق قرار می‌گیرد.» او تأکید کرد: «این حجم استفاده از کارت اضطراری، امکان رصد دقیق مصرف‌کنندگان را از بین می‌برد و همین موضوع به افزایش زمینه تخلف و قاچاق سوخت دامن می‌زند.» ویس‌کرمی با اشاره به سابقه تأکید مجلس در بودجه سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ برای محدودسازی کارت سوخت آزاد، گفت: «درحالی‌که باید مصرف کارت اضطراری کمتر از ۱۰ درصد می‌بود، امروز در برخی روزها به ۴۵ درصد هم رسیده‌ایم.»

مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی همچنین توضیح داد: «سامانه‌ای جدید در دست طراحی است تا مالکان چند خودرو بتوانند از طریق ثبت اطلاعات، مشخص کنند کدام خودرو سهمیه بنزین دریافت کند.» او تصریح کرد: «برای خودروهای تازه تولید شده، کارت سوخت صادر می‌شود؛ اما سهمیه ۶۰ و ۱۰۰ لیتری آنها حذف خواهد شد.»

در ادامه این برنامه، رضا نواز سخنگوی اتحادیه جایگاه‌داران سوخت، در پاسخ به پرسشی درباره آمادگی فنی جایگاه‌ها گفت: «زیرساخت لازم کاملاً وجود دارد و تجربه اجرای بنزین سه‌نرخی هم در کشور پیش‌تر بوده است.» با این حال او تأکید کرد: «مسأله مهم‌تر، شدت بالای مصرف بنزین در کشور است که ایران را در میان چند کشور اول جهان از نظر مصرف روزانه قرار داده است.»

نواز با اشاره به بحث انحراف مصرف و قاچاق سوخت، از شیوه‌های رایج سوءاستفاده مثال زد و گفت: «یک خودرو با باک ۶۰ لیتری در شهری مثل تهران می‌تواند چند بار در روز از کارت آزاد استفاده کند و تا ۲۰۰ لیتر بنزین ارزان‌قیمت ذخیره کند، بدون اینکه جایگاه یا کارکنان متوجه شوند. این کار حتی در مواردی به یک شغل ثابت برای برخی افراد تبدیل شده است.»

بررسی تخفیف‌های ادعایی «بلک فرایدی» در ایران

«جمعه سیاه»؛ دروغ بزرگ یا فرصت خرید؟

گزارش

گروه اقتصادی

با نزدیک شدن به جمعه سیاه، هر کدام از ما روزانه حداقل نزدیک به ۱۰ پیامک در مورد تخفیف بلک فرایدی دریافت می‌کنیم. کسب و کارهای آنلاین در تمام تبلیغات خود از ابتدای این هفته وعده تخفیف‌های آنچنانی را به مشتریان می‌دهند؛ تخفیف‌هایی که بعضاً به بیش از ۹۰ درصد هم می‌رسد. اما تجربه بسیاری از افراد از خرید در آنچه که کسب و کارها «جمعه سیاه» نامیده‌اند، تجربه خوبی نیست. آنها می‌گویند: برندها و فروشگاه‌ها چند روز قبل از بلک فرایدی قیمت‌ها را طوری بالا می‌برند که با تخفیف‌های ۸۰-۷۰ درصدی، تازه کالا به قیمت واقعی برمی‌گردد. آنها این تخفیف‌ها را حتی نوعی کلاهبرداری می‌دانند. اتاق اصناف هم امسال وارد میدان شده و اعلام کرده است که فروش تحت عنوان بلک فرایدی را رصد می‌کند و متخلفان جریمه می‌شوند.

اما آیا این تخفیف‌ها در ایران مانند سایر کشورهاست؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید به فلسفه بلک فرایدی در سایر کشورها نگاه کنیم. بلک فرایدی، در بیشتر کشورهای دنیا و به خصوص آمریکا برگزار می‌شود. طبیعتاً فیلم‌هایی از هجوم جمعیت به فروشگاه‌ها برای خرید کالاهای مورد نیاز خود به قیمت‌های بسیار پایین‌تر را هم دیده‌اید. گاهی این هجوم به زد و خورد هم منجر می‌شود، اما به نظر می‌رسد تخفیف‌های بالای این فروشگاه‌ها، ارزش کتک خوردن هم دارد.

تاریخچه بلک فرایدی

به روایتی، پیشینه بلک فرایدی (آخرین جمعه ماه نوامبر) به شکل اولیه در قرن بیستم اتفاق افتاده است و آن هم به مناسبت خرید کریسمس و آغاز فصل جدید. اما روایتی دیگر از برگزاری بلک فرایدی از سال ۱۹۶۰ در آمریکا خبر می‌دهد. زمانی که فروشگاه‌های بزرگ آمریکا این روز را به عنوان روز تخفیف‌های بزرگ نام‌گذاری کردند. پس از آن در دهه ۲۰۰۰ این سنت، به سایر کشورهای دنیا وارد شد و به طور هماهنگ، یک روز در دنیا به عنوان بلک فرایدی شناخته شد که مردم می‌توانستند کالاهای مورد نیاز خود را با تخفیف‌های عجیب بخرند. یکی از اهداف این سیاست، دسترسی همه مردم به کالاهای مورد نیاز برای کریسمس بود. به عبارتی افرادی که نمی‌توانستند در طول سال وسایل گران فروشگاه‌ها را خریداری کنند، در این روز به آنها دسترسی داشتند. از سوی دیگر انبارگردانی فروشگاه‌ها با این فروش فوق‌العاده اتفاق می‌افتاد و موجب رونق کسب و کارشان می‌شد. بخشی از اهداف هم تبلیغات فروشگاه‌ها و برندها بود. بنابراین بخشی از اهداف بلک فرایدی به مسئولیت اجتماعی فروشندگان و بخشی از آن نیز به رونق کسب وکار و برندینگ آنها برمی‌گردد. اما آیا تمام برندها در این روز وارد میدان تخفیف‌های بزرگ می‌شوند؟ شاید بد نباشد برای پاسخ به این سؤال، به یک تجربه شخصی در بلک فرایدی مونیخ رجوع کنیم.

یک تجربه از بلک فرایدی در مونیخ

یک شهروند ایرانی درباره تجربه خود از خرید بلک فرایدی در آلمان می‌گوید: «در روز موعود مردم برای هر صف حداقل باید ۲ تا ۳ ساعت وقت بگذارند و ساعت خرید هم بسیار کوتاه است. یک آلمانی - فیلیپینی که تنها دو نفر دیگر در صف جلویش بودند، می‌گفت که از ساعت ۵ صبح به اینجا آمده و حتی آن موقع هم اینجا شلوغ بوده. وقتی با گذشتن زمان طولانی وارد یک فروشگاه شدم، صحنه‌ها عجیب‌تر شد. سبدهایی که بیشتر در هایپرمارکت‌ها برای خرید مواد غذایی استفاده می‌شد، لبریز از لباس بود و خانم‌ها چنان برای برداشتن لباس از روی رگال‌ها سریع بودند که گاهی آستین یک لباس در دست یکی و تنه آن در دست دیگری جا می‌ماند.» یکی از خریداران که به نظر می‌رسید سبدش حدود ۵۰ لباس را در خودش جای داده، می‌گفت: «ما نیاز سالانه‌مان را در بلک فرایدی تأمین می‌کنیم. من یک کارمند با حقوق پایین هستم و زورم نمی‌رسد در طول سال این همه پول را به لباس برای خودم و بچه‌هایم بدهم. الان با پول همه این لباس‌هایی که برداشتم، در طول سال نهایتاً می‌توانستم برای هر کدام از اعضای خانواده‌ام دو دست لباس بخرم؛ در صورتی که حالا هر کدام‌مان حدود ۱۰ لباس داریم.»

ولی زمانی که وارد خیابان‌های فرعی شدیم یا از کنار فروشگاه‌های دارای برندهای لوکس رد می‌شدیم، یا خبری از صف نبود یا طول صف‌ها کوتاه‌تر شد. انگار بیشترین تخفیف متعلق به فروشگاه‌ها و هایپرها بود و برندهای لاکچری در این روز مشارکت نمی‌کردند. برندهای متوسط هم تخفیف‌هایشان به اندازه فروشگاه‌های بزرگ نبود. بنابراین طبیعی است که فروشگاه‌های لاکچری خلوت و فروشگاه‌های با برند متوسط، شاهد صف‌های کوتاه‌تری باشند.

بلک فرایدی در ایران

اوایل دهه ۹۰ بود که ایران هم به کارزار جمعه سیاه جهانی پیوست. تخفیف‌های بالای فروشگاه‌ها همه را تا جمعه سیاه سال بعد چشم انتظار می‌گذاشت. زمانی که پلتفرم‌های آنلاین رونق گرفتند، صف‌هایی که جلوی در فروشگاه‌ها تشکیل می‌شد، به این پلتفرم‌ها انتقال یافت و گاهی ترافیک ورود به هر سایت و پلتفرمی زیاد می‌شد و بعضی مشتریان از خرید باز می‌ماندند. اما آیا ایرانی‌ها تجربه خوبی از بلک فرایدی دارند؟ این سؤالی است که از ۱۰ نفر که در جمعه سیاه از سایت‌ها و فروشگاه‌ها در ایران خرید کرده‌اند، پرسیده شده است.

نفر اول می‌گوید: «سال گذشته خرید کردم و به نظرم تخفیفش واقعی بود. چون قیمت قبل از آن را می‌دانستم و در تخفیف ۷۰ درصدی از سایت خرید کردم.»

نفر دوم نظرش متفاوت است و می‌گوید: «بلک فرایدی یک دروغ بزرگ در ایران است. سال قبل در همین بلک فرایدی خرید کردم ولی وقتی همان روز قیمت کالا را سرچ کردم، دیدم از قیمتی که مثلاً ۷۰ درصد تخفیف گذاشته بود، پایین‌تر است.»

نفر سوم هم با نفر قبل هم نظر است و می‌گوید: «چند کالا را در سبد خرید داشته که می‌خواسته در بلک فرایدی امسال آن را بخرد. اما قیمتش را در چند روز اخیر چنان بالا برده‌اند که حتی با تخفیف هم از آن قیمت قبل بالاتر است.»

نفر چهارم ولی از خریدش راضی است و توضیح می‌دهد که از پلتفرم و سایت خرید نکرده؛ بلکه به مرکز خرید رفته و توانسته کالاهای خوبی را با قیمت‌های عالی خریداری کند.

نفر پنجم به موضوع جدیدی اشاره می‌کند که قابل توجه است. او می‌گوید: بلک فرایدی ایران به درد نمی‌خورد؛ چون تمامش کلاهبرداری است. من معمولاً در این روزها از ترکیه خرید می‌کنم و بازار واسطه‌های ترکیه خیلی داغ است، چون آنجا قیمت‌ها به طور واقعی پایین می‌آید و حتی با دادن پول به واسطه، باز هم از اینجا ارزان‌تر است.

نفر ششم می‌گوید: من لوازم بهداشتی و آرایشی را پارسال در بلک فرایدی خریدم. با اینکه قیمتش خیلی ارزان بود، ولی وقتی به دستم رسید، تقلبی بود، در صورتی که قیمت اولیه را قیمت کالای اصل گذاشته بودند.

نفر هفتم از تجربه‌ای می‌گوید که در کالاهای الکترونیکی داشته و اعتقاد دارد این کالاها با قیمت بسیار بالایی در بلک فرایدی عرضه می‌شوند.

نفر هشتم هم از مراجعه حضوری خود به فروشگاه‌ها در بلک فرایدی و خرید از آنها راضی است. اما می‌گوید امسال خرید نمی‌کند چون احساس می‌کند به طور کامل کلاهبرداری است.

نفر نهم به تجربه بد خرید در جمعه سیاه اشاره و عنوان می‌کند: پالتویی را در بلک فرایدی با تخفیف به قیمت ۴ میلیون تومان خریدم ولی فردای همان روز، مغازه‌دار آن پالتو را ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان قیمت گذاشته بود.

نفر دهم هم به جرگه مخالفان با جمعه سیاه در ایران پیوست و گفت که همین چند روز قبل، قیمت کفشی را از یک فروشگاه معتبر پرسیده و دیروز وقتی قصد داشته کفش را در تخفیف جمعه سیاه بخرد، متوجه شده که فروشگاه، قیمت را بالا برده و بعد از تخفیف، قیمت آن کفش را به همان قیمت قبل رسانده است.

> برخی می‌گویند: برندها و فروشگاه‌ها چند روز قبل از بلک فرایدی قیمت‌ها را طوری بالا می‌برند که با تخفیف‌های ۸۰-۷۰ درصدی، تازه کالا به قیمت واقعی برمی‌گردد. آنها این تخفیف‌ها را حتی نوعی کلاهبرداری می‌دانند. اتاق اصناف هم امسال وارد میدان شده و اعلام کرده است که فروش تحت عنوان بلک فرایدی را رصد می‌کند و متخلفان جریمه می‌شوند

هشدار اتاق اصناف به مردم

امسال با توجه به تجارب گذشته در جمعه سیاه و گسترش تبلیغات برای خرید در روز جمعه پیش رو، اتاق اصناف هم پایش به این تخفیف‌ها کشیده شده است.

معاون بازرسی و نظارت اتاق اصناف ایران گفته است: در سراسر کشور، واحدهای صنفی در مناسبت‌های مختلف با هدف مشارکت اجتماعی و تحریک فروش، تخفیف ویژه و فروش فوق‌العاده ارائه می‌دهند؛ اما گاهی این تخفیف‌ها واقعی نیستند. به عنوان مثال، تخفیف‌های ۸۰ تا ۹۰ درصدی معمولاً واقعی نیستند. تخفیف‌ها باید واقعی باشند تا تبلیغ نیز معتبر باشد. به همین دلیل به مردم توصیه می‌شود حتماً فاکتور خرید را از واحدهای صنفی دریافت کنند، زیرا در فاکتور میزان تخفیف واقعی قید می‌شود.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، بهنام نیک‌منش با بیان اینکه اتاق اصناف علیه تخفیف‌های ساختگی وارد عمل شده، عنوان کرده است: «شناسایی واحدهای فاقد پروانه کسب در دستور کار بازرسان قرار دارد.»

او درباره طرح نظارتی ویژه بلک فرایدی اظهار کرده است: «با توجه به نزدیک شدن ایام فروش فوق‌العاده، تقاضای عمومی برای کالاهایی مانند پوشاک، کیف و کفش، لوازم آرایشی و بهداشتی و... افزایش می‌یابد. برای مقابله با تخفیف‌های غیرواقعی و نامتعارف، طرح نظارتی به رؤسای اصناف سراسر کشور و اتحادیه‌های صنفی ابلاغ شده تا بازرسان سازمان نیز بتوانند رصد و پایش لازم را انجام دهند و در صورت مشاهده تخفیف نامتعارف یا تبلیغ غیرواقعی، با آن برخورد کنند.»

امسال در جمعه سیاه خرید می‌کنید؟

با اینکه اغلب تجارب خرید در بلک فرایدی ایران، بد است اما هنوز بسیاری از افراد منتظرند که شانس خود را برای بهره‌مندی از تخفیف‌های جمعه سیاه امتحان کنند. برخی می‌گویند، هدف از حضور فروشگاه‌ها و برندها در بلک فرایدی ایرانی نه انبارگردانی است و نه مسئولیت اجتماعی، بلکه اغلب به دنبال معرفی برند و جذب مشتری وفادار هستند. با وجود این، نمی‌توان به قاطعیت گفت تمام تخفیف‌ها، دروغین است. اما جست‌وجوی قبل از خرید در جمعه سیاه، می‌تواند تجربه بهتری را در خرید رقم بزند.

«ایران» روند بازار سهام را بررسی می کند

افت خفیف بورس؛ آغاز ریزش یا اصلاح؟

عکس: سجاد صفری / ایران

گزارش

حبیب آرین
گروه بورس

بازار سهام در هفته‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین کانون‌های توجه فعالان اقتصادی بدل شده است. شاخص کل بورس که پس از یک دوره رکود فرسایشی از ۸ شهریور روندی صعودی را آغاز کرد، طی کمتر از سه ماه توانست بازدهی نزدیک به ۴۰ درصدی را ثبت کند؛ رشدی که انتظارات را بالا برد و نگاه‌ها را بار دیگر متوجه تالار شیشه‌ای کرد. نقطه اوج این حرکت مثبت در روز سه‌شنبه رقم خورد؛ زمانی که شاخص کل با عبور از سطح ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار واحد، سقف تاریخی جدیدی ساخت و امیدها را برای ادامه مسیر صعودی تقویت کرد. با این حال، بازار در روز چهارشنبه ۵ آذر با فشار فروش روبه‌رو شد و شاخص کل حدود ۲۱ هزار واحد عقب‌نشینی کرد و سقف تازه فتح‌شده را از دست داد. این اصلاح کوتاه‌مدت باعث شد بار دیگر سؤال مهمی در ذهن سهامداران شکل بگیرد: آیا این بازگشت نشان‌دهنده توقف روند صعودی بازار است یا تنها یک وقفه کوتاه‌مدت در مسیر رشد محسوب می‌شود؟

برای پاسخ به این پرسش باید مجموعه عواملی را در نظر گرفت که طی هفته‌های اخیر بر رفتار بازار اثرگذار بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های وضعیت بورس، روند ارزش معاملات است. طی هفته گذشته ارزش معاملات خرد در تمامی روزها زیر ۱۰ همت باقی ماند که بیانگر احتیاط و تردید سرمایه‌گذاران بود. اما از ابتدای این هفته جریان نقدینگی بازار تقویت شد و ارزش معاملات رشدی محسوس پیدا کرد. از روز یکشنبه ارزش معاملات به بالای ۱۰ همت رسید و در نهایت روز گذشته چهارشنبه به حدود ۱۳ همت صعود کرد. این افزایش قابل توجه نشان می‌دهد که افت قیمت دیروز ناشی از خروج پول هوشمند از بازار نبوده و همچنان بخش مهمی از سهامداران ترجیح می‌دهند در بازار باقی بمانند یا حتی در قیمت‌های اصلاح‌شده خرید کنند. در نتیجه، نقدینگی موجود در بازار همچنان پشتیبان روند کلی بورس است، حتی اگر نوسانات رخ دهد.

محرک‌های رشد همچنان پابرجاست

همایون دارابی، کارشناس بازار سرمایه، معتقد است رشد اخیر بورس حاصل تجمع چند عامل بنیادی بوده است؛ از جمله آرامش نسبی فضای سیاسی، افزایش نرخ دلار، انتشار به‌موقع اخبار اقتصادی و تصمیماتی همچون کنار گذاشتن قیمت‌گذاری دستوری در صنعت خودرو، اعمال معافیت مالیاتی برای اوره و محصولات صادراتی و نیز اصلاح قیمت شیر. از نگاه دارابی تداوم ثبات سیاسی می‌تواند اثر این محرک‌ها را تقویت کند و بازار را در وضعیتی باثبات نگه دارد. او با این حال به مسأله مهم نرخ بهره اشاره می‌کند؛ نرخی که طی ماه گذشته حدود یک درصد رشد کرده و در صورتی که از کنترل خارج شود احتمالاً می‌تواند بر جذابیت بازار سهام اثر منفی بگذارد. دارابی بر این باور است که تثبیت نرخ بهره در سطوح منطقی، همراه با ارائه گزارش‌های مناسب شرکت‌ها و ادامه حمایت‌های سیاستی، مسیر صعودی بازار را قابل تداوم می‌بخشد و اجازه می‌دهد بورس بدون هیجان یا بزرگ‌نمایی تبلیغاتی بر پایه‌های واقعی حرکت کند.

او البته نسبت به برخی ریسک‌های رفتاری نیز هشدار می‌دهد. از نظر او اگر رشد بازار بیش از حد سریع یا تنها محدود به چند گروه خاص باشد، تعادل بازار دچار اختلال می‌شود و زمینه نوسانات شدید ایجاد می‌گردد؛ اتفاقی که در گذشته نیز نمونه‌های مشابه آن رخ داده است. به همین دلیل او بر نقش عرضه‌های اولیه و خصوصی‌سازی‌های هدفمند، مانند عرضه بلوک مدیریتی آلومینا، تأکید می‌کند و معتقد است این اقدامات می‌توانند به توزیع متوازن نقدینگی میان صنایع مختلف و جلوگیری از ایجاد حباب‌های بخشی کمک کنند. دارابی همچنین خاطرنشان می‌کند که با توجه به پایین بودن نسبت قیمت به درآمد در بسیاری از گروه‌ها، پخش شدن نقدینگی میان صنایع گوناگون می‌تواند روند بازار را پایدارتر کند و سرمایه‌گذاری موفق در چنین فضایی نیازمند صبر، اصلاح هوشمندانه پرتفوی و توجه دقیق به عملکرد واقعی شرکت‌هاست.

در سوی دیگر تحلیل‌ها، بهناز اکبرپور، کارشناس بازار سرمایه، ریشه افت روز گذشته را بیشتر در عوامل روانی می‌بیند تا بنیادی. او توضیح می‌دهد که فشار فروش چهارشنبه عمدتاً ناشی از شوک‌های روانی حاصل از برخی شایعات سیاسی بوده و این نوع واکنش‌ها معمولاً دوام چندانی ندارند. از دید اکبرپور، الگوی تاریخی بازار نشان می‌دهد که پس از چنین افت‌های هیجانی، اگر محرک نگران‌کننده جدیدی ظاهر نشود، بازار معمولاً مسیر طبیعی خود را بازیابی می‌کند و تعادل دوباره برقرار می‌شود. او یادآور می‌شود که حجم معاملات مناسب روز چهارشنبه و افزایش تقاضا در دقایق پایانی، نشان می‌دهد که جریان نقدینگی از بازار خارج نشده و بخش قابل توجهی از فروش‌ها ناشی از رفتار هیجانی بوده است.

به گفته او، نمادهایی که دیروز تحت فشار فروش قرار داشتند ممکن است در روزهای آینده به دلیل رسیدن قیمت‌ها به سطوح جذاب، نقش پیشرو در بازگشت بازار را ایفا کنند؛ چرا که بخش قابل توجهی از ریسک‌های سیستماتیک پیش‌خور شده است. او معتقد است در صورتی که تنش‌های سیاسی و سیستماتیک خاصی در آخر هفته رخ ندهد، بازار در روندی صعودی باقی خواهد ماند.

> طی هفته گذشته ارزش معاملات خرد در تمامی روزها زیر ۱۰ همت باقی ماند که بیانگر احتیاط و تردید سرمایه‌گذاران بود. اما از ابتدای این هفته جریان نقدینگی بازار تقویت شد و ارزش معاملات به بالای ۱۰ همت رسید. این افزایش نشان می‌دهد که افت قیمت دیروز ناشی از خروج پول هوشمند از بازار نبوده و همچنان بخش مهمی از سهامداران ترجیح می‌دهند در بازار باقی بمانند یا حتی در قیمت‌های اصلاح‌شده خرید کنند

یادداشت

محمدمهدی وکیلی
مدیر تحقیق و توسعه کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران

بازآرایی انتظارات سرمایه‌گذاران با اقبال به طلا

در ماه‌های اخیر، روند ورود پول به صندوق‌های طلا در بازار سرمایه ایران با شتاب قابل‌توجهی ادامه یافته و مجموع ورودی خالص سرمایه‌گذاران حقیقی تا پایان آبان به سطح ۴۶ هزار میلیارد تومان رسیده است. الگوی رفت‌وبرگشت پول در سال جاری یعنی خروج ۶.۵ همت در سه‌ماهه اول و ورود بیش از ۵۲.۵ همت از تیرماه به بعد، بیش از آن‌که نشان‌دهنده رویکرد مبتنی بر نوسان‌گیری باشد، بازتاب تعدیل انتظارات نسبت به متغیرهای کلان و ریسک‌های اقتصادی-سیاسی است. کاهش وزن خوشبینی‌های سیاسی در بهار پس از جنگ ۱۲روزه، همراه با بازگشت نگرانی‌ها درباره ثبات اقتصاد کلان، موجب شد طلا بار دیگر در مرکز توجه سرمایه‌گذاران قرار گیرد؛ آن‌هم نه به عنوان یک ابزار کوتاه‌مدت، بلکه به عنوان بخشی قابل اتکا در ساختار پرتفوی سرمایه‌گذاران. فارغ از ریسک‌های سیاسی و ژئوپلیتیک که نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین بازده انتظاری طبقات مختلف دارایی دارند، وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی نیز انتظارات سرمایه‌گذاران از روند آتی اقتصاد را شکل می‌دهند. نقش تورم در این تغییر مسیر بسیار پررنگ است. افت ۲۷.۶ درصدی قدرت خرید در هفت‌ماه اول سال نشان می‌دهد فشارهای قیمتی همچنان پایدار و فرساینده‌اند. در چنین وضعیتی، بخشی از سرمایه‌گذاران به دنبال دارایی‌هایی هستند که نسبت به متغیرهای داخلی حساسیت کمتری داشته باشند و بتوانند ارزش واقعی خود را حفظ کنند. طلا به دلیل بی‌نیازی از تعهدات دولتی و مقاومت تاریخی در برابر تورم، از جمله دارایی‌هایی است که در این شرایط بار دیگر اهمیت می‌یابد، بویژه هنگامی که چشم‌انداز سیاست‌های تثبیتی قاطع و کم‌ریسک در دسترس نیست.

مسیر نرخ ارز نیز عامل مهمی در این تغییر نگرش در تخصیص دارایی‌ها بوده است. کاهش کوتاه‌مدت دلار آزاد تا محدوده ۸۱ هزار تومان و رشد حدود ۴۰ درصدی آن در پنج ماه بعد، این پیام را به سرمایه‌گذار منتقل کرده که نوسانات ارزی همچنان یکی از ریسک‌های اصلی اقتصاد ایران است. ترکیب این نوسانات با افزایش قیمت جهانی طلا باعث شده بازدهی ریالی طلا در دوره اخیر جذاب‌تر شود. از این منظر، صندوق‌های مبتنی بر طلا برای سرمایه‌گذار داخلی امکان ورود به یک دارایی پوششی را با سازوکار شفاف و قابل معامله فراهم می‌کنند. در سطح جهانی نیز طلا در حال تجربه تغییر جایگاه در پرتفوها است. افزایش عدم‌قطعیت‌های ژئوپلیتیک، افزایش نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی، تداوم کسری بودجه دولت‌ها و کاهش کارآمدی تاریخی اوراق بدهی به عنوان ابزار پوشش ریسک، باعث شده نگاه سرمایه‌گذاران به طلا بیشتر بر «کارکرد» آن در تمایل به حفظ ارزش تکیه داشته باشد. در محیطی که همبستگی برخی دارایی‌ها با یکدیگر تغییر کرده و نقش اوراق در توازن سبدها تضعیف شده، طلا به عنوان یک دارایی مستقل از دخل و خرج دولت‌ها و با همبستگی پایین نسبت به سهام، جایگاه پایدارتری در سبدهای سرمایه‌گذاری در سطح جهانی پیدا کرده است.

بازتاب این تحولات در بازار ایران نیز قابل مشاهده است. تقویت تقاضا برای ابزارهای قابل معامله مبتنی بر طلا و رشد وزن این دارایی در سبد سرمایه‌گذاران نشان می‌دهد، طلا بیش از گذشته به عنوان بخشی پایدار در تخصیص دارایی‌ها دیده می‌شود. این رویکرد نه اغراق‌آمیز است و نه ناشی از هیجان کوتاه‌مدت؛ بلکه حاصل ترکیب چند عامل ساختاری است: تداوم تورم و تضعیف پول ملی در مقابل سایر ارزها، محدودیت ابزارهای کم‌ریسک داخلی، ریسک‌های سیاسی-ژئوپلیتیک و تحول نگرش جهانی به دارایی‌های واقعی. در نهایت، ورود ۴۶ همت سرمایه حقیقی به صندوق‌های طلا بازتاب این واقعیت است که در محیطی با نااطمینانی‌های چندگانه، طلا می‌تواند نقش مکملی معتبر برای بخشی از پرتفوی سرمایه‌گذاری باشد؛ نه به عنوان محور اصلی استراتژی سرمایه‌گذاری، بلکه به عنوان ابزار حفظ ارزش و تقویت تاب‌آوری سبد در برابر شوک‌های اقتصادی و مالی.

IKK IRAN KHODRO KHORASAN ایران خودرو خراسان

آگهی مناقصه عمومی با ارزیابی فنی بازرگانی پیمانکاران

شماره: ۱۴۰۴/۳۶۴۷-م/۱۷۰

شرکت ایران خودرو خراسان در نظر دارد خرید، طراحی، ساخت و نصب قفسه فلزی کامل سنگین و گارد جلوی ستون را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.
سپرده شرکت در مناقصه ۷،۸۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.
متقاضیان می‌توانند جهت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۶ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ به‌شرح ذیل اقدام نمایند:
۱- نحوه دریافت اسناد مناقصه: به‌صورت حضوری از واحد بازرگانی ایران خودرو خراسان در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۵ و یا از طریق سایت اینترنتی www.ikkco.ir و یا تماس با شماره‌های تلفن (۰۵۱-۳۳۵۶۳۰۵۰) ، (۰۵۱-۳۳۵۶۳۰۴۳) و (۰۵۱-۳۳۵۶۳۵۰۱-۹ داخلی (۴۰۲۱-۴۳۳۰))
۲-محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه: شرکت ایران خودرو خراسان، کیلومتر ۵۵ جاده مشهد - نیشابور دبیرخانه کمیسیون معاملات در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۵
لازم به توضیح است تاریخ بازگشایی پاکات الف و ب در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ ساعت ۰۹:۰۰ صبح می‌باشد.
(شرکت ایران خودرو خراسان
در رد یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار است)
(هزینه درج آگهی روزنامه
برعهده شرکت ایران خودرو خراسان است)
ارتباطات و امور بین الملل

نوبت دوم

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
(شماره ثبت سامانه ۲۰۰۴۱۰۰۳۰۱۰۰۰۰۳۲)

شهرداری شمشک دربندسر در نظر دارد به استناد ردیف ۴۰۱۰۲۰۳ بودجه مصوب سال ۱۴۰۴ پروژه عملیات اجرای سنگچین لاشه پله جیرود به مبلغ برآورد ۲۱/۳۱۳/۹۲۳/۶۱۳ ریال (بیست و یک میلیارد و سیصد و سیزده میلیون و نهصد و بیست و سه هزار و ششصد و سیزده ریال) را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی واجد شرایط و دارای گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری مرتبط واگذار نماید.
لذا بدین‌وسیله از کلیه شرکت‌های دارای سوابق و شرایط دعوت می‌گردد برای کسب اطلاعات بیشتر و شرکت در مناقصه به سایت اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
۱- مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت:
تا روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۶ ساعت ۱۴:۰۰ می باشد.
۲- مهلت زمان ارائه پیشنهاد:
روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ ساعت ۱۴:۰۰ می‌باشد.
۳- متقاضیان برای شرکت در مناقصه می بایست نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) به آدرس اینترنتی سامانه ستاد مراجعه نمایند.
۴- برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس فوق‌الذکر می باشد.
۵- متقاضیان قبل از ارائه پیشنهاد قیمت حتماً و با دقت برگ شرایط شرکت در مناقصه را مطالعه نمایند.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار واحد امور قراردادها جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف:
نشانی: تهران - شمیرانات - رودبار قصران - شهر شمشک در بند سر جاده دیزین - شهرداری شمشک دربندسر (تلفن تماس: ۲۴۸۷۳۰۰۰ - ۲۶۵۲۶۹۴۹)
شهرداری شمشک دربندسر

آگهی تجدید فراخوان شناسایی و ارزیابی کیفی مناقصه‌گران
انتخاب پیمانکار ساخت قطعات یدکی ۲۲ دستگاه کمپرسور رفت و برگشتی به‌صورت OPEN ORDER مجتمع پتروشیمی ایلام
شماره مناقصه: ILPC-T-04-009 نوبت دوم

شرکت پتروشیمی ایلام به استناد مجوز صادره از کمیسیون معاملات، در نظر دارد: انتخاب پیمانکار ساخت قطعات یدکی ۲۲ دستگاه کمپرسور رفت و برگشتی به‌صورت OPEN ORDER به شماره ILPC-T-04-009 مطابق مشخصات درج شده در اسناد مناقصه را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای با ارزیابی کیفی انجام نماید.
لذا بدینوسیله از شرکت‌های واجد شرایط دعوت می‌گردد در صورت تمایل به شرکت در این مناقصه، از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۲ به تارنمای شرکت پتروشیمی ایلام به نشانی www.ilampetro.com / بخش کمیسیون معاملات / زیربخش مناقصات مراجعه و نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی اقدام و حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ پاکت ارزیابی کیفی را صرفا در قالب (CD/FLASHMEMORY) به یکی از دو آدرس ذیل تحویل دهند: (درج شماره تماس موبایل، آدرس ایمیل و شماره مناقصه بر روی پاکات با مهر شرکت الزامی می‌باشد.)
تهران - میدان شیخ بهایی - پلاک ۱۸ - ساختمان رایان ونک - طبقه هفتم - واحد ۷۰۱- واحد کمیسیون معاملات
ایلام - چوار - نرسیده به روستای آبزا - مجتمع پتروشیمی ایلام - دبیرخانه کمیسیون معاملات
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مناقصه‌گران باید توانایی ارائه مبلغ ۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (چهارصد میلیارد ریال) داشته باشند، که در زمان وصول پاکات (الف - ب - ج) اخذ می‌گردد.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه آمده است. در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر مناقصه‌گران می‌توانند با شماره همراه ۰۹۹۱۲۰۵۳۷۵۶ یا شماره تلفن: ۰۸۴۰۳۸۳۹۰۰۰۰ داخلی ۴۲۱۵-۲۲۱۳ تماس حاصل فرمایند.
آدرس: ایلام - چوار - نرسیده به روستای آبزا - مجتمع پتروشیمی ایلام
تارنمای شرکت: www.ilampetro.com / بخش کمیسیون معاملات / زیر بخش مناقصات
تلفن: ۰۸۴۳۸۳۹۰۰۰۰ داخلی ۴۲۱۵-۲۲۱۳ فکس: ۰۸۴۳۲۷۲۳۹۴۸ کدپستی: ۶۹۳۶۱۵۹۷۰۰
روابط عمومی شرکت پتروشیمی ایلام

فراخوان مناقصه عمومی امور بیمه‌ای
نوبت اول

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نظر دارد مناقصه عمومی کلیه امور بیمه‌ای شامل (بیمه بدنه، بیمه شخص ثالث، بیمه آتش‌سوزی، بیمه عمر و حوادث مصوب کارکنان، بیمه مسئولیت کارفرما در قبال اشخاص ثالث برای کلیه کارکنان و بیمه درمان تکمیلی کارکنان و افراد تحت تکفل را به‌شماره سامانه ۱۱۰۴۰۰۱۰۹۳۰۰۰۳۲۳ برگزار نماید. متقاضیان شرکت در مناقصه می‌بایست از طریق سامانه ستاد در صورت عدم عضویت قبلی می‌بایست به درگاه www.setadiran.ir مراجعه و پس از عضویت تمامی مراحل مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد را در این سامانه بارگذاری و ارسال نمایند.
- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۴/۰۹/۰۴ می‌باشد.
- مهلت زمانی ارائه پشنهاد از طریق سامانه ستاد: از ساعت ۰۸/۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ تا ساعت ۰۸/۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰
- زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۰۸/۳۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰
- زمان اعلام برنده پس از بررسی اعضای کمیته فنی مناقصه طی مهلت قانونی
- دریافت اسناد از سامانه و دبیرخانه مناقصات کانون و تحویل مدارک شرکت در مناقصه هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.
- کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در قبول یا رد هر یک و یا رد همه پیشنهادات واصله مختار خواهد بود.
- شماره تلفن جهت دریافت اطلاعات مناقصه ۰۲۱۸۴۰۱۴ داخلی ۲۶۱ و ۲۶۲
اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
تلفن تماس دفتر ثبت‌نام سامانه ستاد: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ طلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام سایر استان‌ها، در سایت سامانه (www.Setadiran.ir) بخش "ثبت‌نام / پروفایل تأمین کننده/ مناقصه‌گر" موجود است.
تلفن تماس سامانه ستاد: ۲۷۳۱۳۱۳۱
معاونت توسعه و مدیریت منابع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2
اروند پتروشیمی
فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای با ارزیابی کیفی و فنی بازرگانی غیرهم‌زمان به‌شماره ۱/۱۴۰۴/۰۹۸ نوبت دوم

شرکت پتروشیمی اروند (سهامی عام) به‌عنوان مناقصه‌گزار در نظر دارد اجرای عملیات موضوع بند یک فراخوان حاضر را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای با ارزیابی کیفی و فنی بازرگانی غیر هم‌زمان به یکی از اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.
۱- موضوع و مدت مناقصه: خرید شیر کروی طبق درخواست VAP-0425076 شرکت پتروشیمی اروند، به مدت ۷ ماه خورشیدی می‌باشد.
۲- میزان برآورد مناقصه: مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ یورو
۳- زمان و نحوه توزیع اسناد مناقصه:
۳،۱. متقاضیان جهت دریافت اسناد می‌بایست به سایت پتروشیمی اروند به نشانی الکترونیکی www.arvandpvc.ir بخش کمیسیون معاملات یا به نشانی مستقیم Tender.arvandpvc.ir:5661 مراجعه و پس از ثبت‌نام و تکمیل و تأیید ثبت‌نام خود نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی اقدام نمایند.
۳،۲. کلیه اطلاع‌رسانی‌ها، بارگذاری اسناد، ارسال دعوت‌نامه‌ها و غیره درخصوص مناقصه فوق‌الذکر از طریق پنل کاربری ثبت‌نام شده صورت می‌پذیرد و متقاضیان می‌بایست با مراجعه و کنترل روزانه پنل مربوط به خود در سامانه کمیسیون معاملات پتروشیمی اروند و همچنین شماره موبایل درج شده توسط مناقصه‌گر نسبت به بررسی روزانه، پیامک‌ها و اطلاع‌رسانی‌ها را دریافت و اقدام نمایند. مناقصه‌گزار هیچ تعهدی درخصوص عدم مراجعه و یا هر ادعای مناقصه‌گر جهت مراجعه به پنل کاربری و یا عدم دریافت پیامک‌های اطلاع‌رسانی مناقصه ندارد.
۳،۳. مدت زمان مراجعه به سایت الکترونیکی جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ اعلام می‌گردد.
۳،۴. مناقصه‌گرانی که در سال‌های گذشته، با این شرکت قرارداد مشابه موضوع مناقصه داشته‌اند درصورت عدم ارائه گواهی حسن انجام کار از شرکت پتروشیمی اروند، مدارک ارزیابی کیفی آنها بررسی نشده و از فرآیند مناقصه کنار گذاشته می‌شوند.
۳،۵. درصورتیکه مناقصه‌گری دادخواستی علیه پتروشیمی اروند در محاکم قضایی طرح کرده باشد یا پتروشیمی اروند علیه آن مناقصه‌گر دادخواستی صادر کرده که در زمان برگزاری مناقصه تعیین تکلیف نشده باشد، مناقصه‌گر فقط درصورت ایفای تعهدات یا ایجاد رضایت کارفرما و ارائه ترک ادعای محضری می‌تواند در مناقصه شرکت نماید.
۴- میزان سپرده و نوع تضمین شرکت در مناقصه: میزان سپرده شرکت در مناقصه (مبلغ برآورد نهایی در جلسه توجیهی اعلام می‌گردد) به‌صورت (ضمانت‌نامه بانکی، چک تضمین شده بانکی و یا واریز وجه نقد) به‌شماره حساب: ۶۰۹۴۲۰۰۰۳۰ و شماره شبا: IR۶۲۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۶۰۹۴۲۰۰۰۳۰ به‌عهده بانک تجارت - شعبه شرکت پتروشیمی اروند.
۵- پیش نیاز ارزیابی کیفی متقاضیان:
۵،۱. (۱- اساسنامه شرکت مرتبط با موضوع مناقصه، ۲- کارت بازرگانی/ پروانه بهره‌برداری/ ساخت ۳- ارائه حداقل یک قرارداد/ مفاصاحساب مشابه موضوع مناقصه، ۴- ارائه گواهی حسن انجام کار درصورت داشتن قرارداد با پتروشیمی اروند، ۵- تکمیل و ارائه فرم حفظ محرمانگی اطلاعات.)
(توجه: لازم به ذکر است الزامات عنوان شده، پیش شرط بررسی اسناد ارزیابی کیفی مناقصه‌گر می‌باشد و عدم ارائه هر کدام از موارد ذکر شده منجر به عدم بررسی اسناد میشود).
۵،۲. حداقل امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی: امتیاز ۶۰ می‌باشد.
۵،۳. مناقصه‌گران می‌بایست اسناد ارزیابی کیفی خود را مطابق برنامه زمان‌بندی تعیین شده (بند شماره ۶) به‌صورت فایل PDF و منطبق بر فرمهای ارزیابی کیفی به‌صورت آنلاین و الکترونیکی بر روی سامانه کمیسیون معاملات به آدرس: arvandpvc.ir بارگذاری و ارسال نمایند (تحویل فیزیکی اسناد نداریم). به شرکت‌هایی که حداقل امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند، اسناد مناقصه و برنامه زمان‌بندی تحویل پاکات (الف-ب و ج) از طریق دعوت‌نامه سیستمی ارسال می‌گردد.
۶- زمان و نحوه بارگذاری مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران: مناقصه‌گران می‌بایست مدارک ارزیابی کیفی خود را حداکثر تا ساعت ۱۷:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ با مراجعه به پنل کاربری خود در زمان مذکور و به‌صورت فایل PDF بارگذاری نمایند.
۶،۱. چنانچه مناقصه‌گری مدارک پیشنهادی خود را عمداً یا سهواً و به هردلیل به محل دیگری به غیر از نشانی مندرج در بند ۶، بارگذاری نماید، مدارک پیشنهادی وی تحویل نشده تلقی خواهد شد و هیچ گونه مسؤولیتی در این خصوص متوجه مناقصه‌گزار نخواهد بود.
۷- پیش پرداخت: دارد، به میزان ۴۰ درصد مبلغ قرارداد و در قبال ارائه ضمانت‌نامه معتبر بانکی.
۸- تعدیل: ندارد. (پرداخت به‌صورت ریالی و تسعیر ارز مطابق اسناد مناقصه)
متقاضیان شرکت در مناقصه درصورت نیاز به اطلاعات بیشتر، می‌توانند با شماره تلفن: ۷-۶۱۵۲۱۲۶۴۷۶، تماس و همچنین آگهی فوق را از طریق نشانی اینترنتی www.arvandpvc.ir ملاحظه نمایند.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی اروند
CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2

شرایط فروش

فروش نقدی و اعتباری سئات آتکا و فولکس‌واگن ID.4

طرح فروش اقساطی و اعتباری دو محصول وارداتی یعنی سئات اتکا و فولکس‌واگن ID.4 آغاز شد. این طرح از ۴ آذرماه آغاز شده و تا شنبه ۱۵ آذرماه یا تا زمان تکمیل ظرفیت ادامه خواهد داشت. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به سامانه فروش رسمی شرکت مراحل ثبت‌نام را انجام دهند. در فروش نقدی، هر دو خودرو با بسته خدمات کارت طلایی و سرویس‌های دوره‌ای رایگان عرضه می‌شوند و موعد تحویل ۱۵ روز کاری اعلام شده است. قیمت نقدی سئات آتکا در این طرح، ۵ میلیارد و ۱۸۰ میلیون تومان و فولکس‌واگن ID.4 پیور پلاس ۴ میلیارد و ۵۹۰ میلیون تومان تعیین شده است. برای علاقه‌مندان به خرید اعتباری، شرایط ویژه‌ای فراهم شده است؛ امکان خرید با پیش‌پرداخت ۵۰ درصد از مبلغ خودرو وجود دارد و مابقی در دو مرحله، ۴۵ و ۹۰ روز پس از ثبت‌نام قابل پرداخت است. تحویل خودروها در این طرح ۳۰ روزه پیش‌بینی شده است. سئات آتکا به یک موتور ۲ لیتری توربوشارژ مجهز است که قادر به تولید ۱۹۰ اسب بخار قدرت در ۴۲۰۰ دور در دقیقه و ۳۲۰ نیوتن‌متر گشتاور از ۱۵۰۰ دور در دقیقه است. این نیرو از طریق گیربکس ۷ دنده دوکلاچه به هر چهار چرخ منتقل می‌شود و به خودرو اجازه می‌دهد شتاب صفر تا صد کیلومتر در ساعت ۷.۱ ثانیه را تجربه کند.

ماشین وارداتی

کیا اسپورتیج توربو ۲۰۲۵ کراس‌اور کره‌ای با شتاب بالا

کیا اسپورتیج توربو ۲۰۲۵، نسخه تازه‌نفس کراس‌اور محبوب کره‌ای، همزمان با باز شدن سامانه واردات، وارد بازار ایران شد. این خودرو به موتور ۱.۵ لیتری توربوشارژ مجهز است که قادر به تولید ۱۹۸ اسب‌بخار قدرت و ۲۵۳ نیوتون‌متر گشتاور است. شتاب صفر تا صد اسپورتیج توربو حدود ۸.۵ ثانیه اعلام شده که آن را در رده خودروهای سریع و پاسخگو قرار می‌دهد. سیستم تعلیق جلو از نوع مک‌فرسون و عقب مولتی‌لینک است و تعادل مناسبی بین راحتی و هندلینگ ایجاد می‌کند، هرچند نباید انتظار نرمی یک سدان خانوادگی را داشت. در بخش امکانات، اسپورتیج ۲۰۲۵ مجهز به صفحه‌نمایش لمسی بزرگ، سیستم ناوبری، شارژر بی‌سیم و مجموعه‌ای از تجهیزات ایمنی شامل ترمزهای ABS، EBD و کنترل پایداری ESP است. طراحی خارجی خودرو با خطوط تیز و جلوپنجره بزرگ، ظاهری تهاجمی و مدرن به آن بخشیده است. در بازار ایران، اسپورتیج ۲۰۲۵ با رقبایی مانند هیوندای توسان، مزدا CX-5 و تویوتا راو۴ رقابت می‌کند. قیمت تقریبی این کراس‌اور در بازار آزاد ۶ میلیارد تومان است، و در سامانه واردات برای مصرف‌کننده، قیمت نهایی ۴ میلیارد و ۲۶۰ میلیون تومان تعیین شده است.

بازار خودرو

افزایش قیمت مونتاژی‌ها و وارداتی‌ها

بازار خودرو روز گذشته روند صعودی قیمت‌ها را ادامه داد و شاهد افزایش قابل توجه نرخ برخی مدل‌ها بود. کارشناسان بازار دلیل این نوسانات را تغییرات نرخ ارز و جو روانی ایجادشده در سایت‌های خرید و فروش خودرو می‌دانند. با این حال، به گفته آنها، این بازار به دلیل شرایط رکود و کاهش تقاضا ظرفیت ادامه افزایش‌های فعلی را ندارد. در روزهای اخیر، قیمت خودروهای داخلی و مونتاژی افزایش پیدا کرده است؛ سه‌شنبه شاهد رشد قیمت خودروهای داخلی بودیم و روز چهارشنبه، قیمت خودروهای مونتاژی و وارداتی نیز افزایشی شد.

برخی تغییرات قیمت‌ها به شرح زیر است:

پژو ۲۰۷ اتوماتیک TU5 نسبت به روز قبلش بدون تغییر بود و یک میلیارد و ۳۱۵ میلیون تومان معامله شد. هونگچی E-QM5 با افزایش ۴۰۰ میلیون تومانی به دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان رسید. نیسان سانی ۵۰ میلیون تومان گران‌تر شد و دو میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان معامله شد. هیوندای کونا افزایش ۱۵۵ میلیون تومانی را تجربه کرد و چهار میلیارد و ۵۵۰ میلیون تومان قیمت خورد. لوکانو L8 ۱۶۰ میلیون تومان افزایش قیمت داشت و پنج میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان معامله شد. فولکس آی‌دی یونیکس اولترا نیز با رشد ۴۰۰ میلیون تومانی، هفت میلیارد تومان قیمت‌گذاری شد.

خط و نشان GACs9 برای رقبای اروپایی و آمریکایی

شاسی بلند لوکس چینی به ایران می‌آید

نقد فنی خودرو

ارسلان سلیمانیان
گروه خودرو

اگر از آن دسته مشتریان سختگیر باشید که هنوز با شک و تردید به صنعت خودروسازی چین نگاه می‌کنید، بهتر است طور دیگری به دنیای پیرامونتان بنگرید! تلخ یا شیرین، دیگر زمان آن رسیده که با واقعیت روبه‌رو شویم. مقاومت را کنار بگذارید! واقعیت این است که آنها بزرگ شده‌اند و حالا برای ژاپنی‌ها، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها خط و نشان می‌کشند. شرکت «گاک موتور» (GAC) یکی از صدها خودروساز چینی است که چند سالی می‌شود نامش بر سر زبان‌ها افتاده. شرکت GAC در سال ۱۹۹۷ در شهر گوانگ‌ژو آغاز بکار کرد. این شرکت با جذب طراحان مطرح اروپایی و مشارکت با برندهای صاحبنام توانسته طی سه دهه اخیر اسم و رسمی برای خود پیدا کند. محصولات این شرکت به بازارهای مهمی از جمله کشورهای اروپایی و آفریقایی و همچنین کشورهای حاشیه خلیج فارس صادر می‌شوند. شرکت GAC امروز پنجمین خودروساز بزرگ چین به شمار می‌آید و اهداف جاه‌طلبانه‌ای جهت همکاری با غول‌های فناوری جهان از جمله تویوتا، سونی و هواوی در سر دارد. پیش از این در اواخر دهه نود خورشیدی، برخی از محصولات GAC وارد بازار ایران شدند که به دلیل سیاست‌گذاری‌های غلط در موضوع بازاریابی و خدمات پس از فروش، شکست تجاری سنگینی را متحمل شدند. حالا GAC دوباره به ایران بازگشته است این بار با یک محصول کاملاً جدید.

یک شاسی بلند قلدر

آنطور که شنیده شده، شاسی بلند S9 اولین شاسی بلند برند GAC در بازار ایران خواهد بود. با نگاهی گذرا به S9 طراحی ظاهری این خودرو را بسیار مدرن و مطابق مد روز خواهید یافت. چراکه چند سالی می‌شود طراحی‌های مکعبی شکل در صنعت خودروسازی جهان اصطلاحا «ترند» شده و حسابی طرفدار پیدا کرده‌اند. نمای جلو و عقب S9 بی‌شباهت به محصولات کره‌ای نیست و به نظر می‌رسد طراحان GAC عامدانه سعی در خلق محصولی با شمایل شرقی داشته‌اند. از مهم‌ترین عناصر طراحی S9 می‌توان به چراغ‌های باریک در قسمت جلو و چراغ‌های باریک بهم پیوسته در قسمت عقب، سقف و بدنه دورنگ، دستگیره‌های پنهان، ورودی هوای بزرگ و سقف پانورامیک اشاره کرد. طول، عرض و ارتفاع این خودرو به ترتیب ۵۰۶۰، ۱۹۴۶ و ۱۷۵۰ میلی‌متر اندازه‌گیری شده است. گفتنی آنکه این خودرو با دارا بودن ۳ ردیف صندلی یک شاسی بلند خانوادگی خواهد بود.

> خودروی GAC S9 با قیمت پایه ۳۵ هزار دلار عرضه می‌شود. جالب آنکه عرضه این محصول در بازارهای جهانی از سپتامبر ۲۰۲۵ آغاز شده و از همین رو، S9 یک محصول کاملا جدید در بازارهای جهانی و ایران به شمار می‌آید

وضعیت فروش

خودروی GAC S9 با قیمت پایه 35 هزار دلار عرضه می‌شود. جالب آنکه عرضه این محصول در بازارهای جهانی از سپتامبر ۲۰۲۵ آغاز شده و از همین رو، S9 یک محصول کاملاً جدید در بازارهای جهانی و ایران به شمار می‌آید. باید منتظر ماند و دید که S9 به همراه دیگر محصولات GAC آیا می‌تواند تجربه تلخ پیشین از حضور محصولات این خودروساز در کشورمان را پاک کند یا خیر.

ویژگی‌های فنی

برش

شرکت GAC برروی توانایی‌های حرکتی S9 تأکید ویژه‌ای دارد. این محصول چینی پلاگین هیبریدی با یک موتور بنزینی و دو موتور برقی مجهز شده که می‌تواند ۵۰۰ اسب بخار قدرت تولید کند که برای یک خودروی شاسی بلند خانوادگی امتیاز بزرگی خواهد بود. برای درک بهتر این اعداد و ارقام باید اشاره کنیم که پیشرانه تیگو 8 پرومکس (به عنوان یکی از گرانقیمت‌ترین چینی‌های بازار ایران)، ۲۵۴ اسب بخار تولید می‌کند! طبق اعلام سازنده پکیج باتری ۴۴ کیلووات ساعتی این خودرو دارای سامانه شارژ سریع بوده و در عرض ۳۰ دقیقه به میزان ۸۰ درصد شارژ می‌شود. با آنکه با هر بار شارژ می‌تواند مسافت بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر را پیمایش نماید. طبق اعلام شرکت GAC، مدل S9 تنها ۶/۵ ثانیه زمان نیاز دارد تا خود را از حالت سکون به مرز سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت برسند. همچنین بیشینه سرعت این خودرو ۱۸۰ کیلومتر بر ساعت اعلام شده است.

فالووین T9L؛ شاسی بلند جدید چری آماده میدان است

شتاب ۵ ثانیه‌ای، رانندگی تدافعی و هوش مصنوعی در یک SUV

ترجمه

یاسمن صادق‌شیرازی
گروه خودرو

چری در جریان نمایشگاه خودروی گوانگ‌ژو ۲۰۲۵، نسخه جدید شاسی‌بلند بزرگ خود، یعنی فالووین T9L را معرفی کرد؛ مدلی که قرار است طبق اعلام رسمی شرکت، بین ماه‌های مارس تا آوریل ۲۰۲۶ وارد بازار چین شود. به گزارش سایت carnewschina، مدیران چری در زمان رونمایی، این خودرو را یک شاسی‌بلند بزرگ، زیبا و هوشمند توصیف کردند؛ توصیفی که وقتی از نزدیک با آن روبه‌رو شوید، چندان اغراق‌آمیز به نظر نمی‌رسد. این مدل بخشی از گسترش برند فالووین است؛ زیرمجموعه‌ای که چری در سال ۲۰۲۵ با سرعت زیادی برای آن مدل‌های هیبریدی و الکتریکی معرفی کرده و حالا T9L قرار است نقش یکی از ستون‌های اصلی این توسعه را برعهده بگیرد.

طراحی با الهام از خوشنویسی شرقی

T9L بر پایه زبان طراحی خوشنویسی شرقی ساخته شده؛ سبکی که چری تلاش کرده از طریق آن ترکیبی از خطوط نرم، حجم‌های هندسی و ظاهر هماهنگ را ارائه دهد. اندازه‌ها هم نشان می‌دهد چری هیچ تردیدی در ارائه یک SUV واقعاً بزرگ نداشته؛ طول نزدیک به ۴.۹ متر و فاصله محوری ۲.۹۲ متر، یعنی فضایی که برای یک خودروی پنج‌نفره بسیار سخاوتمندانه است. این مدل روی پلتفرم پلاگین هیبرید Kunpeng CDM توسعه یافته و از همان ابتدا مشخص است که چری برای T9L فقط به یک خودروی خانوادگی بزرگ راضی نشده و قصد داشته فناوری‌های سطح بالا را هم وارد بازی کند. یکی از چشمگیرترین ویژگی‌های فالووین T9L، بخش هوشمندسازی آن است. این خودرو به سیستم رانندگی هوشمند Falcon 700+ مجهز شده؛ مجموعه‌ای پیشرفته که پردازش اصلی آن را چیپ قدرتمند Journey 6P از شرکت Horizon Robotics برعهده دارد. همان شرکتی که در سال‌های اخیر ستون اصلی فناوری‌های کمک‌راننده یا ADAS در صنعت خودروی چین بوده است. چری برای کامل کردن این مجموعه، از نرم‌افزار دید ماشینی HSD هم استفاده کرده است؛ فناوری‌ای که می‌تواند موقعیت‌های پیچیده شهری را به‌خوبی تشخیص دهد؛ از ورود ناگهانی عابر گرفته تا تغییرات غیرمنتظره مسیر به‌دلیل تعمیرات یا خروج یک خودرو از خط. نتیجه این ترکیب سخت‌افزار و نرم‌افزار، سامانه‌ای است که فقط واکنش نشان نمی‌دهد، بلکه مانند یک راننده باتجربه رفتار تدافعی دارد؛ یعنی اگر احتمال خطر را احساس کند، قبل از وقوع حادثه سرعت را کاهش می‌دهد و شرایط را ایمن‌تر می‌کند.

ترکیبی از لوکس‌گرایی و تکنولوژی

کابین T9L هم به همان اندازه تکنولوژیک و آینده‌نگر است. چری در این مدل از نسل جدید کابین هوشمند خود، Lingxi 2 استفاده کرده است؛ سیستمی که قلب پردازشی‌اش یک چیپ ۳ نانومتری است. چیزی که معمولاً در تلفن‌های هوشمند پرچم‌دار می‌بینیم، نه در یک شاسی‌بلند خانوادگی. امکانات داخلی نیز نشان می‌دهد چری این خودرو را به‌عنوان یک فضای راحتی تمام‌عیار طراحی کرده است: شارژر بی‌سیم، صفحه نمایش ۱۷.۳ اینچی 2.5K برای سرنشینان عقب، صندلی‌های صفر جاذبه برای جلو و یخچال داخلی که می‌تواند تا منفی ۶ درجه سرد و تا ۵۰ درجه گرم کند.

> T9L روی کاغذ هم یک خودروی کند و سنگین نیست. پیشرانه هیبریدی آن مجموعاً ۲۶۰ کیلووات قدرت و ۳۳۰ نیوتن‌متر گشتاور ارائه می‌دهد

چهره تهاجمی یک SUV آرام

در بخش فنی، T9L روی کاغذ هم یک خودروی کند و سنگین نیست. پیشرانه هیبریدی آن مجموعاً ۲۶۰ کیلووات قدرت و ۳۳۰ نیوتن‌متر گشتاور ارائه می‌دهد و نسخه چهارچرخ‌محرک طبق اعلام چری می‌تواند در محدوده پنج ثانیه از صفر به صد کیلومتر برساعت برسد. عددی که با توجه به اندازه خودرو کاملاً قابل‌توجه است. علاوه بر این، چری بهره‌وری حرارتی موتور این مدل را ۴۵.۷۹ درصد اعلام کرده؛ رقمی که نشان می‌دهد مهندسان چری تمرکز زیادی بر بهینه‌سازی پیشرانه داشته‌اند و آن را در سطح برندهای جهانی قرار داده‌اند.

فالووین؛ برندی در مسیر رشد سریع

ورود T9L در ادامه موج توسعه شدید برند فالووین اتفاق می‌افتد. این زیرمجموعه اکنون مدل‌هایی مانند E06 و سدان بزرگ A9L را در سبد خود دارد؛ مدلی که تنها یک روز بعد از معرفی جهانی، بیش از پنجاه هزار سفارش دریافت کرد. چری همچنین در حال آماده‌سازی مدل T11 با سیستم برد افزوده است؛ خودرویی که قرار است حضور فالووین را در سگمنت‌های بیشتری تثبیت کند.

سال طلایی چری

این همه در حالی است که چری در سال ۲۰۲۵ یکی از قوی‌ترین عملکردهای تاریخ خود را تجربه کرده. از ژانویه تا اکتبر این سال، فروش جهانی گروه چری به بیش از ۲.۰۱ میلیون دستگاه رسید؛ افزایشی ۱۴.۵ درصدی نسبت به سال قبل. تنها خودروهای انرژی‌نو این شرکت ۵۸۷ هزار واحد فروش داشته‌اند و این یعنی رشد سالانه ۷۷ درصدی. در ماه اکتبر، چری با فروش ۲۸۱ هزار دستگاه و بیش از ۱۱۰ هزار خودروی برقی و هیبریدی، بهترین ماه خود را در بخش NEV ثبت کرد. صادرات هم مثل همیشه نقطه قوت چری بوده؛ یک میلیون و ۶۰ هزار دستگاه در ۱۰ ماه، که بار دیگر جایگاه این برند را به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده خودروی سواری چین تثبیت کرده است.

نیم کلاچ

خودرو در تست تصادف مردود شود، شماره‌گذاری نمی‌شود

۵۰ درصد از تلفات جاده‌ای با ارتقای ایمنی و کیفیت خودرو کاهش می‌یابد

سارا غضنفری
دبیر گروه خودرو

در سال‌های اخیر، موضوع تست‌های تصادف و نقش آنها در ارتقای کیفیت و ایمنی خودرو در بسیاری از کشورها به یکی از مهم‌ترین محورهای صنعت خودروسازی تبدیل شده است. اظهارنظر رئیس پلیس راهور فراجا مبنی بر اینکه «خودروهای مردود در تست تصادف شماره‌گذاری نمی‌شوند» نشان می‌دهد که ایمنی سرنشینان و رعایت استانداردهای جهانی در حال تبدیل شدن به یک اصل غیرقابل چشم‌پوشی در فرآیند تولید و عرضه خودروهاست.

مسأله مهم استحکام بدنه خودرو

تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا در حاشیه بازدید از مرکز تست تصادف اعلام کرد: «نقش خودرو در کاهش آثار و نتایج تصادف مشخص است. خودروهای مجهز به سامانه‌های کارآمد ایمنی می‌توانند خطای انسان را جبران کنند. در سراسر جهان، سازندگان خودرو و طراحان راه موظف‌اند به گونه‌ای عمل کنند که خطاهای انسانی کم‌ترین خسارت را به دنبال داشته باشد. موضوع استحکام بدنه خودروها یکی از مسائل مهمی است که پیگیری می‌کنیم. متأسفانه تاکنون در این زمینه اتفاق خوبی نیفتاده و به خودروسازان و وزارت صمت اعلام کرده‌ایم که باید اقدامات جدی در این خصوص انجام شود.»

تست‌های تصادف یکی از اصلی‌ترین روش‌های سنجش میزان ایمنی خودرو بوده و شاخص مهمی برای حفاظت از جان سرنشینان به شمار می‌روند. این تست‌ها به‌طور علمی مشخص می‌کنند که یک خودرو در شرایط مختلف برخورد چه عملکردی دارد، چگونه نیروها را جذب می‌کند و تا چه حد از آسیب‌دیدگی افراد جلوگیری می‌شود.

تست‌های تصادف در جهان سابقه‌ای طولانی دارند و امروز در قالب استانداردهای شناخته‌شده‌ای مانند یورو NCAP در اروپا، NHTSA در آمریکا و C-NCAP در چین اجرا می‌شوند. این مراکز با شبیه‌سازی برخورد از جلو، پهلو، عقب و تست واژگونی، میزان ایمنی خودروها را سنجیده و رتبه‌بندی مشخصی برای آنها ارائه می‌کنند. نتایج این رتبه‌بندی نه‌تنها به مشتریان در انتخاب خودروی مناسب کمک می‌کند، بلکه سازندگان را به ارتقای فناوری، بهبود طراحی بدنه و توسعه سیستم‌های ایمنی فعال و غیرفعال تشویق می‌کند. وجود این مراکز موجب شکل‌گیری رقابت سازنده در صنعت خودرو شده و بسیاری از شرکت‌ها امروز تلاش می‌کنند بالاترین امتیاز ممکن را کسب کنند؛ امتیازی که مزیتی بزرگ در بازار و برگ برنده‌ای برای اعتماد خریداران به شمار می‌آید.

در ایران نیز طی سال‌های اخیر توجه به موضوع ایمنی و انجام تست‌های تصادف داخلی رو به افزایش است. ایجاد مراکز آزمایشگاهی تخصصی، همکاری با نهادهای نظارتی و الزام تولیدکنندگان به رعایت استانداردها، همگی نشان‌دهنده مسیر رو به رشدی است که صنعت خودروسازی کشور در آن گام برداشته است. اهمیت استفاده از فولادهای مقاوم‌تر، طراحی بدنه با نقاط جاذب انرژی، نصب کیسه‌های هوا و توسعه سامانه‌های ایمنی مانند ترمز ABS و کنترل پایداری از جمله اقداماتی است که می‌تواند موجب افزایش کیفیت ایمنی خودروها شود. هم‌سویی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی و استفاده از تجربیات جهانی در این حوزه، می‌تواند سرعت پیشرفت را افزایش داده و موجب هم‌ترازی بیشتر با بازارهای جهانی شود. نکته حائز اهمیت آن است که تست تصادف تنها یک آزمون ساده نیست؛ بلکه حلقه‌ای مهم در زنجیره تولید خودرو و ابزاری برای تصمیم‌گیری درباره عرضه یا عدم عرضه یک محصول به بازار است. سیاست عدم شماره‌گذاری خودروهایی که در تست‌ها مردود می‌شوند، می‌تواند مسیر ایمن‌سازی ناوگان حمل‌ونقل کشور را هموار کند. این رویکرد علاوه بر حفظ جان سرنشینان خودروها، به ارتقای فرهنگ ایمنی در جامعه و رقابت‌پذیری بیشتر صنعت خودروسازی منجر می‌شود. احترام به استانداردها و تلاش برای توسعه زیرساخت‌های تست، چشم‌اندازی روشن پیش‌روی صنعت خودرو در ایران و جهان ترسیم می‌کند؛ چشم‌اندازی که در آن ایمنی نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است.

رئیس پلیس راهور فراجا: تلفات تصادفات ناشی از ایمن نبودن خودروهاست

گروه حوادث/ رئیس پلیس راهور فراجا ۹۰ درصد تصادفات رانندگی را ناشی از خطای انسانی اما تلفات آن را محصول ضعف ایمنی خودروها دانست.

سردار سید تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا، در حاشیه بازدید از مرکز آزمون تصادفات، نقش خودرو در وقوع تصادفات و آثار پس از آن را بسیار مهم دانست و اظهار کرد: «تقریباً ۹۰ درصد تصادفات ناشی از خطای انسانی است، اما آسیب‌ها و تلفات ناشی از این تصادفات به دلیل ضعف در استانداردهای ایمنی خودروها بسیار بالاست. در برخی تصادفات که انتظار می‌رود تنها یک نفر مجروح شود، متأسفانه چندین نفر جان خود را از دست می‌دهند. خودروهای مجهز به سامانه‌های کارآمد ایمنی می‌توانند خطای انسان را جبران کنند.»

سردار حسینی با اشاره به احداث مرکز آزمون تصادف خودرو که قرار است بزودی با حضور رئیس‌جمهوری افتتاح شود، گفت: «این مرکز با همکاری سازمان ملی استاندارد ایجاد شده تا آزمون‌های دقیق و مستمری بر کیفیت و استحکام خودروها انجام شود. حتی در حین تولید، خودروها به صورت تصادفی نمونه‌برداری و تست خواهند شد تا استانداردهای لازم را پاس کنند. خودروهایی که نتوانند این آزمون‌ها را با موفقیت پشت سر بگذارند، اجازه تولید و شماره‌گذاری نخواهند داشت.»

نقشه دختر جوان برای اخاذی ۵ هزار یورویی از پدر

گروه حوادث- مرضیه همایونی/ زن جوان برای اینکه هزینه ۵ هزار یورویی سفر به فرانسه را تهیه کند با همدستی شوهرش سناریوی ربوده شدن خود را اجرا کرد تا از پدرش اخاذی کند.

به گزارش «ایران»، چندی قبل مرد ثروتمندی هراسان با پلیس تماس گرفت و از ربوده شدن دخترش خبر داد و گفت: «امروز قرار بود دخترم به خانه ما بیاید اما چند ساعتی گذشت و از دخترم خبری نشد. نگران شده و با تلفن همراهش تماس گرفتم ولی در دسترس نبود. دامادم هم گفت او به قصد آمدن نزد ما از خانه‌اش خارج شده و از او خبری ندارد.

تا اینکه ساعتی بعد فیلمی از تلفن همراه دخترم برایم در فضای مجازی ارسال شد. فیلم نشان می‌داد که دخترم گروگان گرفته شده و صدای مردی در فیلم شنیده می‌شد که تهدیدم می‌کرد اگر برای آزادی دخترم ۵ هزار یورو پرداخت نکنم او را می‌کشد. آنها تهدید کردند که از این موضوع با پلیس صحبت نکنم. دامادم هم با من تماس گرفت و گفت چنین فیلمی برای او هم ارسال شده و بهتر است به پلیس حرفی نزنیم، اما من توجهی نکردم و با پلیس تماس گرفتم.»

به دنبال شکایت تاجر آهن، تحقیقات به دستور بازپرس جنایی برای یافتن زن جوان آغاز شد.

آدم‌ربایی ساختگی

در ادامه تحقیقات، کارآگاهان پلیس به بررسی محل تردد زن جوان پرداختند. بدین ترتیب دوربین‌ها مورد بازبینی قرار گرفت اما بین ساعت ۸ تا ۹ صبح که پدر مینا مدعی بود دخترش با او تماس گرفته و اعلام کرده که از منزل خارج و راهی خانه او شده است، هیچ خروجی را ثبت نکرده بودند و همین مسأله شک آنها را برانگیخت که احتمالاً این آدم‌ربایی ساختگی باشد.

در گام بعدی کارآگاهان آموزش‌های لازم را به تاجر آهن داده و از او خواستند که از گروگانگیران نحوه دریافت وجه را سؤال کند. گروگانگیران اعلام کردند که پول را به حساب ارزی مینا واریز کند و ساعتی پس از واریز وجه، مینا را آزاد خواهند کرد.

از سویی مأموران با زیر نظر گرفتن رفتار همسر مینا دریافتند وی نه‌تنها نگرانی درباره ربوده شدن همسرش ندارد بلکه مدام پدرزنش را تشویق می‌کند که هر چه زودتر پول را واریز کند.

تمامی این سرنخ‌ها، احتمال دست داشتن همسر مینا در این گروگانگیری ساختگی را مطرح کرد و کارآگاهان وی را بازداشت کردند. مرد جوان خیلی زود راز آدم‌ربایی ساختگی را برملا کرد و گفت: «همسرم ربوده نشده بلکه در خانه ویلایی خودمان در خارج از شهر است.»

با اطلاعاتی که مرد جوان در اختیار مأموران قرار داد، مخفیگاه وی لو رفت. زن جوان که رازش را برملا می‌دید، گفت: «من عاشق بازیگری هستم و تحصیلاتم هم در این رشته است. دوست داشتم به صورت حرفه‌ای تحصیلاتم را ادامه دهم. یکی از دوستانم که در فرانسه زندگی می‌کند به من خبر داد که یکی از بازیگران مطرح فرانسوی کلاس‌های بازیگری گذاشته است، بنابراین وسوسه شدم که در این کلاس‌ها شرکت کنم.»

او ادامه داد: «همسرم هم عاشق فرانسه بود و دلش می‌خواست با هم به آنجا برویم اما برای تحقق آرزوهایمان نیاز به پول داشتیم. پدرم این پول را داشت اما موافقت نکرد پول بدهد و می‌گفت هر وقت من فوت کردم با ارثیات هرکاری خواستی انجام بده. به همین دلیل با همفکری همسرم، شب قبل از ماجرای گروگانگیری به خانه ویلایی‌مان در خارج از شهر رفتم و فردای آن روز با پدرم تماس گرفتم و گفتم می‌خواهم به خانه‌اش بروم و بعد تلفن همراهم را خاموش کردم. با همکاری همسرم و با کمک هوش مصنوعی صدای همسرم را تغییر داده و تصاویری از خودم و صدای تغییر یافته همسرم را برای پدرم ارسال کردم که تصور کند من ربوده شده‌ام. خیلی تأکید کرده بودیم که به پلیس حرفی نزند اما پدرم این ماجرا را به پلیس خبر داد و ما لو رفتیم.»

با اظهارات زن جوان، تحقیقات به دستور بازپرس جنایی ادامه دارد.

دادگاه کیفری

دختر جوان خودش را فدای نامزدش کرد

گروه حوادث-کامران علمدهی/ درخواست اعاده دادرسی پسر جوانی که به خاطر دوستش یک دختر را کشته بود از سوی قضات دیوان عالی کشور پذیرفته و پرونده در شعبه همعرض رسیدگی شد.

به گزارش «ایران»، تیر سال ۱۴۰۲ گزارش درگیری در یک مغازه صوتی و تصویری به پلیس اعلام و مشخص شد دراین درگیری دختری ۱۸ ساله به نام نازنین کشته و پسری نیز زخمی شده است.

با توجه به اظهارات شاهدان و تحقیقات پلیسی خیلی زود متهم دستگیر شد و در تشریح ماجرا گفت: «من به خاطر دوست صمیمی‌ام دست به این کار زدم. او عاشق نازنین بود و می‌خواست با او ازدواج کند اما نازنین او را ترک کرد و با بهروز که در مغازه صوتی و تصویری کار می‌کرد، نامزد شد. قصدم کشتن دختر جوان نبود هرچند که او باعث این درگیری بود اما می‌خواستم صاحب مغازه را بزنم که او خودش را جلو انداخت.»

با اعتراف صریح متهم و تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۴ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

اولین جلسه دادگاه

در ابتدای جلسه پدر و مادر نازنین درخواست قصاص کردند و گفتند به هیچ عنوان حاضر به مصالحه و گذشت نیستند. پس از آن متهم به جایگاه رفت و با تکرار اظهاراتش در بازجویی‌ها گفت: «من اتهامم را قبول دارم اما واقعاً قصدم کشتن نازنین نبود.»

با پایان آن جلسه قضات وارد شور شدند و متهم را به قصاص محکوم کردند. پس از صدور حکم متهم اعتراض کرد و پرونده به دیوان عالی کشور رفت و قضات بعد از بررسی پرونده و مستندات حکم صادره را تأیید کردند و پرونده به اجرای احکام رفت اما متهم درخواست اعاده دادرسی داد و مدعی شد مقتول خودش را جلوی چاقوی او انداخته بود. با پذیرش این درخواست دیوان عالی کشور پرونده را برای بررسی ادعای متهم به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاد.

دومین جلسه دادگاه

در این جلسه نیز اولیای دم درخواست قصاص کردند. پس از آن متهم دوباره اظهاراتش را تکرار کرد و گفت: «وقتی نازنین دوستم را ترک کرد، او دچار افسردگی شده بود و دیگر آن آدم سابق نبود. من و دوستانم برای اینکه به او ثابت کنیم همیشه کنارش هستیم، آن روز به سراغ بهروز رفتیم تا ادبش کنیم.

من آن روز فقط می‌خواستم آنها را بترسانم. نازنین برای اینکه درگیری بیشتر نشود به یکباره خودش را بین من و بهروز قرار داد و من که قصد داشتم با چرخاندن چاقو بهروز را بترسانم، نفهمیدم چگونه او را زدم.»

با پایان اظهارات متهم، قضات برای بررسی اظهارات و ادعای متهم و همینطور بررسی مستندات وارد شور شدند تا رأی لازم را صادر کنند.

حوادث جهان

اندونزی

سیل ویرانگر ده‌ها نفر را بی‌خانمان کرد

رئیس آژانس مدیریت و کاهش بلایای اندونزی، روز چهارشنبه گفت که پس از رانش زمین و سیل ناگهانی در استان سوماترای شمالی اندونزی، ۴ نفر کشته و ۳۴ نفر زخمی شدند.

به گزارش شینهوا، ساراگی گفت که بارش شدید باران باعث رانش زمین در روستایی در منطقه مرکزی تاپانولی ریجنسی شد و یک خانه را ویران کرد و چهار نفر از ساکنان آن کشته شدند. به گفته این مقام، سیل ناگهانی بخش‌هایی از منطقه باتانگ تورو را بعد از طغیان دو رودخانه پس از باران شدید فرا گرفت و ۳۴ نفر زخمی شدند.

هنگ کنگ

وحشت در ساختمان «تای پو»

یک ساختمان مسکونی در منطقه «تای پو» در شمال هنگ کنگ طعمه حریق شد و در حالی که نیروهای امدادی برای مهار آتش تلاش می‌کردند، ستون‌هایی از دود خاکستری غلیظ به هوا برخاست. شبکه تلویزیونی RTHK به نقل از پلیس گزارش داد که چندین نفر در داخل ساختمان محبوس شده‌اند.

به گزارش روزنامه بانکوک پست، این مجتمع مسکونی از هشت بلوک تشکیل شده و نزدیک به ۲۰۰۰ واحد مسکونی را در خود جای داده است. این حادثه صبح چهارشنبه رخ داد و هنوز علت آن مشخص نیست. با این حال برخی منابع خبری از مصدومیت هشت نفر و برخی دیگر از فوت چهار تن خبر داده‌اند. اداره آتش‌نشانی اعلام کرد ساعت ۲:۵۱ بعد از ظهر به وقت محلی گزارش‌هایی مبنی بر وقوع آتش‌سوزی در تای پو دریافت کرده است. شاهدان می‌گویند شعله‌های عظیم آتش به داربست‌های بامبو که در اطراف نمای بیرونی مجتمع برپا شده بود، سرایت کرده است.

دادگاه خانواده: طلاق به خاطر مسخره کردن لباس خواهر شوهر

گروه حوادث: گاهی اوقات در دادگاه خانواده با پرونده‌های عجیبی مواجه می‌شویم که حتی برای قضات باسابقه هم علت طلاق برخی زوج‌ها قابل باور نیست. یکی از این پرونده‌ها مربوط به زوج جوانی بود که چند روز قبل برای جدایی به دادگاه خانواده مراجعه کرده بودند. یکی از روزهای نه چندان سرد پاییزی که هوای آلوده نفس کشیدن را برای مردم سخت کرده بود و ناخودآگاه بر اعصاب و روان آنها بار مضاعفی تحمیل می‌کرد، دختر و پسر جوانی در طبقه دوم دادگاه پشت در یکی از شعبه‌ها به انتظار ایستاده بودند.

پسر جوان یا مدام دستی به موهای صاف و لختش می‌کشید یا ناخن‌هایش را از استرس می‌جوید. همسرش به حرکات او خیره شده بود و هرازچندگاهی نفسی عمیق می‌کشید و با افسوس سرش را تکان می‌داد. لحظاتی بعد ناگهان به سمت شوهرش رفت و گفت: «حامد بس کن زندگی‌مان را به‌خاطر حرف دیگران خراب نکن. حالا من یک حرفی زدم، تازه فقط من نبودم که گفتم لباس خواهرت مناسب نبود، همه میهمانان می‌گفتند. واقعاً سر همین حرف می‌خواهی مرا طلاق بدهی؟» این حرف‌ها توجه مرا جلب کرد و من هم با آن زوج جوان وارد شعبه شدم. مدیر دفتر قاضی نگاهی به ابلاغیه کرد و با اجازه قاضی، حامد و نرگس را به داخل راهنمایی کرد.

در همین موقع منشی دادگاه آنها را به داخل شعبه فراخواند. وقتی زوج جوان کنار هم مقابل قاضی نشستند حامد اجازه خواست و گفت: «جناب قاضی من می‌خواهم همسرم را طلاق بدهم.»

قاضی گفت: از اول بگو ببینم چه شده که این تصمیم را گرفتی؟

حامد گفت: «نرگس از بستگان دور ماست. در یک جشن عروسی او را دیدم و خوشم آمد و وقتی بیشتر آشنا شدیم، متوجه شدم نقاط مشترک زیادی داریم به خانواده‌ام گفتم و با موافقت آنها در کمتر از سه ماه ازدواج کردیم. اوایل زندگی مشترک خوب بود. من یک شاگرد مغازه هستم و از صبح تا شب سر کارم. جناب قاضی من آدم خیلی حساسی هستم، دوست دارم همسرم در طول روز به من پیام بدهد، زنگ بزند و حالم را بپرسد و ابراز علاقه کند اما نرگس این طور نیست و اصلاً توجهی به احساسات من ندارد. از طرفی در خانواده ما رسم است که عروس و داماد را پاگشا می‌کنند و مدام باید به میهمانی برویم اما نرگس دائم غر می‌زد که چرا باید همش به خانه خاله و عمو و دایی و... تو برویم. می‌گفت من در خانواده تو راحت نیستم و بدتر از همه اینکه عادت دارد همه را مسخره کند. در میهمانی‌ها می‌گوید خانواده‌ات بی‌کلاس هستند. آنها را به‌خاطر نوع لباس و زندگی‌شان و حتی غذاهایی که جلویش می‌گذارند، مسخره می‌کند. این رفتارها امان مرا بریده، یک بار با پدرش این موضوع را مطرح کردم، اما به جای اینکه من شاکی باشم، نرگس و خانواده‌اش از من طلبکار شدند. اصلاً باورم نمی‌شد آن همه حرف و آن همه رویایی که باهم ساخته بودیم، همه پوچ بود. خیلی روزها برایم سخت می‌گذشت تا اینکه چند هفته قبل که مراسم عقد خواهرم بود، نرگس تیر خلاص را به زندگی ما زد. او، مادر و خواهرش با صدای بلند و جملات تمسخرآمیز لباس خواهرم را مسخره کردند و خندیدند. این رفتار به حدی بد بود که همه میهمانان متوجه شدند.

آقای قاضی همسرم خیلی حسود است، مدام زندگی ما را با دیگران مقایسه می‌کند. بین فامیل، خودش را خیلی بالا می‌بیند و به کسی محل نمی‌گذارد و حتی بی‌احترامی هم می‌کند. خانواده‌ام هم همیشه به من سرکوفت می‌زنند و می‌گویند به همسرت تذکر بده. من دیگر خسته شده‌ام و حوصله این زندگی را ندارم.

قاضی رو به نرگس کرد و گفت: دخترم حرف‌های همسرت را شنیدی، آیا قبول داری؟ نرگس سری به نشانه تأسف تکان داد و گفت: «خیر آقای قاضی، من اصلاً قبول ندارم. من واقعیت‌ها را گفتم «خلایق هر چه لایق»، خانواده حامد از نظر فرهنگی و رفتاری و آداب معاشرت از ما پایین‌تر هستند. من به خاطر علاقه‌ام با حامد ازدواج کردم اما نمی‌دانستم باید مدام با خانواده او رفت و آمد کنم. من زندگی خودم را دوست دارم اما با خانواده‌اش حالم خوب نیست، حامد هم اگر مرا دوست دارد باید قول بدهد کمتر با خانواده‌اش رفت و آمد کند یا حداقل مرا مجبور نکند که دائم با آنها رفت و آمد کنم.»

در این لحظه حامد از جای خود بلند شد و گفت: «آقای قاضی، من نمی‌توانم به خاطر نرگس، دور خانواده‌ام را خط بکشم. از طرفی رفتارش با مادر، خواهر و بقیه فامیل من توهین‌آمیز است. از شب عقد خواهرم که او لباس و آرایش خواهرم را مسخره کرد و دلش را شکست، با من قهر کرده‌اند. نرگس یا باید از آنها عذرخواهی کند یا طلاقش می‌دهم.» اما همسرش با عصبانیت گفت: «من کار بدی نکردم که عذرخواهی کنم. آن شب همه خواهرش را مسخره کردند اما نمی‌دانم چرا فقط مرا مقصر می‌داند.»

وقتی درگیری لفظی زوج جوان بالا گرفت، قاضی آنها را به آرامش و سکوت دعوت کرد و قرار شد پس از ۲ ماه کلاس مشاوره در صورت حل نشدن مشکلشان برای طلاق مراجعه کنند.

نگاه کارشناس

امیرحسین صفدری
کارشناس حقوق

در این پرونده می‌بینیم که زوجی جوان با دلایلی کودکانه که ناشی از سن کم و نبود شناخت واقعی از یکدیگر است برای طلاق مراجعه کرده‌اند. اینکه زوجین درک درستی از ازدواج نداشته باشند و تفکیکی بین زندگی مشترک و متأهلی با دوران مجردی قائل نشوند، بسیار دردسرساز است. از سوی دیگر مشاهده می‌کنید که نرگس به جای اینکه با گفت‌وگوی محترمانه، زندگی مشترک خودش را پیش ببرد با تکبر و غرور کاذب و بی‌توجهی و تحقیر اطرافیان راه اشتباهی را طی می‌کند و باعث شده این زوج جوان دچار مشکلات و تنش‌های زیادی شوند.

با این حال حامد هم بی‌تقصیر نیست. او باید قبل از ازدواج راجع به تمام مسائل مهم زندگی مشترک با نرگس حرف می‌زد و وقتی که به یک نقطه مشترک در خصوص زندگی مشترک‌شان می‌رسید، ازدواج می‌کرد.

فقدان سرمایه گذاری و ضرورت توجه به استعدادها

مهران تیشه‌گران
رئیس سابق فدراسیون ناشنوایان

هفتمی در المپیک، تمام بضاعت کاروان ورزشی ناشنوایان ایران است. شاید خوش‌شانسی کاروان ایران در این دوره، به عدم محاسبه مدال‌های روسیه در جدول رده‌بندی برگردد؛ چرا که اگر مدال‌های روسیه لحاظ می‌شد، جایگاه ایران قطعاً پایین‌تر قرار می‌گرفت. بی‌پولی، مهم‌ترین مشکل ورزش ناشنوایان است.

اگر حمایت همه‌جانبه وزیر ورزش و جوانان نبود، کاروان ایران به طور کامل از حضور در المپیک ۲۰۲۵ توکیو بازمی‌ماند. در واقع وزارت ورزش و جوانان با حمایت مستقیم وزیر، صددرصد هزینه اسکان و رفت‌وآمد کاروان ناشنوایان به توکیو را تقبل کرد؛ در حالی که کاروان ایران بدون حتی یک ریال کمک مالی وزارت ورزش و جوانان در المپیک ۲۰۲۲ برزیل شرکت کرده بود. آن کاروان در هشت رشته ورزشی حاضر شد و به مقام سوم رسید، اما در این دوره، کاروان ناشنوایان در ۱۲ رشته نماینده داشت.

نبود اسپانسر و مشکلات اقتصادی باعث شد ورزشکاران حتی اردوهای باکیفیت و در سطح المپیک نداشته باشند.

اردوهای تدارکاتی تیم‌هایی که راهی توکیو شدند، تقریباً از فدراسیون خارج نشد و شاید تنها یکی، دو اردو در شهرهای دیگر برگزار شده باشد.

با وجود استعدادها و پتانسیل بالایی که در ورزش ناشنوایان ایران وجود دارد، اما از استعدادیابی خبری نیست تا جایی که با یک جست‌وجوی ساده می‌توان فهمید برخی ورزشکاران چندین دوره مدال‌آور المپیکی بوده‌اند.

کاروان ایران در توکیو تقریباً با همان ترکیب دوره قبل اعزام شد؛ در حالی که می‌توانست عملکرد بهتری داشته باشد، به شرطی که روند فعلی ادامه پیدا نکند و مشکل بی‌پولی برطرف شود. در صورتی که در ایران سرمایه‌گذاری مناسبی روی ورزش ناشنوایان نمی‌شود، سایر کشورها بسیار جدی‌تر کار می‌کنند.

همین موضوع باعث می‌شود ورزشکاران ما از رقبای جهانی عقب بمانند و سقوط جایگاه کاروان ایران در جدول رده‌بندی طبیعی جلوه کند.

با وجود همه این مشکلات، فدراسیون ناشنوایان ایران یک حامی مؤثر در کنفدراسیون آسیا دارد که می‌تواند با استفاده از حمایت‌های او مسیر پیشرفت را سریع‌تر کند.

محمد پرگر، رئیس ایرانی کنفدراسیون آسیا، فردی است که ورزش ناشنوایان ایران بخش مهمی از موفقیت‌هایش در بازی‌های آسیایی را مدیون او است؛ چرا که پس از انصراف ایران از میزبانی، برای مسابقات کشتی، تشک‌های سنگاپور را به مالزی برد و همین اقدام، زمینه‌ساز مدال‌های کشتی و قهرمانی ایران شد.

«ایران» بررسی می کند؛ عملکرد آماری ورزشکاران کاروان ایران در بازی‌های المپیک ناشنوایان توکیو

افت محسوس ورزش ناشنوایان

گروه ورزشی / کاروان ورزشی ایران در بیست‌وپنجمین دوره بازی‌های المپیک ناشنوایان با کسب ۳۷ مدال رنگارنگ (۸ طلا، ۱۰ نقره و ۱۹ برنز) و ایستادن در جایگاه هفتم جدول توزیع مدال‌ها به کار خود پایان داد؛ پایانی که نقاط ضعف و قوت این حوزه را بی‌پرده آشکار کرد. بررسی عملکرد کاروان نشان می‌دهد برنامه‌ریزی فدراسیون ناشنوایان در چهار سال اخیر با چالش‌های متعدد همراه بوده، چرا که ایران نتوانست از جایگاه خود در دوره قبل به‌درستی دفاع کند.

ضعف در نتیجه‌گیری، کاهش محسوس مدال‌آوری کاروان و نارضایتی ورزشکاران اعزامی به توکیو از کمبود امکانات و کاستی‌های ساختار مدیریتی، مجموعه عواملی بودند که در نهایت به افت محسوس کاروان ایران در جدول مدال‌ها ختم شد. کاروان ایران در دوره قبلی بازی ها جایگاه سوم را کسب کرده بود. به نظر می‌رسد برای عبور از این وضعیت و رفع اشکالات ریشه‌ای، لازم است با آسیب‌شناسی دقیق، مسیر اصلاح شرایط، توسعه زیرساخت‌ها و توجه جدی‌تر به قهرمانان را در پیش گرفت تا ورزشکاران ناشنوا بتوانند با آمادگی کامل دوباره به اوج بازگردند. نکته تأمل‌برانگیز اینجاست که در چنین شرایطی، بانوان ورزشکار نیز در این دوره از رقابت‌ها هم‌پای مردان جنگیدند و سهم جدی در مدال‌های به‌دست‌آمده داشتند؛ تا جایی که اگر موفقیت‌های آنها در کارنامه کاروان ثبت نمی‌شد، شاید حتی رتبه هفتم نیز به ایران نمی‌رسید.

زنان قهرمان در المپیک ناشنوایان

نمایش درخشان زنان ایران در ۱۲ سال

پای زنان ورزشکار ناشنوای ایرانی از سال ۲۰۱۳ در صوفیه بلغارستان به المپیک باز شد. سهم آنها از ۳۲ مدال کاروان در ۲۰۱۳، یک طلا و ۶ برنز بود. در المپیک ۲۰۱۷ از جمع ۷۵ نفره کاروان ایران، هفت زن دیگر به ۱۰ نفر دوره قبل اضافه شدند تا تعداد زنان ورزشکار به ۱۷ نفر برسد. این ۱۷ نفر موفق شدند ۱۶ مدال کسب کنند؛ یک طلا، چهار نقره و شش برنز که از مجموع ۳۴ مدال کاروان، سهم قابل‌توجهی بود. مدال‌های زنان سبب شد جایگاه کاروان ایران در ۲۰۱۷ یک پله در رده‌بندی مدالی ارتقا یابد و از رتبه هشتم به هفتم برسد. در المپیک ۲۰۲۲ برزیل نه‌تنها تعداد زنان افزایش نیافت، بلکه یک نفر هم کمتر شد و ۱۶ زن در کاروان ۷۵ نفره حضور داشتند. هر چند تعداد مدال‌های زنان به ۱۲ مدال کاهش یافت (۴ مدال کمتر از دوره قبل)، اما کیفیت مدال‌ها بهتر شد. در توکیو، با وجود حضور ۱۹ زن (سه نفر بیشتر نسبت به برزیل)، نتایج امیدوارکننده نبود. زنان در این رقابت‌ها ۱۲ مدال شامل چهار طلا، چهار نقره و چهار برنز کسب کردند.

۲۰۲۱

No.	COUNTRY				
1	UKR	62	38	39	
2	USA	19	11	24	
3	IRI	14	12	14	
4	JPN	12	8	10	
5	KOR	11	18	13	
6	POL	8	20	12	
7	TUR	8	19	17	
8	FRA	8	2	5	
9	IND	8	1	8	
10	KEN	5	7	10	

۲۰۲۵

رتبه	کشور	طلا	نقره	برنز
1	اوکراین	32	39	29
2	آمریکا	17	7	12
3	ژاپن	16	12	23
4	چین	12	16	22
5	گرجستان	11	13	18
6	هند	9	7	4
7	ایران	8	10	19
8	ایتالیا	8	8	4
9	قزاقستان	8	4	13
10	آلمان	6	8	10
11	کنیا	5	6	4
12	فرانسه	4	2	3
13	کرواسی	4	0	5
14	استونی	3	4	3
15	پرتغال	3	2	1
16	استونی	3	0	0
17	ترکیه	2	8	15
18	بریتانیا	2	2	2
19	جمهوری چک	2	1	2
20	قرقیزستان	2	0	4
	ماکائو	1	0	0
	استوانی	1	0	0

استعدادیابی؛ حلقه گمشده

درست است که زنان ورزشکار در این ۱۲ سال با درخشش در المپیک ناشنوایان بخشی از بار مدال‌آوری کاروان را به دوش کشیده‌اند، اما تکرار نام برخی ورزشکاران واقعیتی تلخ را یادآوری می‌کند: نبود استعدادیابی. با اینکه استعدادیابی در ورزش حرف اول را می‌زند، ظاهراً در ورزش ناشنوایان خبری از آن نیست.

تجربه بدون شک سلاح مهمی برای ورزشکاران در میدان‌های بزرگ است، اما پرسش اینجاست: مریم خدابنده ۳۳ ساله تا چند سال دیگر می‌تواند بار اصلی ورزش ناشنوایان را در المپیک به دوش بکشد؟ اگر او به هر دلیلی حضور نداشته باشد، آیا ورزشکار دیگری هست که بتواند موفقیت‌ها و مدال‌های او را تکرار کند، یا با نبود خدابنده باید قید مدال‌هایش را زد؟ فقدان چهره‌های تازه در کاروان ناشنوایان تنها یک دلیل دارد؛ استعدادیابی حلقه گمشده این ورزش است.

شروع با برنز، پایان با طلا

اولین مدال ایران در بیست‌وپنجمین دوره بازی‌های المپیک ۲۰۲۵ ناشنوایان، برنز بود. در اولین روز رسمی بازی‌ها، علی سلحشور در جودو مدال برنز به دست آورد. تیم کومیته بانوان نیز آخرین مدال کاروان ایران را کسب کرد.

زنان کاراته‌کا ایران با کسب نشان طلا آمار طلاهای ایران در این بازی‌ها را به عدد ۸ رساندند.

کاراته در صدر موفق‌ها

ملی‌پوشان کاراته با کسب ۱۲ مدال (۳ طلا، ۴ نقره و ۵ برنز) به‌عنوان موفق‌ترین رشته حاضر در این بازی‌ها شناخته شدند. کشتی با (۳ طلا، ۴ نقره و ۴ برنز) در رده دوم رشته‌های موفق قرار گرفت. تکواندو نیز با ۸ مدال در رده سوم رشته‌های مدال‌آور قرار گرفت. جودو با ۴ مدال و تیراندازی با ۲ مدال در رده‌های بعدی قرار گرفتند. والیبال ساحلی، بولینگ، گلف، بدمینتون، شنا، تنیس روی میز و دوومیدانی نیز به‌عنوان رشته‌های ناموفق دست خالی به خانه برگشتند.

۲۰۲۵ توکیو

هند
مدال طلا..... ۹
مدال نقره..... ۷
مدال برنز..... ۴
جایگاه در جدول..... ۶

پیشرفت قابل‌توجه هندی‌ها

کاروان ورزشی هند در بیست‌وپنجمین دوره المپیک ناشنوایان، بهترین جایگاه خود را در ادوار بازی‌های المپیک ناشنوایان به دست آوردند. هندی‌ها با ۶۷ ورزشکار به توکیو آمدند و با کسب ۹ طلا، ۷ نقره و ۴ برنز در رده ششم جدول توزیع مدال ایستادند. هندی‌ها در تیراندازی، بدمینتون و گلف طلایی شدند تا نسبت به دوره قبل پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. هند در سال‌های ۲۰۱۷ در جایگاه بیست‌وششم و در ۲۰۲۲ روی پله نهم جدول توزیع مدال‌ها قرار داشت.

۲۰۲۵ توکیو

کره جنوبی
مدال طلا..... ۱۱
مدال نقره..... ۱۳
مدال برنز..... ۱۸
جایگاه در جدول..... ۵

کره جنوبی و صعود پیوسته در جدول

کره جنوبی از سال ۱۹۹۷ وارد بازی‌های المپیک ناشنوایان شد و با کسب دو مدال برنز و جایگاه ۳۹ در جدول توزیع مدال‌ها کار خود را آغاز کرد.

از آن زمان، مسیر صعودی این کشور در دوره‌های بعدی به وضوح مشهود بود؛ با قرار گرفتن در رده یازدهم، سپس چهارمی در برزیل و پنجمی در توکیو با ۱۱ مدال طلا، کره جنوبی توانست بالاتر از کاروان ایران قرار گیرد و زنگ خطری جدی برای ورزش ناشنوایان ایران به صدا درآورد.

۲۰۲۵ توکیو

چین
مدال طلا..... ۱۲
مدال نقره..... ۱۶
مدال برنز..... ۲۲
جایگاه در جدول..... ۴

چین در حال سبقت از ایران

ورزشکاران ناشنوا در چین تاکنون در هشت دوره بازی‌ها شرکت کرده‌اند. آنها با شروعی مشابه ایران، یعنی کسب دو مدال برنز و رده ۳۹، مسیر پیشرفت چشمگیری را طی کردند و امسال، با درخشش شناگران و ملی‌پوشان تنیس روی میز، توانستند با ۱۲ مدال طلا به جایگاه چهارم صعود کنند تا غیبت خود در دوره قبلی برزیل را جبران کنند. نکته جالب توجه این است که ایرانی‌ها با ۱۷ دوره حضور، موفق به کسب ۱۱۳ مدال طلا شده‌اند، در حالی که چین با کمتر از نصف آن، یعنی ۵۳ مدال طلا، توانسته است به سرعت پیشرفت کند.

۲۰۲۵ توکیو

ژاپن
مدال طلا..... ۱۶
مدال نقره..... ۱۲
مدال برنز..... ۲۳
جایگاه در جدول..... ۳

سیر صعودی سامورایی‌ها

میزبان بیست‌وپنجمین دوره بازی‌های المپیک ناشنوایان با ۲۶۴ ورزشکار در این بازی‌ها حضور یافت و با کسب ۱۶ طلا، ۱۲ نقره و ۲۳ برنز، جایگاه سوم بازی‌ها را در جدول رده‌بندی به دست آورد. سامورایی‌ها در سال ۲۰۲۲ روی پله پنجم جدول ایستادند.

آنها در مجموعه ادوار برگزاری این بازی‌ها ۲۶۳ مدال کسب کرده‌اند. سبقت ژاپن از ایران نشان می‌دهد آنها سرمایه‌گذاری فوق‌العاده‌ای برای موفقیت در این بازی‌ها انجام داده‌اند.

۲۰۲۵ توکیو

روسیه
مدال طلا..... –
مدال نقره..... –
مدال برنز..... –
جایگاه در جدول..... –

روسیه و مدال‌هایی که به حساب نیامد

کاروان ورزشی روسیه دو سالی است که در المپیک ناشنوایان نیست. ورزشکاران ناشنوای روسیه سال ۲۰۲۲ که به خاطر جنگ روسیه علیه اوکراین از حضور در میادین بین‌المللی محروم شده‌اند، غایب بزرگ المپیک بیست و چهارم ۲۰۲۲ برزیل بودند اما بعضی ورزشکاران روسی زیر پرچم فدراسیون جهانی در المپیک بیست و پنجم به میزبانی توکیو حاضر شدند. حضور آنها به ویژه کشتی‌گیران روسی کار را برای ایرانی‌ها سخت کرد و حتی مدال را از چنگ کشتی‌گیران ایرانی درآورد.

هفتمی المپیک؛ نتیجه تاریخی یا زنگ خطر؟

پرونده بیست و پنجمین المپیک ناشنوایان برای کاروان ورزشی عاشقان ایران با هفتمی بسته شد؛ با کسب ۳۷ مدال شامل ۸ طلا، ۱۰ نقره و ۱۹ برنز. نتیجه‌ای نه چندان دلچسب که با این حال، مصطفی نکولعل آزاد، رئیس فدراسیون ناشنوایان، با خوشحالی از آن به عنوان دومین نتیجه برتر تاریخ این رشته یاد می‌کند.

ظاهراً رئیس فدراسیون فراموش کرده است که هفتمی نه تنها نتیجه تاریخی محسوب نمی‌شود، بلکه به نوعی زنگ خطر نیز هست. کاروان ایران برای اولین بار نیست که هفتم جدول رده‌بندی المپیک شده و سال ۲۰۱۷ در سامسون ترکیه نیز هفتمی را تجربه کرده بود.

بنابراین اگر قرار باشد این نتیجه را تاریخی بدانیم، حداقل باید یک بار دیگر چنین موقعیتی رخ می‌داد تا قابل حساب باشد.

از سوی دیگر، حتی با حساب سرانگشتی تعداد مدال‌ها نیز می‌توان فهمید که کاروان موفق بوده یا نه. کاروان ورزشی ایران در المپیک ۲۰۲۲ برزیل ۱۴ مدال طلا، ۱۲ نقره و ۱۴ برنز کسب کرده بود، در حالی که در المپیک توکیو، تعداد مدال‌ها ۸ طلا، ۱۰ نقره و ۱۹ برنز بود.

آقای رئیس فدراسیون، از کی کاهش تعداد مدال طلای کاروان به معنای پیشرفت است؟ ۶ مدال طلای ایران در توکیو نسبت به برزیل کاهش یافته و در عوض، ۵ مدال برنز به تعداد مدال‌های برنز اضافه شده است. آیا این پیشرفت است؟

کاروانی با اختلاف سنی ۳۶ سال در توکیو

ورزشکاران ناشنوای اعزامی به بازی‌های المپیک توکیو از میانگین سنی بالایی برخوردار بودند.

علیرضا کرمانی، ملی‌پوش ناشنوای بولینگ با ۵۳ سال مسن‌ترین ورزشکار اعزامی به این رویداد بود که در برزیل توانست مدال برنز بگیرد ولی این بار ناکام لقب گرفت.

جوان‌ترین عضو کاروان هم کسی نیست جز علی شیخ با ۱۷ سال سن. جودوکار کشورمان در اولین حضور بین‌المللی خود عملکرد قابل توجهی از خود نشان داد. این ورزشکار جوان در وزن ۶۰- کیلوگرم به رقابت پرداخت و در نهایت موفق به کسب مقام پنجم در این مسابقات معتبر شد.

شیخ در دور اول حریفی از نامیبیا را شکست داد اما در دور دوم برابر نماینده هلند که رنکینگ اول جهان را در اختیار دارد، متحمل شکست شد.

نگاهی به زندگی کودکان عصر هوش مصنوعی

«آلفاها» فناوری را نفس می‌کشند

فناوری

آرزو کیهان
گروه علم و فناوری

رشد فناوری، نسل تازه‌ای با نام نسل آلفا را رقم زده؛ کودکانی که هوش مصنوعی برایشان همان‌قدر طبیعی است که تلفن همراه برای والدینشان معمول بوده و در واقع مفهوم کودکی را بازتعریف کرده‌اند. آنها در جهانی بزرگ می‌شوند که فناوری دیگر ابزار نیست و صدا جایگزین لمس می‌شود؛ واقعیت مجازی جای تخیل را می‌گیرد و آموزش شخصی‌سازی‌شده، به بخشی از کودکی تبدیل شده است.

آموزش با طعم فناوری

فناوری از لحظه تولد، کودکان «نسل آلفا» را احاطه کرده است؛ دیجیتال زاده‌هایی که از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۴ متولد شده‌اند و اکنون به‌تدریج در حال ورود به دوره نوجوانی هستند. تماس زودهنگام با تکنولوژی، رابطه طبیعی‌تری میان آنان و فناوری ایجاد کرده است. این نسل به‌سرعت با نوآوری‌های جدید سازگار می‌شود و انتظار می‌رود مهارت‌های فناورانه و ذهنیت نوآورانه آنها، صنایع و روندهای اقتصادی آینده را دگرگون کند.

کودک آلفایی اسباب‌بازی هوشمند دارد، از دستیارهای صوتی مشورت می‌گیرد و در پلتفرم‌های آموزشی مجهز به هوش مصنوعی، محتوایی دقیقاً متناسب با توانایی و علاقه خود دریافت می‌کند. تدریس برای این نسل نیز بسیار متفاوت است؛ در مدارس و دانشگاه‌ها، دیگر نظام آموزش سنتی در حال عقب‌نشینی است و آلفاها به‌جای آموزش عمومی، به دنبال یادگیری شخصی‌سازی‌شده هستند تا بیشتر بر مهارت «چگونه آموختن» تمرکز کنند، نه صرفاً برآنچه می‌آموزند. واقعیت مجازی (VR) و واقعیت افزوده (AR) آموزش را به تجربه‌ای چندحسی برای آنها بدل کرده است؛ به عنوان مثال دانش‌آموزان می‌توانند در کلاس تاریخ، درون محبوب‌ترین جاذبه‌های توریستی جهان قدم بزنند یا در کلاس زیست‌شناسی، قورباغه‌ای مجازی را بدون آسیب به جاندار، کالبدشکافی کنند. در امتداد این تحولات، «متاورس» در حال ساخت جهانی موازی است؛ فضایی که در آن کودکان می‌توانند بازی کنند، یاد بگیرند یا در رویدادهای مجازی شرکت کنند. در واقع زندگی دیجیتال دیگر مکمل زندگی واقعی نیست، بلکه بخش طبیعی آن است.

صوت جایگزین کیبورد می‌شود

بنا بر داده‌های مدرسه اقتصاد لندن (LSE)، بیشتر ارتباطات کاری نسل آلفا تا سال ۲۰۲۸ به شکل صوتی انجام خواهد شد و کیبورد منسوخ می‌شود. در محیط کار آینده، اولین نسخه هر ایده، با صدا شکل می‌گیرد و تایپ فقط برای پالایش نهایی خواهد بود. این نسل با صدا متون را تایپ می‌کند و نیازی به کیبورد نخواهد داشت، هرچند برخی از کارشناسان هشدار داده‌اند که جهانِ «صدا به جای نوشتار» بدون دردسر نخواهد بود.

صدساله‌های بیشتر در نسل آلفا

پروفسور «جو نلیش»، آینده‌پژوه در تحلیل خود درباره زندگی نسل آلفا می‌گوید: «ما از چالش‌های نسل‌های X، Y و Z بسیار شنیده‌ایم اما نسل آلفا پدیده‌ای فراتر از همه آنهاست. انتظار می‌رود با پیشرفت در مراقبت‌های بهداشتی و استانداردهای زندگی کودکان نسل آلفا، میانگین جهانی امید به زندگی بالاتر از نسل‌های قبل شود و به دلیل عمر طولانی‌تر، زمان بیشتری برای تأثیرگذاری بر جهان داشته باشند. به اعتقاد این آینده‌پژوه، آلفایی‌ها دیرتر وارد بازار کار می‌شوند، دیرتر تشکیل خانواده می‌دهند و احتمالاً بسیاری از آنان با پیشرفت بهداشت و اهمیت توجه بیشتر به سلامت و توسعه فناوری در این زمینه «صدساله» خواهند شد.

نسل آلفا پاسخ فوری، خدمات شخصی‌سازی‌شده و تعامل در لحظه را «حق طبیعی» خود می‌داند و انتظار دارد هر کسب وکار، همچون یک اپلیکیشن، ساده، سریع و متناسب با نیاز شخصی‌اش عمل کند. آنان به‌جای خرید کالا، خواهان «خدمت» هستند و مسئولیت اجتماعی هم برای این نسل، ژست تبلیغاتی نیست، بلکه پیش‌شرط وفاداری است.

با وجود همه این دستاوردها، اعتیاد بیش از حد به فناوری و وابستگی به دنیای دیجیتال بر سلامت جسم و روان آنها اثر منفی خواهد گذاشت و فشارهای روانی زیادی برای موفقیت و برتری تجربه خواهند کرد. وابستگی به دنیای دیجیتال، کاهش تماس انسانی و روابط اجتماعی محدود را به دنبال خواهد داشت. شاید آلفاها در برابر این فشارها مقاوم شوند، شاید هم این فشارها به بمب روانی برای آینده آنها تبدیل شود.

رجیستری ۱۲ هزار آیفون انجام می‌شود

فاوا

گروه علم و فناوری

رئیس کمیسیون موبایل و لوازم جانبی اتاق اصناف ایران از اتصال آنتن ۱۲هزار گوشی آیفون که پیش‌تر به دلیل تخلف کم‌اظهاری واردکنندگان قطع شده بود، خبر داد.

سید حسین سادات حسینی درباره آخرین وضعیت موبایل‌هایی که آنتن آنها قطع شده بود، توضیح داد: «پس از بررسی‌ها و هماهنگی‌های انجام شده، مقرر شده است مشکل رجیستری این دستگاه‌ها برطرف شود.» این تصمیم پس از آن اتخاذ شد که بسیاری از خریداران و واحدهای صنفی بدون اطلاع از تخلف شرکت‌های واردکننده، دچار زیان مالی شدند. او با تأکید بر اینکه این مصوبه شامل همه موارد نمی‌شود، گفت: «تنها واحدهای صنفی که عدم مشارکت آنها در جرم کم‌اظهاری محرز شده باشد و همچنین خریداران نهایی، مشمول این طرح هستند. این افراد می‌توانند پس از طی یک فرآیند مشخص، گوشی‌های خود را در سامانه همتا ثبت و فعال کنند.» رئیس کمیسیون موبایل و لوازم جانبی اتاق اصناف ایران خاطرنشان کرد: «اطلاعات تکمیلی درباره نحوه مراجعه اصناف و مصرف‌کنندگان به اتحادیه و مراحل اجرایی رفع مشکل رجیستری، طی روزهای آینده اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

اما ماجرای این آیفون‌ها چیست؟ چندی پیش خبرهایی از تخلف چندین شرکت واردکننده موبایل در واردات گوشی‌های بالای ۶۰۰ دلار منتشر شد؛ متخلفانی که با استفاده از اسناد جعلی و کم‌اظهاری، به جای عوارض بیش از ۳۰ میلیون تومانی گوشی‌های پرچمدار، حقوق گمرکی حدود ۷۰۰ هزار تومانی پرداخت می‌کردند. در واقع متخلفان با وجود واردات آیفون، این گوشی‌ها را برندهای ارزان‌تر اظهار می‌کردند و در نهایت این امر باعث لغو رجیستری و قطع آنتن این گوشی‌ها شد.

محمدرضا عالیان، دبیر کنگره موبایل ایران در این باره به «ایران» گفت: «تخلف انجام شده، در واقع کم‌اظهاری گوشی‌های پرچمدار با قیمت گوشی‌های زیرپرچمدار بوده و این کار توسط چندین شرکت و با برنامه‌ریزی و کاملاً مهندسی شده انجام شده است.»

به گفته او، این تخلف تقریباً از زمان ورود پرچمداران آیفون ۱۶ و اس ۲۵ سامسونگ در حال انجام بوده و این سودجویان فقط سراغ پرچمدارهایی مانند آیفون ۱۶ و ۱۶ پرو، سامسونگ اس ۲۵ اولترا، زد فولد و زد فلیپ رفته‌اند که بازار خوبی دارد.

عالیان افزود: «این متخلفان گوشی‌ها را با قیمتی حدود ۳۰ درصد زیر قیمت بازار ارائه می‌دادند که با وجود عدم ارائه گارانتی، برای خریداران وسوسه‌کننده بود. در حالی که مردم و فروشندگان موبایل که این گوشی‌ها را بدون اطلاع از تخلف واردکننده خریداری کرده و نگران از دست رفتن سرمایه خود بودند، حالا این مصوبه می‌تواند زمینه‌ساز رجیستری گوشی آنها و حل مشکلاتشان شود.»

حوزه فاوا

■ ماهواره کوثر ۱/۵، قرار است ۷ دی‌ماه از کشور روسیه و با ماهواره‌بر سایوز به مدار زمین پرتاب شود. این پرتاب بخشی از برنامه ارسال سه ماهواره سنجشی کشور شامل ظفر ۲، پایا و کوثر ۱/۵ محسوب می‌شود که قرار است خدمات متنوعی در حوزه‌های کشاورزی، منابع زیستی، محیط زیست و منابع آب ارائه دهند.

■ نمایندگان مجلس شورای اسلامی به منظور تقویت نظام مالی هوش مصنوعی، ایجاد صندوق ملی هوش مصنوعی کشور را با سرمایه یکصد هزار میلیارد ریالی تصویب کردند.

کوتاه از فناوری

■ «تیم برنرز لی»، خالق شبکه جهانی وب (WWW) همراه با همکارانش در MIT، پروتکل داده Solid را ساخته است که این چهارچوب مدیریت داده، به کاربران امکان می‌دهد کنترل اطلاعات شخصی خود را از طریق مخازن داده‌ای امن در دست داشته باشند و تصمیم بگیرند کدام اپلیکیشن یا سرویس، به داده‌هایشان دسترسی داشته باشد. با این رویکرد، اشتراک‌گذاری داده با شرکت‌های فناوری تنها به شرط موافقت کاربر، امکانپذیر خواهد بود.

■ عربستان با نصب اولین کامپیوتر کوانتومی ۲۰۰ کیوبیتی ساخته‌شده توسط شرکت فرانسوی پاسکال در دیتاسنتر آرامکو وارد رقابت جهانی کوانتوم شد.

■ بیل گیتس پیشنهاد داد که در صورت جایگزینی هوش مصنوعی و روبات‌ها با نیروی انسانی، دولت‌ها «مالیات روبات» وضع کنند.

از هوش مصنوعی چه خبر؟

■ شرکت «فلیت اسپیس» با استفاده از هوش مصنوعی و ماهواره‌ها، ذخایر بزرگی از لیتیوم کشف کرد.

کهکشان

■ شرکت آمازون با رونمایی از آنتن ماهواره‌ای جدید خود با نام Leo Ultra اعلام کرد که سرویس اینترنت ماهواره‌ای «Amazon Leo» قادر است اینترنت با سرعت دانلود تا یک گیگابیت بر ثانیه ارائه کند و رقیبی جدی برای استارلینک شود.

روبات

■ روبات چینی G1 که به سیب زمینی کوچک معروف است به راحتی بسکتبال بازی می‌کند و حرکت سه گام را عالی انجام می‌دهد.

شرکت جهان فولاد سیرجان (سهامی عام)
Sirjan Jahan Steel Company(SJSCO)

آگهی تمدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
مناقصه شماره ۰۴-۶۰-ک-م

خرید ۱ (یک) دستگاه آنالیز ارتعاشات برند ACOEM با مدل FALCON ULTIMATE و پکیج دستگاه مورد نیاز (شامل موارد شماره F1 تا F1-07) با شرایط تأمین لایسنس دائمی، نصب، راه‌اندازی، آموزش و ارائه خدمات پس از فروش شرکت جهان فولاد سیرجان

شرکت جهان فولاد سیرجان در نظر دارد نسبت به خرید ۱ (یک) دستگاه آنالیز ارتعاشات برند ACOEM با مدل FALCON ULTIMATE از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای اقدام نماید؛ لذا از تمامی تأمین‌کنندگان معتبر که دارای توانایی مناسب، سوابق و تجارب مورد قبول می‌باشند، دعوت به‌عمل می‌آید با رعایت شروط مندرج در دستورالعمل ارزیابی کیفی، اسناد مناقصه را از طریق مراجعه به آدرس اینترنتی WWW.SJSCO.IR دریافت نمایند.

• شرایط:
۱- آخرین فرصت تحویل پاکات: پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲
۲- تضمین شرکت در مناقصه مبلغ ۲،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (دو میلیارد و پانصد میلیون) ریال مطابق اسناد مناقصه
۳- شرایط و محل تحویل کالا: تحویل به‌صورت DDP درب کارخانه نورد شرکت جهان فولاد سیرجان واقع در استان کرمان، شهرستان بردسیر، کیلومتر ۲ جاده بردسیر - کرمان
۴- محل انجام کار: کارخانه نورد شرکت جهان فولاد سیرجان واقع در استان کرمان، شهرستان بردسیر، کیلومتر ۲ جاده بردسیر - کرمان
۵- مدت زمان تحویل کالا و انجام خدمات موضوع قرارداد: ۸ (هشت) ماه شمسی از تاریخ تنفیذ قرارداد.
۶- محل تحویل پاکات: شهرستان سیرجان، دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت جهان فولاد سیرجان یا شهر تهران، دبیرخانه مرکزی دفتر شرکت جهان فولاد سیرجان. (مطابق اسناد مناقصه)
۷- شرکت جهان فولاد سیرجان در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد و همچنین به پیشنهادهای مشروط و مبهم که با اسناد مناقصه مغایرت داشته باشد و یا بعد از مهلت مقرر در آگهی برسد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۸- ارائه اسناد و مستندات مذکور هیچ‌گونه حقی برای متقاضیان ایجاد نمی‌کند.
۹- جهت کسب اطلاعات بیشتر از شنبه تا چهارشنبه (روزهای کاری) در ساعات اداری با شماره‌های ۰۹۹۱۲۹۳۸۳۱۷ یا ۰۳۴-۳۱۲۵۷۶۰۰ داخلی ۶۱۴۳ و آدرس ایمیل TENDER@SJSCO.IR ارتباط برقرار نمایید.

دبیرخانه کمیسیون معاملات ـ شرکت جهان فولاد سیرجان

شرکت جهان فولاد سیرجان (سهامی عام)
Sirjan Jahan Steel Company(SJSCO)

آگهی تمدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
مناقصه شماره ۰۴-۷۰-ک-م

خرید ۲ (دو) دستگاه الکتروموتور KW DC 300 و KW DC 400 از برندهای ABB، HELMKE، WEG، VEM، SIEMENS و TECO مورد نیاز شرکت جهان فولاد سیرجان

شرکت جهان فولاد سیرجان در نظر دارد نسبت به خرید ۲ (دو) دستگاه الکتروموتور KW DC 300 و KW DC 400 از برندهای ABB، HELMKE، WEG، VEM، SIEMENS و TECO از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای اقدام نماید؛ لذا از تمامی تأمین‌کنندگان معتبر که دارای توانایی مناسب، سوابق و تجارب مورد قبول می‌باشند، دعوت به‌عمل می‌آید اسناد مناقصه را از طریق مراجعه به آدرس اینترنتی WWW.SJSCO.IR دریافت نمایند.

• شرایط:
۱- آخرین فرصت تحویل پاکات: پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲.
۲- تضمین شرکت در مناقصه مبلغ ۷،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (هفت میلیارد) ریال مطابق اسناد مناقصه.
۳- شرایط و محل تحویل کالا: تحویل به‌صورت DDP درب کارخانه نورد شرکت جهان فولاد سیرجان واقع در استان کرمان، شهرستان بردسیر، کیلومتر ۲ جاده بردسیر - کرمان.
۴- مدت زمان تحویل کالا: ۱۲ (دوازده) ماه شمسی از تاریخ تنفیذ قرارداد.
۵- محل تحویل پاکات: شهرستان سیرجان، دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت جهان فولاد سیرجان یا شهر تهران، دبیرخانه مرکزی دفتر شرکت جهان فولاد سیرجان. (مطابق اسناد مناقصه)
۶- شرکت جهان فولاد سیرجان در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد و همچنین به پیشنهادهای مشروط و مبهم که با اسناد مناقصه مغایرت داشته باشد و یا بعد از مهلت مقرر در آگهی برسد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۷- ارائه اسناد و مستندات مذکور هیچ‌گونه حقی برای متقاضیان ایجاد نمی‌کند.
۸- جهت کسب اطلاعات بیشتر از شنبه تا چهارشنبه (روزهای کاری) در ساعات اداری با شماره‌های ۰۹۹۱۲۹۳۸۳۱۷ یا ۰۳۴-۳۱۲۵۷۶۰۰ داخلی ۶۱۴۳ و آدرس ایمیل TENDER@SJSCO.IR ارتباط برقرار نمایید.

دبیرخانه کمیسیون معاملات - شرکت جهان فولاد سیرجان

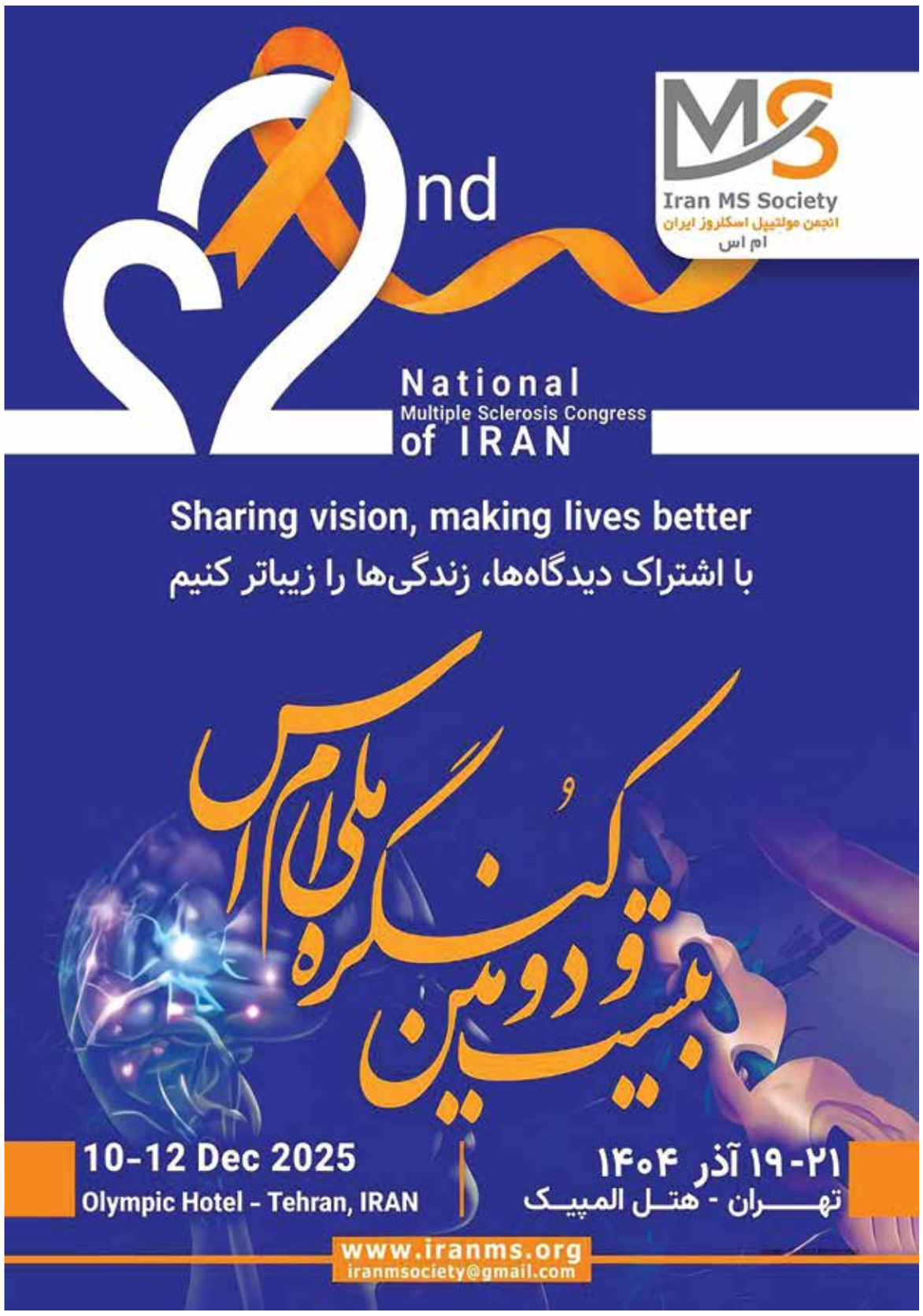

بنگاه

وزیر اقتصاد و دارایی:

تمام بخشنامه‌های مغایر با اهداف مناطق آزاد لغو خواهد شد

بانک مستقل مناطق آزاد تأسیس می‌شود

وزیر امور اقتصادی و دارایی با تأکید بر ضرورت تحول ساختاری در حکمرانی اقتصادی کشور اعلام کرد: توسعه و تحول اقتصادی ایران از تحول در مناطق آزاد آغاز می‌شود و برای اصلاح حکمرانی اقتصادی، اصلاح قانون مناطق آزاد ضروری است.
در همین راستا، اصلاح قوانین این حوزه را با جدیت دنبال می‌کنیم. سیدعلی مدنی‌زاده، در نشست فعالان اقتصادی منطقه آزاد ارس با اشاره به رویکرد دولت در تقویت آزادی‌های اقتصادی افزود: «به دنبال گسترش آزادی‌های تجاری و لغو محدودیت‌ها در مناطق آزاد هستیم.» وی از آغاز اجرای طرح تحول مناطق آزاد خبر داد و گفت: «این طرح با سیاست تمرکززدایی و تخصصی‌سازی فعالیت‌های هر یک از مناطق آزاد تدوین شده و اجرای آن از استان آذربایجان شرقی و منطقه آزاد ارس آغاز خواهد شد.» وی افزود: «تأسیس بانک مستقل ویژه مناطق آزاد را پیگیری می‌کنیم و برای منطقه آزاد ارس نیز بانک معین تعیین خواهد شد. همچنین پیگیری برای تأسیس اتاق بازرگانی مستقل منطقه آزاد ارس در دستور کار قرار دارد.» وزیر اقتصاد با اشاره به رویکرد حمایتی دولت از فعالان اقتصادی گفت: «تمام بخشنامه‌های محدودکننده تجارت آزاد در مناطق آزاد لغو خواهد شد. ستاد توسعه مناطق آزاد در وزارت اقتصاد راه‌اندازی شده و استان آذربایجان شرقی نیز به‌عنوان پایلوت اجرای این برنامه انتخاب شده است.» مدنی‌زاده از اتخاذ سیاست‌های جدید مالیاتی خبر داد و خاطرنشان کرد: «برای کاهش فشار بر فعالان اقتصادی، تقسیط حداکثری مالیات اعمال خواهد شد. علاوه بر این، کارت شهروندی واحد برای همه مناطق آزاد صادر می‌شود.» وی افزود: «حذف قیمت‌گذاری‌ها در مناطق آزاد نیز از دیگر برنامه‌های در دست پیگیری است.» وزیر اقتصاد با انتقاد از وجود برخی قوانین و بخشنامه‌های دست‌وپاگیر در مسیر فعالیت‌های اقتصادی تصریح کرد: «بسیاری از محدودیت‌ها ناشی از بخشنامه‌های وزارت اقتصاد بوده و اکنون برای رفع این موانع اقدام می‌کنیم. از فعالان اقتصادی می‌خواهیم نسبت به مطالبات خود از وزارت اقتصاد پیگیر باشند.»
وی بیان کرد: «کانال ارتباط مستقیم فعالان اقتصادی با وزیر اقتصاد ایجاد خواهد شد. فعالان اقتصادی باید پای کار بیایند، ما تمام ظرفیت‌ها را برای توسعه سرمایه‌گذاری‌ها بسیج کرده‌ایم.» استاندار آذربایجان شرقی نیز در ادامه، منطقه آزاد ارس را صنعتی‌ترین منطقه آزاد کشور دانست و با اشاره به ظرفیت‌های بالای گردشگری آن گفت: «مناطق آزاد دروازه توسعه و تجدد هستند و برای توسعه کشور باید از دروازه مناطق آزاد ورود کنیم.» وی با تأکید بر ضرورت وفاق، تعامل و هم‌افزایی میان ارکان مختلف دولت و بخش خصوصی در منطقه آزاد ارس، افزود: «جلفا باید به جایگاه واقعی خود برسد. تجهیز گمرک نوردوز یک ضرورت است، چرا که نوردوز تنها مرز زمینی ایران با اوراسیا به شمار می‌رود.» استاندار آذربایجان شرقی نقش‌آفرینی جدی مناطق آزاد را برای پیوستن به اقتصاد منطقه‌ای و جهانی ضروری دانست و خاطرنشان کرد: «توسعه ارس نیازمند وحدت مدیریتی، هماهنگی مستمر و رفتار حرفه‌ای است. جلفا در گذشته یکی از مهم‌ترین هاب‌های لجستیکی منطقه بوده و باید دوباره به جایگاه طبیعی خود بازگردد.»

از پیشرفت ۹۲ درصدی سامانه گرمسیری تا تکمیل فاز دوم پالایشگاه گاز

پروژه های زیر ساختی ایلام به مرز بهره برداری رسید

گزارش

محمدکریم ویسی
خبرنگار «ایران» در ایلام

استان مرزی ایلام، همواره نقش بی‌بدیلی به عنوان دیواری امنیتی و استوار در حفاظت از مرزهای میهن ایفا کرده است.
ایلام به دلیل هم‌مرزی با عراق، در خط مقدم جبهه قرار داشت و مردم آن با وجود تحمل آسیب‌های فراوان، سنگر به سنگر از میهن خود دفاع کردند.
در طول یکساله اول دولت چهاردهم، توجه ویژه‌ای به استان محروم ایلام معطوف شده است، اما به دلیل عمق محرومیت‌های گذشته، آنچنان که باید و شاید برای مردم قابل لمس نیست، انتظار می‌رود دولتمردان با تزریق اعتبارات ویژه به این منطقه در حال توسعه کمک کنند و پروژه‌های نیمه‌تمام را در اقصی نقاط استان به اتمام برسانند تا با جبران مشکلات گذشته، برگ زرینی به افتخارات خود اضافه کنند.
تصویب و آغاز پروژه‌های عظیمی مانند سامانه گرمسیری، راه‌های ارتباطی و طرح‌های بزرگ صنعتی، گام‌های بلند و عملی دولت برای تحقق عدالت و بهبود جدی کیفیت زندگی مردم ایلام است.
در عرصه زیرساخت و عمران، شاهد پیگیری جدی پروژه‌های محوری از جمله راه‌های مواصلاتی، پروژه‌های آبرسانی و توسعه شبکه بهداشت بوده‌ایم.
حمایت از واحدهای تولیدی و صنایع کوچک و متوسط، رایزنی برای جذب سرمایه‌گذار و تلاش برای رفع موانع پیش روی کسب وکارها، از جمله اقداماتی است که نویدبخش خروج اقتصاد استان از رکود و حرکت به سمت خودکفایی است.
ایلام به عنوان استانی مرزی، همواره با چالش‌های امنیتی و مدیریت مرزها روبه‌رو بوده است. در این یکسال، توجه ویژه‌ای به تقویت زیرساخت‌های مرزی، رفع محرومیت از مناطق مرزنشین و هماهنگی بیشتر با نیروهای مرزبانی صورت گرفته تا آرامش و امنیت این خطه مهم بیش از پیش تضمین شود.
استاندار ایلام از تصویب بالغ بر ۴۱ هزار میلیارد تومان اعتبار در حوزه‌های مختلف طی سفر اخیر رئیس جمهوری به این استان خبر داد و گفت: «این مصوبات نقطه عطفی در توسعه زیرساخت‌ها و رونق اقتصادی ایلام است.»
«احمد کرمی» در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه ایران در استان ایلام در تشریح دستاوردهای سفر رئیس جمهوری و هیأت دولت به این استان، افزود: «سهم بخش عمرانی و زیرساختی از این مصوبات، ۱۴ هزار و ۴۷۳ میلیارد تومان برای ۵۰ طرح است که خوشبختانه تاکنون ۲ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان از آن تخصیص یافته است.»

> در بخش اقتصادی یک مصوبه کلان با پوشش ۶۶۶ طرح و اعتبار ۹ هزار و ۳۵۲ میلیارد تومان به تصویب رسیده که ۱۱ بانک عامل در استان ایلام برای پرداخت تسهیلات مربوط به این طرح‌ها معرفی شده‌اند

استاندار ایلام تصریح کرد: «در بخش اقتصادی نیز یک مصوبه کلان با پوشش ۶۶۶ طرح و اعتبار ۹ هزار و ۳۵۲ میلیارد تومان به تصویب رسیده که ۱۱ بانک عامل در استان برای پرداخت تسهیلات مربوط به این طرح‌ها معرفی شده‌اند.»
کرمی تأکید کرد: «علاوه بر این، ۱۲ تفاهمنامه نیز با مجموع اعتبار ۱۷ هزار و ۵۴۱ میلیارد تومان به امضا رسید که مهم‌ترین آنها شامل پروژه‌های پتروشیمی هلیلان، احداث نیروگاه‌های خورشیدی و هتل ۵ ستاره است.»
استاندار ایلام در بخش دیگری از سخنانش به احیای کارخانه سیمان دهلران پس از سال‌ها تعطیلی اشاره کرد و از بهره‌برداری از طرح NGL دهلران در مهرماه سال جاری خبر داد و گفت: «با احیای این کارخانه، زمینه اشتغال بیش از هزار نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم فراهم می‌شود.» کرمی از آمادگی برای افتتاح فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام با ۹۰ میلیون یورو سرمایه‌گذاری و همچنین پتروشیمی ارغوان گستر با ۷۵۰ میلیارد تومان اعتبار در آینده‌ای نزدیک خبر داد و اظهار کرد: «کارخانه کاغذ سنگی سرابله نیز افتتاح شده و کارخانه فولاد زاگرس ایوان با رفع موانع، آماده راه‌اندازی است.» وی با اشاره به معرفی ۷۱۷ طرح سرمایه‌گذاری به بانک‌ها، این حجم از مصوبات و اقدامات را نویدبخش جهش بی‌سابقه در توسعه همه‌جانبه استان ایلام دانست و افزود: «اجرای بموقع آنها در دستورکار جدی دستگاه‌های اجرایی استان قرار دارد.»

جهش در پروژه‌های زیرساختی ایلام

استاندار ایلام از تخصیص ۱۴۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای تکمیل سامانه گرمسیری و هزینه شدن ۱۴۴۰ میلیارد تومان برای ۴۸ کیلومتر از محورهای اصلی این استان خبر داد و گفت: «تا پایان سال جاری، ۱۸۰۰ میلیارد تومان دیگر نیز به این پروژه عظیم آبرسانی تزریق می‌شود.»
کرمی از پیشرفت فیزیکی ۹۲.۴ درصدی سامانه گرمسیری خبر داد و گفت: «از ابتدای شروع به کار این ابرپروژه تاکنون، ۱۴ هزار میلیارد تومان در آن هزینه شده است. برای تکمیل نهایی این پروژه حیاتی، حدود ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار دیگر نیاز است که خوشبختانه ۱۴۰۰ میلیارد تومان آن از محل سفر ریاست جمهوری تأمین شده و در آبان امسال تخصیص یافته است.»
وی با بیان اینکه پیگیری‌ها برای تأمین باقی‌مانده اعتبار ادامه دارد، اظهار کرد: «۱۸۰۰ میلیارد تومان دیگر نیز تا پایان سال جاری به سامانه گرمسیری تزریق خواهد شد.»
استاندار ایلام به اقدامات انجام‌شده در حوزه راهسازی اشاره و تصریح کرد: «برای ساخت، بازسازی و بهسازی ۴۸ کیلومتر از محورهای اصلی و حیاتی استان، بالغ بر ۱۴۴۰ میلیارد تومان هزینه شده است.»
کرمی، محورهای شاخص بهره‌مند از این اعتبارات را «ایلام-مهران»، «ایلام-حمیل»، «دهلران-اندیمشک» و «دره‌شهر-پلدختر» عنوان کرد و افزود: «همچنین ۸۵۰ میلیارد تومان برای پروژه‌های کلیدی دیگر مانند پل گاومیشان، واریانت کنجانچم و تکمیل جاده چهارخطه ایلام-صالح‌آباد اختصاص یافته است.»
استاندار ایلام با اشاره به پیگیری‌های صورت گرفته برای رفع محرومیت از راه‌های استان، تصریح کرد: «تنها در شش ماهه اول امسال، ۱۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار ملی به این بخش تزریق شده و ۸۷۰ میلیارد تومان از مطالبات سنوات گذشته پیمانکاران نیز پرداخت شد.»
کرمی، از آغاز عملیات اجرایی پروژه چهاربانده کردن محور زرنه به اسلام‌آباد به طول ۶۸ کیلومتر و با اعتبار حدود ۱۸۰۰ میلیارد تومان خبر داد و گفت: «در نیمه اول سال، بیش از ۲۶ کیلومتر از راه‌های استان به چهارخطه تبدیل شده است.»
وی با بیان اینکه پروژه‌های متوقف‌شده‌ای مانند کمربندی ایوان و کمربندی هفت‌چشمه احیا شده‌اند، افزود: «واریانت‌های نصریان دهلران و سنگر نادر هر کدام بیش از ۸۰ درصد پیشرفت دارند و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال به بهره‌برداری برسند.»
استاندار ایلام به حل مشکل راه دسترسی به بیمارستان رازی ایلام با ۶۰ میلیارد تومان اعتبار و اختصاص ۵۰۰ میلیارد تومان برای روشنایی تونل کبیرکوه نیز اشاره کرد.
کرمی، توجه به راه‌های روستایی را یکی از اولویت‌های دولت خواند و گفت: «در سال گذشته، بالغ بر ۵۰ میلیارد تومان برای راه‌های روستایی در مناطق مختلف از جمله چال خشک هلیلان، چوار و گرزلنگر دره‌شهر هزینه شده است.»

عضو اتاق بازرگانی تهران مطرح کرد:

قانون مالیات بر سوداگری بسترساز مقابله با معاملات مکرر و فعالیت‌های مخرب

عضو اتاق بازرگانی تهران گفت: فعالیت‌های مخرب و سوداگرانه که بر اثر معاملات مکرر به وجود می‌آید و به سودهای کوتاه‌مدت کلان ختم می‌شود، اثر منفی بر اقتصاد ملی دارد.
مهراد عباد عضو اتاق بازرگانی تهران و فعال بخش اقتصاد دانش‌بنیان کشور درخصوص لزوم مقابله با فعالیت‌های دلالی و مخرب در کشور، تصریح کرد: بدیهی است که این اقدام‌ها مشکل‌زا هستند و به ایجاد دشواری برای اقتصاد ملی و فعالان اقتصادی قانونمند منجر می‌شوند. به‌منظور حل این مشکلات، اجرای قانون مالیات بر سوداگری می‌تواند کارساز باشد.
وی ادامه داد: باید بین فعالیت‌های بازرگانی و قانونی با اقدام‌های مخرب و سوداگرانه تفاوت قائل شویم. عده‌ای در کشور به فعالیت بازرگانی مشغول هستند و از مبادی قانونی اقدام به واردات می‌کنند و مالیات آن را می‌پردازند. این فعالیت یک کار خدماتی محسوب می‌شود و مشکلی برای اقتصاد ملی ایجاد نمی‌کند.
عباد گفت: وقتی از فعالیت‌های سوداگرانه مالیات اخذ نمی‌شود، در واقع به نفع فعالیت‌های مخرب در کشور عمل می‌شود و زمینه برای رونق آن‌ها به وجود می‌آید. زیرا فعالان اقتصادی که فعالیت شناسنامه دار و قانونی دارند، باید مالیات بپردازند و به همین دلیل از فعالیت‌های مخرب عقب می‌مانند و امکان رقابت برابر برایشان در بازار فراهم نیست.
این عضو اتاق بازرگانی خاطرنشان کرد: فعالیت‌های مخرب و سوداگرانه که بر اثر معاملات مکرر به وجود می‌آید و به سودهای کوتاه‌مدت کلان ختم می‌شود، اثر منفی بر اقتصاد ملی دارد. به همین دلیل، اجرای قانون مالیات بر سوداگری اهمیت دارد و منجر به تقویت فضای مولد به جای سوداگری خواهد شد و در نهایت به تقویت سرمایه‌گذاری در فضای مولد منجر خواهد شد.

سخنگوی سازمان امور مالیاتی کشور خبر داد:

وصول بیش از ۱۲ همت از محل کتمان درآمد / شناسایی بیش از ۷۰۰ مودی مشکوک به پولشویی

سخنگوی سازمان امور مالیاتی کشور از وصول بیش از ۱۲ هزار میلیارد تومان مالیات و جرایم از محل کتمان درآمد موضوع ماده (۱۹۲) قانون مالیات‌های مستقیم در هفت ماهه سال جاری خبر داد.
مهدی موحدی یک‌نظر سخنگوی سازمان امور مالیاتی کشور با بیان اینکه در هفت ماهه نخست سال‌جاری ۵۵۲ مورد بازرسی مالیاتی صورت گرفته است اظهار داشت: در راستای بررسی اسناد و مدارک به دست آمده از بازرسی مالیاتی موضوع ماده (۱۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم، بیش از ۵۵۰۰ برگ تشخیص مالیاتی به مبلغ بیش از ۴۱ هزار میلیارد ریال و ۲۳۰۰ برگ قطعی به مبلغ بیش از ۳۶ هزار میلیارد ریال صادر شده است.
وی با اشاره به مالیات و جرایم وصول شده از محل کتمان درآمد موضوع ماده (۱۹۲) قانون مالیات‌های مستقیم افزود: در هفت ماهه سال‌جاری بیش از ۱۲۲ هزار میلیارد ریال (۱۲ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان) از این بخش مالیات وصول شده است. همچنین در این بازه زمانی، حدود ۳۹۰۰ مودی در فهرست فاقد اعتبار مالیاتی درج و حدود ۴۸۰۰ مودی مشکوک شناسایی شده است. سخنگوی سازمان امور مالیاتی کشور با اشاره به اینکه در بازه زمانی فوق، حدود ۱۲ هزار و ۹۰۰ گزارش مردمی در حوزه فرار مالیاتی دریافت شده است، گفت: در این راستا بیش از سه هزار بازدید میدانی از محل فعالیت اشخاص مشکوک گزارش شده به‌عمل آمده که منجر به شناسایی ۷۸۱ فرد فاقد پرونده مالیاتی شده و ۷۰۳ مورد از گزارش‌ها نیز در مرحله درخواست استعلام تراکنش بانکی قرار گرفته است. موحدی یک‌نظر خاطرنشان کرد: در راستای مبارزه با پول‌شویی و مطابق بررسی گزارش‌های موارد مشکوک، اطلاعات ۷۰۴ مودی در هفت ماهه ابتدایی سال جاری به مرکز اطلاعات مالی ارسال شد.

مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین خبر داد:

تأمین اعتبار پروژه توسعه دانشکده دندانپزشکی استان با مشارکت مودیان

مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین گفت: مبلغ ۴۴ میلیارد تومان از محل اجرای طرح «نشان‌دار کردن مالیات» با مشارکت مؤثر ۱۲۵۴ مودی برای توسعه پروژه دانشکده دندانپزشکی این استان تأمین شد.
سید محمود موسوی صانع مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین اظهار کرد: پروژه توسعه و تکمیل دانشکده دندانپزشکی این استان با مشارکت ۱۲۵۴ مودی و از محل اجرای طرح «نشان‌دار کردن مالیات»، تأمین اعتبار شده است. وی با اشاره به اهمیت اجرای این طرح اظهار کرد: در قالب طرح نشان‌دار کردن مالیات، مبلغ ۴۴۶ میلیارد ریال از درآمدهای مالیاتی به‌طور شفاف و هدفمند برای تکمیل این پروژه آموزشی و درمانی اختصاص یافته است.
مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین با اشاره به استقبال مودیان از طرح نشان‌دار کردن مالیات خاطرنشان کرد: مشارکت مودیان مالیاتی در طرح‌های حوزه سلامت و رفاه اجتماعی نشان‌دهنده اعتماد و آگاهی جامعه نسبت به نقش مؤثر مالیات در توسعه زیرساخت‌های حیاتی استان است.
موسوی صانع گفت: اجرای طرح نشان‌دار کردن مالیات این امکان را فراهم کرده است که مردم شاهد اثر مستقیم پرداخت‌های خود در بهبود خدمات عمومی باشند. مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین در پایان گفت: تخصیص شفاف منابع مالیاتی به پروژه‌های مهمی همچون توسعه دانشکده دندانپزشکی، نه‌تنها موجب ارتقای خدمات آموزشی و درمانی می‌شود، بلکه سرمایه اجتماعی نظام مالیاتی را نیز تقویت می‌کند.

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان بوشهر:

عدم رد اعتبار مالیاتی فاکتور خرید مالیات بر ارزش‌افزوده با صدور صورتحساب الکترونیکی محقق می‌شود

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان بوشهر گفت: مهمترین مزیت صورتحساب الکترونیک، عدم رد اعتبار مالیاتی فاکتور خرید مالیات بر ارزش افزوده است که توانسته از فاکتورسازی‌های جعلی جلوگیری کند.
خورشید گزدرازی رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان بوشهر و نایب‌رئیس اتاق مشترک ایران و قطر با اشاره به این موضوع که روندهای اصلاح نظام مالیاتی کشور و هوشمندسازی امور به سمت و سوی خوبی در حال حرکت؛ اظهار کرد: در سازوکارهای قبلی مالیات‌ستانی در کشور مشکلاتی وجود داشت اما اکنون روندهای نوین و هوشمند مالیات‌ستانی این مشکلات را حل کرده است.
وی خاطرنشان کرد: روش‌های هوشمند مالیات‌ستانی و استفاده از سازوکار صورتحساب الکترونیک موجب شده است که همه چیز در چارچوب سیستم و سامانه پیش برود و احساس رضایت بیشتری در مودی نسبت به روندهای مالیات‌ستانی در کشور به وجود بیاید.
نایب‌رئیس اتاق مشترک ایران و قطر گفت: مهمترین مزیت صورتحساب الکترونیک، عدم رد اعتبار مالیاتی فاکتور خرید مالیات بر ارزش افزوده است که توانسته از فاکتورسازی‌های جعلی جلوگیری کند. گزدرازی در پایان خاطرنشان کرد: اعتبارسنجی شرکت‌ها به‌منظور تعیین سقف برای صدور فاکتور و جلوگیری از فاکتورسازی با استقرار صورتحساب الکترونیک ممکن شده این امر در راستای ایجاد انضباط در روندهای مالی کشور است.

وقتی بلاگرها با محتواهای ساختگی استانداردهای زیبایی، موفقیت و هویت را دگرگون می کنند

زندگی لاکچریم آرزوست!

گزارش

کیمیا آقابگلو
گروه گزارش

هر روز صدها تصویر از چهره‌های بی‌نقص، خانه‌های نورگیر، سفرهای لوکس و لبخندهای همیشه راضی روی صفحه گوشی نوجوانان ظاهر می‌شود؛ تصاویری که نه بوی خستگی می‌دهند، نه ردی از اضطراب و شکست در آن دیده می‌شود. کافی است انگشت را کمی روی صفحه به سمت بالا بکشند تا وارد دنیایی شوند که در آن هیچ ظرفی نشسته نمی‌ماند، هیچ صورتی جوش نمی‌زند و هیچ نگرانی مالی در قاب دوربین دیده نمی‌شود. دنیایی که بلاگرها آن را لحظه به لحظه و با لبخندی دائمی می‌سازند تا زندگی‌شان شبیه روایت‌های پرزرق و برق فیلم‌ها به نظر برسد. اما آن طرف، نوجوانی نشسته و در اتاق نیمه‌تاریکش مشغول مقایسه است؛ مقایسه سرسختانه و بی‌وقفه زندگی عادی خود با زندگی «ایده‌آلی» که در شبکه‌های اجتماعی به او عرضه می‌شود. در این جنگ نابرابر، او نه خانه چندصدمتری دارد، نه ساعت‌های برند و نه سفرهای خارجی. همین فاصله میان واقعیت و تصویر، شکافی در ذهنش ایجاد می‌کند؛ شکافی که هرروز عمیق‌تر می‌شود و ارزش خودش را زیر سؤال می‌برد. نسل امروز که اولین نسل کاملاً دیجیتال تاریخ است، بخش بزرگی از زمان بیداری خود را در فضای مجازی می‌گذراند؛ جایی که موفقیت بدون تلاش، زیبایی بدون نقص و شادمانی بدون توقف به هنجار تبدیل شده است. تماشای بی‌پایان این تصاویر، سطح تحمل و تاب‌آوری روانی آنان را پایین می‌آورد و ذهنشان را به دریافت پاداش‌های سریع و بی‌زحمت عادت می‌دهد. در چنین فضایی، نوجوانان به جای تجربه واقعی زندگی، در حال تعقیب زندگی ساخته‌شده دیگران هستند؛ زندگی که بیشتر نمایشی‌اند تا واقعی. «روان ریتی» پدیده‌ای روانی متأثر از مشاهده محتوای بلاگرهاست. حالتی ترکیبی از فرسودگی هیجانی، پوچی و بی‌معنایی است. زینب غدیری دکترای روانشناسی تربیتی درباره عوامل اصلی شکل‌گیری این پدیده در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «پر کردن خلأ درونی با محتوای سطحی شبکه‌های اجتماعی یکی از عوامل روان ریتی است؛ زمانی که فرد به جای مواجهه با پرسش‌های عمیق زندگی معنا، هدف، آینده به مصرف مداوم محتواهای زودگذر رو می‌آورد. این محتواها مانند فست‌فود روانی عمل می‌کنند: در لحظه سرگرم‌کننده‌اند اما نه مغذی هستند و نه رشددهنده؛ بلکه به مرور آسیب‌زا می‌شوند. یکی از پیامدهای این وضعیت نوعی ازخودبیگانگی است. یعنی فرد آنچنان در نقش‌آفرینی و تقلید از الگوهای بیرونی غرق می‌شود که ارتباطش را با احساسات، ارزش‌ها و علایق واقعی خود از دست می‌دهد. این فرآیند به «اشباع تحریکی» منجر می‌شود. جایی که مغز تحت فشار حجم بالایی از محرک‌های شدید و مصنوعی قرار می‌گیرد و دیگر توان لذت‌بردن از سادگی‌ها و زیبایی‌های زندگی روزمره را ندارد. در بلندمدت، این روند به بی‌حسی عاطفی می‌رسد؛ حالتی که فرد نه شادی عمیق را تجربه می‌کند و نه اندوه واقعی را بلکه در نوعی زندگیِ خاکستری و بی‌طعم گرفتار می‌شود.»

> وقتی نوجوانان می‌بینند فردی که در ظاهر زیبا، ثروتمند و موفق است همچنان پریشان و مضطرب است، ممکن است دچار نوعی عادی‌سازی رنج شوند و مشکلات روانی خود را امری طبیعی و غیرقابل درمان تصور کنند

پیامد پنهان زندگی نمایشی

سنین نوجوانی مرحله حساسی در شکل گیری هویت است. مواجهه مداوم محتواهای زندگی نمایشی و تحریف واقعیت از سوی فضای مجازی پذیرشی را در ذهن نوجوانان ایجاد می‌کند که به عنوان زندگی ایده‌آل و نرمال تلقی می‌شود. غدیری در این باره می‌گوید: «این فرآیند باعث ایجاد فاصله ادراکی میان زندگی خود و آنچه در فضای مجازی می‌بیند، می‌شود. هرچه این فاصله بیشتر شود، سطح سلامت روان متناسب با شخصیت فرد کاهش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی نوجوان به جای کشف هویت اصیل خود شروع به ساختن تصویری می‌کند که بر اساس معیارهای بیرونی (ثروت، ظاهر، لوازم لوکس) تعریف می‌شود. معیارهایی که نه قابل دسترس هستند و نه با ذهن نوجوانان سازگاری دارند. این خودآرمانی دست‌نیافتنی، منبع دائمی احساس شکست و ناکافی بودن است که نوجوان را وارد چرخه‌ای از نارضایتی می‌کند که درنهایت به خودآگاهی کاذب تبدیل می‌شود.» یکی دیگر از پیامدهای این چرخه کاهش تاب‌آوری است. بلاگرها زندگی خود را عاری از مشکلات روزمره (مثل درس خواندن، مشاجرات خانوادگی یا محدودیت مالی) به مخاطب نشان می‌دهند. این روانشناس معتقد است: «مغز نوجوان با دیدن هر فیلم کوتاه و جذاب یک پاداش فوری و سطحی (دوز دوپامین) دریافت می‌کند. این روند او را به مصرف بیشتر عادت می‌دهد و از لذت‌های عمیق‌تر و مبتنی بر تلاش (مانند یادگیری یک مهارت جدید) بازمی‌دارد. در حالی که زندگی به صبر و تاب‌آوری همراه با حکمت و بینش نیاز دارد. درنهایت از لحاظ تشکیل شبکه عصبی برای نوجوان، فرصت رشد و تغییر پایدار ایجاد نمی‌شود.» غدیری برای مقابله با این روند راهکاری ارائه می‌دهد: «می‌توانیم با برگزاری اردوهای ویژه و عدم دسترسی شرکت کنندگان به موبایل و فضای مجازی، چند هفته‌ای را با هدف آموزش مهارت‌های مورد نیاز برای رسیدن به ذهنی سالم در برابر این دنیای دیجیتال درکنار هم بگذرانیم.»

مقایسه اجتماعی؛ از قبیله کوچک تا رقابت جهانی

مغز انسان برای دوام آوردن در گروه‌های اجتماعی قدیم مجبور به مقایسه بوده است. طبق نظریه «مقایسه اجتماعی» لئون فستینگر، انسان‌ها همیشه خود را با اعضای همان گروه کوچک یا «قبیله» می‌سنجیدند تا جایگاه و ارزش‌شان را بفهمند. اما در دنیای امروز این حلقه محدود با گسترش شبکه‌های اجتماعی به یک رقابت جهانی بی‌پایان تبدیل شده است. غدیری در این باره می‌گوید: «شبکه‌های اجتماعی مرزهای مقایسه را شکسته‌اند. ما دیگر فقط خود را با اطرافیان‌مان نمی‌سنجیم، بلکه با میلیون‌ها نفر که تصویر بهترین لحظه‌های زندگی‌شان را منتشر می‌کنند، می‌سنجیم. همین مسأله زمینه‌ساز اضطراب، حس ناکافی بودن و افت عزت‌نفس می‌شود.» یکی از عوامل مهم، حذف «زمینه» در تولید محتوای بلاگرهاست؛ آنها تنها نتیجه نهایی موفقیت، زیبایی و رفاه را نشان می‌دهند و خبری از شکست‌ها، تلاش‌ها و دشواری‌ها نیست. این «دستکاری زمینه» باعث می‌شود نوجوان یا جوان خودِ کامل دیگران را با خودِ ناقص خودش مقایسه کند. الگوریتم‌ها نیز با تقویت همین محتواها چرخه مقایسه را شدیدتر می‌کنند و این فرایند به‌تدریج بر سبک زندگی و سلامت روان اثر منفی می‌گذارد. نتیجه آن می‌تواند افسردگی پنهان، اضطراب اجتماعی و فرسایش آرام عزت‌نفس باشد؛ احساسی از ناکافی بودن که بسیاری از افراد حتی جرأت بیانش را هم ندارند. غدیری دلیل بروز این رفتار جمعی را کمال‌گرایی بیمارگونه می‌داند. بعضی از افراد برای حضور در اجتماع تحت فشار قرار می‌گیرند و نیازمندی شدید او برای دیده شدن منجر به ساخت خود نمایشی می‌شود. به همین دلیل موج عظیمی از اضطراب و کاهش مهارت‌های اجتماعی به ذهن آنها هجوم می‌آورد. درنهایت فرصتی برای تمرین مهارت‌های ارتباطی اصیل و پذیرش نقص‌های خود و دیگران باقی نمی‌ماند. او دراین باره توضیح می‌دهد: «بعضی از بلاگرها با نمایش بخشی از زندگی تجملاتی خود خواستار آن هستند که در نظر مخاطبین جزو قشر مرفه اجتماع قرار گیرند. تقلید کورکورانه بعضی از کاربران از بلاگرها باعث می‌شود تا فرد با خرید محصولی گران قیمت برای لحظه‌ای احساس کند جزوی از این گروه است و به نوعی با اعضای دیگر جامعه تفاوتی ندارد. به همین دلیل فرد با توهم و حس خوبی که از تقلید بلاگرها به دست می‌آورد با هر توان مالی سعی بر تداوم پیروی از آنها را دارد. در نتیجه مرز بین شخصیت‌های غیرواقعی با مردم عادی در پی این توهم از بین می‌رود.»

سواد رسانه‌ای باید جدی گرفته شود

برش

غدیری معتقد است برای کاهش آسیب‌های گفته شده در سنین نوجوانی باید آموزش سواد رسانه‌ای به آنها داده شود. او با اشاره به ماهیت تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی می‌گوید: «بخش زیادی از آنچه کاربران، به‌ویژه نوجوانان، مشاهده می‌کنند واقعیت زندگی افراد نیست؛ بلکه نتیجه ساعت‌ها برنامه‌ریزی، تدوین و یک روایت از پیش طراحی‌شده است. این محتواها در اصل یک محصول تجاری هستند و بازتاب درستی از زندگی واقعی نیستند. استفاده ناآگاهانه از این فضا، به‌ویژه برای نوجوانانی که هنوز در مرحله شکل‌گیری هویت هستند، می‌تواند اثرات مخربی داشته باشد. به همین دلیل، کاهش مصرف دیجیتال به‌صورت هدفمند مثل تعیین محدودیت زمانی، خاموش کردن اعلان‌ها و حذف برخی اپلیکیشن‌ها از صفحه اصلی یکی از راهکارهای مؤثر برای کاهش فشار روانی این فضاست.» غدیری به نقش اینفلوئنسرها اشاره می‌کند: «وقتی نوجوانان می‌بینند فردی که در ظاهر زیبا، ثروتمند و موفق است همچنان پریشان و مضطرب است، ممکن است دچار نوعی عادی‌سازی رنج شوند و مشکلات روانی خود را امری طبیعی و غیرقابل درمان تصور کنند.» به گفته او، اینفلوئنسرها ناخواسته هیجان‌های منفی خود مانند اضطراب، کمال‌گرایی بیمارگونه و پوچی عاطفی را به مخاطبان منتقل می‌کنند. بخش دیگری از آسیب از طریق الگوبرداری ناسالم ایجاد می‌شود. چرا که برخی از تولیدکنندگان محتوا برای فرار از مشکلات شخصی خود به رفتارهایی مثل مادی‌گرایی افراطی یا خودشیفتگی پناه می‌برند و نوجوانان این رفتارها را به‌عنوان «راه‌حل» تقلید می‌کنند. این وضعیت نوجوان را درگیر تضاد شناختی می‌کند؛ جایی که او با دیدن زندگی ظاهراً کامل اما ناآرام اینفلوئنسرها، با خود می‌پرسد: «پس موفقیت واقعی چیست؟» این سردرگمی می‌تواند زمینه‌ساز احساس پوچی، بی‌هدفی و کاهش سلامت روان شود.

جدول سودوکو ۴۸۹۸

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

	۵					۸	۴	۹
		۹	۵	۸		۱	۷	۶
	۸		۱				۵	
				۵	۷	۹		
			۳		۶			
		۵	۴	۲				
	۳				۸		۶	
۵	۴	۸		۶	۱	۲		
۲	۶	۱					۸	

متوسط

	۵	۴			۹			۸
۱			۸		۷	۴		۳
					۵		۹	
	۲	۱			۶			
۹		۷				۱		۶
			۴			۸	۲	
	۱		۷					
۶		۳	۲		۴			۱
۴			۶			۹	۸	

سخت

۸					۱	۹		
۱		۶				۴		۳
		۴	۷	۹				
	۱					۳		
۴				۷				۶
		۳					۸	
				۲	۸	۵		
۵		۲				۶		۱
		۱	۴					۸

خیلی سخت

۷	۲		۵	۳		۱		
۶					۷	۳	۲	
۹						۴		
۳			۹		۴			۸
		۵						۷
	۸	۱	۴					۹
		۷		۵	۶		۴	۱

حل جدول سودوکو شماره ۴۸۹۸

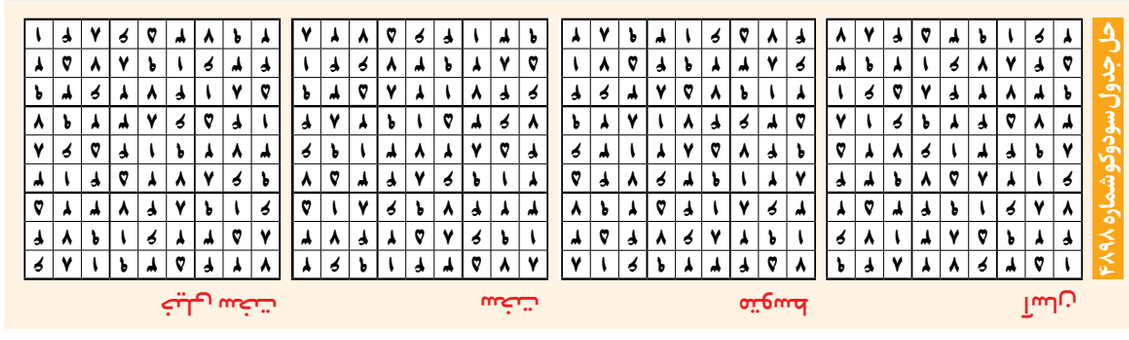

یک جدول با دو شرح ۸۸۹۶

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱- جا زدن و عدم تحمل - رازقی
۲- بانگ حاکی از تشویق کسی - فضای غشایی بین استخوان‌های جمجمه نوزاد - رفیق و ندیم
۳- مهمانی برای جشن عروسی یا سفر مکه - نشانی خانه - مار خطرناک
۴- بی چشم و رو - همان «بس» است - بوستان، تفرجگاه - عضو تپنده
۵- انبار ته کشتی - پر شدن - رَوادید
۶- یک دل و یک زبان - از علائم بیماری - بله روسی
۷- ملایمت و انعطاف - پاپوش راحتی - شهر استان مازندران
۸- آشکار - معشوقه «رامین» - آماده و مهیا کردن
۹- اشاره قریب - چراغی پر لامپ - کرم حلقوی خونخوار
۱۰- علامت مصدر جعلی - دختر گشتاسب - بلندآوازه
۱۱- برآمده از دل خاک - مؤسسه نیکوکاری - بدن
۱۲- دیوار - بازی شوتر آنلاین - دمای غیرعادی بدن - بزرگ شدن
۱۳- علم و فرهنگ - راه رفتن کودک نوپا - مایه نشاط و خرمی دل
۱۴- مرکز تولید انجیر ترکیه - فانتزی - این هورمون در تنظیم فشار خون بدن نقش دارد
۱۵- بینوا - فرهنگنامه‌ای در تاریخ، جغرافی، هندسه، نجوم، تعرفه حال شاعران، ادبیات و... از حاج زین‌العابدین شیروانی

عمودی:

۱- نقاشی ایرانی - ستیزه کردن
۲- دارای ترتیب یا جایگاه نخست - دیدن - مخترع هواپیما
۳- منجمد کردن - سمت راست - صدمه و رنج
۴- ایستگاه پیک‌ها - دستور قطعی - فریاد نزدیک - سرازیری
۵- خالق «ایلیاد» - اصطلاحی در بازی شطرنج - پوز
۶- پایتخت «ایتالیا» - مرکز فرماندهی - عالم الهی
۷- کلمه شرط - بازیکن سپاهان - خواب کودکانه
۸- تندرو - شیخ، کهنسال - بی‌بی
۹- روان کردن - دوره‌ای تاریخی - مقیاس
۱۰- بزرگی و سرپرستی - چپاول - بیماری جگرسوز
۱۱- آخر - چگونگی یک چیز - شهر سفال و کاشی در استان یزد
۱۲- جزء یک فیلم - احسنت - کاغذ نوشته شده - زبان و گویشی در کشورمان
۱۳- جمع رفیق - مقابل «لیل» - سومین خودروی ملی
۱۴- کلمه‌ای که انجام فعل به آن نسبت داده می‌شود - فیلم «اسپیلبرگ» - شرح دادن
۱۵- شعله و زبانه آتش - با رغبت و مشتاقانه

جدول ویژه

افقی:

۱- فیلم «جیسون رایتمن» - همان «گپ» است
۲- استاندارد جهانی - گوشه مثلثی دامن - روساخت
۳- کشوری در جنوب شرقی آسیا - جامعه انسانی - معصومیت و پاکی
۴- شرخ‌نای - روستای کوچکی در «امارات» - مقاصد - همراه رفت!
۵- ناصافی صدا - مرض خارش‌دار التهابی پوست - زیبایی
۶- خیمه - شهر استان مرکزی - آش
۷- خشک - شهربندری «عربستان» - حشره آفت مزارع
۸- افزودنی به غذا - تباهی - هماهنگ
۹- سرپرستار - کودک - نام دیگر پرنده «کشکرک»
۱۰- مخفف «هست» - کادو - کم‌طاقت
۱۱- سؤال - قطعه‌ای در خودرو و دیگر وسائط نقلیه - عدد ورزشی
۱۲- توسری خور چکش - اهل هند - دوباره‌کاری - آشپزخانه مدرن
۱۳- نویسنده - یکتا و یگانه - ستون پنجم
۱۴- پندارها - همراه «قافیه» - فراز
۱۵- آخرین یک رقمی - کتاب «اورسولا لوگوبین» در ژانر علمی‌تخیلی

عمودی:

۱- اثر «هوارد فاست» - جا
۲- پسر کَی قُباد - نشانی خانه یا مانند آن - بیهوده
۳- ابدی - پوسته گندم یا برنج - جاافتاده و وزین
۴- زمان طلوع آفتاب - کفش چرمی - آقای آلمانی - از عناصر اربعه
۵- ورزش تسلط بر امواج ذهن - علم اشکال - خودم
۶- ضمیر متصل - شرکت خودروساز ژاپنی - الهه هندی
۷- حجمی به شکل مثلث - خوراک فلسطینی بر پایه برنج و بادمجان - ثروتمند
۸- خبرگزاری کشورمان - زنگ گردن چهارپا - شاعر قرن هشتم
۹- کیک معروف! - وسیله ای در اتاق عمل - صومعه
۱۰- پیشامد - در زمستان می سوزانند - نویسنده ایتالیایی
۱۱- کار آدم حراف - کل - پسر فریدون
۱۲- ماهی عرب - آسیب - بیماری تتانس - نیاکان
۱۳- خواربارفروش - قانع شده - ضد «سخت»
۱۴- غله ممنوعه - رسیدن به سن رشد - الهه نور
۱۵- گندیده - اثر «مارگارت اتوود»

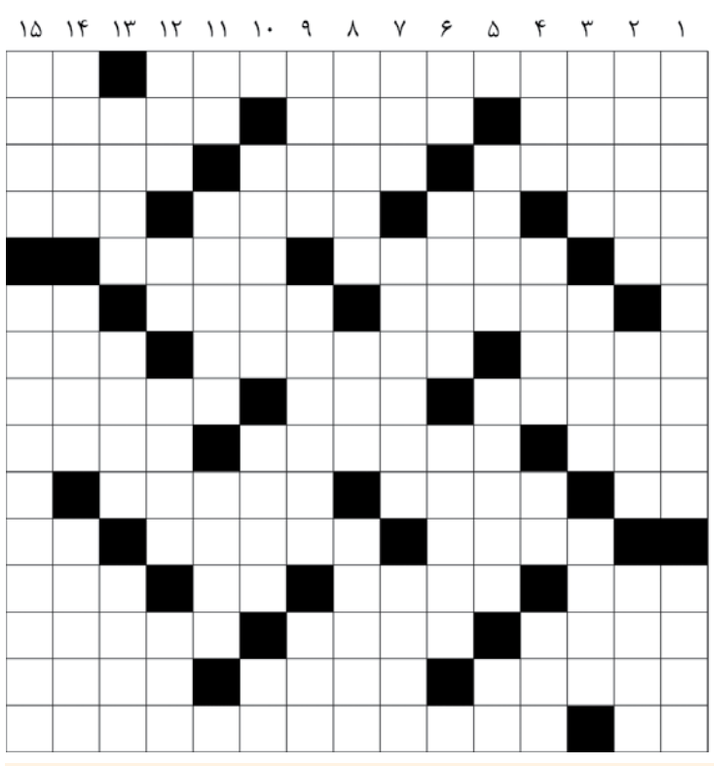

حل جدول عادی شماره ۸۸۹۵

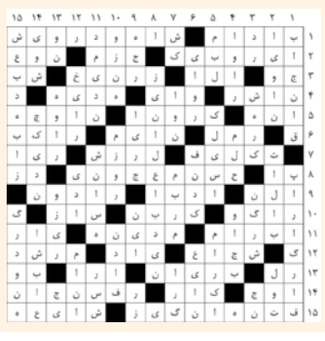

حل جدول ویژه شماره ۸۸۹۵

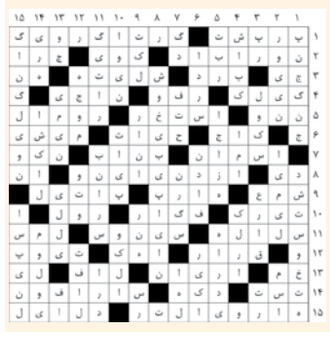

گزارش «ایران» از زنان هنرمندی که برای سه استان کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان «تنور» می‌سازند

زندگی بدون «جواز کسب»

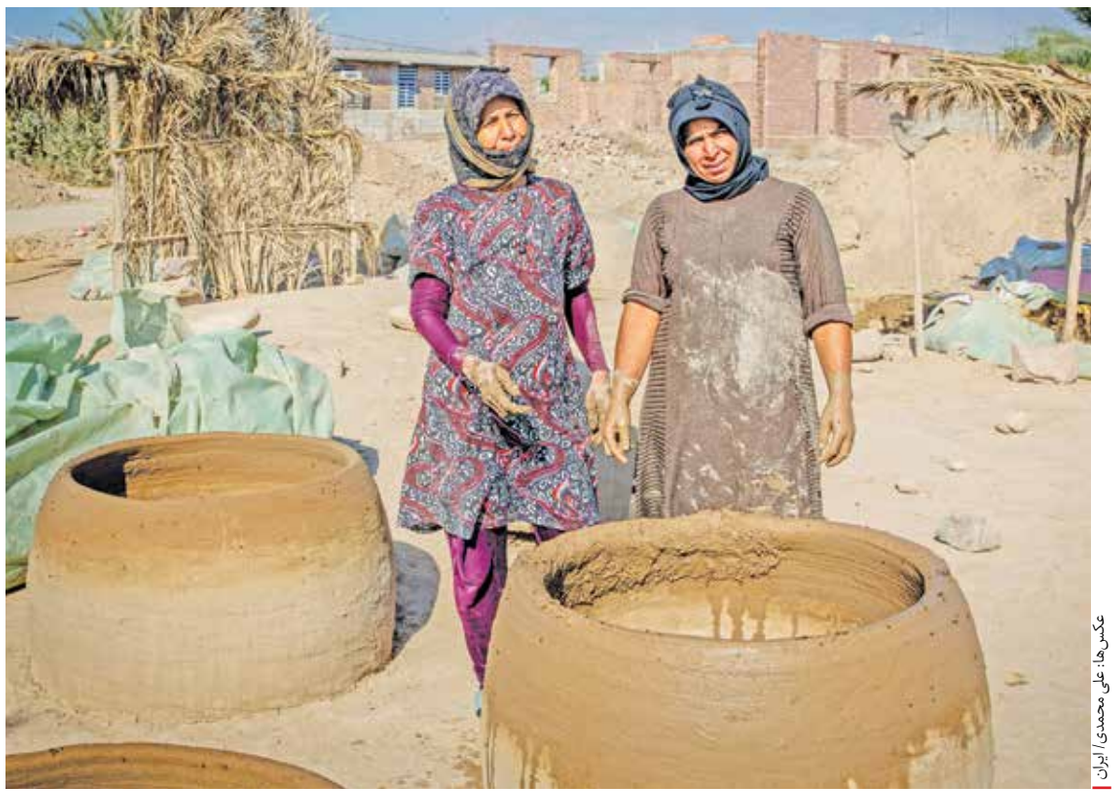

عکس‌ها: علی محمدی/ ایران

گزارش

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست‌بوم

بیست زن در جنوب کرمان، در «شهرک آزادگان» عنبرآباد، جور دیگری مادرند. طور دیگر خواهرند. شکل دیگری همسرند؛ طوری که نمی‌توانند روی هیچ‌کس حساب کنند و همه می‌توانند روی آنها حساب کنند. خودشان مرد خودشان‌اند و زن خودشان؛ جوری که چرخ زندگی خانواده روی دست‌های تا آرنج در گِلِ آنها می‌چرخد. زنانی که هر روز، از دمِ صبح تا دمِ غروب، وقت اذان، پای «تنور» هستند تا نانی را به خانه ببرند. این کار هر روز و هر هفته و هر ماه و هر سال آنهاست؛ نه یک سال، نه ده سال، که برخی از آنها، سی‌ویک سال است با کمرهای تا شده از زحمت زندگی دایره‌وار می‌چرخند، گِل وَرز می‌دهند و تنور می‌سازند.

زنانی که با مچ‌های سابیده از چنگ زدن به آب‌وخاک و کاه، و زانوان آب‌آورده، به «جنگِ نداری» رفته‌اند؛ اما نانی که از تنورپزی درمی‌آورند همچنان «گِلی» است. زنانی که نان‌های محلی کرمان تا هرمزگان، و میناب و رودان هرمزگان تا شهرهای جنوب سیستان‌وبلوچستان، آنجا که به ایرانشهر و دلگان می‌رسد، از تنورهای آنها داغ است.

داستان این گزارش از تنورهای بزرگ و کوچک پخش‌شده در کنار جاده‌ای شروع می‌شود که از «عنبرآباد» می‌گذرد، به جیرفت و کهنوج می‌رود و سپس به بندرعباس می‌رسد.

آنجا که «سیمین زارع» با آن جسم نحیف و لاغرش، زیر سایبانی از شاخ‌وبرگ درخت خرما، به قول خودش توی گِل پنجه می‌زند تا آن‌قدر خاک رُس را وَرز بدهد که آماده ساختن تنور شود. بعد، زینب ساردویی کمر خم می‌کند، گل را برمی‌دارد و روی یکی از تنورهای نیمه‌تمام می‌گذارد و با دست‌هایش آن‌قدر صافش می‌کند تا تنور یک‌دست شود. سپس کار را چند ساعتی می‌سپارند به آفتاب داغ عنبرآباد در میانه پاییز؛ فصلی که، گرمای آن برای کار آنها کم‌رمق است. آن‌قدر این کار را ادامه می‌دهند تا اندازه یک تنور شود؛ تنوری که می‌تواند به اندازه پخت پنج نان باشد یا بیست‌وپنج نان از آن در بیاید.

دست رد به سینه رسانه

پیش از آن‌که «زینب ساردویی» و «سیمین زارع» قبول کنند با روزنامه ایران گفت‌وگو کنند، شانس‌مان را با دو خواهر تنورساز امتحان می‌کنیم. یکی از آنها در حال فروختن تنوری به زنی است که آمده تا دو تنور هفت‌نانی بخرد. قیمت تنورها بین یک‌میلیون‌وصد تا یک‌میلیون‌ودویست هزار تومان است، اما چون زن تصمیم می‌گیرد دو تنور بخرد، صد هزار تومان به او تخفیف می‌دهند. همین تخفیف زن را تشویق می‌کند تا تعداد تنورها را به سه عدد برساند.

یکی از خواهران تنورساز یادآوری می‌کند که یا باید دو تنور بخرد یا چهار تنور؛ چون حمل سه تنور، تعادل را از بین می‌برد و وانت آبی را چپ می‌کند. زن خریدار می‌گوید: «چهار تا می‌خواهم.» بعد چانه می‌زند تا تنورها را ارزان‌تر بخرد. از حرف‌های ردوبدل‌شده پیدا بود که زن آمده تا تنورها را بخرد و در روستایی یا شهری در اطراف بفروشد.

دو خواهر تنورساز وسط این چانه‌زدن‌ها از دوربین و خبرنگار فاصله می‌گیرند. تا اینکه یکی از خواهرهای ترکه‌ای و لاغراندام، با خنده می‌گوید: «اگر کمک کنید تنورها را بار بزنیم، گفت‌وگو می‌کنیم.» بعد هم مرا کنار می‌زند و می‌گوید: «این کار تو نیست، مردها کمک کنند.» مردهای تیم ما به وعده‌شان عمل می‌کنند، اما کسانی که پیش‌تر آمده بودند و وعده‌های نشد داده بودند، کار را خراب کرده‌اند.

پیش از ما، رسانه‌ای محلی روزگارشان را زیر تیغ تیز آفتاب عنبرآباد ثبت کرده بود و پای فرماندار را هم به کارگاه آنها کنار این جاده مواصلاتی، کشانده بود، اما قول و قراری که گذاشته شد، نه نسخه‌ای برای درمان رنج ناداری‌شان است و نه باری از دوششان برمی‌دارد. فرماندار - که یکی از زن‌ها فکر می‌کند از تهران آمده بود - قول داده بود به هرکدام هفتاد میلیون تومان وام بدهد. اما وقتی شرط و شروط بانک برای وام دادن را بازگو می‌کنند، لبخند تلخی روی چهره زنان می‌نشیند و تا چینِ اطراف چشم‌هایشان می‌دود. حق هم دارند؛ سر و شکل زندگی‌شان چه شباهتی دارد به چک و سفته و ضامن و جواز کسب؟ محل کارشان زمین خداست و سقفشان آسمان داغ عنبرآباد.

در همین‌جاست که دو خواهر لاغراندام، بی‌خاصیتی رسانه را حواله‌مان می‌کنند و حاضر به گفت‌وگو نمی‌شوند، اما زینب ساردویی و سیمین زارع دست رد به سینه ما نمی‌زنند. تنها پیش‌شرط آنها این است که صدای آنان واقعاً به گوش مسئولان برسد. امیدوارند که این‌بار رسانه طلسم را بشکند و کسی صدای زن‌هایی را بشنود که زنانگی‌شان را هر صبح در خاک و کاه و آب قاطی‌شده لگدمال می‌کنند؛ زنانی که پس از لگدکوب کردن گِل، رویاهایشان را لابه‌لای خاک و گِل، با دست‌هایی که مچ‌هایشان سال‌هاست سابیده شده، وَرز می‌دهند و خاک می‌کنند تا زندگی به کام خانواده‌هایشان بچرخد. سپس با گِلِ پنجه‌خورده دایره‌ای روی زمین شکل می‌دهند و رج به رج آن را بالا می‌آورند تا یک تنور شود؛ تنوری که جلوی آفتاب سفت و سخت می‌شود به سختی و سرسختی زنان آزادگان.

تنورها را کنار جاده جیرفت، کهنوج، بندرعباس - جاده‌ای که تا آخرین نقطه‌های ایران در کنار خلیج همیشه‌فارس می‌رسد - می‌گذارند و چشم‌به‌راه خریدار می‌مانند. سختی کار را باید از زبان خود زینب ساردویی شنید.

زینب بیست‌وشش -هفت سال است که کارش همین است. گِل لگد کند. پنجه به گِل بزند و آنقدر با کمری خم گِل‌ها را دایره‌وار روی هم بچیند تا یک تنور شود و آن وقت است که یادش می‌آید از دست و پا افتاده و کمر برایش نمانده است.

خودش می‌گوید: «از وقتی که تنور دو هزار تومان بود تا حالا که رسیده است به یک تا دو میلیون تومان، دارم تنور می‌سازم.» بعد هم با دستی تا مچ توی گِل رُس رفته و خشک شده، تمام زنان تنورساز را نشان می‌دهد و می‌گوید: «همه اینها ساییدگی مچ دست دارند. از پادرد و کمردرد رنج می‌برند.»

> توی سی‌سالی که کار این زنان تنورسازی است، تا به امروز هیچ مسئولی مرتبط با صنایع دستی یا وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را ندیده اند که به داد دل آنها برسد. تاریخ این نادیده گرفتن را هم خوب به یاد دارند؛ از وقتی که تنور دو هزار تومان بود تا همین حالا

آنها خودشان هم نمی‌دانند

زنان شهرک آزادگان هم نمی‌دانند که هنرمندند. زنان و مردان زیادی چون آنها بارها جلوی دوربین ایستاده و تشویق شده‌اند. زینب در پاسخ به این سؤال که «چرا تنورساز شدی؟» دست‌هایش را باز می‌کند که یعنی چه کار دیگری می‌توانم انجام بدهم و می‌گوید: «بچه نان می‌خواهد. من هم زنم، هم مرد و هم نان‌آور خانواده. پنج بچه دارم که هر پنج تا مدرسه می‌روند. چند روز باید جان بکنم تا یک مشتری پیدا شود و تنوری بخرد تا پولش را به زخم زندگی بزنم.»

آنها در تعریف رسمی هنرمندان «صنایع دستی» جا می‌گیرند، اما نامی در میان اعداد و ارقام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ندارند. در هیچ لیست بیمه‌ای نیستند. هیچ نشان و درجه‌ای به آنها داده نشده است و هیچ کس برای آنها کف نزده است.

زیر تیغ داغ آفتاب

زنان شهرک آزادگان، جور دیگری هم هنرمندند؛ نه فقط چون از گِلِ رس، تنوری را با سرانگشتانشان می‌سازند که هیچ ایرادی نمی‌توان از آن گرفت، نه چون دست‌هایشان شاقول است برای ساختن تنور ترازی که از پنج نان تا بیست‌وپنج نان گرم و داغ از آن بیرون می‌آید. نه چون آن‌طور که زینب می‌گوید: «دقیق بخواهی حساب کنی، کار ما مثل کار استاد و بنا است. دیده‌ای چطور کار را تراز می‌کنند؟ این هم همان‌طور است.» چرایی و چگونگی‌اش را خود زینب می‌گوید. آنها زیر آفتاب داغ، جان می‌کنند تا زندگی اطرافیان و خانواده‌هایش را در میان نداری و بیکاری «تراز» کنند. مگر نه که «تراز کردن زندگی» استادی می‌خواهد؟ آن هم زیر آفتابی که ما در همین پاییز هم تاب آن را نمی‌آوریم و دنبال سایه‌ای می‌گردیم تا گزارش را زیر آن تهیه کنیم.

آفتاب پاییزی وسط ظهر اما، به ناداری آنها نمی‌رسد. آفتاب سوزان و خرماپزان تابستان، بیشتر به کارشان می‌آید. گِل‌ها و رج گِل‌ها در خرماپزان زودتر خشک می‌شوند و به‌گفته زینب، آنها در سه تا چهار روز یک تنور را آماده فروش می‌کنند. ولی تیغ‌های تیز آفتاب پاییز - که مثل سوزن داغ به تن ما می‌نشیند - کار را برایشان طولانی می‌کند. در پاییز پانزده روز زمان می‌برد تا روزی دو رج گِل را روی هم بگذارند، با مچ‌های ساییده صافش کنند، بعد چشم‌ها را ریز کنند و زل بزنند به آفتاب تا داغ شود و دوباره رج بعدی را بگذارند.

تابستان اما زود همه‌چیز را خشک می‌کند: دست‌هایشان را، پوست آفتاب‌خورده‌شان را، صورت‌های مهربانشان را که زیر روسری پنهان کرده‌اند تا آفتاب کمتر بسوزاندشان. و در نهایت، تنورهایی را که زودتر آماده فروش می‌شوند.

هنرمند از نوعی دیگر

اما هنر آنها همین ساخت «تنور رُسی» که بر صدر نمی‌نشیند و قدر نمی‌بیند، نیست. هنر آنها اداره زندگی‌ای است که بیشتر مردها در آن نامرئی‌اند. انگاری دود شده باشند. مردها در شهرک آزادگان، هیچ سهمی در این ساختن و پختن تنورها ندارند. به گفته یکی از مردان خریدار تنورها، پای مردان وقتی به ماجرا باز می‌شود که آمده باشند دستپخت زن‌ها را بخرند و بار بزنند یا برایشان خاک رُس آورده باشند. هر کمپرسی خاک رُس، بین سه تا پنج میلیون تومان هزینه می‌برد.

در حرف‌های زینب نیز، شوهرهایشان یا آن‌طور که او می‌گوید، «آقاش» کار ندارد. آقایش مثل بیشتر مردهای شهرک کارگر است که یک روز کار دارد و ده روز بیکار است.

کسی ما را ضمانت نمی‌کند

وسط حرف‌ها، سیمین زارع یادش می‌اندازد که درباره وام هفتاد میلیونی حرف بزند و خودش هم می‌گوید که نه جواز کسب دارد نه ضامن و نه چک. «کسی ضامن من نمی‌شود. بنابراین وام را نمی‌گیرم.»

زینب هم می‌گوید: «مجبورم وام را به ده یا پنج میلیون تومان بفروشم.» چون جواز کسب و ضامن و چک، فرسنگ‌ها با زندگی آنها فاصله دارد.

بعد زینب دستش را می‌کشد به سمت شهرک آزادگان و می‌گوید: «ما الان توی این شهرک «گیر» افتاده‌ایم. الان نباید آن مسئولان بالای بالا بیایند و از زن نان‌آور خانه حمایت کنند؟ زنی که به مرد و بچه‌اش نان می‌دهد و زندگی را می‌چرخاند. الان هیچ درآمدی برای آقام نیست.» بعد هم می‌گوید، توی بیست‌وهفت سالی که کارش تنورسازی است، تا به امروز هیچ مسئولی مرتبط با صنایع دستی یا وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را ندیده است که به داد دل آنها برسد. تاریخ این نادیده گرفتن را هم خوب به یاد دارد؛ از وقتی که تنور دو هزار تومان بود تا همین حالا.

بعد دستش را می‌کشد به سوی آسمان و می‌گوید: «کسی به داد دل ما برسد. ما تمام روز را با آب و خاک زندگی می‌کنیم. آدمی که با آب و خاک کار می‌کند، روماتیسم می‌گیرد، پاهایش درد می‌کند، کمردرد به جانش می‌افتد. آرتروز گردن امانش را می‌بُرد، دیسک کمر زمینگیرش می‌کند.»

سیمین، زنی لاغر و تکیده، می‌گوید: «من، هم پدرم فوت کرده است هم مادرم. یک برادر دارم که جفت پاهایش شکسته است.» زینب را شاهد می‌گیرد و بعد خدای خود را و می‌گوید: «خدا شاهد است که همین تنورها را فروختم - شوهرم غریبه است شاید دوست ندارد من خرج برادر کنم - دکترآتل را از پایش درآورد. چهار میلیون تومان هزینه کردم. حالا می‌گویند پایش خوب نشده است. الان من باید چه کار کنم؟»

درد دل را زینب ادامه می‌دهد و می‌گوید: «دختری دارم که دو تا بچه دارد و عروس این خانم (سیمین) است. به خاطر همین تنورها، الان جفت زانوهای بچه‌ام آب آورده است. دیگر نمی‌تواند تنور درست کند. یکی از بچه‌هایش هم نارس است. امرار معاش زندگی‌اش هم از همین راه بود. دیگر هیچ راهی ندارد. شوهرش هم کارگر است. یک روز کار دارد، ده روز بیکار است.»

سیمین هم پی حرفش را می‌گیرد و می‌گوید: «توی شهرک زمین هست اما به او (عروسش) نمی‌دهند.» سرش را تکان می‌دهد و می‌گوید: «کارها را هم داده‌اند به افغانستانی‌ها.»

به اینجا که می‌رسد، سیمین زارع می‌رود سراغ وَرز دادن خاک و کاه، و زینب ساردویی انگار دیگر ما را نمی‌بیند؛ همان‌طور که بسیاری، او و زنان تنورساز را نمی‌بینند. آن هم کنار جاده‌ای پر رفت و آمد. خیلی‌ها حتماً آنها را می‌بینند اما نگاهشان نمی‌کنند. می‌دانند که دیدن با نگاه کردن فرق دارد.

تُنِ صدای زینب کمتر می‌شود. دارد با خودش زمزمه می‌کند: «وضع زندگی ما این‌طوری است. باید کسی رسیدگی کند؟ نه.» بعد چشم‌هایش به نقطه‌ای دور خیره می‌شود و دست‌هایش که تا ساعد توی خاک رُس خشک شده، آرام باز می‌شوند؛ بی‌آنکه دیگر چیزی بگوید.

صدای زنان تنورساز عنبرآباد در پایتخت شنیده می‌شود؟

گروه زیست بوم- مجتبی امیری، معاون عمرانی فرمانداری عنبرآباد، در پاسخ به گلایه زنان شهرک آزادگان درباره شرایط دریافت وام به «ایران» گفت که پیش‌تر بخشدار عنبرآباد بوده و تلاش کرده هنرمندان صنایع دستی را از طریق مشاغل خانگی حمایت کند: «از طریق میراث فرهنگی وارد شدیم و بخشی از کار آنها آنجا حمایت شد. چند وقت پیش هم بازدید داشتیم، مدیرکل امور روستایی هم همراه ما بود و مصوب شد مبلغ وامی در اختیار آنها قرار بگیرد. مدیرکل امور روستایی گفت که از محل منابع دهیاری‌ها و از طریق بانک «پست بانک» این وام پرداخت شود. چند نفر هم مراجعه کردند و ما آنها را به پست بانک معرفی کردیم، اما واقعیت این است که من مطمئن نیستم وام به دستشان رسیده یا نه.»

او درباره شرایط دریافت وام توسط این هنرمندان توضیح داد: «بانک‌ها برای پرداخت هر وامی، چه کم و چه زیاد، نیاز به وثیقه و ضمانت دارند.»

امیری در پاسخ به این سؤال که با توجه به رتبه اول کرمان از درآمد معادن، آیا نباید وام بلاعوض برای زنان شهرک آزادگان فراهم شود، گفت: «اگر بلاعوض بود که پرداخت می‌کردند، اما وقتی اسم وام روی آن است و چون بانک متعهد است پول را به دولت بازگرداند، حتماً نیاز به ضامن معتبر دارد. در شرایط اقتصادی فعلی، بعید است که دولت امکان پرداخت وام بلاعوض یا کمک فوری داشته باشد، اما ما از طریق طرح‌های مشاغل خانگی می‌توانیم حمایت کنیم. همین حالا امکان معرفی متقاضیان برای دریافت وام‌های کم‌بهره تا ۱۵۰ میلیون تومان وجود دارد، اما ضمانت‌ها باید توسط خود افراد تأمین شود.»

امیری همچنین از روزنامه ایران می‌خواهد تا صدای زنان شهرک آزادگان در پایتخت باشد تا از طریق مجموعه‌های بالادستی، امکان دریافت کمک بلاعوض برای آنها فراهم شود.

روزنامه ایران هم امیدوار است که این گزارش آغازی بر معرفی و ثبت شهرک آزادگان یا شهر عنبرآباد به عنوان شهر ملی «تنورسازی» باشد. همان‌طور که زنان سیرجان در کرمان توانستند شهرشان را به‌عنوان شهر ملی و شهر جهانی گلیم «شیریکی پیچ» در جهان معرفی کنند. تنورهای ساخته شده توسط این زنان هم می‌تواند به‌عنوان یک المان و نماد، گردشگران را به عنبرآباد و طبیعت زیبایش که این روزها پاییز آن کم از پاییز گلستان و مازندران و گیلان ندارد، دعوت کند. هنر این زنان اما هنوز ثبت نشده است.

بخشی از شناسنامه عنبرآباد و کرمان است

اگر عنبرآباد به عنوان شهر تنورسازی ثبت ملی شود بهانه می‌شود تا روی اقتصاد گردشگری عنبرآباد هم تأثیر بگذارد. امیری پس از دریافت این اطلاعات به روزنامه ایران می‌گوید: «در نامه‌ای به اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، خواهم خواست تا مقدمات ثبت ملی هنر تنورسازی در عنبرآباد را کلید بزنند.»

با این رمزینه، فیلم گزارش فوق را می‌توانید مشاهده کنید

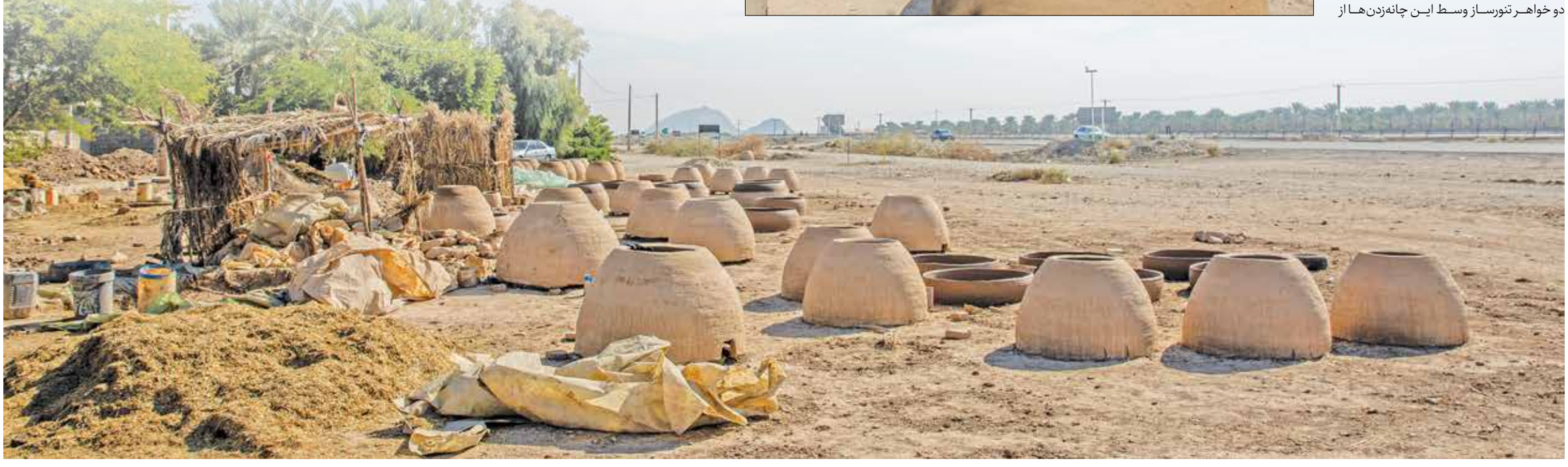

پدر رئالیسم نمایشی آمریکا

گفت‌وگو با داریوش مؤدبیان درباره یوجین اونیل و آثار او

گفت‌وگو

مریم شهبازی
گروه کتاب

در سالروز درگذشت یوجین اونیل (۱۸۸۸-۱۹۵۳)، نویسنده‌ای که نمایشنامه‌نویسی آمریکا را از مضامین سرگرم‌کننده به قلمرویی جدی، اجتماعی و روان‌کاوانه کشاند، بازخوانی آثارش ضرورتی تازه می‌یابد؛ نویسنده‌ای که ستون بنیادین ادبیات نمایشی مدرن آمریکا به‌شمار می‌رود. داریوش مؤدبیان نویسنده، مترجم و کارگردان تئاتر که سال‌ها قبل نمایشنامه «پیش از صبحانه» اونیل را ترجمه کرده و با گردآوری و ترجمه مجموعه «طنزآوران جهان نمایش» گامی مهم در تدوین تاریخ ادبیات نمایشی طنز برداشته در گفت‌وگویی به همین بهانه، تأکید می‌کند نوآوری‌های ساختاری و رئالیسم انتقادی اونیل را باید در امتداد سنت نمایشنامه‌نویسی ایبسن، استریندبرگ و چخوف خواند و فهمید؛ جریانی که نمایشنامه‌نویسی را از مقدمه‌پردازی‌های کلاسیک بیرون کشید و مستقیماً در دل بحران، کنش و حقیقت عریانِ زندگی فرو برد.

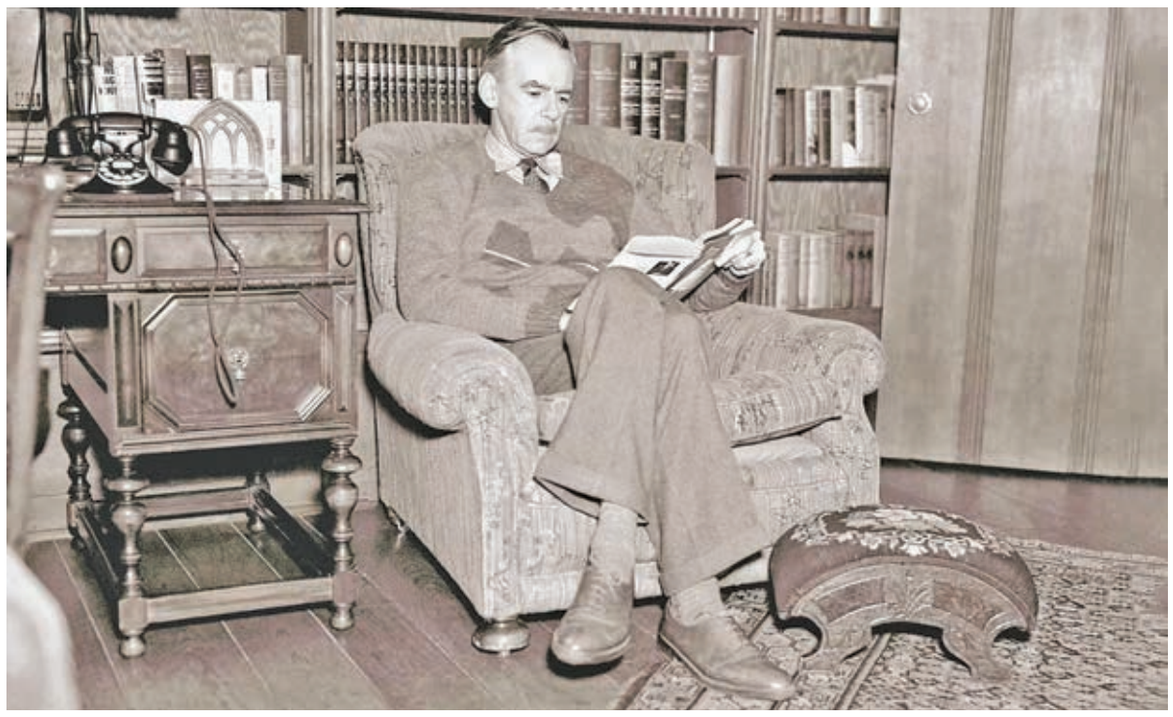

یوجین اونیل، نمایشنامه‌نویس آمریکایی، در کتابخانه خانه‌اش در سیاتل، ۱۲ نوامبر ۱۹۳۶

یوجین اونیل در خانواده‌ای تئاتری متولد و تربیت می‌شود؛ محیط و شرایط خانوادگی در جایگاهی که به‌دست‌آورد چه نقشی داشت؟

علاقه‌مندی اونیل به تئاتر از دوران کودکی ایجاد می‌شود و اغراق نیست که تئاتر را ارثیه خانوادگی او بدانیم. یوجین اونیل متولد خانواده‌ای ایرلندی است؛ مهاجرانی که بسیاری از سنت‌های اروپایی را به آمریکا بردند. تمدن ایرلندی پیوندی ناگسستنی با داستان‌سرایی دارد و فرهنگ‌شان مملو از قصه و داستان است؛ به همین خاطر اغلب نویسندگان بزرگ ایرلندی کارشان را با افسانه‌ها آغاز کرده‌اند. در کنار پیشینه ایرلندی اونیل، والدینش هر دو بازیگر تئاتر بوده و پدرش هم گروهی تئاتری را با نمایش‌هایی عمدتاً مردم‌پسند و خانوادگی اداره می‌کرد. هرازچندی هم کارهایی پرطمطراق و باشکوه را با صحنه‌آرایی‌هایی آنچنانی به روی صحنه می‌بردند. خانوادگی به شهرهای مختلفی سفر می‌کردند و کودکی اونیل در چنین شرایطی و در مواجهه با افراد مختلفی سپری می‌شود. بنا بر موقعیت ناپایدار خانوادگی و پرهیز از تأخیر هرچه بیشتر در روند تحصیلش، او را برای چندین سال به مدرسه شبانه‌روزی می‌فرستند که در نتیجه‌اش نوعی تنهایی و خلوت‌گزینی در همه آثارش مشهود است. بعدتر نه به اجبار شرایط خانوادگی، بلکه به شکلی خودخواسته به سفرهای گوناگونی می‌رود. اونیل خیلی زود به نوشتن روی می‌آورد و سراغ دوره‌های آموزشی نمایشنامه‌نویسی می‌رود. اولین نمایشنامه‌های اونیل، «به سوی کاردیف»، «در منطقه جنگی» و «سفر دور و دراز به وطن» که در شمار اولین ترجمه‌های فارسی از آثارش نیز هستند، به نتیجه سال‌هایی که در سفر بوده تعلق دارد. او در کنار سفر و نوشتن به کارهای مختلفی مشغول می‌شود؛ حتی تلاش برای کشف و استخراج طلا. زندگی پرفراز و نشیب اونیل، تأثیر مشهودی بر مضامینی دارد که در آثارش به کار می‌برد.

با آنکه خانواده اونیل بیشتر به اجرای تئاترهای عامه پسند اشتغال داشته‌اند چرا قدم در راهی متفاوت از آنان می‌گذارد و مسیر نمایشنامه‌نویسی آمریکا را از تئاتر سرگرم‌کننده به تئاتر جدی و روان‌کاوانه تغییر می‌دهد؟

با آنکه علاقه‌مندی اونیل به تئاتر ریشه در محیط خانواده‌اش دارد اما او هرگز شیفته تئاترهای سرگرم‌کننده نمی‌شود. حتی بارها و دربرخی آثارش از اینکه خانواده او دربند سلیقه عوام و در تلاش برای جلب توجه آنان بوده‌اند اظهار آزردگی می‌کند. اونیل برخلاف والدینش هرگز به سراغ سرگرم کردن مردم نمی‌رود و نقد اجتماعی و رئالیسم را در پیش می‌گیرد. او میراث‌دار تئاتر است اما نه تئاتری که خانواده‌اش دنبال می‌کردند.

شهرت اونیل را می‌توان مدیون اثر خاصی دانست یا این اتفاق در گذر زمان رخ داده است؟

اونیل بسیار پرکار بوده و کتاب‌های متعددی می‌نویسد. شهرت او حول و حوش سال ۱۹۲۰ و با نمایشنامه «آن سوی افق» شروع می‌شود. آنقدر از این نمایشنامه استقبال می‌شود که به صحنه تئاتر برادوی هم راه پیدا می‌کند. این محبوبیتی که اشاره کردم به جهت حرفه‌ای است و نه صرفاً استقبال عامه مردم. بعد از موفقیت «آن سوی افق»، اونیل پیوسته می‌نویسد و با وقفه‌ای در کارش روبه‌رو نمی‌شویم. او سال ۱۹۲۱ «امپراطور جونز» را می‌نویسد، نمایشنامه‌ای که از آثار برجسته‌اش به شمار می‌آید. هفت سال بعد اولین جایزه پولیتزر زندگی‌اش را می‌گیرد. او سه مرتبه برای نمایشنامه‌های «آن سوی افق»، «آنا کریستی» و «میان‌پرده شگفت‌انگیز» موفق به کسب جایزه پولیتزر می‌شود. سال ۱۹۳۶ نیز برای سال‌ها فعالیت در حیطه ادبیات نمایشی و مجموعه‌آثارش جایزه نوبل ادبیات را دریافت می‌کند. در آن سال‌ها خیلی بعید بود که یک نمایشنامه‌نویس نوبل ادبی بگیرد. این جایزه عمدتاً به داستان‌نویسان اروپایی اعطا می‌شد. البته لوئیجی پیراندلو دیگر نمایشنامه‌نویس اروپایی است که سال ۱۹۳۴ به او نوبل ادبی می‌دهند و اونیل هم چند سال بعد این جایزه را می‌گیرد. دهه آخر عمرش با ابتلا به بیماری‌های مختلفی سپری می‌شود، در سال‌های ۱۹۴۰ ابتلا به بیماری پارکینسون سبب کاهش قابل توجه فعالیت‌های او می‌شود و در سال‌های ابتدایی دهه چهل، فقط چند کار کوتاه می‌نویسد.

در عرصه جهانی، نمایشنامه‌های اونیل بیشتر به جهت ساختاری مورد توجه هستند یا مضمونی؟

این استقبال هم در نتیجه نوآوری و سبک خاصی است که در ساختار نمایشنامه‌های او دیده می‌شود و هم به جهت مضامینی که به آنها توجه داشته است. اونیل در مقطعی از تاریخ ادبیات نمایشی قرار می‌گیرد که به آن «تئاتر نوین» می‌گوییم. نمایشنامه‌نویسی نو از هنری ایبسن نروژی آغاز می‌شود، با آگوست استریندبرگ سوئدی و آنتوان چخوف روسی ادامه پیدا می‌کند و به یوجین اونیل آمریکایی می‌رسد.

اونیل نمایشنامه‌نویس را می‌توان در جایگاه مهمی، مشابه ویلیام فاکنر در داستان‌نویسی دانست. یوجین اونیل در زادگاهش، نمایشنامه‌نویس مهمی است و از او به عنوان پدر «رئالیسم آمریکایی» یاد می‌کنند. در اروپا، رئالیسم پیش از اونیل و با کارهای ناتورالیستی ایبسن چون نمایشنامه «خانه عروسک» و بعدتر «اشباح» آغاز می‌شود، برهه‌ای که آن را می‌توان آغازگر «تئاتر نو» دانست. در تئاتر نوین از نظر ساختاری با نوآوری‌ها مختلفی روبه‌رو می‌شویم، از جمله حذف مونولوگ و تک‌گویی‌هایی که صدای ذهنی شخصیت‌ها هستند. بر این اساس برخی معتقدند هیچ فردی در شرایط عادی با خودش صحبت نمی‌کند، مگر آنکه دیوانه باشد! نگاهی که منجر به تغییراتی در نمایشنامه‌نویسی نوین شد. این نوآوری‌ها در نوع تقسیم‌بندی و ارتباط صحنه‌ها و اینکه گره داستانی کجا قرار بگیرد به وجود آمدند. در نمایشنامه‌نویسی نوین، برخلاف آنچه پیشتر رایج بوده، کار با بحران و کنش شروع می‌شود. اما در گذشته کار با مقدمه یا ex-position آغاز می‌شد و در نهایت از معرفی به گره‌افکنی می‌رسید. در نمایشنامه‌نویسی نوین از همان ابتدا وارد کشمش می‌شویم، ویژگی خاصی که در نمایشنامه‌های اونیل نیز صادق است.

نمایشنامه «سیر طولانی روز در شب» را می‌توان روایتی از زندگی شخصی اونیل دانست؟ به خصوص که او هرگز به اتوبیوگرافی نویسی روی نمی‌آورد.

بله، اونیل آن را آشکارا براساس زندگی شخصی‌اش نوشته است. تقریباً روایت مستقیمی از زندگی اونیل در این اثر آمده، اگر مطالعاتی هرچند مختصر درباره آنچه بر او گذشته داشته باشید، انعکاسی از وضعیت خانوادگی‌اش را در آن خواهید یافت. «سیر طولانی روز در شب» را می‌توان زندگینامه اونیل دانست اما به هرحال اتوبیوگرافی نیست.

چه ویژگی ساختاری خاصی برای نمایشنامه‌های اونیل قائل هستید؟

رئالیسم اونیل خشن و کمی تلخ است. مضامینی که در نمایشنامه‌های او به کار رفته اجتماعی اما تلخ هستند. درعین حال در برخی آثارش این رئالیسم با نوعی طنز هم درآمیخته که البته آن هم تلخ و سیاه است. از مهم‌ترین مصادیق آن را می‌توان در نمایشنامه‌های «لازاروس خندید» و «آه، بیابان» دید. در نهایت می‌توان به آن تک‌گویی مشهورش در نمایشنامه «پیش از صبحانه» اشاره کرد، نمایشنامه‌ای که سال‌ها قبل آن را ترجمه کرده‌ام. یک نمایشنامه کوتاه تک‌پرده‌ای که رگه‌هایی از طنز دارد. «پیش از صبحانه» یک شخصیت دوم هم دارد که ساکت است و حضورش تنها پشت در یک اتاق باز احساس می‌شود؛ شخصیت اصلی نمایش با او حرف می‌زند و نگاهش می‌کند.

و حضور چه مضامینی بیش از همه در آثارش مشهود است؟

جامعه آمریکایی و درد و رنج مردم آن مهم‌ترین محور موضوعی آثار اونیل را تشکیل می‌دهد، جامعه‌ای که به اعتقاد او رنج‌آفرین و مدعی به وجود آوردن رفاه است اما فقط در ظاهر و در حد شعار! همان چیزی که در نمایشنامه‌های «گوریل پشمالو» و «خداوندگار براون» به آن پرداخته است. شخصیت‌های این نمایشنامه‌ها برای حفظ زندگی‌شان در تب‌وتاب کسب پول هستند. با وجود بیان عقاید شخصی‌ام درباره آثار اونیل اما به علاقه‌مندان ادبیات نمایشی پیشنهاد می‌کنم با پیش‌داوری و براساس نظرات دیگران به سراغ اونیل و دیگر نویسندگان نروند. خودشان بخوانند، با شخصیت‌ها و موقعیت‌هایی که به تصویر کشیده شده است پیش بروند و سعی کنند آنها را بفهمند.

با توجه به آنکه اونیل در زمانه‌ای به سراغ طنز سیاه رفته که استفاده از این سبک چندان در آمریکا متداول نبوده، در این رابطه نیز می‌توان او را از جمله افراد پیشگام دانست؟

همان‌طور که اشاره کردید در آن سال‌های آمریکا، استفاده از طنز سیاه هنوز مورد توجه نمایشنامه‌نویسان قرار نگرفته بوده است. اما با انتشار آثاری که اونیل با چنین نگاهی می‌نویسد، نویسندگان دیگری همچون تنسی ویلیامز این مسیر را ادامه می‌دهند. سبک نوشتاری اونیل بر بسیاری از نویسندگان آمریکایی و حتی غیرآمریکایی اثرگذار بوده است. هرچند که این اثرگذاری عمدتاً بعد از مرگ اونیل رخ می‌دهد.

اعطای جایزه نوبل چقدر در معرفی جهانی اونیل مؤثر بوده است؟

دریافت این جایزه نقش مهمی در افزایش محبوبیت اونیل و معرفی آثارش به اهالی تئاتر دیگر کشورها ایفا می‌کند. به محض دریافت نوبل، توجه ناشران خارجی به آثارش جلب می‌شود و به سراغ ترجمه آثارش می‌روند. نمایشنامه‌های اونیل در ایران هم به فاصله کمی از انتشار جهانی آنها ترجمه می‌شوند. اولین کتاب‌هایی که از این نمایشنامه‌نویس آمریکایی به فارسی ترجمه می‌شوند، از جمله «آنا کریستی» سال‌ها قبل در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرند. در اواخر دهه سی شمسی، جریان جدید تئاتر ایران، توجه اهالی تئاتر را به نمایشنامه‌نویسان مطرح جهان جلب می‌کند؛ این آشنایی ابتدا با ایبسن و استریندبرگ و بعدتر هم با اونیل شکل می‌گیرد.

اغلب مهاجران اروپایی در آن سال‌ها به امید دستیابی به زندگی بهتر و از سویی در پی تبلیغاتی که «رویای آمریکایی» را شکل داده بودند روانه آمریکا می‌شوند، با توجه به آن که اونیل، هم توجهی ویژه به نقد اجتماعی داشته و هم اینکه از خانواده‌ای مهاجر بوده و مصایب‌شان را درک می‌کرده است؛ نقد رویای آمریکایی و افشای حقایق مرتبط با آن هم در آثارش مشهود است؟

اتفاقاً بخشی از نقد اجتماعی مورد توجه اونیل به حقایق زندگی در آمریکا و افشای دروغ‌های مرتبط با «رویای آمریکایی» بازمی‌گردد. اونیل در نمایشنامه کوتاه «پیش از صبحانه» به نوعی بخشی از همین آرزوهایی که را به تصویرکشیده است که هرگز به نتیجه نمی‌رسند. اونیل و خانواده‌اش به قشر متوسط تعلق داشتند و به کمک سفرهای متعدد با طیف گسترده‌ای از این طبقه و مشکلات آنان روبه‌رو می‌شود و در آثارش رویکردی اجتماعی و متمایل به طبقه متوسط دارد.

جریان‌های اجتماعی و سیاسی زمانه‌اش چه تأثیری در شکل‌گیری راهی دارند که در پیش می‌گیرد؟

اونیل به نوعی وارد جریان‌های فکری و اجتماعی اوایل قرن بیستم می‌شود. اوایل سال ۱۹۱۰ که او بیست و دو ساله است و نوشتن را جدی‌تر دنبال می‌کند، جریان پراگماتیسم هم راه افتاده و اغلب مردم برای دسترسی به یک جامعه بهتر در تلاش هستند. در آن سال‌ها، عملگرایی و توجه به مسائل اقتصادی و بعدتر نیز سیاست جایگاه مهمی در زندگی مردم پیدا می‌کند. با این حال سیاست حضور مستقیمی بر آثار اونیل ندارد، بزرگانی نظیر اونیل و چخوف با وجود آنکه در برهه‌های سیاسی خاصی زیسته‌اند اما هرگز تحت‌تأثیر هیجانات زمانه‌شان قرار نمی‌گیرند.

در فاصله دهه سی تا آغاز دوره مک‌کارتیسم بارشد و گسترش کمونیسم در آمریکا روبه‌رو می‌شویم، تحولاتی که مورد توجه اهالی ادبیات و هنر هم قرار می‌گیرند، از آنجایی که بخشی از زندگی اونیل در همان سال‌ها سپری شده است او مقهور آن شرایط و تفکرات نمی‌شود؟

تحولات سیاسی آن سال‌های آمریکا حضوری پررنگ در آثار نویسندگان و هنرمندان دارد؛ آنچنان که هنرمندی نظیر چاپلین نیز نمی‌تواند بی‌توجه به آن شرایط بماند. اما اونیل هرگز گرفتار ایدئولوژی‌های سیاسی نمی‌شود.

اختلافات سیاسی و اتهام چاپلین به پیروی از کمونیسم دلیل مخالفت اونیل با ازدواج چارلی چاپلین با دخترش بوده است؟

اونیل هرگز به طور رسمی چیزی در این رابطه نمی‌گوید. اما آنطور که شواهد نشان می‌دهد، بحث بر سر مسائل سیاسی نبوده، شاید به دلیل اختلاف سنی بسیار زیاد چاپلین با دخترش که آن زمان هفده-هجده سال بیشتر نداشته بوده است. هرچند که در نهایت ازدواج می‌کنند و دختر اونیل از خانواده‌اش جدا می‌شود. اختلاف آنان بیشتر اجتماعی- خانوادگی بوده و نه سیاسی. با وجود آن که چاپلین متهم به پیروی کمونیسم شده و حتی به دادگاه مک‌کارتیسم هم فراخوانده و بعد هم تبعید می‌شود اما حتی او را نیز نمی‌توان سیاسی دانست.

استاد مؤدبیان، جایگاه اونیل را در مقایسه با دیگر نویسندگان آمریکایی بزرگ قرن بیستم چون آرتور میلر و تنسی ویلیامز چگونه می‌بینید؟

برای اشاره به وجوه اشتراک یا حتی افتراق این افراد به چند مورد می‌توان اشاره کرد، از جمله نوآوری‌هایی که هرسه در بحث ساختاری داشته‌اند. نکته دیگر شباهت‌هایی است که در مضامین به کار رفته در آثارشان دارند. یک ویژگی کلی در مضامین مورد توجه همه آنها تمرکزشان بر مسائل جامعه آمریکایی است. میلر نمایشنامه «بوته آزمون» را که در ایران با عنوان «جادوگران شهر سِیلم» شناخته می‌شود، بر محور شرایط دادگاه‌های مک‌کارتیسم و تفکرات آن می‌نویسد. در نمایشنامه «حادثه در ویشی»، به سراغ بررسی اثرگذاری جریان فاشیسم اروپا در آمریکا می‌رود. اونیل اما با قدرت بیشتری به مسائل اجتماعی روز جامعه خود می‌پردازد. بنابر همین توجه نمایش‌های بسیاری بر اساس نوشته‌های او به روی صحنه می‌روند که این سبب برتری و گسترش نفوذ اونیل بر تئاتر جهانی و حتی راهیابی‌شان به سینما می‌شود. اینها وجوه اشتراک زیادی دارند، نه اینکه از هم کپی کرده باشند بلکه هرسه تحت‌تأثیر رئالیسم آمریکایی هستند.

چرا با وجود پراجرا بودن نمایشنامه‌های اونیل در کشورهای مختلف، اجرای نمایش‌های او در ایران کمتر از سایر نویسندگان غربی چون چخوف، برشت و ایبسن است؟

نخست آن که اونیل آمریکایی است و زندگی شخصیت‌های نمایشنامه‌های او نظیر آثار چخوف برای ما ایرانیان ملموس نیستند. بنابراین نزدیکی کمتری با شخصیت‌های آثارش احساس می‌کنیم. دیگر آنکه نمایشنامه‌های اونیل کشش خاص بیرونی و همچنین کنش‌های بیرونی رمانتیک نیز ندارد. از طرفی اونیل تلخ‌نویس است. چرا تئاتر ایران از ابتدا بیشتر متمایل به مولیر بوده؟ به خاطر که این خاصیت ایرانیان است که به کمدی علاقه زیادی دارند.

با شناختی که از اونیل دارید، مطالعه آثارش چه نتایجی برای ادبیات نمایشی کشورمان دارد؟

مطالعه آثار اونیل و دیگر نمایشنامه‌نویسان شاخص جهان مطمئناً تأثیر مهمی بر نمایشنامه‌نویسی‌مان می‌گذارد، اما متأسفانه تئاتری‌های ما کمتر نمایشنامه می‌خوانند، تماشاگر تئاتر که جای خود دارد. اغلب آثاری که ترجمه می‌شوند به چاپ‌های دوم و سوم نمی‌رسد. برخی کارگردان‌های شاخص تئاترمان زمانی به دنبال اجرای نمایشنامه‌های بزرگانی چون اونیل هم بودند، آخرین مرتبه اجرای اکبر زنجان‌پور از «سیر طولانی روز در شب» را دیدم. شاید بیست سال قبل. اما بعد از آن اجرای دیگری ندیدم. تئاتری‌های ما نه فقط آثار اونیل، همه نمایشنامه‌های شاخص خارجی را باید بخوانند. کسی که خواهان فعالیت در زمینه‌های مرتبط با نمایشنامه‌نویسی و تئاتر است باید آثار اونیل را بخواند، حتی اگر سبک و مضامین نمایشنامه‌های او را قبول نداشته باشد.

> رئالیسم اونیل خشن و کمی تلخ است. مضامینی که در نمایشنامه‌های او به کار رفته اجتماعی اما تلخ هستند. درعین حال در برخی آثارش این رئالیسم با نوعی طنز هم درآمیخته که البته آن هم تلخ و سیاه است. از مهم‌ترین مصادیق آن را می‌توان در نمایشنامه‌های «لازاروس خندید» و «آه، بیابان» دید.

امید به رویا در فرسودگی شکست

اصغر نوری
نویسنده و مترجم

از نظر بسیاری از نظریه‌پردازان تئاتر، آثار یوجین اونیل نشانگر بلوغ تئاتر آمریکاست. بین سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۴۶، سی‌وپنج نمایشنامه از او اجرا شد. او بین اجرای «سفر به کاردیف» (۱۹۱۶) توسط گروه پروینستاون پلیرز و اجرای نیویورکی «مرد یخی می‌آید» (۱۹۴۶)، در ترکیبی از رئالیسم و اکسپرسیونیسم و با رد قراردادهای تئاتر بورژوایی، نوعی «درام ملی» خلق کرد که در آن حضور بی‌واسطه جهان بیرون با احساس گناه مداوم ترکیب می‌شود و از این رو جهنمی از روح را به تصویر می‌کشد. این رئالیسم، فردگرایی آمریکایی را آشکار می‌کند؛ فردگرایی از نوع آرمان‌شهری و حتی رستگاری‌بخش. بنابراین، خلق یک تئاتر کامل به معنای کشف مجدد جنبه‌های مختلف رفتار انسان، موقعیت‌های اجتماعی، تضادهای وجدانی و چهارچوب‌های زندگی روزمره و ثبت آنها در قالب افسانه‌ای متناسب با ناامیدی متافیزیکی و سرخوردگی تاریخی است: نقاب همیشه می‌افتد و آینه را آشکار می‌کند، ناگزیر تئاتری و بازگشت به روشنایی. هیچ راه فراری وجود ندارد؛ تقلید تئاتری، تجلی یک آگاهی نهفته است که از طریق آن تماشاگر، هم ابهامات تمام سرنوشت و هم دوگانگی سازنده اجرای صحنه‌ای را درک می‌کند: انسان با خود و با دیگران صحبت می‌کند. اما گفتار معطوف به دیگران همچنان گفتاری جانبدارانه است که به رسمیت شناختن خودبسندگی را تحمیل می‌کند. اونیل که در محافل تئاتری بزرگ شده بود (پدرش بازیگر مشهور برادوی بود)، ابتدا دانش‌آموزی معمولی و بعدها ملوانی الکلی و جوانی آشفته بود تا اینکه به گروه «بازیگران پروینستاون» پیوست که از سال ۱۹۱۴ اولین نمایشنامه‌های او (تشنگی، مه، هشدارها و بی‌پروا) را تولید کردند. در سه نمایشنامه بعدی او رگه‌های اکسپرسیونیستی قوی‌تر بودند: «راه طولانی خانه» (۱۹۱۷)، «طناب» (۱۹۱۸) و «جزیره» (۱۹۱۷)، هر سه نشانگر یکی دانستن اقیانوس با نماد سرنوشت هستند. نمایشنامه‌های بعدی‌اش بیشتر رئالیستی بودند: «فراتر از افق» (۱۹۱۹) و «آنا کریستی» (۱۹۲۲) که بعدها با بازی گرتا گاربو برای پرده سینما اقتباس شد، رویاهای بر باد رفته و عدم امکان بازگشت را به تصویر می‌کشند.

اونیل در نمایشنامه‌های بعدی روی مفاهیم بنیادی‌تر زندگی مکث می‌کند و آثار فلسفی‌تری می‌نویسد. جایی می‌گوید: «حقیقت اساسی همچنان پابرجاست که به بشریت موهبت متفاوت بودن داده نشده است.» از نظر او، در دنیایی فاسد، ما شر را در درون خود حمل می‌کنیم و همین، موضوع اصلی دو نمایشنامه مهم اوست: «امپراطور جونز» (۱۹۲۱) و «گوریل پشمالو» (۱۹۲۲). در اولی، دیکتاتوری سیاه‌پوست (امپراطور) پیش از مرگ به دست رعایای خود، جنایاتش را به یاد می‌آورد: ناخودآگاه به صورت نمادین، جنبه‌ای از جنگل به خود می‌گیرد، در حالی که استفاده از تک‌گویی درونی، بر عدم قطعیت‌های خود، تضادهای بین خیر و شر، تمدن و بربریت تأکید می‌کند. در دومی، غیرانسانی بودن، افسانه دوگانه تصنع (مضمون فلز) و طبیعت (مضمون باغ‌وحش) را دیکته می‌کند تا از طریق شخصیت اصلی، یانک، به رها شدن بشریت اشاره کند که «هماهنگی حیوانی خود را با طبیعت از دست داده است، بدون اینکه هماهنگی معنوی پیدا کرده باشد.» از تنهایی جونز سیاه‌پوست گرفته تا زندان فلزی یانک (کشتی، شهر نیویورک)، از جنگل بکر گرفته تا گوریلی که از یانک استقبال می‌کند، جهانی بسته آشکار می‌شود که در آن بشر خود را برهنه و برده رویاهای درونی می‌یابد و این حقیقت زندگی اوست؛ او یا برده رویاهای خود است یا برده جهانی از آدم‌های بی‌تفاوت که نمادی از حقیقت تمام بشریت هستند. اونیل دنیای آمریکایی را جهانی بدون بیرون می‌بیند که در آن فقط کارایی قربانی‌گرانه باقی می‌ماند: مرگ جونز، حبس یانک در قفس گوریل. تحت چنین جبرگرایی، انسان همچنان دچار تفرقه باقی می‌ماند: این همان چیزی است که درام زوجی که بدون توانایی جدایی، یکدیگر را از هم می‌درند (ولدد، ۱۹۲۴) می‌گوید، چیزی که در «هوس زیر درختان نارون» (۱۹۲۴) نیز مطرح شده است، جایی که تراژدی گناه، آمیخته با ارجاعات اسطوره‌ای و اشارات فرویدی، با مرگ رستگاری‌بخش به پایان می‌رسد و زیبایی‌شناسی «فراطبیعی» را، به قول خود اونیل، در خدمت «آن وسواس فانی که برای انسان مدرن بهای زندگی است» قرار می‌دهد.

اونیل با نمایشنامه‌های «همه فرزندان خدا بال دارند» (۱۹۲۴) و «خداوندگار براون» (۱۹۲۶) استفاده‌ای بدیع از ماسک را ارائه می‌دهد و مضمون تفرقه درونی را روشن می‌کند: هنرمندی به نام دیون آنتونی توسط جامعه‌ای مادی‌گرا به کام مرگ کشیده می‌شود؛ در طول دو پرده آخر، کارفرمای او نقاب به چهره می‌زند و هویت هنرمند را به خود می‌گیرد. تضاد بین فرهنگ و طبیعت، در نمایشنامه «مارکو میلیونر» (۱۹۲۷)، به تضاد بین ماتریالیسم غربی و معنویت شرقی تبدیل می‌شود و در نمایشنامه «خنده لازاروس» (۱۹۲۷) و «دینامو» (۱۹۲۹) که به مرگ الهگان و ناتوانی علم در ارائه جانشینی برای آنها می‌پردازد، به الهامی متافیزیکی منجر می‌شود. «میان‌پرده عجیب» (۱۹۲۸) این حسرت متافیزیکی را در قالب یک خدای مادر می‌آفریند: این نمایش ۹ پرده‌ای که اجرای آن تقریباً ۱۰ ساعت طول می‌کشد، قهرمان داستان لاوینیا، زنی غول‌آساست که کهن‌الگوی زنانگی ابدی را به تصویر می‌کشد. اسطوره مادر در نمایشنامه «سوگواری الکترا» (۱۹۳۱) هم غالب است: افسانه اورستس در چهارچوب نیوانگلند و با پیروی از مفاهیم فرویدی مورد بازنگری قرار می‌گیرد؛ جبر ارثی جای سرنوشت را می‌گیرد و تأثیر فراگیر شخصیت مادر را تأیید می‌کند: لاوینیا (الکترا) به تدریج با مادرش، کریستین (کلایتمنسترا) یکی می‌شود.

در دهه چهل، بیماری از یک سو و بحران‌های اقتصادی و جنگ از سوی دیگر، زندگی اونیل را تاریک می‌کنند و او نمایشنامه‌های زندگینامه‌ای می‌نویسد: «مرد یخی می‌آید» (۱۹۴۶)، محله‌های فقیرنشین دوران جوانی او را تداعی می‌کند و یخ‌رسان را به تصویر مرگ اجتناب‌ناپذیر تبدیل می‌کند؛ «سفر طولانی روز به شب» که در سال ۱۹۵۶ اجرا شد، درام‌های شخصی و خانوادگی را به تصویر می‌کشد و برخلاف عنوان، نوعی روشنگری احتمالی را پیشنهاد می‌کند. در کل، تئاتر اونیل، تئاتر حقایق تلخ و ناامیدی عمیق است، اما در دل این ملال و یأس، همیشه یک رویا زنده می‌ماند؛ رویای بازیابی دوباره انسان. یوجین اونیل شکست انسان در جامعه مدرن را به درستی درمی‌یابد و با استفاده از نمادهای متافیزیکی و اسطوره‌ای، این شکست را به تصویر می‌کشد. ترس‌ها و ضعف‌های انسان را گرد هم می‌آورد و در دل فرسودگی و خستگی آشکار او، رویای تجدید حیات را قرار می‌دهد.

رضا داوری اردکانی و غلامرضا اعوانی از «وضعیت فلسفه در جهان امروز» گفتند

غـــربت فلسفـــه

علت نازایی تفکر، نبود پرسشگری است

تحلیل

اعظم فردوست
گروه اندیشه

نشست «خردورزی؛ رسالت جاودان فلسفه در حیات بشری» سه‌شنبه، ۴ آذرماه به مناسبت روز جهانی فلسفه در محل مرکز نشر دانشگاهی برگزار شد. دکتر رضا داوری اردکانی و دکتر غلامرضا اعوانی پیام‌هایی جداگانه به این هم‌اندیشی فرستادند. هر دو آنان در پیام‌شان از «غربت فلسفه» گفتند و چرایی آن را تبیین کردند. دکتر داوری وضعیت کنونی را «زمانه‌ای عقیم» خواند که در سیطره تکنیک، مجالی برای طلب خرد باقی نگذاشته است و دکتر اعوانی هم هشدار داد که اگر فلسفه و حکمت تضعیف شود، جای آن را «غرب‌زدگی» خواهد گرفت.

فلسفه در همه شرایط‌ها امکان ظهور ندارد

دکتر رضا داوری اردکانی، پیام خود را با توضیح مفهوم «اکنون» آغاز کرد؛ مفهومی که به باور او اگرچه ساده به‌نظر می‌رسد، اما حامل بار تاریخی و معنایی سنگینی است. او گفت: «اکنون برای افراد و اشخاص، کار و بار و احوال و گفتار و کرداری است که به آن مشغول‌اند. این اکنون خیلی زود می‌گذرد. مردمان و اقوام و کشورها نیز اکنون دارند. اکنون ایران را در گفتار و کارهای حکومت و در مطالب روزنامه‌ها و نحوه گذران زندگی مردمان با مشکلات شغل و معاش و آب و برق و هوا و سیاست و پوشیدگی افق آینده می‌توان یافت.»

او سپس پرسید که «فلسفه در این اکنون چه جایگاهی دارد؟» و توضیح داد که فلسفه در معنای تفکر، نه به‌عنوان «بحث در اعراض ذاتی وجود»، تنها در زمان‌هایی امکان ظهور دارد که جامعه آمادگی و ظرفیت آن را داشته باشد. به تعبیر او «فلسفه به عنوان تفکر در هر اکنونی نمی‌تواند وجود داشته باشد.»

تکنیک نمی‌گذارد دموکراسی و عدالت احیا شوند

داوری از منظر تاریخی نشان داد که فلسفه معمولاً در پایان یک عصر بزرگ و هنگام افول نظم‌های پیشین سر برمی‌آورد. او با اشاره به یونان گفت: «فلسفه یونانی گزارش دوران پرشکوه تاریخ یونان و اعلام پایان یافتن آن است» سپس جایگاه فلسفه اسلامی را یادآور شد؛ جایی که متفکرانی چون فارابی کوشیدند فلسفه و دین را در یک افق مشترک جمع کنند. او تأکید کرد که این جمع شدن تصادفی نبود، بلکه حاصل تلاش مستمر فرهنگ اسلامی در تفسیر میراث یونانی بود.

این استاد فلسفه با اشاره به فلسفه جدید اروپا توضیح داد که فیلسوفان رنسانس و پس از آن، از بیکن تا کانت، جهان تازه‌ای را گزارش و تثبیت کردند: «نمی‌گویم فیلسوفان دوره جدید در طرح فلسفه خود قصد تغییر جهان داشته‌اند؛ اما تفکرشان گزارش و تأیید زمانی بود که در آن بشری دیگر به وجود آمده و مأموریتش پدید آوردن جهانی دیگر بود.»

یکی از مهم‌ترین محورهای پیام داوری، تحلیل او از وضعیت امروز غرب بود. او معتقد است دوران فیلسوفان بزرگ مدرن اکنون به پایان رسیده و جهان غرب در «اکنونی پایانی» به‌سر می‌برد: «اکنون اروپا پایان عصری است که اروپاییان در آن کاری بزرگ در پدید آوردن جهان جدید کردند. اکنون اروپا زمان قدرت تکنیک و به‌سر بردن روشنفکران اروپا و آمریکا در حسرت زندگی قرن نوزدهم است.»

به باور او، تکنیک، جهان را در اختیار گرفته و دیگر اجازه نمی‌دهد دموکراسی، عدالت یا ارزش‌های انسانی در عمل احیا شوند: «دموکراسی متعلق به زمانی بود که تکنولوژی پدید می‌آمد. وقتی سلطان تکنیک‌زاده شد و به بلوغ رسید همه قدرت را به دست گرفت.» داوری معتقد است که اثر تجدد چنان فراگیر شده که هیچ سرزمینی بیرون از تقدیر آن نیست: «همه جهان به درجات در تقدیر جهان جدید سهیم و شریک شده‌اند و جایی را نمی‌شناسیم که از اثر تجدد برکنار مانده باشد.»

آموزش فلسفه برای تولد تفکر کافی نیست

بخش مهمی از پیام داوری به وضعیت ایران اختصاص داشت. او با نام بردن از چهره‌های بزرگ سنت فلسفی ایران ـ از آشتیانی و مطهری تا جوادی آملی و دینانی ـ به این نکته اشاره کرد که «وجود آموزش فلسفه» به معنای «ظهور تفکر فلسفی» نیست: «پدید آمدن فلسفه نتیجه ضروری تعلیم فلسفه نیست، چنانکه همه فیلسوفان بزرگ نیز در دوران رونق تعلیم فلسفه ظهور نکرده‌اند.» او توضیح داد که روزگار فعلی میل و رغبت چندانی به تفکر ندارد و حتی «به خرد و دانایی احساس نیاز نمی‌شود». داوری با صراحت گفت: «دوران بی‌نیازی از خرد، دوران عجیبی است. هرچه باشد مجال مناسبی برای روکردن به فلسفه نیست.»

داوری در ادامه بحث، علت نازایی تفکر را نبود پرسشگری دانست. از نظر او فلسفه وقتی متولد می‌شود که «اهل پرسش» ظاهر شوند: «فلسفه در زمانی به وجود می‌آید که اهل پرسش وجود داشته باشند. در جایی که طلب و پرسش نیست، وجود فلسفه هم وجهی ندارد.» او سپس اشاره کرد جامعه‌ای که مشکلات فراوان دارد اما راه‌حل نمی‌یابد و «آینده مغفول است»، انگیزه‌ای برای طلب دانایی ندارد: «وقتی هیچ مشکلی حل نمی‌شود و هر روز مشکلات تازه پدید می‌آید، طلب دانایی چه وجهی می‌تواند داشته باشد؟»

> داوری: فلسفه زمانی به وجود می‌آید که اهل پرسش وجود داشته باشند. در جایی که طلب و پرسش نیست، وجود فلسفه هم وجهی ندارد

فلسفه می‌تواند آینده را از فروبستگی نجات دهد

داوری در بخش دیگری از پیام خود، تفاوت فلسفه و حکمت را یادآور شد. او بر این باور است که ما در تاریخ صاحب میراث درخشان حکمت بوده‌ایم، اما امروز فلسفه را به پشتوانه‌ای ایدئولوژیک تبدیل کرده‌ایم: «با این تلقی، فلسفه به صورت بسته‌ای از معلومات و دستورالعمل‌ها درمی‌آید که باید علم و سیاست و اقتصاد را به سمت و سوی خاص هدایت کند.» نتیجه این وضعیت، به تعبیر او، «زمان عقیم» است: «زمان عقیم زمانی است که به فلسفه «نه» می‌گوید و نسبتش با فلسفه نسبت انکار و نفی و گاهی بیزاری است.» در چنین شرایطی خرد عملی نیز جایگاهی نمی‌یابد و جامعه به سوی «اختلاف و نزاع و فساد» کشیده می‌شود.

داوری در پایان پیام خود، بار دیگر نقش فلسفه به‌عنوان تفکر را یادآور شد؛ تفکری که می‌تواند به زندگی جان بدهد و افق آینده را از فروبستگی نجات دهد. او با لحنی شخصی و تأمل‌برانگیز گفت: «من در زمانی زیستم و زندگی را با فلسفه به سر بردم که این مونسم کمتر طالب و خریدار داشت؛ با این همه از انتخاب خود پشیمان نیستم.» او آرزوی خود را چنین بیان کرد: «کاش می‌توانستیم اکنونِ خود را دریابیم. این دریافتن بر عهده هنر و تفکر است. همین که به فکر اکنونیم و از آن سراغ می‌گیریم غنیمت است.»

انسان بدون حکمت انسانیتش کامل نمی‌شود

دکتر اعوانی در پیام خود با تبریک این روز به همه دوستداران فلسفه و فرهنگ ایرانی و اسلامی، به تبیین جایگاه فلسفه در سازمان یونسکو پرداخت و گفت: «یونسکو برای فلسفه جایگاه ویژه‌ای قائل است، چون فلسفه در فرهنگ بشر منزلتی دارد که هیچ علم دیگری ندارد.» او خردورزی را بخشی از سرشت انسان برشمرد و افزود: «انسان را موجودی می‌نامیم که بدون حکمت، انسانیتش کامل نمی‌شود. فلسفه سرشت پرسشگری انسان را معنا می‌کند.»

او با اشاره به پیشینه درخشان ایران در میزبانی از روز جهانی فلسفه، از بی‌توجهی به این موقعیت ممتاز انتقاد کرد. وی تصریح کرد: «ایران پنج سال متوالی میزبان بزرگ‌ترین روز جهانی فلسفه بود؛ با حضور بیش از ۱۲۰ میهمان خارجی و جمع کثیری از اندیشمندان داخلی، در ۱۷ بخش تخصصی که بی‌سابقه بود و تکرارشدنی نیست.» اعوانی با تأکید بر اینکه «ایران نه‌تنها در جهان اسلام بلکه در کل جهان در فلسفه بی‌نظیر است»، از عدم توجه شایسته به این موقعیت در داخل کشور اظهار تأسف کرد.

> اعوانی: ایران با داشتن میراث زنده حکمت، نه تنها می‌تواند نقش آفرینی جهانی داشته باشد، بلکه غفلت از این نقش، به قیمت از دست دادن هویت فرهنگی‌اش تمام خواهد شد

در معرفی فلسفه اسلامی کوتاهی کرده‌ایم

وی با بیان اینکه «در هیچ جای دنیا دغدغه تدریس حکمت وجود نداشته است جز ایران»، تصریح کرد: «ضعف فلسفه، ضعف خود فرهنگ ایرانی است؛ زیرا روح فرهنگ ایران حکمتی است که اگر برداشته شود، جای آن غرب‌زدگی می‌نشیند.» به گفته اعوانی، اگر این روح تضعیف شود، نه‌تنها فلسفه بلکه خود ایران آسیب می‌بیند.

اعوانی در بخش دیگری از پیام خود به تمایز ذاتی فلسفه با علوم دیگر پرداخت و توضیح داد: «هر علم پرسش می‌کند، اما پرسش‌های آن در محدوده موضوع خودش است. فلسفه به پرسش‌های اولین می‌پردازد؛ پرسش‌هایی که هیچ علمی متصدی آنها نیست.» وی پرسش از چیستی انسان، هدف هستی، حقیقت اخلاق و ماهیت وجود را از جمله این پرسش‌های بنیادین برشمرد. این استاد فلسفه با مقایسه اقدامات بین‌المللی و داخلی در معرفی فلسفه اسلامی، به شکاف موجود اشاره کرد: «در اروپا کتاب شفا و آثار ابن‌سینا بارها تصحیح انتقادی شده و پژوهشگری، برای شرح شفا ۱۰ میلیون یورو دریافت کرده است. در حالی که ما با چنین میراث عظیمی، اقدام شایسته‌ای برای معرفی آن نکرده‌ایم.» اعوانی معتقد است ایران با داشتن میراث زنده حکمت، نه تنها می‌تواند نقش آفرینی جهانی داشته باشد، بلکه غفلت از این نقش، به قیمت از دست دادن هویت فرهنگی‌اش تمام خواهد شد.

روز جهانی فلسفه با حضور فلاسفه جهان در «خانه حکمت ایرانیان در وین» برگزار شد

فلسفه، گرفتار در انزوای آکادمیک

فلسفه

یوسف مقدم
گروه اندیشه

به مناسبت روز جهانی فلسفه، «خانه حکمت ایرانیان در اتریش» به همت رایزنی فرهنگی ایران در وین و با همکاری دانشگاه تبریز، نشستی بین‌المللی با عنوان «آینده جهان و مسائل نوین فلسفی» و با حضور برجسته‌ترین فلاسفه معاصر جهان برگزار کرد. در این همایش مجازی، اندیشمندانی از اروپا، آمریکا و آسیا درباره «آینده فلسفه و چالش‌های انسان در عصر هوش مصنوعی» سخن گفتند. آنان تأکید کردند که جهان در میانه موج‌های بی‌سابقه فناوری، رسانه‌ای و سیاسی قرار گرفته است و تنها با «احیای تفکر فلسفی» است که می‌توان مانع تبدیل انسان به ابزاری در خدمت قدرت و فناوری شد.

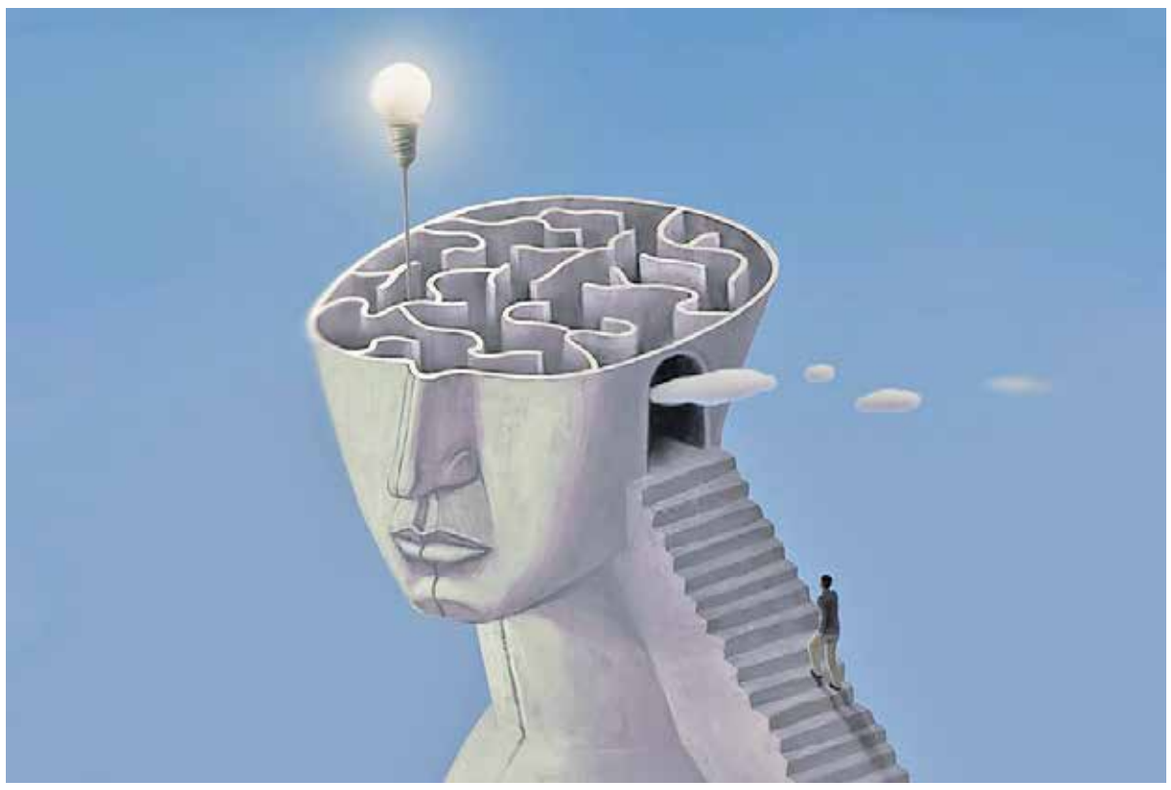

فلسفه؛ سپر دفاعی ما برای حفظ انسانیت است

اسلاوی ژیژک، فیلسوف اسلوونیایی، معتقد است انسان برای عبور از تحولات پرشتاب محیط زیستی، رسانه‌ای و فناورانه نیازمند بازگشت به «پرسش سقراطی» است: «انسان امروز برای بقا بشدت به فلسفه نیاز دارد.» او با ارجاع به نظریه آلن بدیو گفت: «رسالت فلسفه، رهایی انسان از نظم مسلط است؛ فلسفه می‌تواند برایمان نمایان کند که چطور سازوکارهایی در ظاهر به ما آزادی می‌دهند اما در اصل ما را در کنترل نامحسوس محصور کرده‌اند. فلسفه می‌تواند از چنین انقیادهایی پرده بردارد. چون مخرب‌ترین سرنوشت برای انسان این است که در ظاهر احساس کند آزادی دارد اما در اصل تحت سلطه نامحسوس سازوکارهای قدرت باشد.»

او با انتقاد از تبدیل شدن مفاهیم اخلاقی به ابزار قدرت افزود: «بسیاری از مفاهیم همچون آزادی، عدالت، حقوق بشر که امروزه کارکرد اصلی‌شان را از دست داده‌اند و به کلیشه‌هایی بدون مصداق بدل شده‌اند.» ژیژک نمونه‌ای روشن از این وضعیت را در بحران غزه دانست: «حامیان اسرائیل، چشم خود را بر شواهد آشکار جنایت و رنج انسانی در غزه بسته‌اند. این رویکرد، نمونه‌ای نگران‌کننده از تبدیل عدالت به منافع قدرتمند است. اما پرورش تفکر فلسفی می‌تواند انسان‌ها را متوجه دستکاری حقیقت توسط قدرت کند. ما برای حفظ انسانیت به فلسفه نیاز داریم. بدون آن عدالت به سودجویی قدرت‌ها تقلیل می‌یابد و چیزی از انسانیت باقی نمی‌ماند.»

ژیژک همچنین نقش زبان را در اسارت اندیشه نقد کرد و گفت: «فلسفه اصیل باید در زبان علیه زبان بیندیشد؛ به این معنا که بتواند خود را از قواعد تثبیت‌شده واژگان بالا بکشد و اجازه ندهد زبان، اندیشه فلسفی را زندانی کند. تفکر ناب گاه نیازمند ساختن واژگان نو و عبور از محدودیت‌های زبان عادی است.»

> ژیژک: پرورش تفکر فلسفی می‌تواند انسان‌ها را متوجه دستکاری حقیقت توسط قدرت کند. ما برای حفظ انسانیت به فلسفه نیاز داریم؛ بدون فلسفه، عدالت به سودجویی قدرت‌ها تقلیل می‌یابد و چیزی از انسانیت باقی نمی‌ماند

فلسفه گرفتار انزوای آکادمیک شده است

رضا غلامی، رایزن فرهنگی ایران در اتریش و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با انتقاد از وضعیت فعلی فلسفه گفت: «فلسفه در انزوای آکادمیک گرفتار مانده و با غرق‌شدن در صنعت مقاله‌نویسی، از جامعه و مسائل واقعی انسان فاصله گرفته است. فلسفه نباید تماشاگر باشد بلکه باید در جامعه حضور داشته باشد و برای هدایت انسان در بحران‌های آینده نقش ایفا کند. در غیر این صورت، به حرفه‌ای بی‌اثر بدل می‌شود.»

او آزادی بیان را شرط نقش‌آفرینی فلسفه دانست: «برای ورود دوباره فلسفه به عرصه عمومی، فیلسوفان به آزادی بیان نیاز دارند؛ آزادی که در بسیاری از نقاط جهان تحت فشار دولت‌ها و ساختارهای قدرت قرار دارد. وقتی فیلسوف از آزادی محروم شود، فلسفه در خدمت قدرت‌ها قرار می‌گیرد و کارکردش را برای زندگی روزمره مردم از دست می‌دهد.»

غلامی با اشاره به تأثیر هوش مصنوعی بر قدرت تحلیل و خلاقیت انسان گفت: «امروز هوش مصنوعی متغیری تعیین‌کننده در سرنوشت بشر شده است و اگر با همین شیوه از آن استفاده شود، می‌تواند قدرت تفکر و خلاقیت انسان را تحلیل برد. بنابراین حذف گسترده انسان از عرصه اشتغال تنها یک مشکل اقتصادی بزرگ نیست، بلکه این اتفاق، می‌تواند معنای زندگی انسان را تحت‌الشعاع قرار دهد. با هوش مصنوعی، الگوریتم‌ها بر فرهنگ سیطره پیدا می‌کنند و فرهنگ خلاق به محاق می‌رود و جای آن را تجاری‌سازی و تولید انبوه الگوریتمی می‌گیرد. درحالی که با تفکر فلسفی می‌توان جلوی این آسیب‌ها را گرفت.»

وظیفه فیلسوفان، زنده نگه داشتن امید در جامعه است

موریس همینگتون، فیلسوف آمریکایی، با اشاره به تازه‌ترین داده‌های پژوهشی گفت: «۷۲ درصد مردم جهان در رژیم‌های اقتدارگرا زندگی می‌کنند و حتی ایالات متحده، که زمانی الگوی دموکراسی بود، در آستانه تبدیل شدن به شبه‌خودکامگی است.» او معتقد است تنها راه‌حل این وضعیت، دموکراسی مراقبت‌محور است؛ نظامی که در آن مراقبت نه یک سیاست رفاهی حاشیه‌ای، بلکه اصل اول و غیرقابل مذاکره پیمان اجتماعی باشد. مسئولیت فیلسوفان در این شرایط ارائه راه‌حل‌های امیدبخش و زنده نگاه داشتن امید در جامعه است. به زعم همینگتون این نوع دموکراسی می‌تواند بنیان یک «پوپولیسم خیرخواه» باشد؛ چنانکه حتی مخالفان سیاسی هم نتوانند آن را نادیده بگیرند.

برای فهم جهان، به گفت‌وگوی میان حکمت شرق و فلسفه غرب نیاز داریم

محمد اصغری، استاد فلسفه دانشگاه تبریز، با تأکید بر ضرورت تلفیق حکمت شرقی و فلسفه غرب گفت: «برای درک تحولات بی‌سابقه جهان امروز به گفت‌وگوی میان فلسفه‌های شرق و غرب نیاز داریم. فلسفه شرق با تکیه بر شهود، معنویت و تجربه‌های عرفانی و فلسفه غرب با تمرکز بر علم، عقلانیت و روش‌های تجربی، هر یک ابزارهایی ارزشمند در تحلیل جهان ارائه می‌دهند.» او معتقد است هیچ‌کس نمی‌تواند نسخه کامل حقیقت را ارائه دهد و تنها از طریق گفت‌وگوی فلسفی میان اندیشمندان می‌توان به آینده‌ای انسانی و معنادار دست یافت.

فلسفه، به ما شجاعت زندگی می‌دهد

فرانک رودا، فیلسوف اسکاتلندی، فلسفه را راهی برای حفظ معنا در جهان پیچیده امروز معرفی کرد: «فلسفه باعث می‌شود انسان مواجهه‌ای عمیق و جسورانه با پیچیدگی‌های جهان معاصر داشته باشد. امروزه نیازمند شجاعتی هستیم که بتواند انسان را از اضطراب بنیادین زندگی محافظت کند و فلسفه را از حاشیه به متن زندگی بازگرداند. این شجاعت فکری را می‌توان با فلسفه کسب کرد.»

فلسفه، عقلانیت انتقادی را تقویت می‌کند

جرمی شیرمور، فیلسوف استرالیایی، با اشاره به دیدگاه کارل پوپر گفت: «انسان با مسائلی مواجه است که ناشی از تضاد میان انتظارها و واقعیت‌های عینی جهان است. رسیدن به حقیقت همیشه برای انسان آمیخته با خطا بوده است اما تفکر فلسفی به ما کمک می‌کند که خطاهای این راه کمتر شود.» به زعم او تفکر انتقادی نتیجه پرورش فلسفی است. بنابراین نباید فلسفه را به جست‌وجوی واحدهای تحلیلی بی‌طرف فروکاست. فلسفه با پرورش عقلانیت انتقادی و گفت‌وگوی چندصدایی می‌تواند به هدایت علم و فهم جهان کمک کند.

> غلامی: فلسفه در انزوای آکادمیک گرفتار مانده و با غرق‌شدن در صنعت مقاله‌نویسی، از جامعه و مسائل واقعی انسان فاصله گرفته است. برای ورود دوباره فلسفه به عرصه عمومی، فیلسوفان به آزادی بیان نیاز دارند

حفاظت از کرامت انسانی با تدوین «حقوق دیجیتال» میسر می‌شود

دونالد گیلیز، فیلسوف علم انگلیسی، به پیامدهای اجتماعی و اخلاقی هوش‌مصنوعی در دنیای امروز اشاره کرد: «از جمله مهم‌ترین آسیب‌ها، جمع‌آوری و استفاده تجاری از داده‌های شخصی افراد در محیط دیجیتال است. بنابراین بشر امروز به حقوق دیجیتال و تدوین استانداردهای اخلاقی نیاز دارد تا از گسترش شگفت‌آور تکنولوژی و هوش مصنوعی کمتر آسیب ببیند.»

فلسفه، مانع تبدیل انسان به ابزار می‌شود

رابرت هانا، فیلسوف کانادایی، با اشاره به نابرابری بنیادین میان تفکر انسانی و سامانه‌های دیجیتال گفت: «هیچ سامانه دیجیتالی و هیچ فناوری قادر به برابری با تعقل انسان نیست. بنابراین فلسفه باید از کرامت انسانی در عصر فناوری در مقابل سامانه‌های دیجیتال حفاظت کند و با اطلاع‌رسانی و هدایت جامعه، از توسعه فناوری‌هایی که انسان‌ها را به ابزار وابسته تبدیل می‌کنند، جلوگیری کند.»

در آستانه یک تغییر پارادایمی هستیم

توماس باور، فیلسوف فرهنگ اتریشی، درباره دیجیتال‌شدن انسان امروز گفت: «دیجیتال‌شدن فقط یک جهش فنی نیست، بلکه بازسازی فرهنگی کامل واقعیت است؛ فرآیندی که در آن جامعه نه فقط ابزارهایش را عوض می‌کند، بلکه شیوه فهم خود از زمان، هویت، اعتماد و حقیقت را از نو می‌سازد.»

او با اشاره به دیدگاه دیرک بائوکر، جامعه‌شناس اتریشی، افزود: «ما امروز در آستانه یک تغییر پارادایمی قرار داریم. رسانه دیگر فقط کانالی برای انتقال پیام نیست؛ رسانه زبان جامعه شده است. همان‌طور که زبان صرفاً ابزار سخن گفتن نیست و خودِ فکر را شکل می‌دهد، رسانه دیجیتال نیز دیگر فقط وسیله نیست، بلکه شیوه بودن ما را در جهان تعیین می‌کند.»

گروه فرهنگی به بهانه اکران فیلم های «ناتوردشت» و «مجنون» به بحث گذاشت

بازگشت قهرمان‌های باورپذیر به سینما

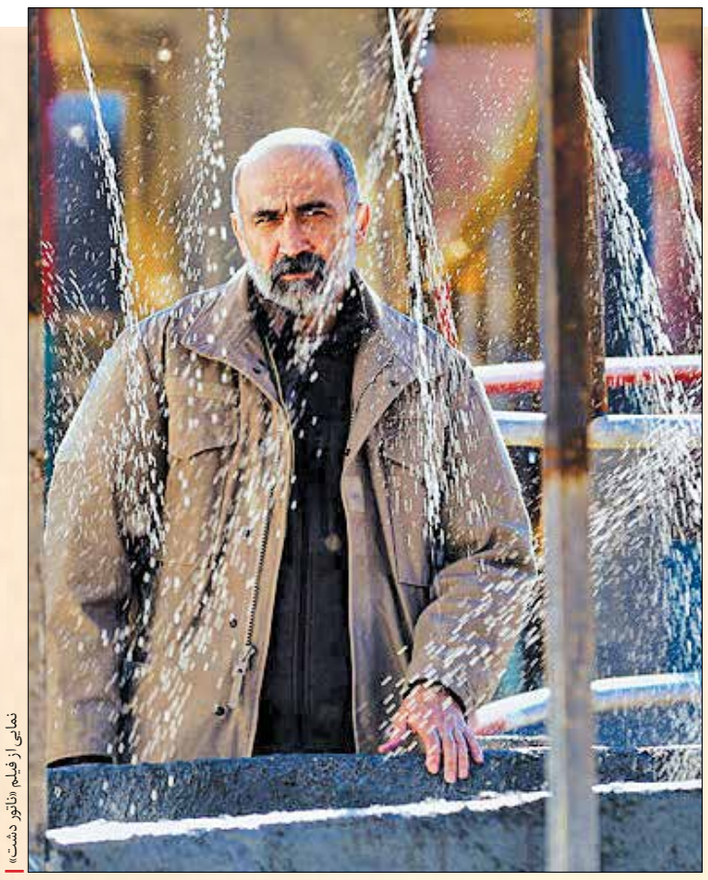
نمایی از فیلم «ناتور دشت»

گزارش

نرگس عاشوری
گروه فرهنگی

در دورانی که بحث «بحران قهرمان» در محافل سینمایی مطرح است، دو فیلم روی پرده آمده‌اند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با مفهوم قهرمان‌پردازی سر و کار دارند: یکی در عرصه تاریخی-ملی و دیگری در بستر اجتماعی-محلی. «مجنون»، اثری حماسی درباره زندگی و نقش شهید مهدی زین‌الدین در عملیات خیبر و «ناتوردشت»، درامی که از دل یک رخداد اجتماعی محلی، پرسش‌هایی درباره قهرمان معاصر طرح می‌کند.
همین همزمانی اکران ـ و استقبال یا نقدی که حول هر یک شکل گرفته ـ فرصتی فراهم می‌آورد تا بپرسیم آیا سینمای ایران در مسیر بازتعریفِ قهرمان قرار گرفته است یا با چند استثنای نسبی روبه‌رو هستیم. در بازخوانی مفهوم «قهرمان» در سینمای ایران، سه نگاه مکمل تصویر شده است. زهرا اردکانی فرد بر تحول قهرمان و ظهور قهرمان‌های کوچک و ملموس در بستر اجتماعی امروز تأکید می‌کند، محمدرضا خردمندان از تجربه عملی «ناتور دشت» و خلق قهرمان واقعی و متکی به زندگی مردم می‌گوید و جواد طوسی با نگاهی تاریخی و تحلیلی فاصله نسل امروز با الگوهای کلاسیک قهرمانانه و چالش‌های ساختاری سینما را بررسی می‌کند.
کنار هم قرار گرفتن این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد قهرمان در سینمای ایران نه فقط یک شخصیت، بلکه نمود پیچیده‌ای از جامعه، تاریخ و فرهنگ است که با تغییر زمان و نسل‌ها تحول می‌یابد.

محمدرضا خردمندان، کارگردان فیلم سینمایی «ناتور دشت»:

کسی که تلاش می‌کند کمی بهتر باشد، قهرمان است

«ناتور دشت» از معدود فیلم‌های سال‌های اخیر است که در نقدها به‌عنوان نمونه‌ای موفق از بازگشت به الگوهای قهرمانانهِ انسانی و مردمی توصیف شد. بسیاری از منتقدان بر این نظر توافق دارند که فیلم توانسته «قهرمانی از جنس مردم» را عرضه کند و «درام اجتماعی را بر شانه‌های شخصیتی واقعی و باورپذیر» بنا کند. برهمین مبنا، گفت‌وگو با محمدرضا خردمندان حول جایگاه قهرمان در این فیلم شکل گرفت.
خردمندان در پاسخ به اینکه قهرمان او چه نسبتی با قهرمان‌های کلاسیک دارد، ابتدا از هرگونه مقایسه با کلیشه‌های قدیمی فاصله می‌گیرد و می‌گوید: «درباره قهرمان‌های کلاسیک نظر خاصی ندارم. اما در ناتوردشت ما با یک انسان آشنا که نمونه‌هایش را در اطراف‌مان زیاد می‌بینیم مواجه‌ایم. احمد پیران را در هر خانواده ایرانی می‌شود، پیدا کرد. او با همه خصیصه‌های انسانی‌اش آشنا و ملموس است. به همین دلیل است که درکش می‌کنیم و با او و خواسته‌هایش همراه می‌شویم. او یک آدم واقعی است با نیازهای واقعی. یک بزرگ روستا و آدم معتمد که خطاهایی دارد و در بزنگاهی از زندگی در تلاش است بر ضعف‌های خودش غلبه کند. تلاش ما در خلق قهرمان این بود که او را یکی از خودمان بدانیم و دور از دسترس‌اش نکنیم.»

گمشدگی کودک یا گمشدگی صداقت و شهامت

بخش مهمی از روایت «ناتور دشت» روی رابطه قهرمان با جماعت اطرافش بنا شده است؛ بر مسئولیت جمعی و عذاب وجدان پنهانی که وسط یک هیاهوی جمعی به یک انتخاب می‌رسد. خردمندان در توضیح این رویکرد می‌گوید: «برای من همیشه این مهم بوده که قهرمان را از دل جامعه و با همان بافت انسانی‌اش ببینم. ما معمولاً در قصه‌های کلاسیک، قهرمان را جدا از مردم تعریف می‌کنیم؛ انگار یک فرد است در برابر جهان. من فکر می‌کنم قهرمان اگر قرار است کاری بکند، در تعامل با دیگران تعریف می‌شود، نه در تنهایی‌اش. قهرمان ناتوردشت از روی احساس مسئولیت یا هر چیزی مردم را به کمک دعوت می‌کند اما زمانی که آنها گرد هم می‌آیند احساس می‌کند از درون دچار چالش شدیدی شده است. حس می‌کند این ماجرا به نوعی با گذشته‌ای که پنهانش کرده گره خورده. یعنی یک عذاب وجدان در برابر جماعتی که گرد او جمع شده‌اند. اینجاست که او وسط این هیاهوی جمعی باید یک انتخاب انسانی داشته باشد.»
دوری کردن فیلم از قهرمان‌سازی اغراق‌آمیز نیز از انتخاب‌های آگاهانه کارگردان بوده است. بویژه در پرداخت ماجرای واقعی گم‌شدن کودک: «دوره این مدل قهرمان‌سازی‌ها گذشته. قهرمان برای مخاطب امروز معنای دیگری پیدا کرده. او اگر نشانه‌هایی از خودش را در قهرمان نبیند او را باور نمی‌کند. پیران از این جهت برای او قابل قبول است که یک شخصیت خاکستری ست که مثل خیلی از ماها دارد تلاشش را می‌کند کمی متمایل به سفید شود. همین تلاش او را واقعی می‌کند. ماجرای گم شدن «یسنی» و آن همه آدمی که دنبال این گمشده می‌گشتند یک معنای مهم داشت. همه آدم‌ها دنبال گمشده‌ای می‌گردند. این گمشده می‌تواند یک کودک باشد و یا می‌تواند گمشدگی صداقت یا شهامت باشد.»

سینمای خالی از قهرمان برای جامعه‌ای صاحب الگوهای قهرمانانه

در پرسش از کمبود الگوهای قهرمانانه، خردمندان نگاه متفاوتی دارد و مشکل را نه جامعه، بلکه سینما می‌داند: «به نظرم جامعه با کمبود الگوهای قهرمانانه مواجه نیست. این سینماست که خالی از این قهرمان‌ها شده است. این همه قهرمان هر روز در این جامعه داریم می‌بینیم. از زن سرپرست خانواری که فرزندش را در این شرایط سخت بزرگ می‌کند تا آن نظافت‌چی سینما بهمن که کیف چندمیلیاردی یکی از مشتریان را به او برمی گرداند. همه این آدم‌هایی که برای نجات یسنی به روستای کلاله رفتند از نظر من قهرمانند. ناتور دشت فقط روی یکی از این آدم‌ها دست گذاشته.»
او احمد پیران را «عصاره مسئولیت‌پذیری» می‌داند؛ نماینده‌ای از میان همان مردم: «احمد پیران برای ما به نوعی عصاره مسئولیت پذیری و جهد انسانی بود که نسبت به خودش و جامعه احساس دین می‌کند» در بخش پایانی گفت‌وگو، خردمندان از تغییر مهمی در روند نگارش فیلم‌نامه پرده برمی‌دارد؛ تغییری که به‌نوعی نشان‌دهنده پاسخ فیلم به پرسش «قهرمان حقیقی کیست» و انتخاب بین الگوهای تکرار شونده نمایش تقابل خیر و شر یا نقش همبستگی جمعی: «در نسخه اول «ناتوردشت» تقابل شر با جمع بود! یعنی اول احمدپیرانی در کار نبود. آبهانی بود در برابر جماعتی که به دنبال کودک می‌گشتند. اما در بازنویسی‌ها احمد پیران خودش را به ما تحمیل کرد. انگار می‌گفت من عصاره همه آن جماعتی هستم که شما سعی دارید به تصویر بکشید.» و در نهایت، جمع‌بندی او نه‌فقط درباره فیلم خودش، بلکه درباره معنای قهرمان در سینمای امروز ایران است: «ناتور دشت» به دور از هرگونه اغراق یا قهرمان پروری مصنوعی تلاش می‌کند تصویری واقعی از انسان ارائه کند. انسانی با همه ضعف‌ها و قوت‌هایش. کسی که دارد تلاشش را می‌کند کمی بهتر باشد. نمی‌دانم اسمش را چه باید گذاشت؟ اما همین تلاش برای من کافی است تا کسی را قهرمان بدانم.

> به نظرم جامعه با کمبود الگوهای قهرمانانه مواجه نیست. این سینماست که خالی از این قهرمان‌ها شده است. این همه قهرمان هر روز در این جامعه داریم می‌بینیم. از زن سرپرست خانواری که فرزندش را در این شرایط سخت بزرگ می‌کند تا آن نظافت چی سینما بهمن که کیف چندمیلیاردی یکی از مشتریان را به او برمی گرداند

زهرا اردکانی‌فرد، مدرس و پژوهشگر رسانه:

قهرمان زن در سینما غایب است

در سال‌هایی که سینمای ایران از قهرمان‌سازی فاصله گرفت، حال‌وهوای اجتماعی نیز دستخوش تغییراتی اساسی شد؛ تغییری که از نگاه زهرا اردکانی‌فرد، مدرس و پژوهشگر رسانه و زنان، نه‌تنها محصول شرایط فرهنگی جدید، بلکه نتیجه زیست انسان در عصر «فلت شدن جامعه» است. در گفت‌وگو با او، پرسش درباره پیامدهای غیبت قهرمان در سینما، بحث را به سطحی کلان‌تر می‌کشاند: جامعه‌ای که پس از ظهور شبکه‌های اجتماعی، با تکثر صداها و تضعیف جایگاه نخبگان مواجه شده است.

وقتی جامعه فلت می‌شود قهرمان کلاسیک فرو می‌ریزد

«جای خالی قهرمان در سینما چه پیامدهایی ایجاد کرد؟» اردکانی‌فرد به این سؤال ما با طرح این پرسش پاسخ می‌دهد «اصلاً چه می‌شود قهرمان‌سازی در سینما دچار وقفه می‌شود؟». او توضیح می‌دهد که جهان امروز به سمت «فلت شدن» پیش رفته است؛ دورانی که در آن نخبگان، قهرمانان و الیت‌ها تا حدی جایگاه بلند گذشته خود را از دست داده‌اند و صداهای بیشتری شنیده می‌شود. به تعبیر او، زندگی انسان معاصر دچار نوعی قهرمان‌زدایی شده است: «شبکه‌های اجتماعی میلیون‌ها فرد معمولی را در معرض دیده‌شدن قرار داده‌اند؛ هرکدام با مهارت‌ها، توانایی‌ها و دستاوردهایشان، «قهرمان کوچک» خود هستند. ما دیگر با قهرمان‌های کلاسیک و بزرگِ معدود مواجه نیستیم، بلکه با قهرمان‌های متعدد و کوچک‌مقیاس‌تر روبه‌رو هستیم. این تغییر ساختاری، به‌طور طبیعی بر سینما نیز اثر گذاشته است.»

قهرمان‌های کوچک یا قهرمان‌های ملی؟

با چنین تحولی، بازگشت سینما به قهرمان‌های ملی-از چهره‌های جنگ تا نمونه‌های مردمی بویژه در فیلم‌هایی چون «ناتور دشت»- می‌تواند چه کارکردی داشته باشد؟ اردکانی‌فرد این بازگشت را هم ممکن و هم ضروری می‌داند، اما مشروط به تغییر نگاه. او تأکید می‌کند: «سینما به خاطر ذات خودش همیشه نیازمند ساختن قهرمان است. بخشی از قهرمان‌ها باید از دل همین قهرمان‌های کوچک و متکثری بیرون بیایند که در جامعه حضور دارند و بخش دیگر هم می‌تواند همان قهرمان‌های اسطوره‌ای باشد؛ مثل فرماندهان، دانشمندان، چهره‌های ماندگار و...» او تأکید می‌کند که روایت مسیر دشوار و ازخودگذشتگی چنین چهره‌هایی برای نسل‌های جدید می‌تواند الهام‌بخش باشد و ضرورت دارد در سینما بیشتر دیده شوند.

قهرمان باید «متعلق به امروز» باشد نه گذشته

وقتی از او می‌پرسیم که سینما و رسانه چگونه می‌تواند بدون اغراق، الگوهای قهرمانانه واقعی و الهام‌بخش بسازند، اردکانی‌فرد بر فاصله سینما با تحولات اجتماعی امروز انگشت می‌گذارد. به باور او، هرچه قهرمان بیشتر متعلق به زمان حال باشد، اثرگذاری‌اش بیشتر است. او می‌گوید سینما کمتر به سراغ موضوعاتی رفته که عمیقاً زندگی نسل جدید را تغییر داده‌اند؛ از جمله شبکه‌های اجتماعی، شهرت، سلبریتی‌ها و قهرمانان کوچک الهام‌بخشی که در این فضا فعال‌اند. در حالی که داستان بسیاری از این افراد می‌تواند ظرفیت یک فیلم الهام‌بخش را داشته باشد.

اردکانی‌فرد معتقد است سینمای امروز از جامعه عقب مانده و بازنمایی قهرمان‌هایی که در جهان امروز رشد می‌کنند، از نظر او ضرورتی است برای برقراری ارتباط واقعی با نسل Z: «هرچه قهرمان بیشتر متعلق به زمان ما باشد... تأثیرگذاری‌اش بیشتر است. نسل جدید دنبال قهرمان‌هایی شبیه خودشان هستند؛ کسانی که مسائل آنها را داشته باشند و برای دغدغه‌های امروز راه‌حل پیدا کرده باشند. نمونه این الگوها برای نسل جدید، کارآفرینانی هستند که مسیر موفقیت را از صفر آغاز کرده‌اند. قهرمانان سینمای ما باید به مسأله‌های ذهنی نسل‌های جدید نزدیک شوند.»

خلأ بزرگ قهرمان زن در سینمای ایران

بخش مهم گفت‌وگوی ما با این کارشناس رسانه به حوزه تخصصی خودش یعنی زنان می‌رسد؛ جایی که انتقاد اردکانی‌فرد صریح و مستقیم است. او از خلأ تاریخی «قهرمان زن» در سینمای ایران می‌گوید؛ فقدانی که حتی در اوج دوران قهرمان‌سازی ادامه داشته است: «حتی در آن دوره هم قهرمان زن جدی در سینمای ایران حضور نداشته است. زنان در سینمای ایران معمولاً یا به شکل قربانی تصویر شده‌اند، یا نهایتاً در مقام معشوقه‌ای که انگیزه کنش قهرمانانه مردان شده‌اند.» اردکانی‌فرد تأکید می‌کند که در وجه غالب سینمای ایران زنِ قهرمان، مستقل از داستان و عمل خودش، تقریباً غایب بوده است. او با اشاره به تغییرات بزرگ اجتماعی و توانمندتر شدن زنان، تأکید می‌کند که این مسیر قهرمانانه باید روی پرده دیده شود: «زنان بسیاری - در شبکه‌های اجتماعی و در زندگی واقعی - حرکت‌هایی کرده‌اند که به‌واقع قهرمانانه است اما سینما سراغ آنها نرفته است. ضروری است که این حرکت قهرمانانه زنان به تصویر کشیده شود اما معمولاً حتی یک فیلم نمی‌بینیم که یک قهرمان زنِ واقعی امروز را ساخته باشد. این خلأ بسیار بزرگی است.»

جواد طوسی، منتقد سینما:

شهر خالی ست زِ عُشاق...

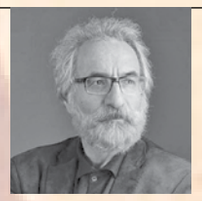

جواد طوسی، منتقد سینما، از زاویه‌ای تاریخی و اجتماعی به مفهوم «قهرمان» در سینمای ایران نگاه می‌کند. او معتقد است تغییر الگوی قهرمان فقط در خود سینما اتفاق نمی‌افتد، بلکه ریشه در وضعیت فرهنگی و اجتماعی هر دوره دارد. از همین منظر است که طوسی درباره فاصله نسل امروز با الگوهای گذشته، چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی و ضرورت پیدا کردن زبان تازه‌ای برای روایت قهرمانانه سخن می‌گوید؛ زبانی که بتواند با حساسیت‌ها و پرسش‌های امروز همراه شود.

در مقایسه میان سینمای دفاع مقدس دهه ۶۰ و تولیدات امروز، الگوی قهرمان چه تغییراتی کرده و چرا؟

موجودیت و شکل‌گیری و دوام «قهرمان» تابع شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه‌ای است که به این شمایل پر و بال می‌دهد. «سینمای جنگ» به‌عنوان مهم‌ترین و شاخص‌ترین ژانر سینمای بی‌رونق وغیرحرفه‌ای ما، همپای وقوع جنگی هشت ساله مراحل تکوینی خود را طی می‌کند و پوست می‌اندازد و در شرایطی کم و بیش تثبیت شده به تنوع و تکثر می‌رسد. در واقع زایش و ابراز وجود قهرمان، مستلزم یک بستر تاریخی اولیه است که واقعیت زمانه خود را به نمایش بگذارد. به همین خاطر می‌بینیم که قهرمانِ سینمای جنگ ما چقدر از نظر خصایص، باورها، شیوه رفتاری و ادبیات کلامی با قهرمان فیلم‌های جنگی آمریکایی یا روسی تفاوت دارد. یا شاهد بوده‌ایم که در بعضی از دوره‌های تاریخی سینمای آمریکا که مثلاً به جنگ ویتنام اختصاص دارد، فیلمسازان رادیکال و روشنفکرش اساساً دنبال قهرمان نبودند. نمونه‌ها و مصادیق عینی‌اش، فیلم‌های «و اینک آخرالزمان» فرانسیس فورد کاپولا، «غلاف تمام فلزی» استانلی کوبریک، «تلفات جنگی» برایان دی‌پالما و «شکارچی گوزن» مایکل چیمینو هستند. متقابلاً توجه کنیم به نگاه و دنیای متفاوت فیلمسازان سینمای جنگ خودمان در پرداختن به قهرمان که نشانه‌هایش را در فیلم‌های «مهاجر»، «دیده‌بان»، «از کرخه تا راین» و «چ» ابراهیم حاتمی کیا و «پرواز در شب»، «سفر به چزابه»، «هیوا» و «مزرعه پدری» رسول ملاقلی‌پور، «هور در آتش» عزیزالله حمیدنژاد، «آخرین پرواز»، «کیمیا» و «دوئل» احمدرضا درویش می‌بینیم. در آثار همین دوره تاریخی که نسبتی با سینمای جنگ دارند، «گروهبان» مسعود کیمیایی یک استثناست؛ زیرا در آن به جای قهرمان، با یک ضدقهرمان سر و کار داریم. از طرفی شاهدیم در یک دوره تاریخی دیگر، فیلمسازی چون محمدعلی باشه‌آهنگر در «فرزند خاک»، «ملکه» و «سرو زیرآب»، از منظری دیگر به جنگ می‌پردازد و اصراری بر متمرکز شدن بر عنصر قهرمان ندارد. البته در سال‌های اخیر، همچنان در بعضی از فیلم‌های جنگی ما با همان نگاه کلاسیک به شمایل‌نگاری قهرمان پرداخته شده که نمونه‌هایش «غریب» محمدحسین لطیفی، «صیاد» جواد افشار، «اسفند» دانش اقباشاوی و «اشک هور» مهدی جعفری است یا قهرمان‌گرایی در «موقعیت مهدی» هادی حجازی‌فر و همچنین (از بعضی جنبه‌ها) «مجنون» مهدی شامحمدی در مقایسه با نمونه‌های کلاسیک قدیمی‌تر سینمای جنگی خودمان، حال و هوای دیگری دارد. همچنین در «تنگه ابوقُرَیب» بهرام توکلی، با شکل تکثیر شده قهرمان در موقعیتی تراژیک روبه‌رو هستیم.

آیا نسل جدید فیلمسازان توانسته‌اند زبان تازه‌ای برای قهرمان‌پردازی خلق کنند یا همچنان زیر سایه الگوهای گذشته‌اند؟

متأسفانه مسیر طی شده در جامعه به‌شدت سیاست‌زده ما به نقطه‌ای رسیده که گویی نسل‌های جوانِ این دوران، هیچ‌گونه قرابتی با قهرمان و ساحت قهرمانانه ندارند. دلایلش را باید از درون خود جامعه جست‌وجو کرد. بازنگری و شکل‌یابی دوباره قهرمان نیاز به خودباوری، فرهنگ‌سازی و جلب اعتماد آحاد آن جامعه دارد. «قهرمان» یک تصویر انتزاعی نیست و باید از درون واقعیت پا به میدان بگذارد و ابراز وجود کند. وقتی دولتمردان و سیاست‌گذاران ما از آن ریشه‌های اصیل و بی‌تکلف ساحت قهرمانانه فاصله گرفته باشند، طبیعی است که نمی‌توانند یک سیر انتقالی خودجوش در بطن جامعه از این حیث ایجاد کنند. پوریای ولی و غلامرضا تختی (در دو دوره تاریخی مختلف) جلوتر از قهرمانی، پهلوانانی آزاده و عدالتخواه بودند. اگر قهرمانی، برازنده برخی از فرماندهان و شهدای دوران جنگ و دفاع مقدس ما همچون محمدابراهیم همت، مهدی زین‌الدین، حمید و مهدی باکری و محمود کاوه هست، این تشخص ریشه در خصایص و قابلیت‌های فردی و طی طریقی عارفانه دارد. تلاش‌های بسیار محدود و پراکنده بعضی از فیلمسازان جوان این سال‌ها مانند محمدحسین مهدویان در «ایستاده در غبار»، محمدرضا خردمندان در «ناتورِ دشت» در ارائه تصویری متفاوت از قهرمان، نشان از عدم وجود انگیزه کافی در این نسل برای پرداختن به چنین مضامینی دارد. وانگهی توجه به شمایل «قهرمان» و تعمیم آن در آثار سینمایی و همچنین گسترش نگاه ملی-میهنی در این حوزه، نیاز به عزم و اراده جمعی دارد. متأسفانه همچنان در تفکر مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی ما و سازمان‌ها و بنیادهایی که سرمایه‌گذاری شماری از فیلم‌های متکی بر عنصر قهرمان و موضوعات مرتبط با تاریخ و خاک این سرزمین را عهده‌دار می‌شوند، «ایدئولوژی» محوریت اصلی دارد. هنوز بعد از ۴۷ سال، معطوف شدن نگاه هنرمند و فیلمساز به مسائل و مفاهیم ملی-میهنی و نمایش قهرمان از این منظر، مورد برخوردهای سلبی و داوری‌های پر از سوءتفاهم قرار می‌گیرد. همین یک‌سویه‌نگری‌ها و برخوردهای خط‌کشی شده مفهومی، تاریخی و اجتماعی، باعث شده نسل‌های جوان زمانه ما هر چه بیشتر منفعل‌تر و هویت‌باخته‌تر شوند و برخوردی از سر شور و غیرت نسبت به رخدادهای تاریخ معاصر سرزمین خود و قهرمانانش نداشته باشند. آیا به این اندیشیده‌ایم که چرا سینمای آمریکا مبتنی بر سیاستی هوشمندانه و مدبرانه و به‌روز، می‌تواند قهرمانان خودش را در دوره‌های مختلف تاریخی و سیاسی خلق کند و آنقدر به این قهرمان جاذبه‌های داستانی و نمایشی و(بعضاً) فانتزی بدهد که فراتر از مخاطب داخلی خود، برای دیگر جوامع جهانی نیز جذاب و مرعوب‌کننده باشد؟ بر اساس این مقایسه، باید بپذیریم که قهرمانان محدود سینمای ما بیشتر هیأت و شمایلی بومی و اقلیمی دارند و به لحاظ شیوه ساخت و تولید محافظه‌کارانه این‌گونه فیلم‌ها و عدم توجه کافی به عنصر قصه و روایت و casting بازیگری و جاذبه‌های منطقی نمایشی و ساختاری، قابلیت جهانی شدن و ارائه مانیفست اخلاقی و اعتقادی خود را ندارند. یکی از راهکارهای اصلی در جهت رفع این نقصان، پذیرش اصول و قواعد حرفه‌ای سینما در وجه صنعتی آن و توجه کامل (مبتنی بر نگاهی دقیق و کارشناسانه) به شکل‌یابی درست و قاعده‌مند استودیو و کمپانی در ساختار سینمای ایران و حذف تدریجی نگاه و تفکر دولتی از کلیت آن و انعطاف‌پذیری و سعه‌صدر در بخش ممیزی سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برخورد با مضامین و دستمایه‌هایی از این دست است.

در مواجهه با حساسیت‌های اجتماعی امروز، سینما باید چه اصول اخلاقی و زیبایی‌شناختی را رعایت کند تا روایت قهرمانانه مقبولیت یابد؟

آیا تاکنون به این فکر کرده‌ایم که چرا هنوز فیلم یا سریالی با استانداردهای حرفه‌ای در مورد شخصیت‌های معروف تاریخی و سیاسی، ادبی، عرفانی و اسطوره‌ای ما از قبیل کوروش و داریوش کبیر، سورنا، انوشیروان، رستم، کاوه آهنگر، فریدون، کیخسرو، بهرام گور، مرداویج، ابومسلم خراسانی، بابک خرمدین، یعقوب لیث، منصور حلاج، عین‌القضات همدانی، شیخ حسن خرقانی، بایزید بسطامی، ستارخان، امیرکبیر، دکتر محمد مصدق و... ساخته نشده است؟ جدا از این خوانش تاریخی کلاسیک، در متن واقعیت جاری معاصر نیز می‌توان با هوشمندی و نگاهی دغدغه‌مند و زمان‌شناس و درک درست مخاطب این روزگار و نسل‌های اصلی و مطالبه‌گر آن، قهرمانانی باورپذیر، جذاب و پرکشش خلق کرد که هم حرف زمانه خود را بزنند، هم با نگاهی عدالت‌خواهانه شکل‌یابی جامعه‌ای آرمانی را یادآور شوند و هم شماری از آنها دنیایی آرامش‌بخش و آمیخته با فانتزی و رویا و خیال‌پردازی را برای نسل‌های «کودک و نوجوان» به نمایش بگذارند.
در نگاهی واقع‌بینانه، شاید دم زدن از «قهرمان» و تجویز آن برای نسل جوان «کافی‌شاپی» این زمانه که تفکیک ظاهری جنسیتی آنها گاهی اوقات سخت می‌شود یا جا انداختن قهرمان برای طیف بی‌شماری از مردمِ درگیر مشکلات بنیان‌کن اقتصادی، حرفی انتزاعی و خنده‌دار باشد. اما در همین شرایط بحرانی و ناامیدکننده می‌توان با درکی عمیق در گستره فرهنگ و رسانه، قهرمانانی را در حوزه‌های مختلف خلق کرد که نسل جوان سردرگم و هویت‌باخته و مردم مستأصل و کلاف سردرگم جامعه شهری بتوانند با آنها همذات‌پنداری کنند و در دنیای پریشان خود طرحی نو دراندازند.

irannewspaper.ir

پنجشنبه ۶ آذر ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۸۹۶
• اذان ظهر ۱۱/۵۲ • اذان مغرب ۱۷/۱۲ • نیمه شب شرعی ۲۳/۰۸ • اذان صبح فردا ۰۵/۲۴ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۵۳

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر مسئول:**
صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:**
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام حسن عسکری(ع):
بهترین دوست و برادر، آن فردی است که خطاهای تو را به عهده گیرد و خود را مقصر بداند.

بحارالانوار، ج۷۱، ص۱۸۸، ح۱۵

نقل قول

پیشنهاد تشکیل ارکستر فیلارمونیک از سوی دفتر موسیقی

دراجراهای میدانی بهتر است از گروه‌های موسیقی ایرانی دعوت شود. همچنین فرهنگسراها با امکانات گسترده خود می‌توانند استعدادهای مناطق کم‌برخوردار را شناسایی و شکوفا کنند و گروه‌های باکیفیت محلی تشکیل دهند. در زمینه حمایت شهرداری از ارکسترها هم باید بگویم در دهه هشتاد که در انجمن موسیقی ایران مسئولیت اداره ارکستر را برعهده داشتم، بخش بزرگی از بودجه محدود موسیقی صرف حقوق اعضا می‌شد. این کمبود منابع باعث می‌شد نوازندگان برای تأمین معاش ناچار به فعالیت‌های متعدد خارج از ارکستر شوند که کیفیت اجراها را تحت تأثیر قرار می‌داد. درحالی که ارکسترهای بزرگ جهان ترکیبی از نوازندگان ملیت‌های مختلف هستند، ارکستر سمفونیک تهران از نوازندگانی کاملاً ایرانی تشکیل شده است که توانایی و ظرفیت بالایی دارند.

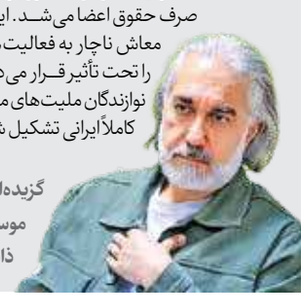

گزیده‌ای از صحبت‌های بابک رضایی، مدیرکل دفتر امور موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست بررسی ذائقه موسیقایی شهروندان تهران.

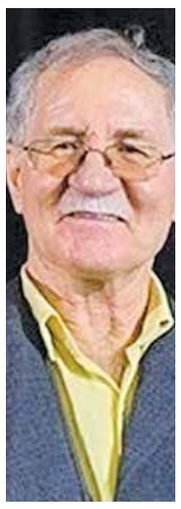

رونمایی از اثر تازه علی‌اکبر شکارچی

در نهصدونوزدهمین شب از «شب‌های بخارا» از کتاب و آلبوم‌های «مشق نام لیلی» و «هفتاد نغمه در برابر باد» اثر استاد علی‌اکبر شکارچی، آهنگساز و نوازنده پیشکسوت کمانچه، رونمایی خواهد شد. این نشست جمعه (هفتم آذرماه) ساعت ۱۷ با سخنرانی مهدی آذرسینا، علی‌اکبر شکارچی و علی دهباشی در سالن خلیج فارس فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود. آلبوم «مشق نام لیلی» دربرگیرنده آثاری در موسیقی دستگاهی است./ **هنرآنلاین**

روایت زندگی شهید چمران در تلویزیون

سریال چمران به کارگردانی و نویسندگی جلیل سامان به مرحله نگارش رسید. این مجموعه، داستان زندگی شهید دکتر مصطفی چمران را دهه به دهه به تصویر خواهد کشید؛ مردی که هر لحظه از زندگی‌اش سرشار از ایمان، دوراندیشی و عشق بی‌قید و شرط به میهن بود. پیش‌تر گفته شده بود جلیل سامان درباره نگارش این سریال حتی سفرهایی هم به لبنان داشته است. فیلم «چ» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا، تنها اثر سینمایی است که به زندگی دراماتیک این شخصیت می‌پردازد./ **ایسنا**

آثار جدید محمد اصفهانی برای شهدا

محمد اصفهانی، خواننده مطرح موسیقی ایران، در تازه‌ترین پیام ویدیویی و متنی که در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرده، از تولید سه قطعه جدید با محوریت تجلیل از مقام شهیدان خبر داد. او اعلام کرد، قطعات «زیر بارون»، «قول دادی» و «سلام» به سفارش بنیاد شهید و امور ایثارگران و با هدف ادای احترام به «شهیدان بزرگوار ایران عزیزمان» ساخته و منتشر شده‌اند. به گفته اصفهانی، این آثار روایتگر مقام زنان و مردانی است که آنها را «آسمانی، مترقی و نمادآزادی، آگاهی و انتخاب» توصیف کرد./ **فارس**

پیام دکتر محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور به مناسبت چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر

فرصتی برای گفت‌وگوی فرهنگ‌ها

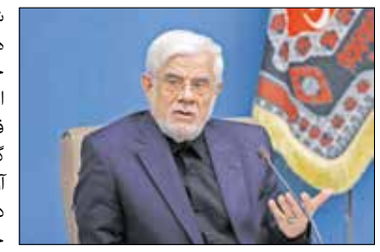

شیراز، دروازه فرهنگ و هنر ایران، امروز میزبان هنرمندان و فیلمسازانی است که روایت حقیقت و زیبایی را از چهارسوی جهان به این شهر آورده‌اند. جشنواره جهانی فیلم فجر فرصتی است برای گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها؛ گفت‌وگویی که سینما به عنوان زبانی مشترک آن را ممکن و ضروری می‌کند.
در جهانی که پر از صداهای تفرقه‌افکن و جنگ‌های خانمان‌سوز است، هنر می‌تواند پلی باشد برای فهم متقابل و همدل. ما باور داریم که ایران با پشتوانه تمدنی کهن و ظرفیت‌های معاصر خود، می‌تواند نقشی مؤثر در شکل‌دهی به این گفت‌وگو ایفا کند. شیراز نه فقط میزبان یک جشنواره که میزبان جست‌وجوی مشترک برای صلح و امید است. از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران، از همه هنرمندان ایرانی و بین‌المللی که با حضورشان به این رویداد اعتبار می‌بخشند سپاسگزارم.
امیدوارم ثمره این روزها، نزدیکی بیشتر دل‌ها و شکوفایی ایده‌هایی خلاق باشد که جهان امروز سخت به آن نیاز دارد.

پیام وزیر فرهنگ به جشنواره جهانی فیلم فجر

فرهنگ را باید با گفت‌وگو تقویت کرد

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیام خود به مناسبت برگزاری چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر بر نقش این جشنواره در ایجاد زمینه تعامل فرهنگی با سایر کشورها تأکید کرد.
متن پیام سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر در آستانه برگزاری این رویداد به شرح زیر است:
«سینما زبانی جهانی است؛ هنری که مرزها را پشت سر می‌گذارد و تجربه‌های انسانی را در قالب تصویری مشترک به گفت‌وگو می‌نشاند. جشنواره جهانی فیلم فجر نیز بر همین بنیان استوار است؛ رویدادی که می‌کوشد نگاه‌های گوناگون سینماگران جهان را در فضایی واحد گردآورد و امکان شناختی عمیق‌تر از جهان امروز فراهم سازد.
سینمای ایران از آغاز بر اخلاق، کرامت انسانی و شاعرانگی تکیه داشته است؛ سنتی که در شکل‌گیری هویت این سینما نقشی تعیین‌کننده داشته و امروز نیز الهام‌بخش بسیاری از فیلمسازان جوان است. دوره کنونی جشنواره نیز این رویکرد را در مرکز توجه خود قرار داده و تلاش می‌کند عرصه‌ای برای دیده‌شدن آثاری باشد که صداقت و انسان‌دوستی را در کنار نوآوری هنری پاس می‌دارند.
در این مسیر، بی‌تردید دشواری‌هایی نیز وجود دارد. همه می‌دانیم که در سال‌های اخیر فشارهای بین‌المللی بر رویدادهای فرهنگی ایران سنگین بوده و تلاش‌هایی برای محدودکردن آنها صورت گرفته است. بااین‌حال، باور ما این است که فرهنگ را باید با گفت‌وگو تقویت کرد. ایستادگی در برابر این فشارها، بخشی از مسئولیت ما در حفظ تعامل فرهنگی میان ملت‌هاست و استمرار حضور هنرمندان بین‌المللی در جشنواره، گواه ارزشمند همین مسیر است. جمهوری اسلامی ایران به نقش هنر در گسترش تفاهم و همزیستی میان ملت‌ها باور دارد و جشنواره جهانی فیلم فجر را فرصتی می‌داند برای تبادل تجربه‌ها، کشف نگاه‌های تازه و شکل‌گیری همکاری‌های پایدار میان سینماگران جهان.
امید است این دوره از جشنواره، مجالی باشد برای دیدن روایت‌های نو، شنیدن صداهای کمتر شنیده‌شده و آغاز گفت‌وگویی سازنده میان فرهنگ‌ها. از فیلمسازان، اصحاب رسانه، منتقدان و میهمانان بین‌المللی که در این رویداد حضور دارند، صمیمانه قدردانی می‌کنم.»

گزارش افتتاحیه چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر

تماشای جهان با چشمان تازه

عکس: ستاد جشنواره فیلم فجر

گزارش
گروه فرهنگی

مراسم افتتاحیه جشنواره، عصر روز چهارشنبه پنجم آذرماه در محوطه باز هنر شهر آفتاب شیراز برگزار شد. این مراسم که با پخش سرود ملی و قرائت آیاتی چند از کلام‌الله مجید آغاز شد میزبان جمعی از سینماگران و میهمانان خارجی و ایرانی جشنواره بود.
در ابتدای مراسم پس از پخش تیزر این رویداد، روح‌الله حسینی دبیر جشنواره روی صحنه آمد و بیان کرد: «متن کوتاهی را آماده کرده‌ام که همان را می‌خوانم. قبل از قرائت متن می‌خواستم آغاز هفته بسیج را تبریک بگویم و از شما دوستان تشکر کنم که در این عصر پاییزی به آیین گشایش جشنواره تشریف آوردید. از همه دوستان و همکارانم در بخش‌های مختلف به‌ویژه استانداری فارس و استاندار تشکر می‌کنم.»
متن آماده شده از سوی دبیر چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر به این شرح است:
سینمای شاعرانه مد نیست، تفنن نیست هیجان و هوسی زودگذر نیست بازی با مفاهیم و کلمات هم نیست؛ سینمای شاعرانه انتخابی است بنیادین برای دیدن و فهمیدن؛ راهی است برای مقاومت در برابر سرعت جنجال و هیاهو و مصرف گرایی؛ مقاومت در برابر قیل و قال دنیا، تظاهر و تفاخر سینمای شاعرانه دعوتی است برای بازگشت به حس، به طبیعت، به سادگی، به زندگی. آری سینمای شاعرانه شیوه‌ای است برای زیستن؛ البته که ساده‌نگر و سطحی نیست برعکس تأملی است عمیق در باب زندگی. سینمای شاعرانه همان چیزی است که اتفاقاً در جایی مثل همین جا در جایی مثل شیراز معنا پیدا می‌کند؛ شهری که سده‌هاست با تاریخش، با مشاهیرش، با حافظش، سعدی، ملاصدرا و شاه‌چراغش به ما یاد می‌دهد که چگونه جهان را نه‌فقط ببینیم بلکه در آن درنگ و تأمل کنیم.
ما در این جشنواره با هم بیش از ۵۰ فیلم از نقاط مختلف جهان از رنگ‌ها، نژادها، زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون خواهیم دید. در این آثار اغلب تصویر و صدا درهم می‌آمیزند نه برای اینکه یک واقعه خارق‌العاده را تولید کنند، بلکه می‌کوشند یک زیست جهان را خلق کنند. هر مکث، هر سکوت گاهی می‌تواند به‌اندازه یک گفته یا دیالوگ و چه‌بسا بیشتر مهم باشد؛ یک حرکت ساده و بی‌ادعای دوربین می‌تواند به اندازه یک مصرع یا بیت معنا خلق کند.
ما در این جشنواره به دنبال آن بودیم تا چنین فیلم‌هایی دیده و برجسته شوند؛ فیلم‌هایی که خیلی‌هایشان ادعایی در تکنیک و جلوه‌های ویژه بصری ندارند، اما می‌توانند تأثیری ماندگار بر ذهن و احساس تماشاگر بگذارند و این یک برنامه بلندمدت است. ما امیدواریم جشنواره جهانی فیلم فجر به میعادگاه فیلمسازانی تبدیل شود که تجربه‌های ساده، اما فراموش شده انسانی را دوباره به ما یادآوری کنند؛ کسانی که با زبان تصویر به یاد ما می‌آورند هنوز می‌توان به آرامی نگاه کرد، گوش کرد و عمیق فهمید.
تردیدی نیست که جهان امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند روایت‌هایی صادقانه، انسانی و شاعرانه است. جهان خسته از سرعت و خشونت می‌تواند با تصاویر آرام با صداهای نرم و روایت‌هایی صادقانه و کم‌ادعا کمی آرام بگیرد. همه ما نیاز داریم از نو یاد بگیریم چگونه ببینیم، چگونه فکر کنیم و چگونه زندگی کنیم.
از این رو جشنواره جهانی فیلم فجر تنها پاسداشت سینما نیست؛ بلکه همزمان بهانه‌ای است برای نکوداشت شعر، دعوتی است به تماشای جهان با چشمانی تازه. پس در همین ابتدا به عنوان دبیر جشنواره جهانی فیلم فجر آرزو می‌کنم روزهای پیش رو، روزهای جشنواره چهل وسوم، برای همه ما نه‌فقط تجربه‌ای حرفه‌ای بلکه تجربه‌ای انسانی و الهام‌بخش باشد تا به یاد بیاوریم که به قول شاعر بزرگ ایرانی سهراب سپهری:

زندگی سوت قطار است که در خواب پلی می‌پیچد
زندگی دیدن یک باغچه از شیشه مسدود هواپیماست
خبر رفتن موشک به فضا؛
لمس تنهایی «ماه»؛
فکر بوییدن گل در کره‌ای دیگر
زندگی شستن یک بشقاب است.

خوش آمدید به ایران، به مهد سینمای شاعرانه، دیار فردوسی و خیام و مولانا و به شهر حافظ و سعدی و ملاصدرا؛ به شیراز خوش آمدید.
حسینی همچنین متن پیام محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور را که درباره جشنواره جهانی نوشته شده بود، خواند.

> امیدواریم جشنواره جهانی فیلم فجر به میعادگاه فیلمسازانی تبدیل شود که تجربه‌های ساده، اما فراموش شده انسانی را دوباره به ما یادآوری کنند؛ کسانی که با زبان تصویر به یاد ما می‌آورند هنوز می‌توان به آرامی نگاه کرد، گوش کرد و عمیق فهمید

در نشست رسانه‌ای اعلام شد

تئاترشهر پاتوق حرفه‌ای‌ها می‌شود

گزارش
حامد قریب
گروه فرهنگی

نشست خبری «تشریح برنامه‌های مجموعه تئاتر شهر در فصل جدید» با حضور کوروش سلیمانی، مدیر این مجموعه، به همراه حسین طاهربخش معاون اجرایی، سیدسعید سیادت مدیر هماهنگی و برنامه‌ریزی و علیرضا سعیدی مدیر روابط عمومی، در کافه تریای سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر برگزار شد.
در بخش ابتدایی این جلسه این طور عنوان شد که درباره موضوع طرح «حریم تئاتر شهر» نشستی جداگانه گذاشته شده و مسائل مختلف آن بررسی می‌شود.

تئاتر شهر؛ خانه حرفه‌ای‌ها

کوروش سلیمانی سخنان خود را با بیتی از مولانا «تو مگو همه به جنگند و زِ صلح من چه آید/ تو یکی نِه‌ای هزاری تو چراغ خود برافروز» آغاز کرد و در ادامه با اشاره به سابقه طولانی خود در عرصه تئاتر گفت که «تئاتر شهر باید بار دیگر به جایگاه طبیعی خود، یعنی مرکزی برای اجرای آثار حرفه‌ای بازگردد». سلیمانی با تأکید بر اینکه مجموعه در بسیاری بخش‌ها نیازمند اصلاح است، توضیح داد: «اگر تئاتر شهر در دوره‌هایی توانسته تئاتر تهران و حتی ایران را هدایت کند، امروز نیز باید با همین نگاه ادامه دهد. قول می‌دهم تا جایی که می‌توانم برای بازگرداندن این شأن و کیفیت تلاش کنم.»
مدیر تئاتر شهر همچنین درباره نحوه انتخابش گفت حضور او در این مسئولیت با دعوت اولیه سعید اسدی شکل گرفته و با حمایت معاونت هنری و اداره‌کل هنرهای نمایشی ادامه یافته است: «تئاتر شهر برای من فقط یک مجموعه فرهنگی نیست. تئاتر شهر، خانه ماست و تئاتر بخشی از روح و جان‌مان است. باید بگویم شخصاً همان اندازه که نگران خانواده‌ام هستم، نگران تئاتر هم هستم.»

دو ساحت اصلی میراث تاریخی و کارکرد هنری

سلیمانی در بخش دیگری از صحبت‌هایش ساختار تئاتر شهر را دارای «دو ساحت» دانست: یک، ساحت تاریخی و نمادین که شامل نورپردازی، حفظ محوطه، رسیدگی به بنا و تکمیل پروژه حریم مجموعه است و دوم، ساحت حرفه‌ای و هنری که به گفته او باید با روندی عادلانه و مبتنی بر کیفیت بازآفرینی شود.
او همچنین توضیح داد، تاکنون بیش از ۱۵۰ جلسه با کارگردانان، بازیگران و طراحان برگزار شده تا سازوکاری دقیق و شفاف برای انتخاب آثار فراهم شود.

پایان اجراهای دوگانه و الزام به ۳۰ شب اجرا

از جمله مهم‌ترین تغییرات اعلام شده از سوی مدیریت تئاتر شهر، تک‌اجرایی شدن تمام سالن‌های مجموعه تئاترشهر از سال آینده است؛ موضوعی که به گفته سلیمانی «بهبود طراحی صحنه، نور و تمرکز بازیگران و همچنین حفظ شأن تماشاگر را تا حد زیادی تضمین می‌کند.» سلیمانی تأکید کرد: «هیچ نمایشی کمتر از ۳۰ شب اجرا نخواهد رفت و بازتولیدها و بازاجراها جایی در برنامه آینده این مجموعه نخواهند داشت.»
او همچنین خبر داد که شورایی سه‌نفره برای خوانش و ارزیابی متن‌ها تشکیل شده و اعضای آن فعلاً ترجیح داده‌اند نام‌شان رسانه‌ای نشود. سلیمانی گفت: «ملاک ما برای انتخاب آثار کیفیت است؛ نه سن و سال کارگردان و نه نام‌های تکرار شده.»

از ایمنی تا تجهیزات فنی

در بخش دیگری از این نشست، حسین طاهربخش معاون اجرایی مجموعه تئاتر شهر نیز گزارشی از روند ایمن‌سازی ساختمان و تجهیز آن به سیستم‌های نوین اطفای حریق ارائه کرد. او همچنین درباره وضعیت سیستم صوتی جدید سالن اصلی و نصب تانکر ۳۰ هزار لیتری آب توضیحاتی داد و به مشکلات ناشی از تحریم‌ها در تأمین برخی تجهیزات اشاره کرد.

«جمعه‌های تئاتر شهر» و توجه به همه اهالی تئاتر

در بخش دیگری از این نشست، علیرضا سعیدی مدیر روابط عمومی مجموعه تئاترشهر اعلام کرد: «برنامه‌های نکوداشت تنها محدود به کارگردانان و بازیگران نخواهد بود و همه حوزه‌ها از طراحی صحنه و لباس تا عکاسی در تقویم بزرگداشت‌ها دیده شده‌اند. همچنین مجموعه‌ای از برنامه‌های نمایش فیلم و نمایشگاه‌های تخصصی تحت عنوان «جمعه‌های تئاتر شهر» به‌زودی برگزار خواهد شد.» کوروش سلیمانی، کارگردان و بازیگر شناخته‌شده تئاتر، از پایان شهریور امسال مدیریت مجموعه تئاترشهر را برعهده گرفته است.

> از جمله مهم‌ترین تغییرات اعلام شده از سوی مدیریت تئاتر شهر، تک‌اجرایی شدن تمام سالن‌های مجموعه تئاترشهر از سال آینده است

برش

جزئیات آماری و جدول اجراها

سعید سیادت، مدیرواحد هماهنگی و برنامه‌ریزی مجموعه تئاترشهر نیز با اشاره به حجم بالای تقاضا برای اجرای نمایش در این مجموعه اعلام کرد: «تاکنون درخواست‌های بسیاری بررسی شده است و بر اساس برآوردها، در سال ۱۴۰۵ حدود ۴۲ تا ۴۳ اثر در مجموع سالن‌های تئاتر شهر روی صحنه خواهند رفت.» او افزود: «تا پایان آذرماه جدول اجراهای سه‌ماهه اول سال آتی اعلام می‌شود. در میان آمار ارائه‌شده، ۲۵ درخواست برای سالن چهارسو، ۲۸ درخواست برای قشقایی و ۲۸ درخواست برای سایه ثبت شده و کارگاه نمایش نیز ۲۳ تا ۲۴ درخواست داشته است.»